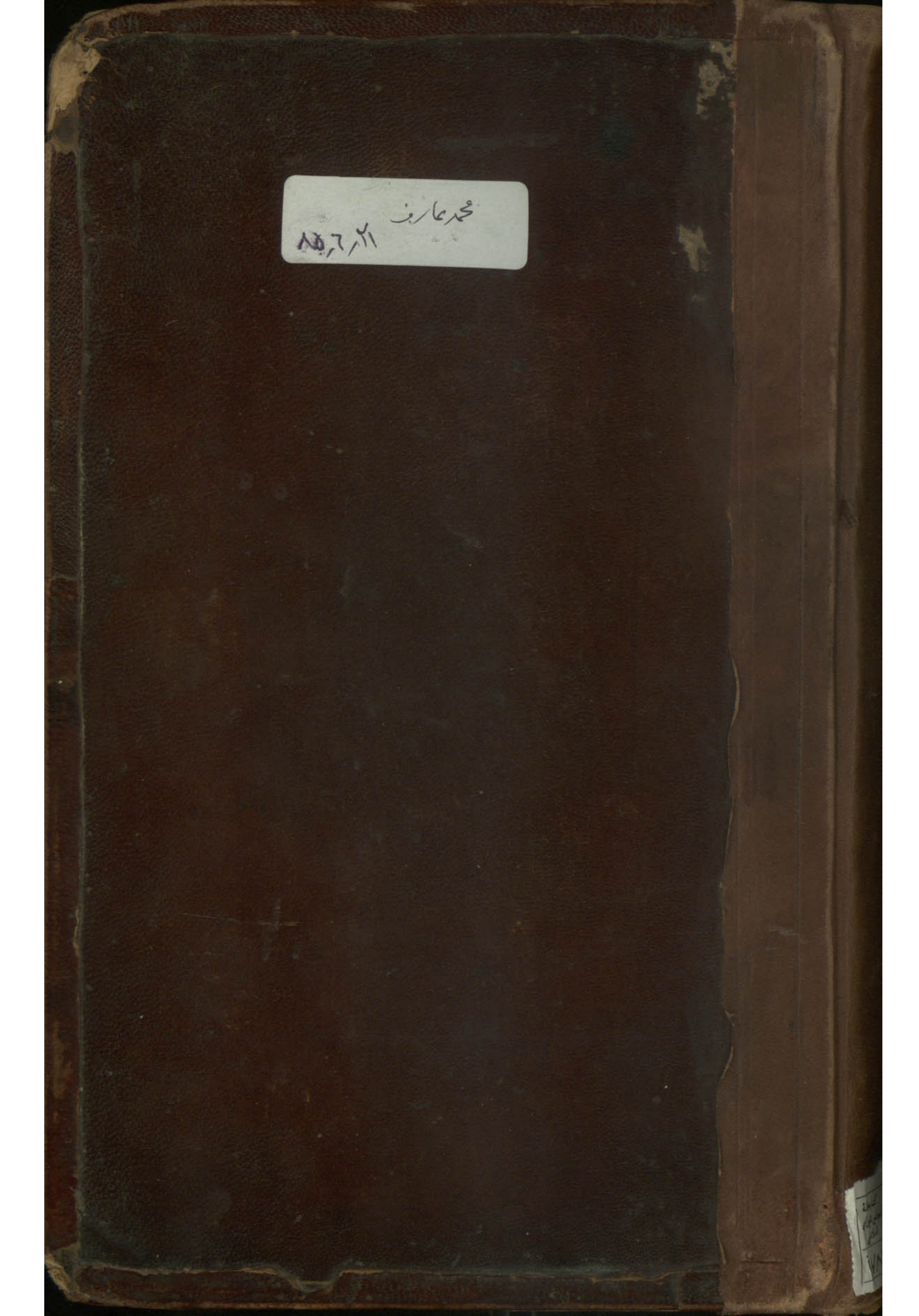
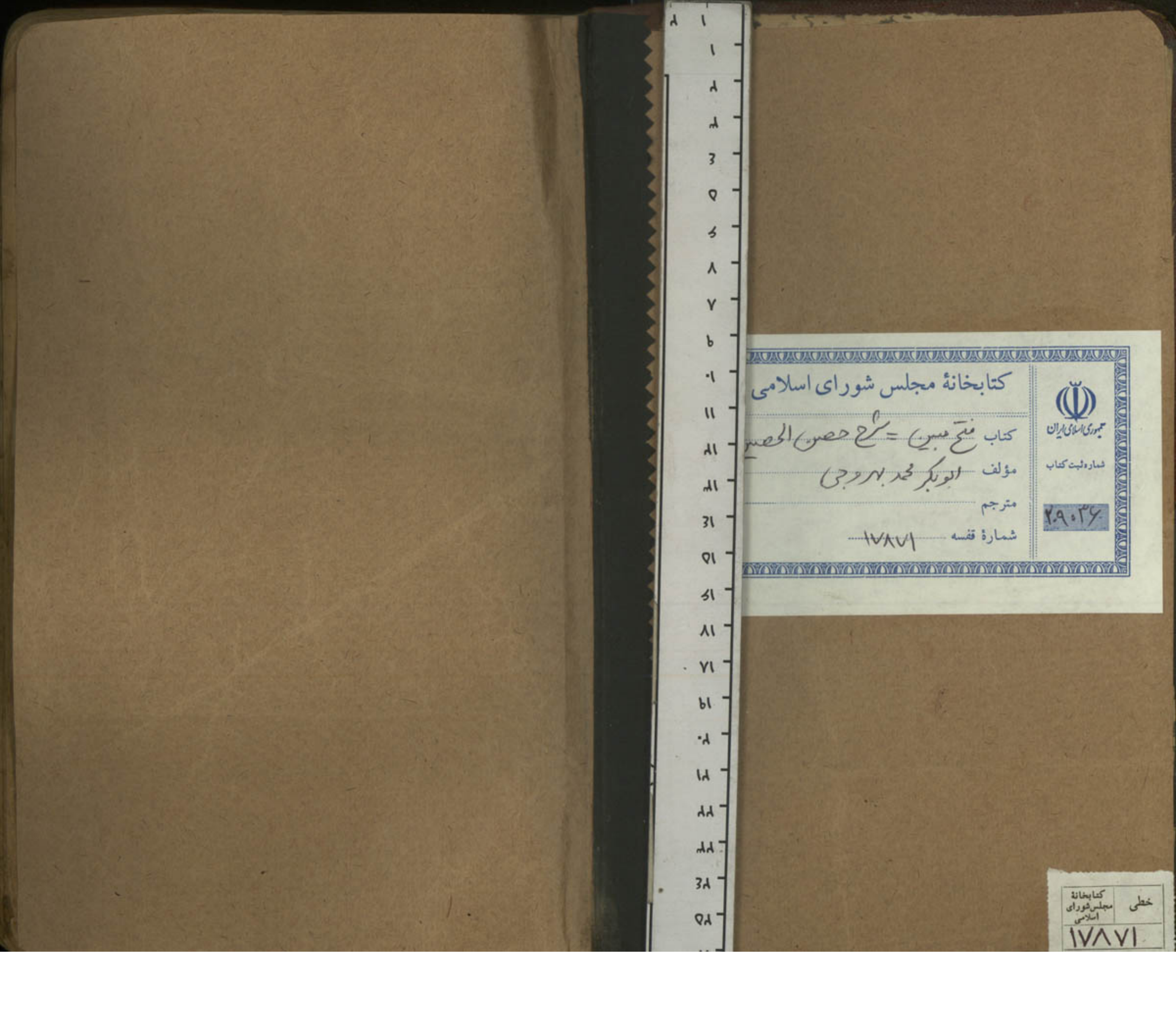

محمد عارف
٨٥,٦,٢١


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب فتح مبین = شرح حصن الحصین
مؤلف ابوبکر محمد بهروجی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۷۱
شماره ثبت کتاب
۲۰۹۰۳۶
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۷۸۷۱



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب فتح مبین = شرح حصن الحصین
مؤلف ابوبکر محمد بهروجی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۷۱
شماره ثبت کتاب
۲۰۹۰۳۶
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۷۸۷۱


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب فتح مبین = شرح حصن الحصین
مؤلف ابوبکر محمد بهروجی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۷۱
شماره ثبت کتاب
۲۰۹۰۳۶
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۷۸۷۱





بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواحد الفرد الصمد الذی فتح لرسوله صلی الله علیه وسلم
حصنا حصینا لم یفتح لاحد واتاه فتحا مبینا وفیاء
بلا عدد وجعل عصمته له بالمدد وامره بالدعا فاستجاب
فنصره بمواطن ویوم الاحزاب وزاد بتراب کف عیونهم عمی
فقال وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی فظفره علی کثیرهم مع قلة
فقال ولقد نصرکم الله ببدر وانتم اذلة وهدا به جبلیا
وجزیا وبصر به بدویا وحضریا وجعل القرآن لدعوته والله علیه
باقل مدة فاصلح بالجد کل جاهلة وجده صلی الله علیه
وعلی آله الذین نشروا دینه واصحابه الذین برکوا فیه بده اما بعد

بنده سلتجی ابوبکر بن محمد بهروجی که چون
سلطان اعظم خاقان اکرم پادشاه سرفراز خسرو
جهان نواز بهتر سلاطین سرور خواقین شمس سما
رافت بدر فلک خلافت مرفوع قدر مشروح
صدر بلند سریر روشن ضمیر عنبرین فارج غم وکرب واهب
نعم وارب فاتح قلاع ودب صاحب اولاد وقرب ملجا عجم وعرب
پناه عالم نگاه بنی آدم قبله حاجات مجاب دعوات کز یمن بر ود دکان
خزینه انوار بحر صفا لجه وفا عظیم جود کریم وجود کثیر عطا
وفضایل کاشف غطا مسایل حمید خلال پسندیده خصال
ستوده افعال شاه دلاور منصور فاموس نیک صورت وسیرت
اهل عقل وبصیرت صبیح منظر وجیه انور فصیح لسان ملیح بیان
زین محافل عین افاضل محیی سنن رسالت ماحی سنن ضلالت
تاج سر ملوک سراج اهل سلوک ناشر بساط مراحم ناثر دینار
ودراهم مطعم انواع مطاعم مکرم اصناف مکارم باذل خیول وقری
راحم مساکین وفقرا جامع کرم وکرامت سزاوار امامت خلد
رای وفراست منعم اهل علم ودرایت کریم دو طرف حاوی هر شرف
عالی نژاد و نیت ناشی از دو خیر قائل صواب نایل ثواب شافی
جواب وافی خطاب کاسی ثیاب ناسی عقاب ذاکر رحمان شاکر منان
مطیع حق مطاع خلق دال اهل عقول تالی ذکر رسول عامل عادل

کامل فاضل هیکل اقوی حرز تقوی امام انام قوام اسلام امیر المؤمنین کبیر المسلمین ناصر الدنیا والدین غیاث الاسلام والمسلمین الواثق بالله المنان والمؤید بتائید الرحمن ابو الفتح سلطان محمود شاه خلد الله ملکه وسلطانه ونصر جنده واعوانه وافاض بذله واحسانه **شعر**

شکر خدا که چون تو شهی بی نظیر را ... بیدا کرده از کرم اندر زمان ما

بکامت باد دائم دور افلاک ... وربّ الارض فی الدارین ارضاک

ترا باد همیشه پادشاهی ملک قادر الملک ... ابقاک

بعز تو ملک داری جهان درزینت ... لعمری ما استقام الملک لولاک

بدین لطفی که داری خلایق ... علی راس الوری الله احیاک

ترا دستی قوی اندر علومست ... وفهم فی معانیها بادراک

تو نی در وقت خود مقبول دعوت ... و شیئا ما سالت الله اعطاک

الا ای شه تو نی محمود عالم ... لان الفضل کل الفضل اولاک

زبان بنده وصفت چون تواند ... بدقامت حریم الباب املاک

هر آن چیزی که از حضرت بخواهی ... بفضل عاجل ایالا اتاک

زبهر هر چه دست جود برآری ... اجاب الله یا سلطان دعواک

همیشه باد دشمن در مذلت ... وفی الاعزاز انکاکان یهواک

ذکر و اوراد را شعار خود ساخته ودعوات ماثوره را دثار خود داخته

وکتاب حصن حصین که تصنیف استاذ متاخرین شیخ محمد بن جزری رحمه الله بغایت اختصارست جامع ادعیه ماثوره

وصحاح اخبارست بر قراءت آن ملازمت نموده این خاکسار را بجانب خود را فرمود که کتاب را ترجمه پارسی باید تا عرایس نفایس معانی از نقاب عربی جمال نماید این بنده اول جماعت اقرباست امتثال امر آن مطاع واجب الاتباع خلد ملکه لازم دید پس قلاده اطاعت در گلوی اجابت کشید **بیت**

کسی که از طاعتش گردن کشید ... بشمشیر قضا بادا بریده

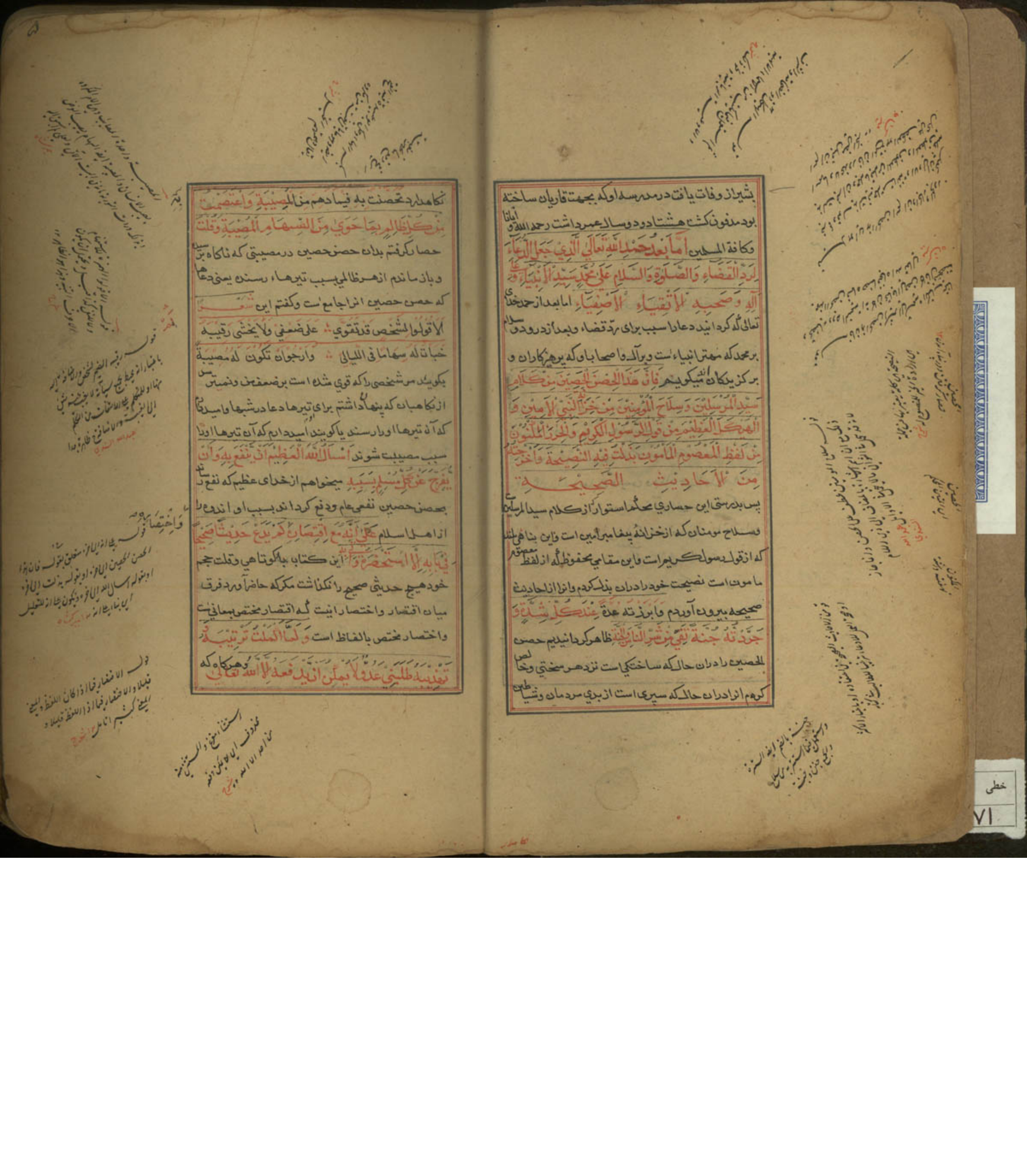
واین کتاب را بتوفیق یزدانی وبیمن عزم میمون سلطانی شرح پارسی داد ونام او را فتح مبین نهاد واز هر کتاب منقول منه حجاب رموز گشاد ودر صحن ادراک بر وظاهر داد وزیر در هر حدیث نام راوی نبشت مگر جایی که راوی معلوم نگشت هرگه معلوم گشت قلم بکتابت زند وهر خطائی بیند عیبم پوشد وبر اصلاح کوشد وچندان دیگر درین مختصر بنقل فایده معتبر نبشته شده است تا هر که بخواند ازین بهره تمام اند اللهم جعلته حصنا للمؤمنین وسایر اهل الاسلام فاجعل هذا حصنا وجنة واقیة وعزة باقیة لمولانا السلطان الامام وظفره اللهم به علی الدوام واجعل الملک فیه وفی عقبه الی یوم القیامة وانصر بذاته الشریف دین نبیک علیه الصلوة والسلام واجعل کل یومه خیر الایام وامدد ظلال فضله وعدله علی کافة اهل الاسلام وزد اللهم فی الملک والعظمة والعزة والاکرام وعمره فی رضاک وطاعة رسولک

لازم

سيد الانام و في صحة و عافية من جميع الاسقام و ثبته علي
دينه المرضي في هذا المقام بحق من انزلت عليه احسن الكلام
و برحمتك يا من له الفضل و الكرم العام و قد فرغت و
الحمد لله من هذا الشرح النفيس في الرابع و العشرين من ذي
الحجة يوم الخميس عام عشر و تسعمائة بتوفيقه العام كل فئة
و عام الست و اربعين الجلوسية لسلطان البلاد في البلد المكرم
المفتوح بيله محمد اباد صانه الله ابدا الاباد مع فاتحه و بانيه
و ساكنيه و مبانيه بيت
چشم اساس او که با قبال هند مرتبت — روی خلل نه بیند کان غیر محمد است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدائی که بسیار بخشنده است الله مهربانست اغاز میکنم
این کتاب را بنام غیر او جل و علا لا اله الا الله عدة للقائه
اللهم صل علی سید الخلق محمد و آله و صحبه و سلم قال الفقير الضعيف
المسكين المنقطع الى الله تعالى الراجي من كرمه ان ينجيه من
القوم الظالمين محمد بن محمد بن محمد بن الجزري لطف الله تعالى
به في شدته گفته است نیازمندی ضعیف مسکین منقطع سوی
خداوند جهان امیدوار نجات از قوم ستمکاران نام محمد بن
محمد بن جزری است شیخ سخاوی در غایت شرح هدایه که
مصنف در علم حدیث ساخته است میگوید جزری نسبت است
شهری که آنرا جزیره ابن عمر گویند در بلاد مشرق قریب موصل
و ابن جزری شیخ شمس الدین ابو الخیر محمد بن محمد بن علي
بن يوسف العمري الدمشقي ثم الشيرازي الشافعي معروف
با بن الجزري است شیخ در علم قراءت حدیث قاضي القضاة
بود پدر او تجارت کردی تا چهل سال فرزند نزاد بعد آن حج
کرد و آب زمزم اشامید و از خدای تعالی فرزند خواست و ولادت
او بدمشق در پانزدهم ماه مبارک رمضان شب شنبه بعد
از نماز وتر تراویح سنه احدي و خمسين و سبعمایة بود
در دمشق بزرگ شد و علم تحصیل کرد بعد آن در مصر
و اسکندریه و بعلبک و یمن و بلاد عجم و روم و سمرقند
و شیراز رفت و علم حدیث و قرآن از مردمان گرفت
تا بدمشق بر آمد و نشر علم کرد و تصانیف ساخت و این
حصن حصین را در دمشق تصنیف کرد باز این را در شیراز مختصر
با ابواب و فصول در بعضی محل زیادت کرد و در بعضی نقصان
نقصان کردانید و نام آن عده نهاد و از شیراز بدست مولانا
نجیب شافعي بحضرت سلطان سلاطین احمد شاه طاب ثراه
فرستاد و در ربیع الاول ثلث سنه ثلاث و ثلاثین و ثمانمایه



بشیراز وفات یافت در مدرسه او که بجهت قاریان ساخته
بود مدفون گشت هشتاد و دو سال عمر داشت رحمه الله و ایانا
وکافة المسلمین اما بعد حمد الله تعالی الذی جعل الدعاء
لرد القضاء والصلوة والسلام علی محمد سید الانبیاء وعلی
آله وصحبه الاتقیاء الاصفیاء اما بعد از حمد خدای
تعالی که کردانید دعا را سبب برای رد قضا، و بعد از درود و سلام
بر محمد که مهتر انبیاء است و بر آل و اصحاب او که پرهیزکاران و
برگزیدگان اند میگوییم فان هذا الحصن الحصین من کلام
سید المرسلین وسلاح المؤمنین من خزانة النبی الامین و
الهیکل العظیم من قول الرسول الکریم والحرز المکنون
من لفظ المعصوم المأمون بذلت فیه النصیحة واخرجته
من الاحادیث الصحیحة
پس بدرستی این حصاری محکم استوار از کلام سید المرسلین
وسلاح مومنان که از خزانهٔ پیغامبر امین است واین بناهی بلند
که از قول رسول کریم است واین مقامی محفوظ که از لفظ معصوم
مامون است نصیحت خود را دران بذل کردم وانرا از احادیث
صحیحه بیرون آوردم وابرزته عدة عند کل شدة و
جردته جنة تقی من شر الناس والجنة ظاهر کردانیدیم حصن
الحصین را دران حال که ساختگی است نزد هر سختی وخلاص
کردم انرا دران حال که سپری است از بدی مردمان وشیاطین

نگاهدارد تحصنت به فیما دهم من المصیبة واعتصمت
من کل ظالم بما حوی من السهام المصیبة وقلت
حصار گرفتم بدان حصن حصین در مصیبتی که ناگاه برسید
و باز ماندم از هر ظالمی بسبب تیرها رسنده یعنی دعاها
که حصن حصین از آن جامع است وگفتم این شعر
الا قولوا لشخص قد تقوی ⁂ علی ضعفی ولا یخشی رقیبه
خبأت له سهاما فی اللیالی ⁂ وارجو ان تکون له مصیبة
بگویید مر شخصی را که قوی شده است بر ضعف من ونمیترسد
از نگاهبان که پنهان داشتم برای او تیرها دعا در شبها وامید دارم
که آن تیرها او را رسند یا گویند امیدوارم که آن تیرها او را
سبب مصیبت شوند اسأل الله العظیم ان ینفع به وان
یفرج عن کل مسلم بسببه میخواهم از خدای عظیم که نفع رساند
بحصن حصین نفعی عام ودفع کرداند بسبب او اندوه را
از اهل اسلام علی انه مع اقتصاره لم یدع حدیثا صحیحا
فی بابه الا استحضره و این کتاب با کوتاهی وقلت حجم
خود هیچ حدیثی صحیح را نگذاشت مگر که حاضر آورد فرق
میان اقتصار واختصار اینست که اقتصار مختص بمعانی است
واختصار مختص بالفاظ است ولما اکملت ترتیبه و
تهذیبه طلبنی عدو لا یمکن ان یدفعه الا الله تعالی وهرگاه که

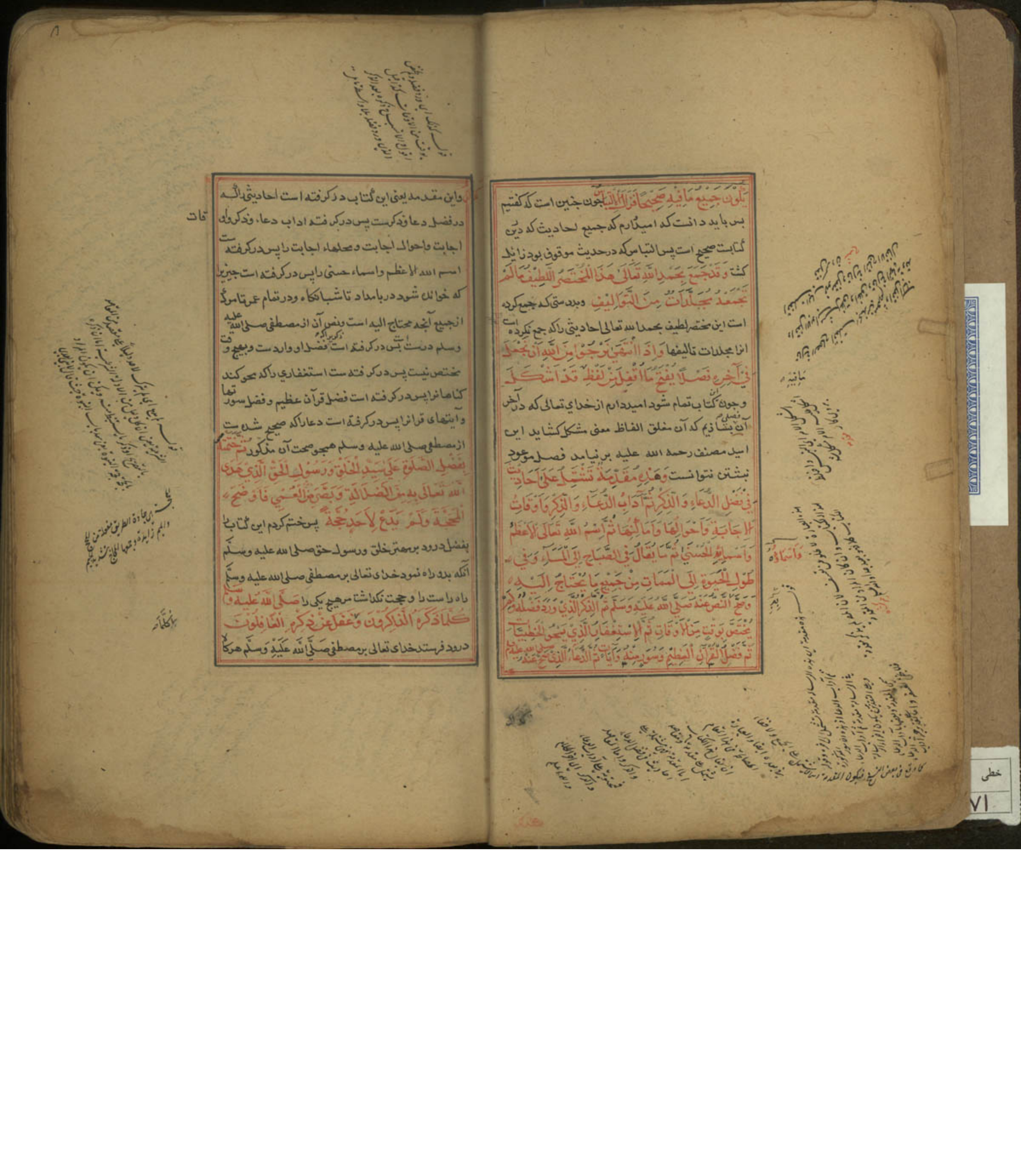
کامل گردانیدم ترتیب واصلاح این کتاب را طلب کرد
مراد شمنی که ممکن نبود که او را هیچ کسی جز خدای تعالی
دفع کند فهربت منه مختفیا وتحصنت بهذا الحصن
فرایت سید المرسلین صلی الله علیه وسلم وانا جالس
علی یساره وکانه صلی الله علیه وسلم یقول ما ترید
فقلت یا رسول الله ادع الله لی وللمسلمین فرفع صلی الله
علیه وسلم یدیه الکریمتین وانا انظر الیهما فدعا ثم مسح بهما وجهه الکریم
پس از و گریختم در ان حال که پنهان بودم پس مصطفی
صلی الله علیه وسلم را در خواب دیدم ومن در جانب
چپ او نشسته بودم وچنانستی که مرا میفرمایند که
چه میخواهی گفتم یا رسول الله دعا کن مرا ومسلمانان را
پس مصطفی صلی الله علیه وسلم دو دست مبارک خود
برداشت ومن میدیدم پس دعا کرد وروی مبارک بدو دست
مالید وکان ذلک لیلة الخمیس فهرب العدو لیلة الاحد
وآن خواب در شب پنجشنبه بود ودشمن مذکور در شب
یکشنبه گریخت وفرج الله عنی وعن المسلمین ببرکة ما فی هذا
الکتاب عنه صلی الله علیه وسلم واندوه برد خدای تعالی
از من واز مسلمانان ببرکة آنچه درین کتابست از
مصطفی صلی الله علیه وسلم وقد رمزت للکتب التی خرجت

منها هذه الاحادیث بحروف تدل علی ذلک
سلکت فیها اخصر المسالک
وبدرستی که اشارت کردم برای کتب که این را ازان کشیدم
بحروف که دال اند بران درین حال که قریبترین
طرق یافتم در رموز حروف یعنی بیک حرف یا
دو حرف یا سه حرف اکتفا کردم فجعلت علامة صحیح
البخاری خ ومسلم م وسنن ابی داود د والترمذی ت
والنسائی س وابن ماجة القزوینی ق وهذه الاربعة
سوی الصحیحین عد وهذه الستة ع وصحیح ابن
حبان حب وصحیح المستدرک للحاکم مس وابی عوانة
عو وابن خزیمة مه والموطا طا وسنن الدارقطنی قط
ومصنف ابو بکر بن ابی شیبة مص ومسند الامام احمد ا
والبزار ر وابی یعلی الموصلی ص والدارمی می ومعجم الطبرانی
الکبیر ط والاوسط طس والصغیر صط والدعاء له طب و
لابن مردویة مر وللبیهقی ق والسنن الکبیر له سی وعمل
الیوم واللیلة لابن السنی ی پس گردانیدم علامت صحیح
البخاری خ وگردانیدم علامت صحیح مسلم م وگردانیدم علامت
سنن ابی داود د وگردانیدم علامت سنن ترمذی ت را
وگردانیدم علامت سنن نسائی س وگردانیدم علامت

سنن ابن ماجة نام احد است ق وکرد انیدم علامت این چهار
جز بخاري ومسلم یعني علامت سنن ابی داود وترمذی
ونسائی وابن ماجة عه وکردانیدم علامت این شش یعنی
بخاري ومسلم با این جهار ع وکردانیدم صحیح ابن حبان
حب وکردانیدم علامت صحیح مستدرک حاکم س وکردانیدم
علامت صحیح ابن عوانه عو وکردانیدم علامت صحیح ابن خزیمة
مه وکردانیدم علامت موطأ امام مالک طا وکردانیدم علامت
سنن دار قطنی قط دار قطنی نام محلی است در بغداد وکردانیدم
علامت مصنف ابی بکر بن ابي شیبه مص وکردانیدم علامت مسند
بزار ر وکردانیدم علامت مسند امام احمد حنبل ا وکردانیدم
علامت مسند ابي یعلی موصلي ص وکردانیدم علامت مسند
دارمي ی وکردانیدم علامت معجم طبراني ط وکردانیدم علامت معجم
اوسط طبرانی طس وکردانیدم علامت معجم صغیر طبرانی صط وکردانیدم
علامت کتاب دعاء طبراني طب وکردانیدم علامت کتاب دعاء
ابن مردویه مر وکردانیدم علامت کتاب بیهقي ق وکردانیدم
سنن کبیر بیهقی سق وکردانیدم علامت کتاب عمل الیوم
واللیلة ابن سني ی وَاقَدِّمُ رَمْزَ مَنْ لَهُ اللَّفْظُ ومقدم
دارم اشارت است کسی که لفظ حدیث
مر او راست یعنی عین

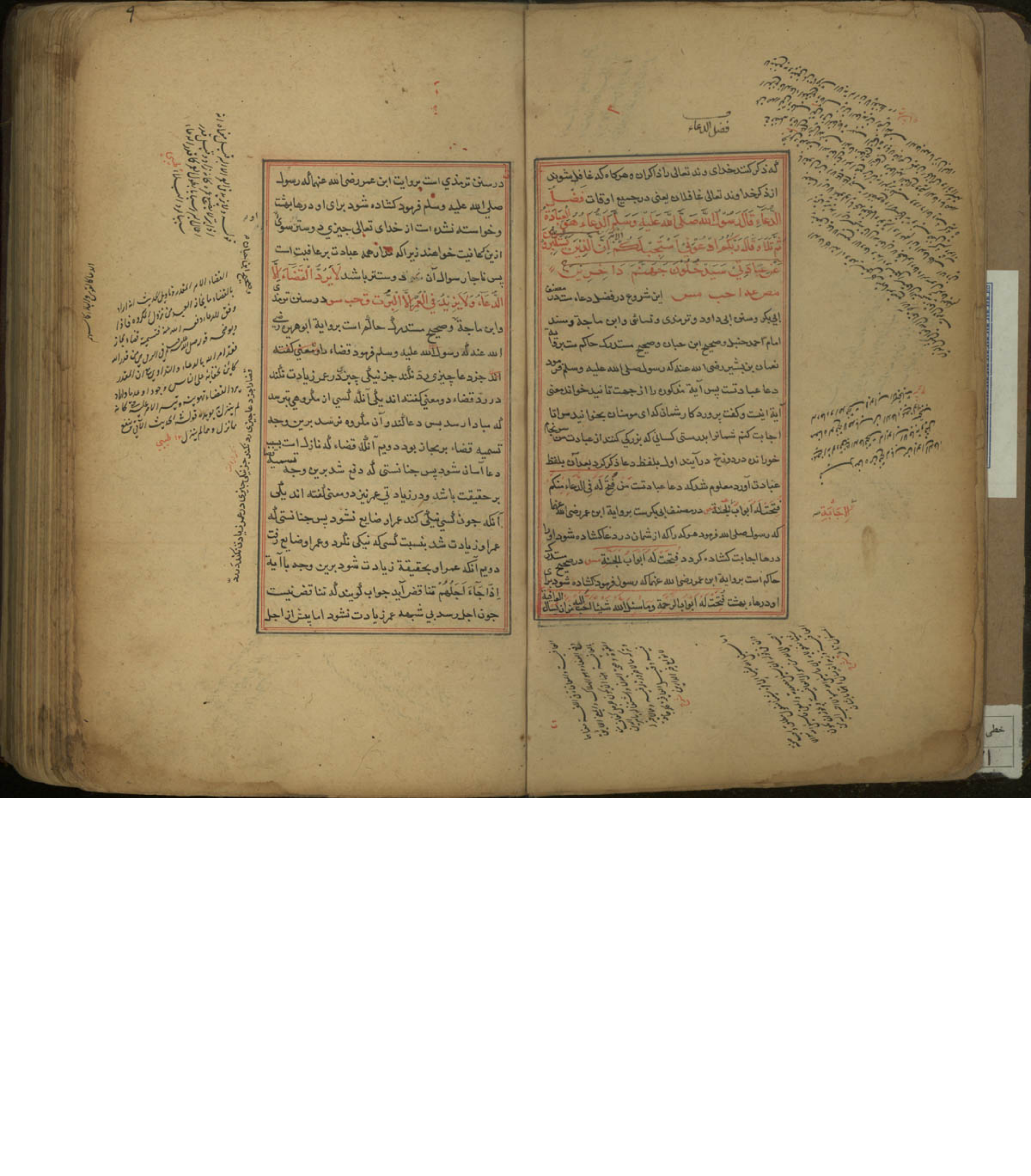
حدیث از کتابی که بیارم علامت او را مقدم دارم
وَاِنْ كَانَ الْحَدِيثُ مَوْقُوفًا جَعَلْتُ قَبْلَ رَمْزِ مَوْ لِيُعْلَمَ اَنَّهُ
مَوْقُوفٌ لَنَا بَعْدَهُ مِنَ الْكُتُبِ
واگر حدیث موقوف باشد یعنی اسناد آن تا حضرت
مصطفی صلی الله علیه وسلم نمیرسد موقوف بر صحابی
بود بکردانیدم علامت آنرا پیش از رمز آن مو تا بدانند
که این حدیث با ما بعد آن موقوف است نه قبل آن موقوف نیست
مرفوع متصل است وَذَلِكَ قَلِيلٌ حَيْثُ عَدِمَ الْمُتَّصِلُ اَوِ اخْتُلِفَ فِيهِ
وآن حدیث موقوف درین کتاب اندک است جائي که حدیث
مرفوع که اسناد او تا مصطفی صلی الله علیه وسلم رسیده است
یا حدیثی که اختلاف در وصل معدوم است یعنی جائی که حدیث
مرفوع یا مختلف فیه نیافتم حدیث موقوف را آوردم عَلَى اَنِّي
لَمْ اَجْعَلْ هَذِهِ الرُّمُوزَ اِلَّا لِعَالِمٍ يَرْبَأُ بِنَفْسِهِ عَنِ
التَّقْلِيدِ اَوْ لِمُتَعَلِّمٍ يَتَعَرَّفُ صَحِيحَ الْكُتُبِ وَالْمَسَانِيدِ
باآنکه نکردانیدم این رموز را مگر برای عالمی که بعد تتبع وطلب
صحیح کتب وصحیح مسانید را بدانند وَاِلَّا فَفِي الْحَقِيقَةِ لَا احْتِيَاجَ
اِلَيْهِمَا لِعُمُومِ النَّاسِ واگر آن رموز برای عالمی
یا متعلمی نمی گردانیدم پس در حقیقت عموم مردمان را حاجت بدان
این رموز برای ایشان آوردم فَلْيُعْلَمْ اَنِّي اَرْجُو اَنْ





يكون جميع ما فيه صحيحا فرك الالتباس چون چنین است که گفتیم
پس باید دانست که امیدوارم که جمیع احادیث که درین
کتاب ثابت صحیح است پس التباس که در حدیث موقوف بود زائل
گشت وقد جمع بحمد الله تعالى هذا المختصر اللطيف ما لم
تجمعه مجلدات من التواليف وبدرستی که جمع کرده
است این مختصر لطیف بحمد الله تعالی احادیثی را که جمع نکرده است
آنرا مجلدات تالیفها وإذا انتهى نرجوا من الله أن نجمع
في آخره فصلا يفتح ما انغلق من لفظ قد أشكل
وچون این کتاب تمام شود امیدوارم از خدای تعالی که در آخر
آن بنشانیم فصلی که آن مغلق الفاظ معنی مشکل کشاید این
امید مصنف رحمه الله علیه بر نیامد فصل موعود
نبشتن نتوانست وهذه مقدمة تشتمل على أحاديث
في فضل الدعاء والذكر ثم آداب الدعاء والذكر وأوقات
الإجابة وأحوالها وأماكنها ثم اسم الله تعالى الأعظم
وأسمائه الحسنى ثم ما يقال في الصباح إلى المساء وفي
طول الحيوة إلى الممات من جميع ما يحتاج إليه
وصح النص عنه صلى الله عليه وسلم ثم الذكر الذي ورد فضله ولم
يختص بوقت من الأوقات ثم الاستغفار الذي يمحو الخطيئات
ثم فضل القرآن العظيم وسوره وآيات ثم الدعاء الذي صح عنه صلى الله عليه وسلم

واین مقدمه یعنی این کتاب در گرفته است احادیثی را که
در فضل دعا و ذکر است پس در گرفته آداب دعا و ذکر و اوقات
اجابت و احوال اجابت و محلهای اجابت را پس در گرفته است
اسم الله الاعظم و اسماء حسنی را پس در گرفته است چیزی را
که خوانده شود در بامداد تا شبانگاه و در تمام عمر تا مرگ
از جمیع آنچه محتاج الیه است و نص آن از مصطفی صلی الله علیه
وسلم درست است پس در گرفته است ذکری را که فضل او وارد است و بهیچ وقت
مختص نیست پس در گرفته است استغفاری را که محو کند
گناهان را پس در گرفته است فضل قرآن عظیم و فضل سورتها
و آیتهای قرآن را پس در گرفته است دعا را که صحیح شده است
از مصطفی صلی الله علیه وسلم همچو صحت آن مذکور ثم ختمته
بفضل الصلوة على سيد الخلق ورسول الحق الذي هدى
الله تعالى به من الضلالة وبصر من العمى فأوضح
المحجة ولم يدع لأحد حجة پس ختم کردم این کتاب را
بفضل درود بر مهتر خلق و رسول حق صلی الله علیه وسلم
آنکه بدو راه نمود خدای تعالی بر مصطفی صلی الله علیه وسلم
راه راست را و حجت نگذاشت مر هیچ یکی را صلى الله عليه وسلم
كلما ذكره الذاكرون وغفل عن ذكره الغافلون
درود فرستد خدای تعالی بر مصطفی صلی الله علیه وسلم هر گاه



فصل الدعاء

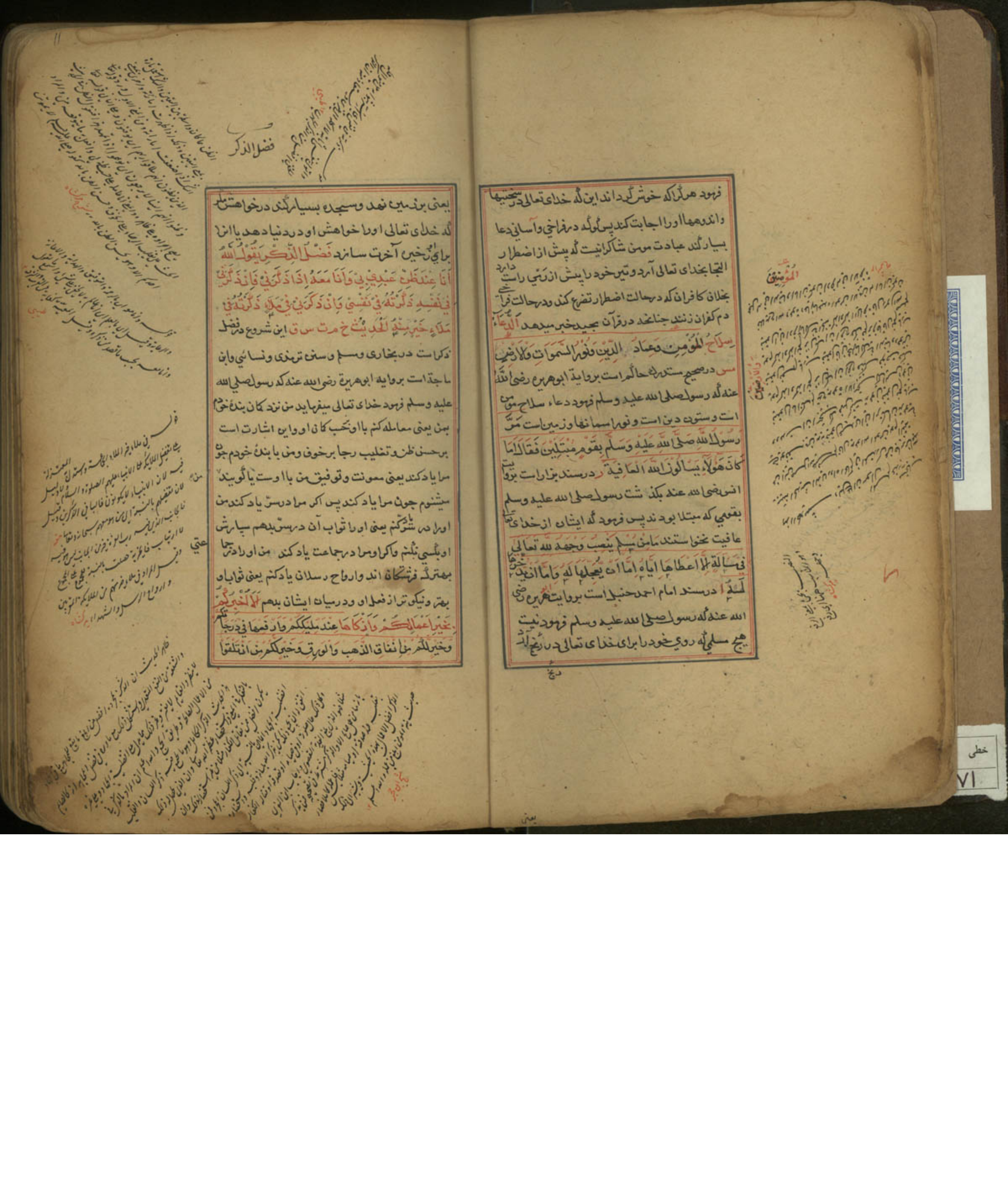
که ذکر کنند خداوند تعالی را ذاکران و هرکاه که غافل شوند
از ذکر خداوند تعالی غافلان یعنی در جمیع اوقات **فضل
الدعاء قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الدعاء هو العبادة
ثم تلا و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون
عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین**
مص عد احب مس این شروع در فضل دعا است در مصنف
ابی بکر و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجة و مسند
امام احمد حنبل و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک حاکم است بروایة
نعمان بن بشیر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
دعا عبادتست پس آیة مذکوره را از جهت تائید خواند معنی
آیة اینست و گفت پروردگار شما که ای مومنان بخوانید مرا تا
اجابت کنم شمارا بدرستی کسانی که بزرگی کنند از عبادت من سرنگون
خوار در دوزخ درآیند اول بلفظ دعا ذکر کرد بعد از آن بلفظ
عبادت آورد معلوم شد که دعا عبادتست **من فتح له فی الدعاء منکم
فتحت له ابواب الجنة مص** در مصنف ابی بکر است بروایة ابن عمر رضی الله عنهما
که رسول صلی الله فرمود هر که را که از شما در دعا کشاده شود او را
درها اجابت کشاده کردد **فتحت له ابواب الجنة مس** در صحیح مستدرک
حاکم است بروایة ابن عمر رضی الله عنهما که رسول فرمود کشاده شود برای
او درهاء بهشت **فتحت له ابواب الرحمة وما سئل الله شیئا احب الیه من ان یسال العافیة**

در سنن ترمذی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود کشاده شود برای او درها بهشت
و خواسته نشده است از خدای تعالی چیزی دوستر سوی
او از آنکه عافیت خواهند زیراکه تمامی عبادت بر عافیت است
پس ناچار سوال آن دوستر باشد **لا یرد القضاء الا
الدعاء ولا یزید فی العمر الا البر ت حب مس** در سنن ترمذی
و ابن ماجة و صحیح مستدرک حاکم است بروایة ابوهریره رضی
الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود قضاء را و معنی کفته
اند جز دعا چیزی رد نکند جز نیکی چیزی در عمر زیادت نکند
در رد قضاء دو معنی کفته اند یکی آنکه کسی از مکروهی بترسد
که مبادا رسد پس دعا کند و آن مکروه نرسد برین وجه
تسمیه قضاء بر مجاز بود دویم آنکه قضاء که نازل است بسبب
دعا آسان شود پس چنانستی که دفع شد برین وجه تسمیه
بر حقیقت باشد و در زیادتی عمر نیز دو معنی کفته اند یکی
آنکه چون کسی نیکی کند عمر او ضایع نشود پس چنانستی که
عمر او زیادت شد بنسبت کسی که نیکی نکرد و عمر او ضایع رفت
دویم آنکه عمر او بحقیقة زیادت شود برین وجه با آیة
اذا جاء اجلهم تناقض آید جواب کویند که تناقض نیست
چون اجل رسد بی شبهه عمر زیادت نشود اما پیش از اجل



رسد جائز است که زیادت شود چنانچه در آیة دیگر است
وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ وعمر داده
نشود هیچ یکی را عمر زیادة ونقصان کرده نشود از عمر او مگر
در لوح محفوظ مکتوبست مثال آنست که اگر در لوح محفوظ باشد
که فلان حج کند یا غزا کند عمر او چهل سال باشد واگر هردو کند
عمر او شصت سال بود پس اگر او حج تنها کرد بنسبت شصت
سال عمر او نقصان شد واگر هردو بجا آورد بنسبت چهل سال
عمر او زیادت گشت وبعضی گویند زیادتی عمر بدین اعتبار است که
او را فرزندی صالح یا خیر جاری باشد که بعد مرگ ثواب آن
رسد پس چنانستی که عمر او زیادت شد لَا يُغْنِي حَذَرٌ مِنْ قَدَرٍ
وَالدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ وَإِنَّ الْبَلَاءَ لَيَنْزِلُ فَيَتَلَقَّاهُ
الدُّعَاءُ فَيَعْتَلِجَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مس ر طس در صحیح مستدرک
حاکم است ومسند بزار واوسط معجم طبرانی است بروایة
عائشة رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه فرمود بی نیازی نکند
یعنی نفع نکند ترس هیچ یکی را از قدر ودعا نفع بکند از قدری که نازل
بدین آسان شود واز قدری که غیر نازل است بدین که دفع
گردد وبدرستی که بلا نازل شود واو را دعا پیش آید پس تا
روز قیامت با یکدیگر بیاویزند دعا نگذارد که بلا بیشتر شود
لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللهِ مِنَ الدُّعَاءِ ت ق حب مس در سنن

ترمذی وابن ماجة وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
حاکم است بروایة ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم هیچ چیزی بزرگتر نزد خدای تعالی از
دعا نیست مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللهَ يَغْضَبْ عَلَيْهِ ت مس در سنن
ترمذی وصحیح مستدرک حاکم است بروایة ابوهریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله فرمود هرکه از خدای تعالی نخواهد خدای
تعالی بر وخشم کند زیراکه خداوند تعالی دوست دارد
که از وی بخواهند پس هرکه نخواهد مبغوض باشد پس ناچار مغضوب
علیه گردد مَنْ لَمْ يَدْعُ اللهَ غَضِبَ عَلَيْهِ مص در مصنف
ابی بکر است بروایة انس که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هرکه خدای را نخواهد خدای تعالی بر وخشم کند
لَا تَعْجِزُوا فِي الصَّلٰوةِ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ لَنْ يَهْلِكَ مَعَ الدُّعَاءِ
أَحَدٌ حب مس در صحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
حاکم است بروایة انس رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود عاجز مشوید در دعا کردن زیراکه
بدرستی شان اینست هرگز هلاک نشود هیچ یکی با دعا
مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَجِيبَ اللهُ لَهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالْكُرَبِ
فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ ت در سنن ترمذی است بروایة
ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم



فرمود هر کرا که خوش کرداند این که خدای تعالی در سختیها
واندوهها او را اجابت کند پس کو که در فراخی و آسانی دعا
بسیار کند عبادت مومن شاکر اینست که پیش از اضطرار
التجا بخدای تعالی آرد و تیر خود را پیش از رمی راست دارد
بخلاف کافران که در حالت اضطرار تضرع کند و در حالت فراخی
دم کفران زنند چنانچه در قرآن مجید خبر میدهد اَلدُّعَاءُ
سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعِمَادُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
مس در صحیح مستدرک حاکم است بروایة ابو هریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعاء سلاح مومن
است وستون دین است ونور آسمانها وزمین است مَرَّ
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَوْمٍ مُبْتَلِينَ فَقَالَ أَمَا
كَانَ هٰؤُلَاءِ يَسْأَلُونَ اللّٰهَ الْعَافِيَةَ ر در مسند بزار است بروایت
انس رضی الله عنه بکذشت رسول صلی الله علیه وسلم
بقومی که مبتلا بودند پس فرمود که ایشان از خدای تعالی
عافیت نخواستند مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْصِبُ وَجْهَهُ لِلّٰهِ تَعَالَى
فِي مَسْأَلَةٍ إِلَّا أَعْطَاهَا إِيَّاهُ إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَهَا لَهُ وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا
لَهُ ا در مسند امام احمد حنبل است بروایت ابو هریره رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیست
هیچ مسلمی که روی خود را برای خدای تعالی در زمین نهد

فضل الذکر

یعنی بر زمین نهد وسجده بسیار کند در خواهش مگر
که خدای تعالی او را خواهش او در دنیا دهد یا از
برای او ذخیره آخرت سازد فَضْلُ الذِّكْرِ يَقُولُ اللّٰهُ
أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي فَإِنْ ذَكَرَنِي
فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَإٍ ذَكَرْتُهُ فِي
مَلَإٍ خَيْرٍ مِنْهُ الْحَدِيثُ خ م ت س ق این شروع در فضل
ذکر است در بخاری ومسلم وسنن ترمذی ونسائی وابن
ماجه است بروایه ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود خدای تعالی میفرماید من نزد کمان بنده خودم
بمن یعنی معامله کنم با او بحسب کمان او واین اشارت است
بر حسن ظن وتغلیب رجا بر خوف ومن با بنده خودم چون
مرا یاد کند یعنی معونت وتوفیق من با اوست یا کویند
میشنوم چون مرا یاد کند پس اکر مرا در سر یاد کند من
او را در سر یاد کنم یعنی او را ثواب آن در سر بدهم بسیار که
او بلسی نکنم واکر او مرا در جماعت یاد کند من او را در جماعت
بهتر که فرشتکان اند وارواح رسلان یاد کنم یعنی ثواب او
بهتر ونیکوتر از فعل او ودر میان ایشان بدهم أَلَا أُخْبِرُكُمْ
بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ
وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا



عدوكم فتضربوا اعناقهم ويضربوا اعناقكم قالوا بلي قال ذكر الله تعالى
ت ق امس در سنن ترمذي وابن ماجة ومسند امام احمد حنبل
وصحيح مستدرك حاكم است بروايت ابو الدرداء رضي الله عنه
كه رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود خبر كنم شما را به بهترين
وپاكترين اعمال شما نزد خداى تعالى وبه برترين اعمال در درجات
شما وبه بهترين اعمال شما از انفاق زر ونقره وبه بهترين اعمال
شما از اين كه ملاقات كنيد كافران را پس بزنيد گردن هاي
ايشان را وبزنند گردن هاى شما را صحابه گفتند آري خبر كن
اى رسول خداي رسول صلى الله عليه فرمود آن عمل كه بهتر است
ذكر خداى است جل وعلا طيبي رحمة الله عليه گويد اين حديث
دال است برين ثواب مترتب كه بر قدر رنج نيست بلكه خداى
تعالى باندك عمل بسيار جزا دهد پس مترتب بود بر تفاوت
شرف عمل وشك نيست كه افضل ذكر لا اله الا الله است وان كلمه
عليا وقطب است كه مدار اسلام بروست واعلى شعب ايمانست
بلكه كل ايمانست پس ناچار بهترين اعمال باشد ما صدقة افضل
من ذكر الله طس در معجم اوسط طبراني است بروايت ابن عباس رضي
الله عنهما كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود هيچ صدقة فاضلتر
از ذكر خداى تعالى نيست ان لله ملائكة يطوفون في
الطرق يلتمسون اهل الذكر فاذا وجدوا قوما يذكرون الله

عز وجل تنادوا هلموا الي حاجتكم قال فيحفونهم با
الي السماء الدنيا الحديث خ م ت در بخارى ومسلم
وسنن ترمذى است بروايت ابو هريره رضى الله عنه كه
رسول صلى الله عليه وسلم فرمود بدرستى مر خداى
تعالى راست فرشتگانى كه در راهها ميگردند اهل
ذكر را بجويند پس چون بيابند قومي را كه ذكر خداى تعالى
ميكنند يكديگر را ندا كنند كه بيائيد سوى حاجت خود
ابو هريره رضى الله عنه گفت پس فرشتگان ايشانرا ببازو هاى
خويش تا آسمان دنيا گرد كنند وطواف كنان بركت جويند
مثل الذي يذكر ربه والذي لا يذكر ربه مثل الحي والميت
خ م در بخاري ومسلم است بروايت ابو موسى اشعرى رضي الله عنه
كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود مثل كسي كه ذكر پروردگار
خود كند وكسي كه ذكر پروردگار خود نكند مثل زنده
ومرده است چنانچه زنده بحيات خود بهره ميگيرد همچنان
ذاكر بعمل خود بهره ميگيرد وغير ذاكر كه از عمل وراء بهره نيست
همچو مرده است كه او را از حيات بهره نيست لا يقعد قوم
يذكرون الله الا حفتهم الملائكة وغشيتهم الرحمة و
نزلت عليهم السكينة وذكرهم الله فيمن عنده م ت ق
در مسلم وسنن ترمذي وابن ماجة است بروايت ابو سعيد



خدري و ابو هريره رضي الله عنهما كه رسول صلي الله عليه وسلم
فرمود نه نشينند قومي كه ذكر خداى تعالي مكر كرد كنند ايشانرا
فرشتكان و بپوشند و دركيرد ايشانرا رحمت و فرود آيد بر ايشان
آرام و ياد كند ايشانرا خداى تعالي در جمع فرشتكاني كه نزد حضرت
خداوند تعالى اند يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ شَرَائِعَ الإِسْلَامِ قَدْ كَثُرَتْ
عَلَيَّ فَأَنْبِئْنِي بِشَيْءٍ أَتَشَبَّثُ بِهِ قَالَ لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ
ذِكْرِ اللهِ ت ق حب مس مص در سنن ترمذي و ابن ماجه و
صحيح ابن حبان و صحيح مستدرك حاكم و مصنف ابي بكر است بروايت
عبد الله بن بسر رضي الله عنه كه مردي كفت اى رسول خداى بتحقيق
اسلام يعني فرايض و سنن اسلام بر من بسيار كشت پس آكاه كن مرا
بعملي اندك كه بدان چنك زنم و بآن شرايع مذكوره آن عمل كنم رسول
صلي الله عليه فرمود آن عمل نيست كه زبان تو هميشه تر باشد
از ذكر خداى تعالي يعني مدام در ذكر بود آخِرُ كَلَامٍ فَارَقْتُ عَلَيْهِ
رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ قُلْتُ أَيُّ الأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ
قَالَ أَنْ تَمُوتَ وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللهِ حب مط در صحيح ابن حبان
و مسند بزار و معجم طبراني كبير است بروايت معاذ رضي الله عنه كفت
آخر كلامي كه بران از رسول صلي الله عليه وسلم جدا كرديدم
اين بود كه كفتيم اي رسول خداى كدامين اعمال دوستر است
سوى خداى تعالي فرمود آنست كه بميري و زبان تو تر باشد

از ذكر خداى تعالي قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ أَوْصِنِي قَالَ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللهِ
مَا اسْتَطَعْتَ وَاذْكُرِ اللهَ عِنْدَ كُلِّ حَجَرٍ وَشَجَرٍ وَمَا عَمِلْتَ مِنْ
سُوءٍ فَأَحْدِثْ لِلهِ فِيهِ تَوْبَةً السِّرُّ بِالسِّرِّ وَالْعَلَانِيَةُ بِالْعَلَانِيَةِ
ط در معجم طبراني كبير است بروايت معاذ رضي الله عنه كه كفتم اى
رسول خدا مرا وصيت كن فرمود لازم كير تقوى را آن قدر كه توانى
خداى تعالى را نزد هر سنكي و درختي و در كناهي براى الله تعالى تو
كن توبه پنهان بكناه پنهان و توبه آشكارا بكناه آشكارا مَا عَمِلَ
آدَمِيٌّ عَمَلًا أَنْجَى لَهُ مِنْ عَذَابِ اللهِ مِنْ ذِكْرِ اللهِ ط ا مص در معجم
طبراني كبير است و مسند امام احمد حنبل و مصنف ابي بكر است
بروايت معاذ رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود
عمل نكرده است آدمي عملي كه رهاننده تر است از عذاب خداى
تعالى از ذكر خداى قَالُوا وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ إِلَّا أَنْ يَضْرِبَ قَالَ
وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ إِلَّا أَنْ يَضْرِبَ بِسَيْفِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ قَالَهُ ثَلَاثَ
مَرَّاتٍ ط مص مس صط در معجم طبراني كبير و صحيح مستدرك
و مصنف ابي بكر و معجم طبراني صغير است بروايت جابر رضي
الله عنه كه چون رسول صلي الله عليه وسلم حديث اول فرمود
صحابه كفتند و نه جهاد رهاننده تر است رسول خداى فرمود
و نه جهاد مكر آنكه بتيغ خود زند تا آنكه عاجز شود اين سه
بار فرمود لَوْ أَنَّ رَجُلًا فِي حَجْرِهِ دَرَاهِمُ يَقْسِمُهَا وَآخَرُ يَذْكُرُ اللهَ



كَانَ الذَّاكِرُ لِلّٰهِ أَفْضَلَ ط در معجم طبراني كبير است بروايت موسي اشعري رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود اگر مردي كه در كنار او دراهم است قسمت كند ومردي ديگر ذكر خداي تعالى كند مرد ذاكر افضل باشد از مرد متصدق إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ حِلَقُ الذِّكْرِ ت در سنن ترمذي است بروايت انس رضي الله عنه كه رسول صلي الله وسلم فرمود چون گذر كنيد بر مرغزار بهشت پس بچريد صحابه گفتند اي رسول خداي مرغزار بهشت چيست فرمود حلقهاء ذكر سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ است يَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ سَيَعْلَمُ أَهْلُ الْجَمْعِ الْيَوْمَ مَنْ أَهْلُ الْكَرَمِ قِيلَ مَنْ أَهْلُ الْكَرَمِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَهْلُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ مِنَ الْمَسَاجِدِ حب ط ص در صحيح ابن حبان ومعجم كبير طبراني ومسند ابي يعلى موصلي است بروايت ابو سعيد خدري رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود خداي تعالى ميفرمايد سر انجام است بدانند اهل محشر امروز كه كيستند اهل كرم صحابي گفت اي رسول خداي اهل كرم كيانند فرمود اهل مجالس ذكر در مسجد مَا مِنْ آدَمِيٍّ إِلَّا لِقَلْبِهِ بَيْتَانِ فِي أَحَدِهِمَا الْمَلَكُ وَفِي الْآخَرِ الشَّيْطَانُ فَإِذَا ذَكَرَ اللّٰهَ

مساجد

خَنَسَ وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللّٰهَ وَضَعَ الشَّيْطَانُ مِنْقَارَهُ فِي قَلْبِهِ وَوَسْوَسَ لَهُ مص در مصنف ابي بكر است بروايت عبد الله بن سفيان رضي الله عنهما كه رسول فرمود هيچ آدمي نيست مگر كه مر دل او را دو خانه است در يكي فرشته ودر ديگر ي شيطان است پس آدمي چون ذكر خداي تعالى كند شيطان پنهان شود ودرو رود وچون ذكر خداي تعالى نكند شيطان نوك خود را در دل او نهد ووسوسه كند يعني در دل وي بدي افكند مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللّٰهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ ت در سنن ترمذي است بروايت انس رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم هر كه نماز فجر جماعة گزارد پس بنشيند در آن حال ذكر خداي تعالى كند تا آنكه آفتاب بر آيد پس دو ركعت نماز گزارد آن مذكورات مر او را مثل اجر يك حج ويك عمره تمام باشد اِنْقَلَبَ بِأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ ط در معجم طبراني كبير است بروايت ابو امامه رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود باز گردد او با اجر يك حج ويك عمره ذَاكِرُ اللّٰهِ فِي الْغَافِلِينَ بِمَنْزِلَةِ الصَّابِرِ فِي الْفَارِّينَ ر طس در مسند بزار واوسط معجم طبراني است بروايت ابن مسعود رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود ذاكر خداي تعالى كه در ميان غافلان است بمنزلة

تامة



صابراست درغزاکه درمیان کریزندکان است مامن قوم جلسوا
مجلسا وتفرقوا منه ولم یذکروا الله فیه الا کانما تفرقوا عن
جیفة حمار وکان علیهم حسرة یوم القیامة مس د ت حب اس
درصحیح مستدرک است وسنن نسائی است بروایة ابوهریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه فرمود نیست هیچ قومی که
در مجلس نشینند واز مجلس جدا شوند وذکر خدای تعالی
در مجلس نکویند مکر ایشان جدا شده باشند از خر مرده
وآن جلوس وتفرق روز قیامت بر ایشان حسرة واندوه
بود که ذکر نکردند واز ثواب محروم کشتند ما مشی احد ممشی
لم یذکر الله فیه الا کان علیه ترة وما اوی احد الی فراشه لم
یذکر الله فیه الا کان علیه ترة س حب در سنن نسائی ومسند
امام احمد وصحیح ابن حبان است ودر مشکوة مثل این حدیث
بروایة ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود ومشی نکرده است هیچ یکی درراهی که ذکر خدای تعالی
دران نکرده مکر انکه آن مشی وعدم ذکر روز قیامت بروی نقص
وحسرة باشد ونیامده است هیچ یکی سوی خوابکاه خود
که ذکر خدای تعالی دران نکرده مکر که آن خواب وعدم ذکر
بروی نقص وحسرة بود ان الجبل ینادی الجبل باسمه ای فلان
هل مر احد بک ذکر الله فاذا قال نعم استبشر الحدیث

در معجم طبرانی کبیر است بروایة ابن مسعود رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که کوهی دیکری را آواز
ندا کند ای فلان هیچ ذاکر خدای تعالی بتو کذشته است پس
چون این کوه نعم کوید آن کوه خوش شود ان خیار عباد الله
الذین یراعون الشمس والقمر والاظلة لذکر الله مس در
صحیح مستدرک حاکم است بروایة عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی بهترین بندکان
خدای تعالی کسانند که انتظار آفتاب وماهتاب وستارها
وسایها کنند از جهت ذکر خدای تعالی لیس یتحسر اهل الجنة
الا علی ساعة مرت بهم ولم یذکروا الله تعالی فیها طی
در معجم طبرانی کبیر است وکتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی
است بروایة معاذ رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود اندوه نکنند اهل بهشت مکر بر ساعتی که در دنیا بر ایشان
بکذشت وذکر خدای تعالی دران نکرده اند اکثروا ذکر الله
حتی یقولوا مجنون حب اص ی در صحیح ابن حبان ومسند امام
احمد وابی یعلی موصلی وکتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی است
بروایة ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که بسیار کویید ذکر خدای تعالی را تا آنکه مردم کویند
ذاکر دیوانه است کان یامر ان یراعی التکبیر والتقدیس

التهليل وان يعقدن بالانامل فانهن مسئولات مستنطقات
د ت در سنن ابي داود و ترمذي است بروایة یسیرة رضي الله
عنها که از مهاجرات بود که رسول صلی الله علیه وسلم امر میکرد
بدین که نگهداشت تکبیر و تقدیس و تهلیل کنند یعنی خدای تعالی
را بعظمت و پاکی یاد کنند و لا اله الا الله گویند و نیز امر میکرد
که عقد کنند یعنی بشمارند انرا بسرهاء انگشتان را خواهند
پرسید و طلب سخن از ایشان خواهند کرد پس چون عقد
بدیشان کنند ایشان گواهی دهند علیکن بالتسبیح والتهلیل
والتقدیس ولا تغفلن فتنسین الرحمة مص در مصنف ابن
ابي بکر است بروایة یسیرة رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود ای زنان تسبیح و تهلیل و تقدیس را لازم
گیرید و ازان غافل مشوید پس شما را از رحمت فراموش کرده شود
رایت النبي صلی الله علیه وسلم یعقد التسبیح بیمینه س
در سنن نسائی است بروایة عبدالله بن عمر رضی الله عنهما
که دیدم رسول صلی الله علیه وسلم را که میشمرد تسبیح را
بانگشتان دست راست خود لان اقعد مع قوم یذکرون الله
من صلوة الغداة حتی تطلع الشمس احب الي من ان اعتق
اربعة من ولد اسمعیل ولان اقعد مع قوم یذکرون الله تعالی
من صلوة العصر الی ان تغرب الشمس احب الي من ان اعتق اربعة

د در سنن ابی داود است بروایة انس رضي الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر اینه نشستن من با قومی که ذکر
خدای تعالی از نماز بامداد تا طلوع آفتاب کنند دوستر است سوی
من ازین که چهار فرزندان اسمعیل را آزاد کنم و هر اینه نشستن
من با قومی که ذکر خدای تعالی از نماز عصر تا غروب آفتاب کنند
دوستتر است سوی من ازین که چهار کس را آزاد کنم تخصیص این
هر دو وقت از جهت شرف است که وقت اجتماع فرشتگان روز و شب
سبق المفردون قالوا وما المفردون یا رسول الله م ت در صحیح مسلم
و سنن ترمذی است بروایة ابوهریرة رضي الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود پیش شده اند مفردان یعنی تنها شوندگان
و سبکباران صحابه عرض کردند ای رسول خدای مفردان کیانند
قال الذاکرون الله کثیرا والذاکرات م در مسلم است جواب حدیث
گذشت که رسول فرمود مفردان مردانی اند که ذکر الله تعالی بسیار گویند
و زنانی اند که ذکر بسیار گویند قال المستهترون في ذکر الله یضع
الذکر عنهم اثقالهم فیاتون یوم القیامة خفافا ت در سنن ترمذی
است جواب حدیث گذشته در هر دو کتاب جواب مختلف است برای
واحد که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مفردان کسانی اند که در
ذکر خدای تعالی حریص فریفته باشند یعنی بسیار ذکر کنند و از
کسی باک ندارند و دران حال که ذکر گرانی را از ایشان فرو می نهد



پس روز قیامت سبک شده بیایند إِنَّ اللهَ أَمَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَأْمُرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَعْمَلُوا بِهَا فَذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ وَآمُرُكُمْ أَنْ تَذْكُرُوا اللهَ فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ خَرَجَ الْعَدُوُّ فِي أَثَرِهِ سِرَاعًا حَتَّى إِذَا أَتَى عَلَى حِصْنٍ حَصِينٍ فَأَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنْهُمْ كَذَلِكَ الْعَبْدُ لَا يُحْرِزُ نَفْسَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ إِلَّا بِذِكْرِ اللهِ تعالى ت حب مس در سنن ترمذی وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک حاکم است بروایت حارث اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که خدای تعالی یحیی پیغمبر علیه الصلوة والسلام فرمود به پنج کلمات که خود کند و بنی اسرائیل را فرماید تا ایشان هم کنند واین حدیث درازست مقصود اینست که یحیی علیه السلام بنی اسرائیل را گفت امر میکنم شما را که ذکر خدای تعالی گوئید پس که مثل آن همچو مثل مردی است که دشمنان در پی او شتاب بیرون آیند واو بگریزد تا که بر حصاری محکم برآید ونفس خود را از ایشان نگاه دارد همچنان بنده ذاکر نگاه ندارد نفس خود را از شیطان جز بذکر خدای تعالی لَيَذْكُرَنَّ اللهَ قَوْمٌ فِي الدُّنْيَا عَلَى الْفُرُشِ الْمُمَهَّدَةِ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّاتِ الْعُلَى ص در مسند ابی یعلی موصلی است بروایة ابو سعید که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه هر آینه ذکر کنند قومی خدای تعالی را در دنیا بر فراشهای گسترده خدای تعالی درآرد ایشان را در بهشتها که برترند إِنَّ الَّذِينَ لَا تَزَالُ أَلْسِنَتُهُمْ

آداب الدعاء

رَطْبَةً مِنْ ذِكْرِ اللهِ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَهُمْ يَضْحَكُونَ مر مص در کتاب دعاء ابن مردویه ومصنف ابی بکر است بروایة ابو الدرداء که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی آنکسانی که زبان ایشان از ذکر خدای تعالی همیشه تر است یعنی همیشه در ذکر ایشان خندان گنان در بهشت درآیند آدَابُ الدُّعَاءِ این شروع در آداب دعاء است مِنْهَا مَا يَبْلُغُ أَنْ يَكُونَ رُكْنًا وَأَنْ يَكُونَ شَرْطًا وَأَنْ يَكُونَ غَيْرَ ذَلِكَ مِنْ مَأْمُورَاتٍ وَمَنْهِيَّاتٍ وَغَيْرِهَا بعضی از آن آداب آدابی است که رکن را میرسد و بعضی شرط را میرسد و بعضی غیر آنرا میرسد که مامورات ومنهیات وجز آن است وَهِيَ تَجَنُّبُ الْحَرَامِ فِي الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالْمَلْبَسِ وَالْمَكْسَبِ م ت این حدیث مسلم وسنن ترمذی است معنی اینست وآن آداب دعا ترک حرام است در خوردن واشامیدن وپوشیدن وکسب کردن و کامل ترین آداب توبه است ورد مظالم وَالْإِخْلَاصُ لِلهِ تَعَالَى مس در صحیح مستدرک حاکم است بروایة واخلاص کردن مر خدای تعالی را وَتَقْدِيمُ عَمَلٍ صَالِحٍ وَذِكْرُهُ عِنْدَ الشِّدَّةِ م ت د در مسلم وسنن ترمذی وابو داود است بروایة ابو بکر ومقدم کردن عمل صالح را و ذکر کردن عمل صالح نزد سختی گفته اند آنکه بی عمل صالح دعا کند همچو کسی باشد که بی زه تیر اندازد وَالتَّنَظُّفُ وَالتَّطَهُّرُ عه حب در سنن ابی داود و ترمذی ونسائی وابن ماجة

وصحیح ابن حبان است بروایت ابوبکر وپاک کردن تن وجامه
از نجاست ودیم والوضوء ع در بخاری ومسلم وسنن ابی داود
وترمذی ونسائی وابن ماجة است بروایة ابی موسی اشعری
ووضو کردن واستقبال القبلة ع درهر شش کتاب مذکورست
وروی آوردن بقبله ابن عباس رضی الله عنه روایت میکند از
رسول صلی الله علیه وسلم روز بدر استقبال قبله کرد بعده دست
بدعا برآورد والصلوة عه حب مس در سنن ابی داود وترمذی
ونسائی وابن ماجة وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
حاکم است بروایة ابو بکر ونماز گزاردن یعنی اول نماز
گذارد بعده دست بدعا برآرد والجثو علی الرکب و در صحیح
ابوعوانة است ونشستن بر زانوها انا ابن عباس رضی الله عنهما
مرویست که چون باد سختی نمودی رسول صلی الله علیه وسلم
بر زانو نشسته دعا فرمودی والثناء علی الله تعالی اولا وآخرا ع
در بخاری ومسلم وسنن ابی داود وترمذی ونسائی وابن
ماجة است بروایت انس وثناء گفتن بر خدای تعالی در اول
وآخر والصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم کذلک
د ت س حب مس در سنن ابی داود وترمذی ونسائی و
ابن حبان وصحیح مستدرک حاکم است ودرود گفتن بر پیغمبر
صلی الله علیه وسلم همچو ثناء اول وآخر مرویست از فضالة

بن عبید الله رضی الله عنه که مردی نماز کرد ودعا کرد رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود ای مصلی شتاب کردی چون از نماز
فارغ شوی بس بنشین وحمد خدای تعالی کن بس درود
بر من گوی بس دعا کن ذیراک شرط آنیست که اول تقرب سوی
مسئول منه جوید بعده وسیله بشفیع سازد بعده حاجت
خواهد وبسط الیدین ت مس در ترمذی وصحیح مستدرک حاکم
وگشاده کردن دو دست ورفعهما ع در بخاری ومسلم وسنن
ابی داود وترمذی ونسائی وابن ماجة است وبرداشتن
هر دو دست وان یکون رفعهما حذو المنکبین دا مس
در سنن ابی داود ومسند امام احمد وصحیح مستدرک حاکم
برداشتن دو دست برابر دو دوش وکشفهما مر در کتاب دعا
ابن مردویه است وبرهنه داشتن هر دو دست والتادب
م د ت س در مسلم وسنن ابی داود وترمذی ونسائی ست
وبا ادب بودن والخشوع مر مص در کتاب دعا ابن مردویه و
مصنف ابوبکرست بروایة مسلم ابن یسار وفروتنی کردن و
التمسکن مع الخضوع ت در سنن ترمذی است وبیچاره شدن
با فروتنی وان لا یرفع بصره الی السماء م س در مسلم وسنن نسائی
بروایة ابوهریره وآنکه بر نکند چشم خود را سوی آسمان
وان یسأل الله تعالی باسمائه الحسنی وصفاته العلی حب مس

شمائل م

المنکب
برابر

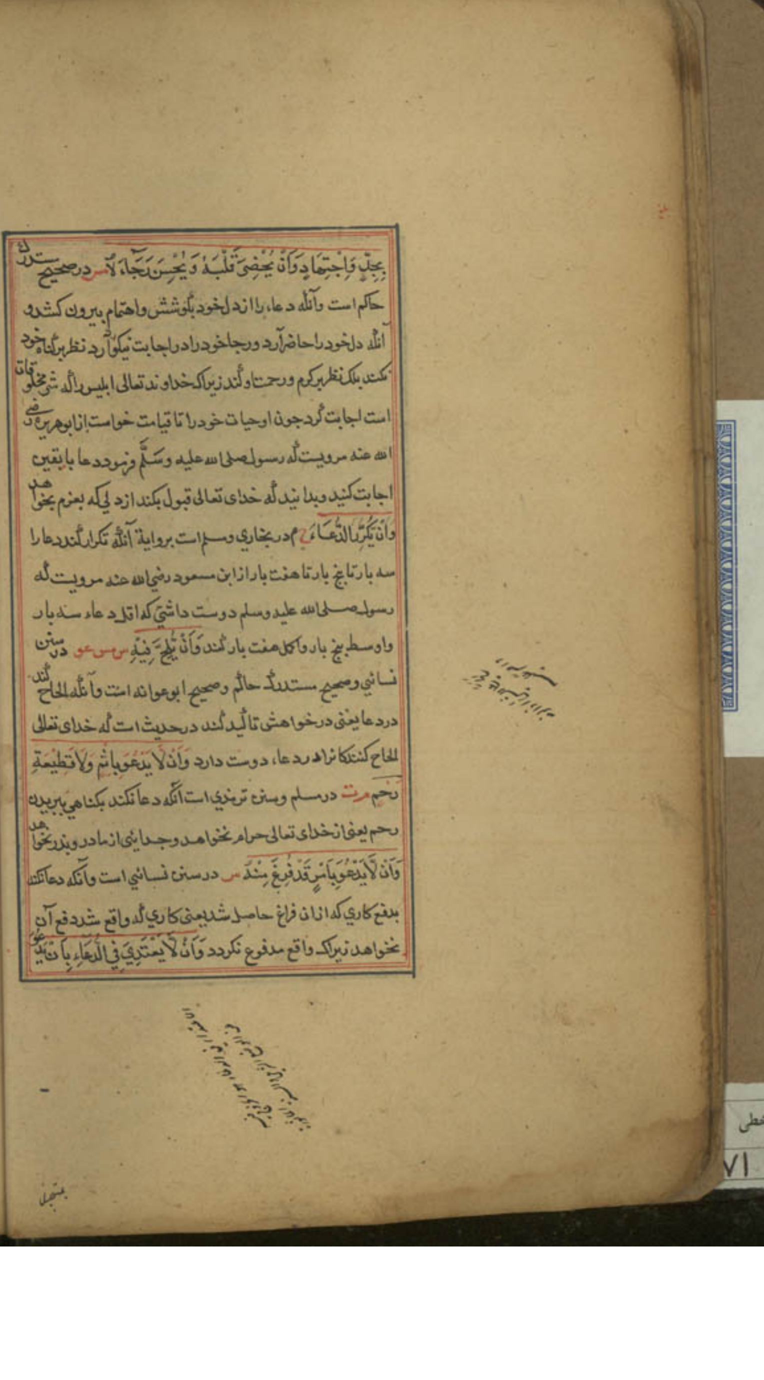
يجتنب

درصحيح ابن حبان وصحيح مستدرك حاكم است وآنكه بخواهد
ازخداى تعالى بنام او كه نيك ترند وبصفات او كه برترند وَأَنْ
يَتَجَنَّبَ السَّجْعَ وَتَكَلُّفَهُ خ دربخاري است بروايت عكرمه
از عباس وآنكه ترك كند سجع وتكلف سجع را در دعا زيرا كه
كه دل بدان مشغول ميشود وَأَنْ لَا يَتَكَلَّفَ التَّغَنِّيَ بِالْأَنْغَامِ مر
در كتاب دعاء ابن مردويه ست وآنكه تكلف نكند تغني را باواز ها
وَأَنْ يَتَوَسَّلَ إِلَى اللهِ بِأَنْبِيَائِهِ خ د س دربخاري وسنن ابي داود
وصحيح مستدرك حاكم است بروايت عثمان بن حنيف وآنكه وسيلت
سازد يعنى تقرب كند سوى خدا تعالى به پيغمبران او وَالصَّالِحِينَ
مِنْ عِبَادِهِ خ دربخاري است ووسيلت سازد به بندكان صالح وَ
يَخْفِضَ الصَّوْتَ ع دربخاري ومسلم وسنن ابي داود وترمذي و
نسائي وابن ماجة است وفرو كردن آواز زيرا كه خداى تعالى فرموده است
ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً يعنى پروردكار خود را بزاري ونهان خوانيد
وَالِاعْتِرَافُ بِالذَّنْبِ ع درهر شش كتاب مذكور ست واقرار كردن بكناه
زيرا كه چون بنده اقرار بكناه كند پس توبه كند خداى تعالى توبه او
قبول كند وَاخْتِيَارُ الْأَدْعِيَةِ الصَّحِيحَةِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
فَإِنَّهُ لَمْ يَتْرُكْ حَاجَةً إِلَى غَيْرِهِ د س درسنن ابي داود ونسائي است واختيار
كردن دعاها كه صحيح است از پيغمبر صلى الله عليه وسلم يعنى در وقت
خواهش ادعيه رسول صلى الله عليه وسلم اختيار كند زيرا كه او صلى الله

باً



عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هيچ حاجتي را سوى غير خود نكذاشته است همه
چيز را بيان فرموده است وَتَخَيُّرُ الْجَوَامِعِ مِنَ الدُّعَاءِ د درسنن ابي
داود ست واختيار كردن دعاها كه جامع اند وَأَنْ يَبْدَأَ بِنَفْسِهِ وَ
أَنْ يَدْعُوَ لِوَالِدَيْهِ وَإِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ م در مسلم است وآنكه آغاز كند
در دعا بذات خود ودعا كند براى مادر وپدر خود وبراى برادران
خود كه مومنان اند از ابي بن كعب رضي الله عنه مروي است كه چون
رسول صلى الله عليه وسلم براى كسى دعا ميكرد ابتداء بذات خود
ميفرمود وَلَا يَخُصَّ نَفْسَهُ بِالدُّعَاءِ إِنْ كَانَ إِمَامًا د ت ق درسنن
ابي داود وترمذي وابن ماجة است وآنكه مخصوص نكرد اند ذات
خود را بدعاء اكر امام باشد بلكه دعا عام كند اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي نكويد
اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا كويد از ثوبان رضي الله عنه مرويست كه رسول
صلى الله عليه وسلم فرمود امامت نكند كسى كه خود را بغير مقتديان
دعاء كند واكر خود را مخصوص كرداند خيانت ايشان كرده باشد
وَأَنْ يَسْأَلَ بِعَزْمٍ ع دربخاري ومسلم وسنن ابي داود وترمذي
ونسائي وابن ماجة است آنكه بخواهد از خداى تعالى بعزم يعنى
بكويد اغْفِرْ لِي وَأَعْطِنِي ونكويد ان شئت فاعطني از انس رضي الله عنه
مرويست كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه دعا كند پس بكويد بعزم كند
وَأَنْ يَدْعُوَ بِرَغْبَةٍ حب عو درصحيح ابن حبان ودرصحيح ابو عوانه است
بروايت ابو هريره وآنكه دعا كند برغبت وَأَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ قَلْبِهِ


بجدٍ واجتهادٍ وان یحضی قلبه و یحسن رجاء لا س در صحیح مستدرک
حاکم است وآنکه دعا را از دل خود بکوشش واهتمام بیرون کشد و
آنکه دل خود را حاضر آرد ورجا خود را در اجابت نیکو آرد نظر بر گناه خود
نکند بلکه نظر بر کرم ورحمت او کند زیراکه خداوند تعالی ابلیس را که شی مخلوقات
است اجابت کرد چون او حیات خود را تا قیامت خواست از ابوهریره رضی
الله عنه مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا با یقین
اجابت کنید وبدانید که خدای تعالی قبول بکند از دلی که بعزم بخواهد
وان یکرر الدعاء ثلاثا ح م در بخاری ومسلم است بروایة آنکه تکرار کند دعا را
سه بار تا پنج بار تا هفت بار از ابن مسعود رضی الله عنه مرویست که
رسول صلی الله علیه وسلم دوست داشتی که اقل دعا سه بار
واوسط پنج بار واکمل هفت بار کند وان یلح فیه س مس عو در سنن
نسائی وصحیح مستدرک حاکم وصحیح ابو عوانه است وآنکه الحاح کند
در دعا یعنی درخواهش تاکید کند در حدیث است که خدای تعالی
الحاح کنندگان را در دعا دوست دارد وان لا یدعو باثم ولا قطیعة
رحم م ت در مسلم وسنن ترمذی است آنکه دعا نکند بگناهی یا بریدن
رحم یعنی از خدای تعالی حرام نخواهد وجدایی از مادر وپدر نخواهد
وان لا یدعو بامر قد فرغ منه س در سنن نسائی است وآنکه دعا نکند
بدفع کاری که از آن فراغ حاصل شد یعنی کاری که واقع شد دفع آن
نخواهد زیراکه واقع مدفوع نکردد وان لا یعتدی فی الدعاء بان یدعو

بمستحیل او بما فی معناه خ در بخاری است وآنکه تجاوز حد
در دعا نکند بدین که محالست یا آنچه در معنی محال خواهد
چنانچه حیوة ابدیا احیاء اموات یا بازگشت جوانی وان لا
یتحجر خ د س در بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجة
است وآنکه تنگ نگرداند رحمت خدای تعالی را که فراخ است یعنی
نگوید که مرا رحمت کن دیگری را مکن در حدیث است که مردی دعا
کرد گفت مرا و محمد را بیامرز ودیگری را با ما آمرزش مکن رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود تنگ کردی رحمت فراخ را وان یسأل
حاجاته کلها ت حب در سنن ترمذی وصحیح ابن حبان است وآنکه
بخواهد از خدای تعالی همه حاجات خود را در حدیث است
از خدای تعالی همه حاجات خواهد تا که دوال نعلین اگر
بریده باشد وتامین الداعی والمستمع خ م د س در بخاری ومسلم
وسنن ابی داود ونسائی است وآمین گفتن دعا کننده وشنونده
ومسح وجهه بیدیه بعد فراغه د ت حب ق مس در سنن ابی داود
وترمذی وصحیح ابن حبان وسنن ابن ماجة وصحیح مستدرک
حاکم است ومالیدن روی بدو دست بعد فراغ از دعا از عمر رضی الله عنه
مرویست که چون رسول صلی الله علیه وسلم دست بدعا بر آوردی
بعد فراغ بروی مالیدی وان لا یستعجل بان یستبطئ الاجابة
او یقول دعوت فلم یستجب لی خ م د س ق در بخاری ومسلم

حاجاته

عند

وسنن داود ونسای وابن ماجة است وآنکه طلب بشتابی نکند در دعا
بدین که اجابت را درنک داند واز دعا باز ماند یا کوید دعا کردم پس مرا
اجابت نشد از ابو هریرة رضی الله عنه مرویست که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود دعا هر یک مستجاب کردد تا که او شتاب نشود پس بکوید
دعا کردم اجابت نشد آداب الذکر بیان آداب ذکرست قال
العلماء ینبغی ان یکون الموضع الذی یذکر الله فیه نظیفا
خالیا وان یکون الذاکر علی اکمل الصفات المتقدمة وان یکون فمه
نظیفا وان کان فیه تغیر ازاله بالسواك علماء کفته اند می سزد
آنکه محلی که در آن ذکر خدای تعالی کنند پاک جای باشد هم ازین ذکرها
که در مسجد وموضع شریفه باشد ممدوح کفته اند ومی سزد آنکه
ذاکر بر کمال صفة متقدمه بود یعنی اخلاص و پاکان نجاست و جرک
ووضو ونشستن بر زانو وآنکه دهن او پاک باشد واکر تغیر در دهن بود
بمسواک دور کند وان کان جالسا فی موضع استقبل القبلة متخشعا
متذللا بسکینة ووقار وحضور قلب یتدبر ما یذکر ویتعقل
معناه فان جهل شیئا یتبین معناه واکر ذاکر در محلی نشسته باشد
روی بقبله آرد با فروتنی ونرمی وبا آرام وآهستکی وبا حضور دل در
ذکر خود اندیشه کند ومعنی بداند واکر بچیزی نادان باشد معنی
آن را تحقیق کند ولا یحرص علی تحصیل الکثرة بالعجلة فلذلك استحبوا
ان یمد صوته بقول لا اله الا الله وکوکه حرص نکند ذاکر بر تحصیل

اداب الذکر

ولا یحرص
نسخه



کثرة ذکر بشتابی کرده پس از جهت این که شتابی در ذکر نکند
دوست داشته اند علماء بقول لا اله الا الله آواز خود را دراز کند
وکل ذکر مشروع واجبا کان او مستحبا لا یعتد بشیء منه حتی
یتلفظ به ویسمع نفسه وهر ذکر که مشروعست واجب یا مستحب
اعتبار نیست از آن چیزی را تا که تلفظ نکند ونفس خود را بشنواند اکر صحیح
او درست باشد واکر کنک باشد یا بزبان عیب بود زبان را بقدر اندازه
خود بجنباند وافضل الذکر القرآن الا فیما شرع لغیره وبهترین
ذکر قرآنست مکر در محلی که مشروع شده است بغیر قرآن چنانچه تسبیح
در رکوع وسجود وتشهد در قعده ولیس فضل الذکر منحصرا فی
التهلیل والتسبیح والتکبیر بل کل مطیع لله تعالی فی عمل فهو ذاکر
وفضل ذکر در تهلیل وتسبیح وتکبیر منحصر نیست بلکه هر که در عمل
مطیع خدا تعالی است او ذاکرست قالوا اذا واظب العبد علی الاذکار
الماثورة عنه صلی الله علیه وسلم صباحا ومساء وفی الاحوال
والاوقات المختلفة لیلا ونهارا کان من الذاکرین الله تعالی کثیرا
والذاکرات علما کفته چون بر اذکار که مرویست از پیغمبر صلی
الله علیه وسلم بنده در صبح وبامداد وشبانکاه مداومت کند
ودر احوال واوقات مختلفه شب وروز ملازمت نماید اکر
مرد است از مردان ذاکر باشد واکر زن است از زنان ذاکره بود
وینبغی لمن کان له ورد فی وقت من لیل او نهار او عقیب صلوة

او لکنت

باشد

اَوْ غَيْرِ ذٰلِكَ فَنَامَ عَنْهُ اَنْ يَتَدَارَكَهُ وَيَأْتِيَ بِهِ اِذَا اَمْكَنَهُ
وَلَا يُهْمِلَهُ لِيَعْتَادَ الْمُلَازَمَةَ عَلَيْهِ وَلَا يَتَسَاهَلَ فِي قَضَائِهِ یعنی کسی را
که وردی معین در وقتی از شب یا روز یا پس نماز یا غیر آن بود و آن
ورد اورا فوت شود اورا میرسد که آن ورد را دریابد و بیارد
اگر ممکن باشد و در قضای آن سستی نکند تا اورا بر ملازمت
آن عادت شود **اَوْقَاتُ الْاِجَابَةِ** این بیان اوقات اجابتست
لَيْلَةُ الْقَدْرِ ت س ق ص در سنن ترمذی ونسائی وابن ماجه
وصحیح مستدرک است بروایة عائشه که شب قدر تسمیه شب قدر
از آن ست که تقدیر وقضاء وامور در آن ست یا این تسمیه از جهت
قدر ازان ست شرف آنست وشب قدر در ماه مبارک رمضانست
واختلاف در تعین آنست که در تفاسیر وغیر آن مذکورات وفضل
او مشهورست **وَيَوْمُ عَرَفَةَ ت** در ترمذی است بروایة عمرو بن
شعیب روز عرفه یعنی نهم ماه ذی الحجه در حدیث است که خدای
تعالی روز عرفه آن قدر بندگانرا از آتش آزاد کند که در هیچ روز
نکند **وَشَهْرُ رَمَضَانَ ر** در مسند بزارست وماه مبارک رمضان
وَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ ت مس در ترمذی وصحیح مستدرک است بروایة
ابن عباس وشب جمعه **وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ د س ق حب مس** در سنن
ابی داود ونسائی وابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
است روز جمعه در حدیث است هیچ روزی بهتر از روز جمعه نیست

اوقات الاجابة

ودران ساعتی است که دعای مستجاب شود **وَنِصْفُ اللَّيْلِ ط** در معجم
طبرانی کبیر است ونیم شب **اَلثَّانِي ا ص** در مسند امام احمد وابی یعلی
موصلی است که نصف ثانی از شب **وَثُلُثُ اللَّيْلِ الْاَوَّلِ ا ص** در هر دو کتاب
مذکورست وثلث شب اول **وَثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ ا** در مسند امام احمدست وثلث
شب آخر در حدیث که خدای تعالی در ثلث آخر شب میفرماید کیست که
مرا بخواند اورا اجابت کنم کیست که از من بخواهد بسر او را بدهم
وَجَوْفُهُ د ت س مس ط ر در سنن ابی داود وترمذی و
نسائی وصحیح مستدرک ومعجم طبرانی کبیر است ومسند بزار
بروایت عمرو بن عبسه ومیان شب آخر در حدیث است که مردی
پرسید ای رسول خدای در کدام وقت دعا قبول کرده فرمود میانه
آخر شب **وَوَقْتُ السَّحَرِ ع** در اصول است ووقت السحر خدای تعالی
فرموده است وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْاَسْحَارِ **وَسَاعَةُ الْجُمُعَةِ اَرْجٰى**
ذٰلِكَ وَوَقْتُهَا مَا بَيْنَ اَنْ يَجْلِسَ الْاِمَامُ فِي الْخُطْبَةِ اِلٰى اَنْ تَنْقَضِيَ
الصَّلٰوةُ م د در مسلم وسنن ابی داود ست بروایت ابو موسی ساعت
جمعه مرجی ترین آن اوقات است باجابت ووقت ساعت جمعه
میان نشستن امام در خطبه تا اتمام نمازاست در حدیث است
در جمعه ساعتی است هر که دران چیزی از خدای تعالی بخواهد
اورا بدهد **وَمِنْ حِيْنِ تُقَامُ الصَّلٰوةُ اِلَى السَّلَامِ مِنْهَا ت ق**
در سنن ترمذی وابن ماجه است بروایة عمرو بن عوف المزنی ووقت



ساعة جمعه از شروع کردن نماز تا سلام است وحال اینست
وَالدَّاعِي قَائِمٌ يُصَلِّي خ م س ق در بخاری و مسلم و سنن نسائی
و ابن ماجة است بروایة ابو هریرة که وقت ساعت جمعه از
اقامت نماز تا سلام است وحال اینست که داعی در نماز ایستاده
باشد وَقِيلَ بَعْدَ الْعَصْرِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ م ت در کتاب
ابن ماجه است و سنن ترمذی است بروایة انس که بعضی
صحابه گویند وقت ساعة جمعه بعد عصر تا غروب آفتاب
وَقِيلَ آخِرُ سَاعَةٍ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ د س ت ط مس
در سنن ابی داود و ترمذی بروایت جابر مرفوع و موطاء
و سنن نسائی و صحیح مستدرک است بروایة عبد الله بن
سلام موقوف که بعضی صحابه گویند وقت ساعة آخر ساعت
وَقِيلَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَقَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقِيلَ بَعْدَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ و بعضی صحابه گویند آن ساعت جمعه بعد طلوع
فجر و پیش از طلوع آفتاب است وَذَهَبَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ رَضِيَ
اللهُ عَنْهُ إِلَى أَنَّهَا بَعْدَ زَيْغِ الشَّمْسِ بِيَسِيرٍ إِلَى ذِرَاعٍ ورفته است
أَبُو ذَرٍّ غِفَارِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ سوی آنکه آن ساعة بعد میل کرده
آفتاب است باندکی تا یک گز قُلْتُ وَالَّذِي أَعْتَقِدُهُ أَنَّهَا وَقْتُ قِرَاءَةِ
الْإِمَامِ الْفَاتِحَةَ فِي صَلَوةِ الْجُمُعَةِ إِلَى أَنْ يَقُولَ آمِينَ جَمْعًا
بَيْنَ الْأَحَادِيثِ الَّتِي صَحَّتْ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مردودیه

جمعه

كَمَا بَيَّنْتُهُ فِي غَيْرِ هَذَا الْمَوْضِعِ مصنف گفت من اعتقاد کردم
که آن ساعة وقتی است که امام در نماز جمعه فاتحه خواند
تا لغ آمین گوید و این اعتقاد از آن جهت است که جمع کنم میان احادیث
که درست شده است از پیغامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنانچه
بیان کردم در غیر این محل وَقَالَ النَّوَوِيُّ رَحِمَهُ اللهُ
عَلَيْهِ وَالصَّحِيحُ بَلِ الصَّوَابُ الَّذِي لَا يَجُوزُ غَيْرُهُ مَا ثَبَتَ فِي
صَحِيحِ مُسْلِمٍ مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
يَقُولُ فِي شَأْنِ سَاعَةِ الْجُمُعَةِ هِيَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ
إِلَى أَنْ يَقْضِيَ الصَّلَوةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ و گفته است شیخ محیی الدین
نووی رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ و صحیح بلکه صواب که غیر آن درست
نیست آنست که در صحیح مسلم ثابت است از حدیث ابو موسی
رضی الله عنه که گفت از پدر خود شنیدم که میگفت از رسول صلی
الله علیه و سلم شنیدم که میفرمود در شان ساعت جمعه که
آن ساعت جمعه میان آنکه امام در خطبه بنشیند تا که نماز را
تمام کند این حدیث را مسلم روایت کرده است أَحْوَالُ الْإِجَابَةِ
این بیان احوال اجابت دعا است عِنْدَ النِّدَاءِ بِالصَّلَوةِ د مس
در سنن ابی داود و صحیح مستدرک است که نزدیک ندا کردن
بنماز یعنی نزدیک بانگ نماز در حدیث است بروایة سهل بن

دائم

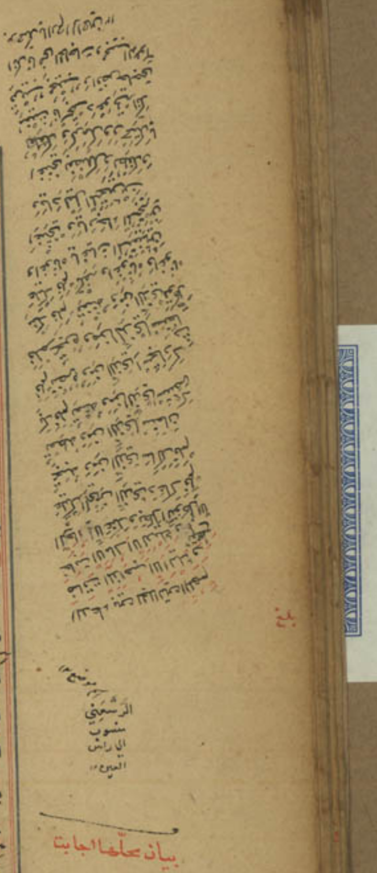
اشعری

احوال الاجابة

سعد رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا
در دو وقت رد نشود نزدیک بانگ نماز و نزدیک جهاد با الفاظ
بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ د ت س حب در سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی و ابن حبان است و میان بانگ نماز و اقامت و در حدیث
بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
میان بانگ نماز و اقامت دعا رد نکرده وَبَعْدَ الْحَيْعَلَتَيْنِ لِمَنْ
بِهِ كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ مس در صحیح مستدرک است و بعد
حَيَّ عَلَى الصَّلَوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ گفتن مر کسی را که اندوه یا سختی
رسیده باشد وَعِنْدَ الصَّفِّ فِي سَبِيلِ اللهِ حب ط موطا
در صحیح ابن حبان و معجم طبرانی کبیر است و موطاست
اما در موطا موقوف است و نزدیک صف کشیدن برای جهاد
در راه خدای تعالی در حدیث مرسل است بروایة امام شافعی
رحمة الله علیه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اجابت
دعا را نزدیک ملاقات دو لشکر و نزدیک اقامت نماز و نزد
نزول باران طلب کنید وَعِنْدَ الْتِحَامِ الْحَرْبِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا
د در سنن ابی داود ست بروایت سهل بن سعید و نزدیک
پیوستن جنگ بعضی ببعضی وَدُبُرَ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ
ت س در ترمذی و سنن نسائی است و پس نمازهای فرض
در حدیث است بروایة ابو هریره رضی الله عنه که مردی پرسید

ونزد

که رسول صلی الله علیه وسلم کدام وقت دعا مقبول گردد فرمود پس نماز
فرایض وَفِي السُّجُودِ م د س در مسلم و سنن ابی داود و نسائی
است و در سجده در حدیث است بروایت ابن عباس رضی الله عنه
که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم کوشش دعا در سجده
کنید که سزاوار است که مستجاب گردد وَعَقِيبَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ت
در سنن ترمذی است و بعد تلاوة القرآن وَلَا سِيَّمَا الْخَتْمِ ط مو مص
در معجم طبرانی کبیر است لیکن در مصنف موقوف است خصوصا بعد ختم
قران خصوصا مِنَ الْقَارِي ت ط در سنن ترمذی و معجم طبرانی
کبیر است خصوصا از قاری قرآن وَعِنْدَ شُرْبِ مَاءِ زَمْزَمَ مس در
صحیح مستدرک است و نزد آشامیدن آب زمزم وَالْحُضُورِ عِنْدَ الْمَيِّتِ
م عه در صحیح مسلم و چهار سنن است و نزد حاضر شدن پیش
میت وَصِيَاحِ الدِّيكَةِ خ م ت س در بخاری و مسلم و سنن
ترمذی و نسائی است و نزدیک خروسها [بانگ] از برای جه ایشان در آن
وقت فرشته را می بینند وَاجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ ع در اصول است
و نزدیک جمع شدن مسلمانان در حاشیه نقل از شرح است
که چون بقصد باشد وَفِي مَجَالِسِ الذِّكْرِ خ م ت در بخاری
و مسلم و ترمذی است و در مجلسهاء ذکر وَعِنْدَ قَوْلِ الْإِمَامِ
وَلَا الضَّالِّينَ م د س ق در مسلم و سنن ابی داود و نسائی
و ابن ماجه است و نزدیک گفتن امام وَلَا الضَّالِّينَ زیرا که



فرستادن وقت آمین گویند وآن سبب اجابتست وعند
تغميض الميت م د س ق در مسلم وسنن ابي داود ونسائي
وابن ماجه ست ونزديک بستن چشم ميت وعند اقامة
الصلوة ط مو وعند نزول الغيث د ط مو در معجم طبراني
كبيرست كتاب دعا ابن مردويه است نزديک نماز ونزديک فرو
باران رواه الشافعي رضي الله عنه في الام مرسلا وقال وقد
حفظت عن غير واحد طلب الاجابة عنده روايت كرده است
حديث مذكور را امام شافعي رضي الله عنه مرسل يعني بغير اسناد
ودام كه نام كتاب اوست وگفته اند كه ياد دارم از علماء بسيار
طلب اجابة را نزديک فرو آمدن باران قلت وعند رؤية
الكعبة ط ومصنف رحمه الله گويد در معجم كبير است ونزديک
ديدن كعبه وبين الجلالتين في الانعام وميان دو عظمت يعني
دو نام خداى كه در سورة انعام است وآن اينست مثل ما اوتي رسل
الله الله اعلم حفظنا ذلك مجربا عن غير واحد من اهل العلم
ونص عليه الحافظ عبد الرزاق الرسعني في تفسيره عن
الشيخ العماد المقدسي رحمهما الله ياد كرفتيم آن مذكور را
با تجربه از بسيارى از اهل علم وصريح كرده است برين مذكور
حافظ عبد الرزاق در تفسير خود از شيخ عماد مقدسي
واما اماكن الاجابة فكالمواضع الشريفة اما محلها اجابة

أي اما اماكن الاجابة ١٢

بيان محلها اجابت

الرسعني منسوب الى راس العين ١٢

هيجي محلهاش يفده است چنانچه مسجد ومسجد رسول صلى
الله عليه وسلم ومسجد اقصى قال الحسن البصري رضي الله عنه
في رسالته الى اهل مكة ان الدعاء يستجاب هناك في
خمسة عشر موضعا في الطواف وعند الملتزم وتحت الميزاب
وفي البيت وعند زمزم وعلى الصفا والمروة وفي المسعى
وخلف المقام وفي عرفات وفي المزدلفة وفي منى وعند
الجمرات الثلث حسن بصري رضي الله عنه در رساله كه سوى
اهل مكة فرستاده بود گفته است كه دعاء در مكه
مستجابست در پانزده محل در طواف ونزديک ملتزم يعني
ميان در كعبه وحجر اسود ودر زير ناودان بام كعبه و
نزد چاه زمزم وبر كوه صفا وكوه مروه ودر جاء سعي
وپس مقام ابراهيم صلوات الله عليه ودر عرفات
يعني جايي كه براى حج روند ودر مزدلفه ودر منى
ونزديک سه جمرة يعني نزديک سه مقام كه آنجا سنگ
ريزها مى اندازند قلت وان لم يجب الدعاء عند النبي صلى
الله عليه وسلم ففي اي موضع على انا قد روينا في
استجابة الدعاء في الملتزم حديثا مسلسلا من طريق
مصنف رحمه الله گويد واگر دعاء نزد پيغامبر صلى
الله عليه وسلم مستجاب نشود پس كدام محل مستجاب

شود

حرام

الملتزم اي بين الباب والحجر ١٢

اقبر

اهل مكة

بآنکه ما روایت کردیم در استجابت دعا در ملتزم حدیثی
مسلسل را از طریق اهل مکه آن حدیث در شفا
مذکوراست الَّذِیْنَ یُسْتَجَابُ دُعَاءُهُمْ آن کسانی که دعاء
ایشان مستجاب شوند ایشانند که اینجا مذکورهند
الْمُضْطَرُّ خ م د در بخاری و مسلم و سنن ابی داود است
عبدالله بن عمر که مضطر یعنی بیچاره زیراکه خدای تعالی
میفرماید اَمَّنْ یُجِیْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ که بیچاره را اجابت
کند وَالْمَظْلُوْمُ ع دعاء صوداست و مظلوم وَاِنْ کَانَ
فَاجِرًا ا ر مص در مسند امام احمد و بزار و مصنف ابی بکر است
واگرچه مظلوم فاسق باشد وَلَوْ کَانَ کَافِرًا حب ا
و در صحیح ابن حبان و مسند امام احمداست و اگرچه مظلوم
کافر بود در حدیث است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود سه دعایی شک مستجاب
کردد دعا مظلوم و دعاء مسافر و دعا والدین و لد خود
وَالْوَالِدُ د ت ق در سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه است
دیدید که برای فرزند خود دعا کند وَالْاِمَامُ الْعَادِلُ
ت ق حب در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است
و پادشاه عادل زیراکه عبادت او اکثر است که یک ساعت عدل
او از عبادت شصت سال غیری بهتر است پس نا چار این فضیلت دا

بیان آن کسانی که دعاء ایشان مستجاب شود ۱۳

بروایت

درخواست خدای تعالی بآفتاب عدل پادشاه ما جهان را همیشه
روشن کرداند سایه بلند و احسان او بر جهانیان دایم
کستراند تا دین و اسلام در پناه او قایم ماند شعر
ظلال دولتش ممدود بادا علی راس الوری بالطف بادا
وَالرَّجُلُ الصَّالِحُ خ م ق در بخاری و سنن ابن ماجه است بروا
بروایة ابوهریره و مرد صالح وَالْوَلَدُ الْبَارُّ بِوَالِدَیْهِ م ق
در مسلم و سنن ابن ماجه و فرزندی که فرمان بردار مادر و پدر
باشد وَالْمُسَافِرُ د ر ق در سنن ابی داود و مسند بزار و
سنن ابن ماجه است و مسافر وَالصَّائِمُ حِیْنَ یُفْطِرُ ت ق حب
در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و روزه دار
هنکامی که افطار کند در حدیث است بروایت ابوهریره رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود سه کس
باز نکردد روزه دار چون افطار کند و پادشاه عادل
و مظلوم وَالْمُسْلِمُ لِاَخِیْهِ بِظَهْرِ الْغَیْبِ م د مص در مسلم
و سنن ابی داود و مصنف ابوبکر است و مسلم که برادر خود مسلم
بغیبت دعا کند در حدیث است بروایت ابوالدرداء رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مرد مسلم مر مسلم را بغیبت
دعا قبول است نزد سر او فرشته موکل است چون او برادر
خود را دعا کند فرشته کوید مر ترا مثل این باد وَالْمُسْلِمُ ما لم

و سلم م

ویغتنم الدعاء عند الافطار ای عند الصوم فرضا کان او نفلا ۱۲ شرح مشارق الانوار

دعاء م

فرمود م

يَدْعُ بِظُلْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ أَوْ يَقُولُ دَعَوْتُ فَلَمْ أُجَبْ مص
در مصنف ابی بکر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
وسلم که برای خود دعا کند مادام که بظلم یا بریدن رحم
دعا نکند یا گوید دعا کردم پس اجابت نشد مادام که شتابی
نکند إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عُتَقَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لِكُلِّ عَبْدٍ
مِنْهُمْ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ أمد در مسند امام احمد وصحیح ابن خزیمة
است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که مر خدای
عز وجل را بندگان آزاد کانند از آتش در هر روز وشب
هر بنده را از ایشان دعائی مستجابست وَاِسْمُ اللهِ الْأَ
عْظَمُ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى
مس در صحیح مستدرک است بروایت سعد رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه فرمود نام خدای تعالی که اعظم
است آنکه چون بدان بخواند خدای تعالی قبول کند
و چون بدان بخواهند خدای تعالی بدهد وآن
اینست لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
نیست معبودی بحق جز خدای تعالی پروردگار
پاکیست مر ترا ای جهان دار بدرستی که هستم
از مردمان ستمکار وَاِسْمُ اللهِ تَعَالَى الْأَعْظَمُ الَّذِي
إِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى وَإِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ عه حب مس

اسم الله الاعظم

مس

إِسْمُ اللهِ الْأَعْظَم

در چهار سنن وصحیح ابن حبان ومستدرک حاکم ومسند
امام احمدست بروایت بریده رضی الله عنه که رسول صلی
الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اسم خدای تعالی که اعظم ست آنکه
چون بدان بخواهد بدهد وچون بدان بخوانند
قبول کند وآن اینست اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ
أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ای بار
خدایا از تو میخواهم بدین شهادت که بدرستی تو خدای
تعالی جز تو معبودی بحق نیست تو ئی یگانه بی شریک
خداوند جهانیان آنکه فرزندی نزاد وکسی او را نزاد
ومر او را هیچ همتائی نیست اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ
اللهُ إِلَى آخِرِهِ مص در مصنف ابی بکرست ابتداء دعاء
مذکور بدین عبارت دیگر در همه موقوف است وَاِسْمُ
اللهِ تَعَالَى الْعَظِيمُ الْأَعْظَم الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ
أَعْطَى عه حب مس ا مص در چهار سنن
وصحیح ابن حبان ومستدرک حاکم ومسند امام احمد و
مصنف ابی بکرست بروایة انس رضی الله عنه که رسول
الله صلی الله علیه وسلم فرمود اسم الله تعالی که عظیم است
آنکه چون بدان بخوانند اجابت کند وچون بخواهد

عه حب مس ا

بدهد فرق میان اجابت واعطا اینست که اجابت دال است
بر شرف و وجاهت داعی نزد مجیب وقضاء حاجت لازم
شامل است بخلاف اعطا و آن اسم اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ بِاَنَّ
لَکَ الْحَمْدُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ
اَلَّذِیْ بَدِیْعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
معنی اینست ای بار خدای بدرستی وراستی من از تو میخواهم
بدین که مر تراست جمیع ستایش جز تو معبود بحق نیست تو
تنهائی مر ترا شریک نیست تو مهربان بسیار دهنده تو نی
پیدا کننده آسمانها و زمین ای خداوند عظمت و کرامی یا حی
یا قیوم عه حب مس ا در چهار سنن وصحیح ابن حبان
ومستدرک حاکم ومسند امام احمد است که اسم اعظم دو اسم
مذکور است ای زنده ای پاینده وَاسْمُ اللّٰهِ الْاَعْظَمُ فِیْ هَاتَیْنِ
الْاٰیَتَیْنِ وَاِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
وَفَاتِحَةُ اٰلِ عِمْرَانَ الٓمّٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ د ت ق م
در سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجة ومصنف ابو بکر است
بروایة اسماء بنت یزید رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود اسم اعظم درین دو آیة مذکور است معنی آیة
اول اینست ومعبود شما یکی است جز خداوند تعالی معبودی
نیست خدای تعالی یکیست جز او معبودی نیست خداوند

تعالی

وعن ابی الدرداء انه قال صلی رسول الله صلی الله علیه وسلم العصر فوکلب فما لبثت یده ورجله حتی مات فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم من الداعی علی هذا الکلب فقال رجل انا یا رسول الله فقال لقد دعوت الله باسمه الاعظم الذی اذا دعی به اجاب واذا سئل به اعطی کیف دعوت فقال قلت اللهم انی اسالک بان لک الحمد لا اله الا انت المنان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام اکفنا هذا الکلب بما شئت رواه ابو بکر القطیعی فی شرح شرعة الاسلام از مولانا یعقوب چرخی

عه حب مس ا حصن حصین

خداوند تعالی بخشاینده است مهربانست معنی آیة دوم اینست

تعالی م

تعالی زنده و پاینده است وَاسْمُ اللّٰهِ الْاَعْظَمُ فِیْ ثَلٰثِ
سُوَرٍ الْبَقَرَةِ وَاٰلِ عِمْرَانَ وَطٰهٰ مس در صحیح مستدرک
بروایة ابی امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود واسم الله الاعظم در سه سورتها است
در سورة بقره وسورة آل عمران وسورة طه قال القاسم
فَالْتَمَسْتُهَا فَوَجَدْتُهَا اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ قاسم
الله گفته است که من این سه سورة را تفحص کردم یافتم
که آن اسم اعظم حی قیوم است که در هر سه سورة
مذکور است در بقرة اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ودر سورة
طه وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّوْمِ ودر کنز العباد است که کعب
الاحبار رضی الله عنه گفت چون عیسی علیه السلام خواستی
که مرده زنده شود دو کانه نماز گزاردی وحمد وثنا گفتی
واین اسماء خواندی یا حی یا قیوم یا الله یا رحمن یا ذا
الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا نُوْرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا
وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ قلت وعندی انه اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ جَمْعًا بَیْنَ الْحَدِیْثَیْنِ وَلِمَا رَوَیْنَا اِلَّا فِیْ
کِتَابِ الدُّعَاءِ لِلْوَاحِدِیْ عَنْ یُوْنُسَ بْنِ عَبْدِ الْاَعْلٰی وَاللّٰهُ
تَعَالٰی اَعْلَمُ مصنف رحمه الله گوید ونزد من آن اسم اعظم
اینست اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ از جهت جمع کردن میان

حکمت

رحمه

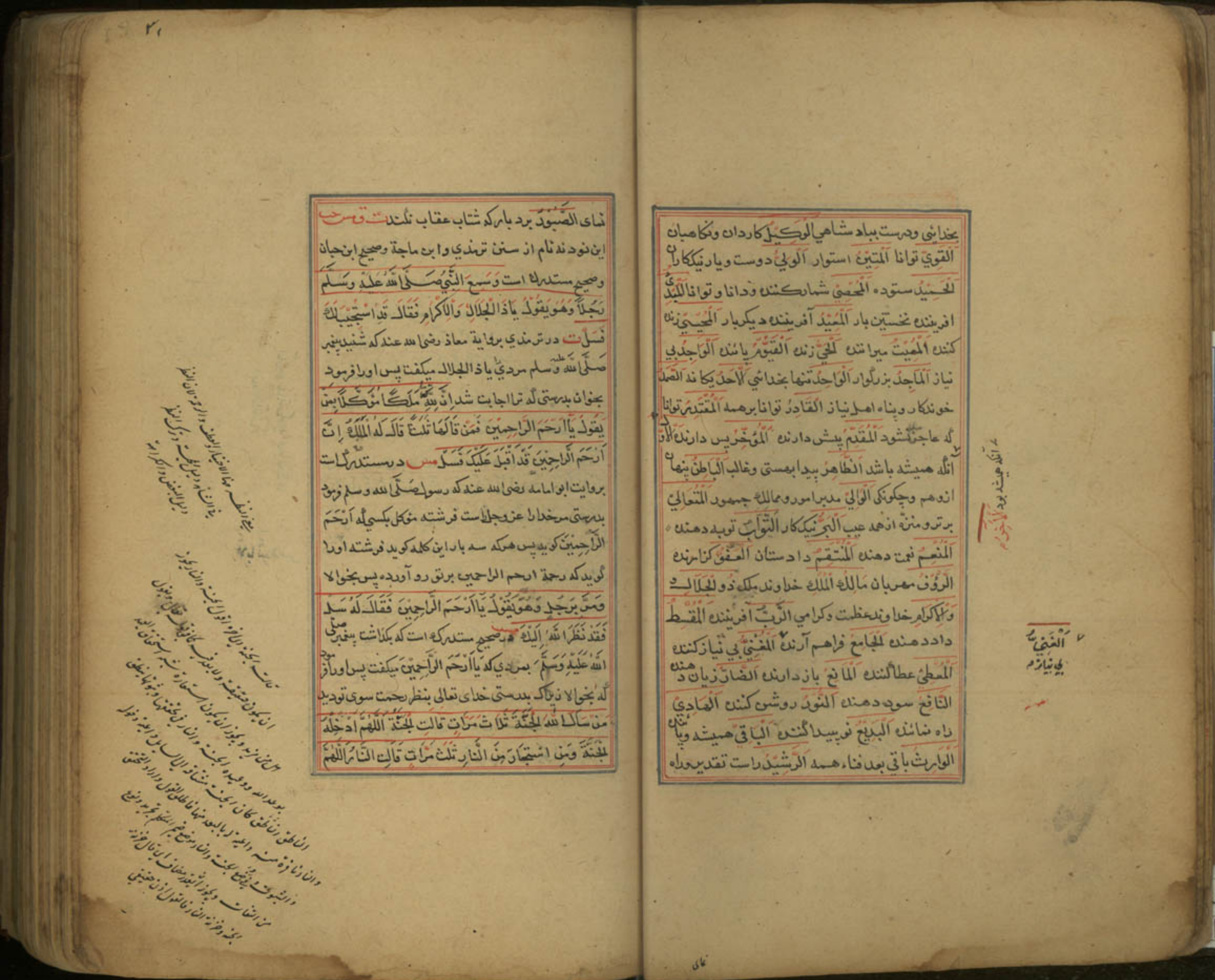
آل عمران الٓمّٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ودر سورة



دو حدیث واز حدیثی که روایت کرده ایم در کتاب دعا
مروالحدی را از یونس بن عبدالاعلی والله اعلم وَالْقَاسِمُ
هَذَا هُوَ ابْنُ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ الشَّامِيُّ التَّابِعِيُّ صَاحِبُ اَبِي اُمَامَةَ
الصَّدُوْقُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ وابن قاسم که مذکورست ابن عبد الرحمن
شامی تابعی ست صاحب ابی امامة باهلی رضی الله عنه
وَاَسْمَاءُ اللهِ تَعَالَى الْحُسْنَى اُمِرْنَا بِالدُّعَاءِ بِهَا تِسْعَةٌ
وَتِسْعُوْنَ اِسْمًا مَنْ اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ خ م ت س ق
در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن
ماجة است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود و نامهای خدای تعالی که حسنی اند
الله ما مامور یم که بدان دعا کنیم نود ونه نام اند هر که انرا
یاد دارد در بهشت رود لَا يَحْفَظُهَا اَحَدٌ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ خ
در بخاری است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یاد نکند
این اسما را هیچ یکی مگر که در اید در جنة هُوَ اللهُ الَّذِيْ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خداوند تعالی آن خدائی است که جز او هیچ معبود
بحق نیست الرَّحْمٰنُ بخشاینده وروزی دهنده الرَّحِيْمُ
بسیار بخشش و مهربان الْمَلِكُ پادشاه الْقُدُّوْسُ پاکیزه ومنزه
از نقص و حدوث السَّلَامُ خداوند سلامتی از همه آفات
ونقص الْمُؤْمِنُ تصدیق کننده رسل بحق وامان دهنده

خلق الْمُهَيْمِنُ نگاهدارنده الْعَزِيْزُ غالب بهمه و بی مثل الْجَبَّارُ
بزرگوار و مکار و راست آرنده کار الْمُتَكَبِّرُ تنهای بزرگواری
وبی نیاز از یاری الْخَالِقُ هست کننده الْبَارِئُ آفریدگار
الْمُصَوِّرُ صورت کننده الْغَفَّارُ آمرزنده الْقَهَّارُ شکننده
کامهای بندگان الْوَهَّابُ بخشنده الرَّزَّاقُ روزی دهنده
الْفَتَّاحُ کشاینده کارها الْعَلِيْمُ دانا بهمه چیز الْقَابِضُ
تنگ کننده روزی الْبَاسِطُ فراخ کننده روزی الْخَافِضُ فرو
اندازنده کفار در جحیم الرَّافِعُ برآرنده درجات مومنان
در نعیم الْمُعِزُّ عزیز کننده مومنان در نعیم الْمُذِلُّ خوار کننده
کافران السَّمِيْعُ شنوا الْبَصِيْرُ بینا الْحَكَمُ حکم کننده
بحق الْعَدْلُ داد دهنده اللَّطِيْفُ مهربان الْخَبِيْرُ آگاه
بهمه چیز الْحَلِيْمُ بردبار الْعَظِيْمُ بزرگ الْغَفُوْرُ
آمرزنده الشَّكُوْرُ سپاسدارنده الْعَلِيُّ برتر الْكَبِيْرُ بزرگ
الْحَفِيْظُ نگاهدارنده الْمُقِيْتُ توانا و فراخ دهنده الْحَسِيْبُ
بسنده کار الْجَلِيْلُ بزرگوار الْكَرِيْمُ کرم کننده الرَّقِيْبُ نگاهبان
الْمُجِيْبُ پاسخ دهنده الْوَاسِعُ فراخ عطا الْحَكِيْمُ درستکار
وراست گفتار واستوار الْوَدُوْدُ دوست دار مطیعان
الْمَجِيْدُ بزرگوار الْبَاعِثُ بر انگیزنده اموات و فرستنده رسل
الشَّهِيْدُ حاضر بهمه جا دانا بهمه چیز الْحَقُّ سزاوار

اسماء الله تعالى الحسنى التي من حفظها سبب دخول الجنة



بخدائی ودرست بباد شاهي الوكيل كاردان ونكاهبان
القوي توانا المتين استوار الولي دوست ويار نيككاران
الحميد ستوده المحصي شماركننده ودانا و توانا المبدئ
افريننده نخستين بار المعيد آفريننده ديكربار المحيي زنده
كننده المميت ميراننده الحي زنده القيوم پاينده الواجد بي
نياز الماجد بزركوار الواحد تنها بخدائي الاحد يكانه الصمد
خونذكار وپناه اهل نياز القادر توانا برهمه المقتدر توانا
كه عاجز نشود المقدم پيش دارنده المؤخر پس دارنده الاول
انكه هميشه باشد الظاهر پيدا بهستي وغالب الباطن پنهان
از وهم وچكونكی الوالي مدبر امور وممالك جمهور المتعالي
برتر ومنزه از همه عيب البر نيككار التواب توبه دهنده
المنعم نعمت دهنده المنتقم دادستان العفو كناه رهنده
الرؤف مهربان مالك الملك خداوند ملك ذو الجلال
والاكرام خداوند عظمت وكرامي الرب آفريننده المقسط
داد دهنده الجامع فراهم آرنده الغني بي نياز كننده
المعطي عطا كننده المانع باز دارنده الضار زيان دهنده
النافع سود دهنده النور روشن كننده الهادي
راه نماينده البديع نو پيدا كننده الباقي هميشه وپاينده
الوارث باقي بعد فنا همه الرشيد راست تقدير راه

نمای الصبور برد بار كه شتاب عقاب نكند ت ق س ح
اين نود ونه نام از سنن ترمذي وابن ماجة وصحيح ابن حبان
وصحيح مستدرك است وسمع النبي صلى الله عليه وسلم
رجلا وهو يقول يا ذا الجلال والاكرام فقال قد استجيب لك
فسل ت در ترمذي بروايت معاذ رضي الله عنه كه شنيد پيغمبر
صلى الله عليه وسلم مردي يا ذا الجلال ميكفت پس اورا فرمود
بخوان بدرستی كه ترا اجابت شد ان لله ملكا موكلا بمن
يقول يا ارحم الراحمين فمن قالها ثلثا قال له الملك ان
ارحم الراحمين قد اقبل عليك فسل مس در مستدرك است
بروايت ابو امامه رضي الله عنه كه رسول صلى الله وسلم فرمود
بدرستی مر خدا را عز وجل است فرشته موكل بكسي كه ارحم
الراحمين كويد پس هركه سه بار اين كلمه كويد فرشته اورا
كويد كه رحمة ارحم الراحمين بر تو رو آورده پس بخواه
ومر برجل وهو يقول يا ارحم الراحمين فقال له سل
فقد نظر الله اليك مس صحيح مستدرك است كه بكذاشت پيغمبر صلى
الله عليه وسلم بمردي كه يا ارحم الراحمين ميكفت پس اورا فرمود
كه بخواه زيراك بدرستی خداي تعالى بنظر رحمت سوي تو ديد
من سال الله الجنة ثلاث مرات قالت الجنة اللهم ادخله
الجنة ومن استجار من النار ثلث مرات قالت النار اللهم

الغني بي نيازم

أَجِرْهُ مِنَ النَّارِ ت س ق حب مس در سنن ترمذي ونسائي وابن
ماجة وصحيح ابن حبان ومستدرك است بروايت انس رضي الله
عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه از خداى تعالى سه
بار بهشت بخواهد بهشت كويد اى بار خدا يا اين را در بهشت
در آر وهر كه سه بار از آتش امان ده مرد عابُ لاه الكلا
لِلْخَمْسِ لَمْ يَسْأَلِ اللّٰهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ طس در معجم كبير
واوسط است بروايت معاوية رضي الله عنه كه رسول صلى
الله عليه وسلم فرمود هر كه دعا كند بدين پنج كلمه نخوا هد
از خداى تعالى چيزى را مگر كه بدهد او را آن پنج كلمه اينست
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ نيست معبود بحق جز خداى تعالى عز وجل كه تنهايى شريك
لست مراو راست ملك و ستايش و نيست حيله بر ترك معاصي
و قدرت قوة بر طاعت جز بدو تعالى الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى إِجَابَةِ
الدُّعَاءِ اين شروع است درين كه بر اجابت دعا حمد گويند
مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَرَفَ الْإِجَابَةَ مِنْ نَفْسِهِ فَشُفِيَ
مِنْ مَرَضٍ أَوْ قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ أَنْ يَقُولَ مس ي در صحيح مستدرك
و كتاب عمل اليوم والليلة ابن سني است بروايت عائشه
كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود چون يكى از شما از

للاجابة

این شروع است درین که براجابت دعا حمد گوید

خود اجابت را بداند بدين كه از رحمتى شفا يافت يا از سفرى
رسيد او را چه چيز باز ميدارد كه كويد الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
بِعِزَّتِهِ وَجَلَالِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ مس ي سپاس مر خدا را
كه بعزت وبعظمت او تمام شود كارهاى نيك الَّذِي يُقَالُ في
صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَائِهِ اين بيان آنچه بكويند در بامداد
هر روز ودر شبانگاه بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ لَمْ
يُصِبْهُ فَجْأَةُ بَلَاءٍ عه حب مس مص در چهار سنن وصحيح
ابن حبان ومستدرك است ومصنف ابو بكر است بروايت عثمان
رضي الله عنه كه سه كان بار در بامداد وشبانگاه دعاء
مذكور كويد معنى اينست اى بنام خداى كه زيان نكند با نام
او هيچ چيزى در زمين وآسمان خداوند تعالى شنواست
داناست در حديث است هر كه صباح ومساء هر روز دعا
مذكور كويد او را ناكاه بلا نرسد ودر روايت است كه او را
چيزى زيان نكند أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
طس در معجم اوسط است بروايةً ابو هريره كه در بامداد و
شبانگاه دعاء مذكور كويد معنى اينست پناه ميجويم بكلمات
خداى تعالى كه تمام است از بدى خلق مراد ازين كلمات معوذ
تين است وبعضى كويند تمام قرآن است وَفِي الْمَسَاءِ فقط م عه طس

الذي يقال في صباح كل يوم ومسائه

در مسلم وجهار سنن ومعجم اوسط است بروایة ابو هریره رضی الله عنه
که آنجه در شبانگاه کوید فحسب ثلث مرات ت مي ي در تر
مذي ومسند دارمي وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سني است
بروایت معقل بن یسار رضی الله عنه که سه بار کوید اعوذ
بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ثلث مرات ت مي
در ترمذی است ومسند دارمي است که کلمات مذکوره سه بار
کوید در شبانگاه معنی اینست پناه میجویم بخدای عز وجل
که شنوا است دانا است از شیطان رانده شده هو الله الذی لا اله
الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله
الذي لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباریٔ المصور له الاسماء الحسنی یسبح
له ما في السموات والارض وهو العزیز الحکیم ت ي
در ترمذی ومسند دارمي وکتاب عمل الیوم واللیل ابن
سني است که این سه آیة آخر سورة حشر بخواند معني
ایات اینست خداوند تعالی خدائي است که معبود بحق جز
او نیست داننده غیب وحضور است خداوند تعالی رحمن
ورحیم است خداوند تعالی آن خدائیست که جز او معبود
بحق نیست آنکه پادشاه است پاکست خداوند سلامتی است

امان دهنده است نگاهبانست غالب است راست آرنده کارهاست
بزرگوار است پاکیست مر خدای تعالی را از آنجه شرک می آرندکا فران
خداوند تعالی راست نامهای نیک بپاکی یاد میکنند مر خداوند تعالی را
آنجه در آسمانها و زمینهاست وخداوند تعالی غالب و استوار
کار است قل هو الله احد ثلث مرات قل اعوذ برب الفلق ثلث مرات
قل اعوذ برب الناس ثلث مرات د ت س ي در سنن ابی
داود وترمذي ونسائي وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سني است
بروایت عبد الله بن خبیب رضی الله عنه که این سه قل سه بار
بخواند در حدیث است که رسول صلی الله علیه وسلم عبد الله
را فرمود که شبانگاه وبامداد این را بخوان ترا از هر جیز
بسنده خواهد بود فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون
وله الحمد في السموات والارض وعشیا وحین تظهرون
یخرج الحي من المیت ویخرج المیت من الحي ویحیي الارض بعد
موتها وکذلک تخرجون د ي در سنن ابی داود وکتاب
عمل الیوم واللیل ابن سني است بروایة ابن عباس رضی الله عنهما
که این سه آیة بخواند در حدیث است که رسول صلی الله
اصحاب را فرمود نه شما را خبر کنم که خدای تعالی ابراهیم
علیه السلام را برای جه خلیل نامید گفتند خبر کن
ای رسول خدا فرمود از جهت آنکه او هر شبانگاه وبامداد

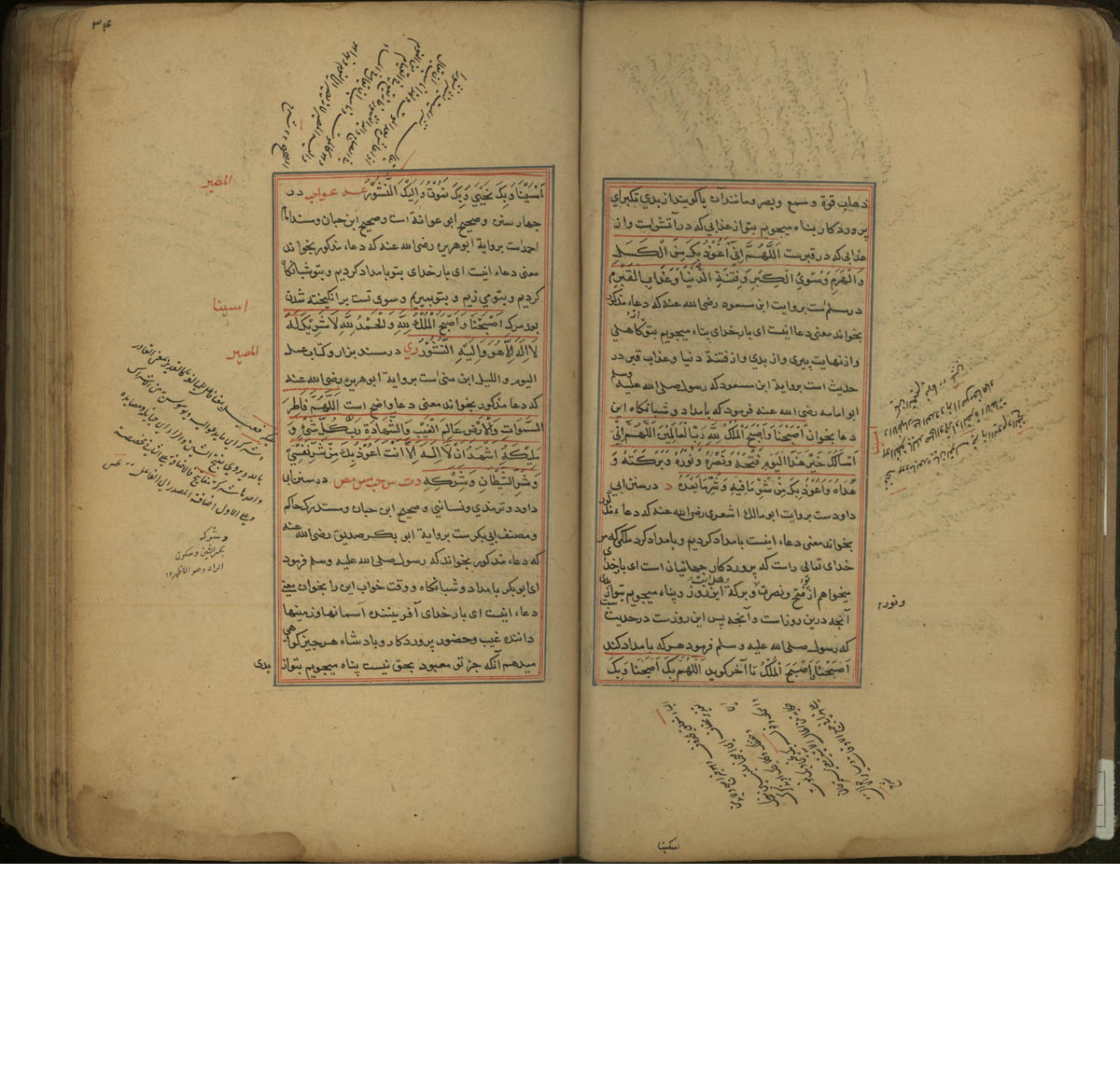
خداوند تعالی هست کننده آفریدگار
وصورت کننده ست

آراد به
صلوة العصر
والمغرب



فسبحان الله حین تمسون تا آخر میگفت معنی آیات اینست
پس بپاکی یاد کنید مر خدای تعالی را وقتی که شمان شبانگاه
کنید یعنی نماز مغرب و عشاء گذارید و وقتی که شمان بامداد
کنید یعنی نماز بامداد کنید و مر خداوند تعالی راست حمد
در آسمانها و زمین و در وقت عصر و هنگام ظهر یعنی وقتی
که عصر و ظهر گذارید بیرون می آرد خداوند تعالی زنده را
از مرده چنانچه مرغ را از بیضه و مسلم از کافر و بیرون
می آرد مرده را از زنده چنانچه بیضه را از مرغ و کافر را از
مسلم و زنده میکرداند خداوند تعالی زمین را بعد مردن
و همچنان شمانرا هم بعد مردن زنده کنند و از گورها بیرون
آرد الله لا اله الا هو الحی القیوم آیة الکرسی ط در معجم
کبیر است بروایت ابی بن کعب رضی الله عنه که آیة الکرسی
بخواند و آیة الکرسی والآیة من اول سورة غافر الی الیه
المصیر ت حب در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان
است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که آیة الکرسی و اول
آیة سورة غافر الذنب تا الیه المصیر بخواند و آن آیه
ترمذی اینست حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم
غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا
اله الا هو الیه المصیر ای تنزیل کتابست از خدای تعالی

عزّ وجلّ که غالب است داناست آمرزنده گناهست و قبول
کننده توبه است عقاب او سخت است خداوند فضل است
هیچ معبود بحق جز خداوند تعالی نیست سوی اوست بازگشت
خلق در حدیث است هر که این دو آیه بامداد خواند
تا شبانگاه محفوظ ماند اصبحنا واصبح الملک لله والحمد لله
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل
شیء قدیر رب اسالک خیر ما فی هذا الیوم وخیر ما بعده
واعوذ بک من شر ما فی هذا الیوم وشر ما بعده رب اعوذ
بک من الکسل وسوء الکبر رب اعوذ بک من عذاب
فی النار وعذاب فی القبر م د ت س مص در مسلم
و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و مصنف ابو بکر است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند
معنی اینست بامداد کردیم و بامداد کرد ملکی که مر خدای
تعالی راست معبود بحق جز خداوند تعالی نیست خداوند
تنهاست بی شریک مر او راست همه ملک و مر او راست حمد
و او تواناست بر همه چیز ای پروردگار میخواهم از تو
بهترین آنچه درین روز است و پناه میجویم بتو از بدی
آنچه درین روز است و بدی آنچه پس این روز است ای پروردگار
پناه میجویم بتو از کاهلی و از بدی پیری یعنی از



ذهاب قوة و سمع وبصر وما نند آن یا گویند از بدی تکبرای
پروردگار پناه میجویم بتو از عذابی که در آتش است و از
عذابی که در قبر است اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْکَسَلِ
وَالْهَرَمِ وَسُوْءِ الْکِبَرِ وَفِتْنَةِ الدُّنْیَا وَعَذَابِ الْقَبْرِ م
در مسلم است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که دعاء مذکور
بخواند معنی دعا اینست ای بارخدای پناه میجویم بتو از کاهلی
واز نهایت پیری واز بدی واز فتنهٔ دنیا وعذاب قبر در
حدیث است بروایهٔ ابن مسعود که رسول صلی الله علیه وسلم
ابو امامه رضی الله عنه فرمود که بامداد و شبانگاه این
دعا بخوان اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْکُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْاَلُکَ خَیْرَ هٰذَا الْیَوْمِ فَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُوْرَهُ وَبَرَکَتَهُ وَ
هُدَاهُ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا فِیْهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ د در سنن ابی
داود است بروایت ابو مالک اشعری رضی الله عنه که دعاء مذکور
بخواند معنی دعاء اینست بامداد کردیم و بامداد کرد ملکی که مر
خدای تعالی راست که پروردگار جهانیان است ای بارخدای
میخواهم از فتح ونصرت ونور وبرکت وهدایت این روز و پناه میجویم بتو از بدی
آنچه درین روز است و آنچه پس این روز است در حدیث
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بامداد کند
اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْکُ تا آخر گوید اَللّٰهُمَّ بِکَ اَصْبَحْنَا وَبِکَ

ونوره

اَمْسَیْنَا وَبِکَ نَحْیٰی وَبِکَ نَمُوْتُ وَاِلَیْکَ النُّشُوْرُ عه عوابه د در
چهار سنن و صحیح ابی عوانه است و صحیح ابن حبان و مسند امام
احمد است بروایهٔ ابو هریره رضی الله عنه که دعاء مذکور بخوانند
معنی دعاء اینست ای بارخدای بتو بامداد کردیم و بتو شبانگاه
کردیم و بتو می زییم و بتو بمیریم و سوی تست برانگیخته شدن
بعد مرگ اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْکُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِیْکَ لَهُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاِلَیْهِ النُّشُوْرُ ری در مسند بزار و کتاب عمل
الیوم واللیل ابن سنی است بروایهٔ ابو هریره رضی الله عنه
که دعا مذکور بخوانند معنی دعا واضح است اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ کُلِّ شَیْءٍ وَ
مَلِیْکَهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ
وَشَرِّ الشَّیْطَانِ وَشِرْکِهِ د ت س حب مس مص در سنن ابی
داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم
و مصنف ابی بکر است بروایهٔ ابو بکر صدیق رضی الله عنه
که دعاء مذکور بخواند که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
ای ابو بکر بامداد و شبانگاه و وقت خواب این را بخوان معنی
دعاء اینست ای بارخدای آفریننده آسمانها و زمینها
داننده غیب وحضور پروردگار و پادشاه هر چیز گواهی
میدهم آنکه جز تو معبود بحق نیست پناه میجویم بتو از

المصیر

امسینا

المصیر

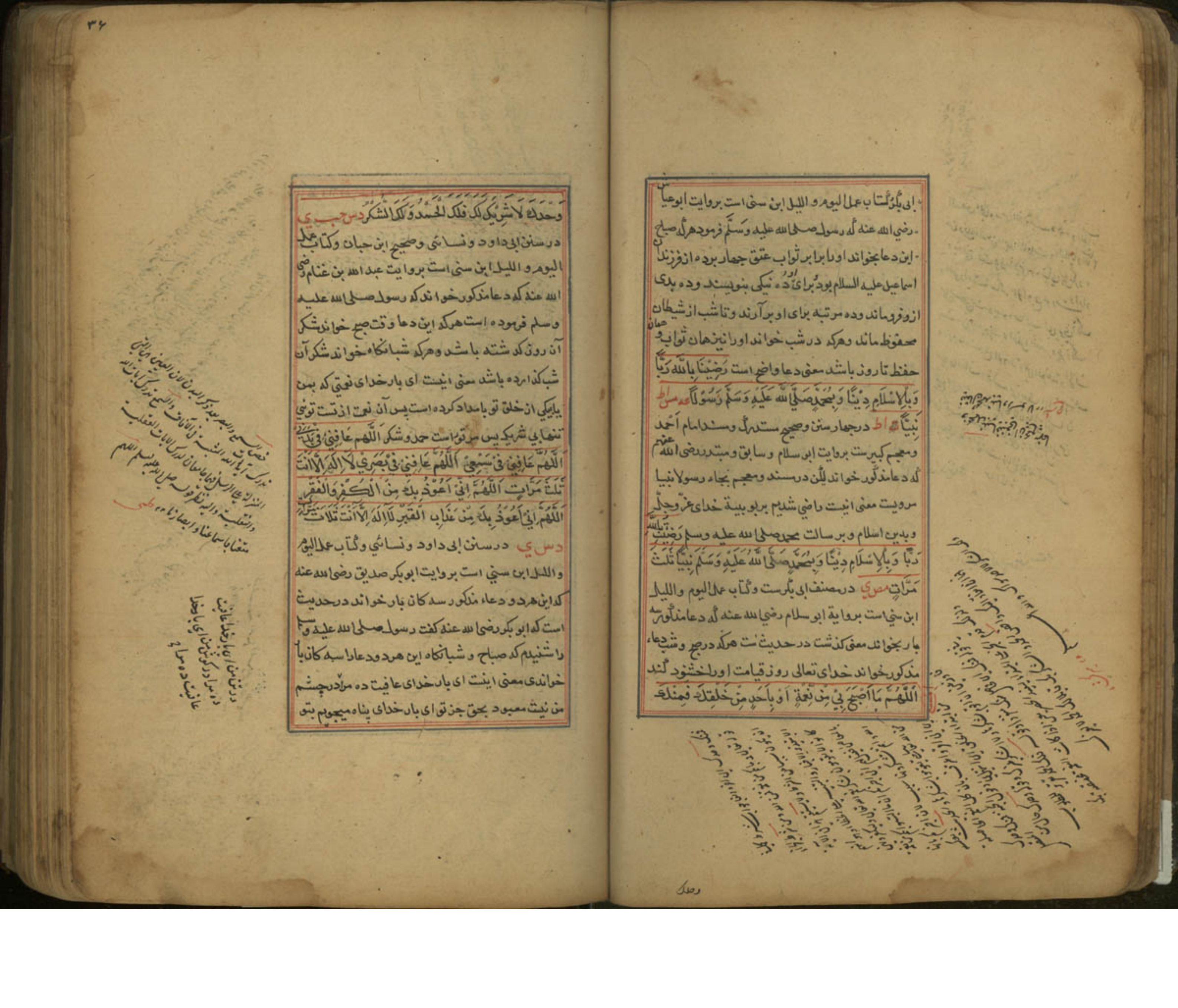
نفس خود واز بدي شيطان ودام او يا از شرك او وَاَنْ
نَقْتَرِفَ عَلَىٰ اَنْفُسِنَا سُوْءً اَوْ نَجُرَّهُ اِلَىٰ مُسْلِمٍ ت در ترمذي اين
كلمات زائدست معني اينست وپناه ميجويم بتو ازين كه
بر نفس خود كسب بدي كنيم يا بدي را سوي مسلم بكشيم اَللّٰهُمَّ
اِنِّيْ اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ وَاُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ
وَجَمِيْعَ خَلْقِكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ
لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ طس ت در معجم اوسط
وسنن ترمذيست بروايت انس رضي الله عنه كه دعا مذكور
بخواند معني دعا اينست اي بار خداي بدرستي كه من بامداد
كردم درين حال كه گواهي ميكنم حمله عرش را وفرشتگان و
جميع خلق را گواه ميكنم بدين كه تو خدائي جز تو معبود
بحق نيست وبدين كه محمد صلي الله عليه وسلم بنده و
رسول تست در حديث است هر كه اين دعا صبحگاه خواند
گناه آن روز مغفور گردد وهر كه شبانگاه خواند گناه آن
شب مغفور گردد اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ وَاُشْهِدُ
حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيْعَ خَلْقِكَ اِنَّكَ اَنْتَ
اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
وَرَسُوْلُكَ اَرْبَعَ مَرَّاتٍ د ت س در سنن ابي داود وترمذي
ونسائي است بروايت انس رضي الله عنه كه دعا مذكور

بايد بخواند معني دعا اين است اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ الْعَافِيَةَ
فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ
فِيْ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ وَاَهْلِيْ وَمَالِيْ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِيْ وَ
اٰمِنْ رَوْعَتِيْ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِيْ
وَعَنْ يَمِيْنِيْ وَعَنْ شِمَالِيْ وَمِنْ فَوْقِيْ وَاَعُوْذُ بِعَظَمَتِكَ اَنْ اُغْتَالَ
مِنْ تَحْتِيْ د ق س حب مس مص در سنن ابي داود
وابن ماجة ونسائي وصحيح ابن حبان وصحيح مستدرك
ومصنف ابو بكرست بروايت ابن عمر رضي الله عنهما كه رسول
صلي الله عليه وسلم اين دعا را هيچ صباح وشبانگاه ترك
نميكرد معني دعا اينست اي بار خداي از تو عفو وعافيت
در دنيا ودر آخرت ميخواهم اي بار خداي از تو عفو وعافيت
در دنيا واهل ومال خود ميخواهم اي بار خداي عيب من
بپوش وخوف مرا ايمن گردان اي بار خداي نگاهدار مرا
از بلائي كه پيش من است واز بلائي كه راست من است و
پناه از بلائي كه چپ من است واز بلائي كه بالاء من است
وپناه ميجويم بعظمت تو كه از زير خود فرو برده شوم در زمين
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ
وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ د س ق
مص ي در سنن ابي داود ونسائي وابن ماجة ومصنف

الْعَفْوُ التَّجَاوُزُ مِنَ الذُّنُوْبِ ونحوه والعافية
من دفاع الله عن العبد الآفات والبلايا والاسقام
ويندرج تحت قوله في ديني ودنياي كل مكروه
والعورات ساكنة الواو جمع عورة واراد
منه من العيوب والخلل والتقصير وغير ذلك
كل ما يستحيي منه ويسوء صاحبه اي يري ذلك
والروعات جمع الروعة وهي الفزعة والخوف
ايما ما اخاف دخوله من بين يدي الي آخره استوعب
جميع الجهات بحذافيرها لان ما يلحق الانسان
من نكبة وفتنة فانما يلحقه ويصل اليه من
احدي هذه الجهات وبالغ في جهة السفل
لرداءة آفاته طي

در دين و

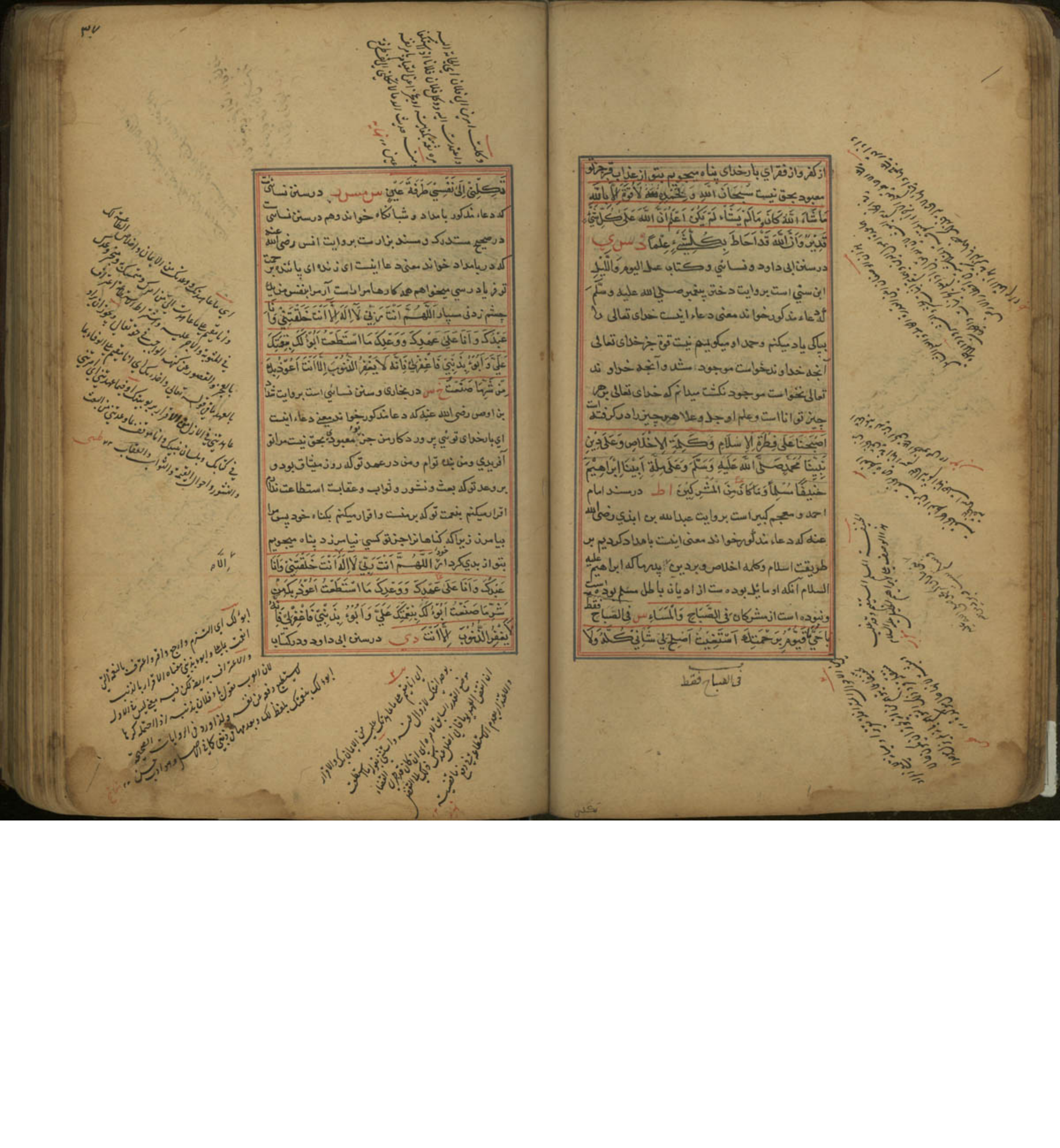
واز بلائي كه پس من است م



ابی بکر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابو عیاش
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که صبح
این دعا بخواند او را برابر ثواب عتق چهار برده از فرزند
اسماعیل علیه السلام بود برای او ده نیکی بنویسند و ده بدی
از و فرو ماند و ده مرتبه برای او بر آرند و تا شب از شیطان
محفوظ ماند و هر که در شب خواند او را نیز همان ثواب و
حفظ تا روز باشد معنی دعا واضح است رَضِينَا بِاللهِ رَبًّا
وَبِالْإِسْلَامِ دِيْنًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَسُوْلًا عه مس اط
نَبِيًّا عه اط در چهار سنن و صحیح مستدرک و مسند امام احمد
و معجم کبیر ست بروایت ابی سلام و سابق و منذر رضی الله عنهم
که دعا مذکور خواند لیکن در مسند و معجم بجای رسولا نبیا
مرویست معنی اینست راضی شدیم بربوبیة خدای عز و جل
و بدین اسلام و برسالت محمد صلی الله علیه وسلم رَضِيْتُ بِاللهِ
رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِيْنًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا ثَلٰثَ
مَرَّاتٍ مص ي در مصنف ابی بکر ست و کتاب عمل الیوم و اللیل
ابن سنی است بروایة ابو سلام رضی الله عنه که دعا مذکور سه
بار بخواند معنی گذشت در حدیث است هر که در صبح و شب دعاء
مذکور خواند خدای تعالی روز قیامت او را خشنود کند
اَللّٰهُمَّ مَا اَصْبَحَ بِيْ مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ بِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ

وحدك

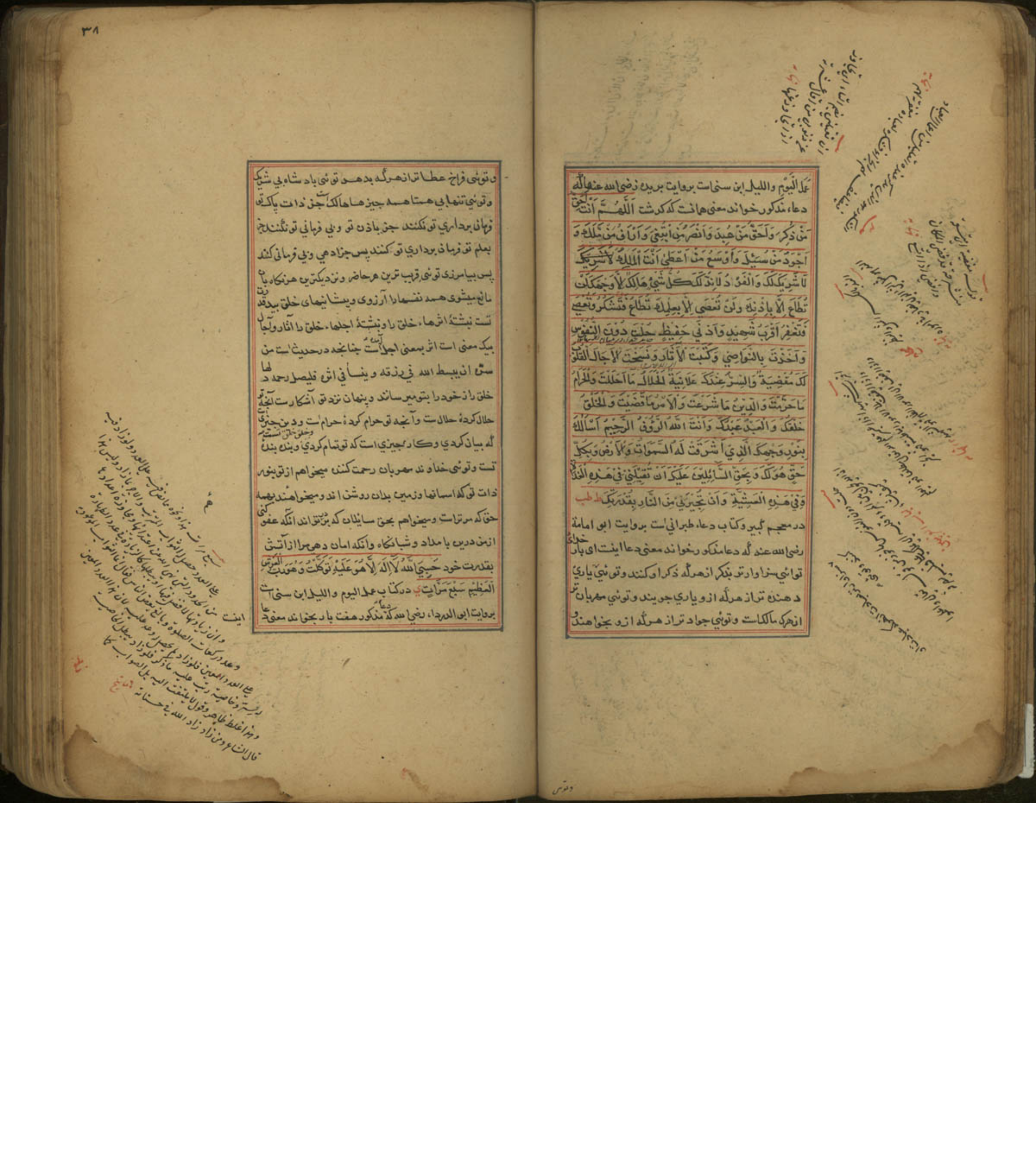
وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ د س حب ي
در سنن ابی داود و نسائی و صحیح ابن حبان و کتاب عمل
الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت عبد الله بن غنام رضی
الله عنه که دعا مذکور خواند که رسول صلی الله علیه
وسلم فرموده است هر که این دعا وقت صبح خواند شکر
آن روز گذشته باشد و هر که شبانگاه خواند شکر آن
شب گذارده باشد معنی اینست ای بارخدای نعمتی که بمن
یا بیکی از خلق تو بامداد کرده است پس آن نعمت از تست تو بی
تنها بی شریک پس مر تراست حمد و شکر اَللّٰهُمَّ عَافِنِيْ فِيْ بَدَنِيْ
اَللّٰهُمَّ عَافِنِيْ فِيْ سَمْعِيْ اَللّٰهُمَّ عَافِنِيْ فِيْ بَصَرِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ
د س ي در سنن ابی داود و نسائی و کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی است بروایت ابو بکر صدیق رضی الله عنه
که این هر دو دعاء مذکور سه گان بار خواند در حدیث
است که ابو بکر رضی الله عنه گفت رسول صلی الله علیه وسلم
را شنیدم که صباح و شبانگاه این هر دو دعا را سه گانه با
خواندی معنی اینست ای بارخدای عافیت ده مرا در چشم
من نیست معبود بحق جز تو ای بارخدای پناه میجویم بتو



از کفر واز فقر ای بار خدای پناه میجویم بتو از عذاب قبر تو
معبود بحق نیست سبحان الله و بحمده لا قوة الا بالله
ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن اعلم ان الله علی کل شیء
قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما د س ی
در سنن ابی داود و نسائی و کتاب عمل الیوم واللیلة
ابن سنی است بروایت دختر پیغمبر صلی الله علیه و سلم
که دعاء مذکور خواند معنی دعاء اینست خدای تعالی را
بپاکی یاد میکنم و حمد او میگویم نیست قوة جز خدای تعالی
آنچه خدا و ند خواست موجود شد و آنچه خداوند
تعالی نخواست موجود نگشت میدانم که خدای تعالی بر همه
چیز توانا است و علم او جل وعلا همه چیز را در گرفته است
اصبحنا علی فطرة الاسلام و کلمة الاخلاص وعلی دین
نبینا محمد صلی الله علیه و سلم وعلی ملة ابینا ابراهیم
حنیفا مسلما وما کان من المشرکین ا ط در مسند امام
احمد و معجم کبیر است بروایت عبد الله بن ابزی رضی الله
عنه که دعاء مذکور خواند معنی اینست بامداد کردیم بر
طریقت اسلام و کلمه اخلاص و بر دین پیغمبر ما که ابراهیم علیه
السلام آنکه او مائل بوده است از ادیان باطل مسلم بوده است
و نبوده است از مشرکان فی الصباح والمساء س فی الصباح فقط
یا حی یا قیوم برحمتك استغیث اصلح لی شأنی کله ولا

فی الصباح فقط

تکلنی الی نفسی طرفة عین س مس ب در سنن نسائی است
که دعاء مذکور بامداد و شبانگاه خواند وهم در سنن نسائی
در صحیح مستدرک و مسند بزار است بروایت انس رضی الله عنه
که در بامداد خواند معنی دعا اینست ای زنده ای پاینده برحمت
تو فریاد رسی میخواهم همه کارها مرا راست آر مرا بنفس من یک
چشم زدن سپار اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی وانا
عبدك وانا علی عهدك ووعدك ما استطعت ابوء لك بنعمتك
علی وابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت اعوذ بك
من شر ما صنعت خ س در بخاری و سنن نسائی است بروایت شداد
بن اوس رضی الله عنه که دعا مذکور خواند معنی دعاء اینست
ای بار خدای تو ئی پروردگار من جز تو معبودی بحق نیست مرا تو
آفریدی و من بنده توام و من در عهد تو که روز میثاق بودیم
بر وعده تو که بعث و نشور و ثواب و عقاب است استطاعت خود
اقرار میکنم بنعمت تو که بر منست و اقرار میکنم بگناه خود پس مرا
بیامرز زیرا که گناهان را جز تو کسی نیامرزد پناه میجویم
بتو از بدی کردار خود اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی وانا
عبدك وانا علی عهدك ووعدك ما استطعت اعوذ بك من
شر ما صنعت ابوء لك بنعمتك علی وابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا
یغفر الذنوب الا انت د ی در سنن ابی داود و در کتاب



عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت بریده رضی الله عنه که
دعاء مذکور خوانند معنی همانست که گذشت اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَحَقُّ
مَنْ ذُکِرَ وَاَحَقُّ مَنْ عُبِدَ وَاَنْصَرُ مَنِ ابْتُغِیَ وَاَرْاَفُ مَنْ مَلَکَ وَ
اَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰی اَنْتَ الْمَلِکُ لَا شَرِیکَ
لَا شَرِیکَ لَکَ وَالْفَرْدُ لَا نِدَّ لَکَ کُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ اِلَّا وَجْهَکَ لَنْ
تُطَاعَ اِلَّا بِاِذْنِکَ وَلَنْ تُعْصٰی اِلَّا بِعِلْمِکَ تُطَاعُ فَتَشْکُرُ وَتُعْصٰی
فَتَغْفِرُ اَقْرَبُ شَهِیدٍ وَاَدْنٰی حَفِیظٍ حُلْتَ دُونَ النُّفُوسِ
وَاَخَذْتَ بِالنَّوَاصِی وَکَتَبْتَ الْآثَارَ وَنَسَخْتَ الْآجَالَ الْقُلُوبُ
لَکَ مُفْضِیَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَکَ عَلَانِیَةٌ اَلْحَلَالُ مَا اَحْلَلْتَ وَالْحَرَامُ
مَا حَرَّمْتَ وَالدِّینُ مَا شَرَعْتَ وَالْاَمْرُ مَا قَضَیْتَ وَالْخَلْقُ
خَلْقُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَاَنْتَ اللّٰهُ الرَّؤُوفُ الرَّحِیمُ اَسْاَلُکَ
بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَبِکُلِّ
حَقٍّ هُوَ لَکَ وَبِحَقِّ السَّائِلِینَ عَلَیْکَ اَنْ تُقِیلَنِی فِی هٰذِهِ الْغَدَاةِ
وَفِی هٰذِهِ الْعَشِیَّةِ وَاَنْ تُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِکَ طب
در معجم کبیر وکتاب دعاء طبرانی است بروایت ابو امامة
رضی الله عنه که دعا مذکور خوانند معنی دعا اینست ای بار خدای
توئی سزاوار تر بذکر انهرکه ذکر او کنند وتوئی یاری
دهنده تر از هرکه ازو یاری جویند وتوئی مهربان تر
انهرکه مالکاست وتوئی جواد تر از هرکه ازو بخواهند و

ی توئی فراخ عطا تر انهرکه بدهد توئی پادشاه بی شریک
وتوئی تنها بی همتا همه چیزها هالکست جز ذات پاک تو
فرمان برداری تو نکنند جز باذن تو و بی فرمانی تو نکنند جز
بعلم تو فرمان برداری تو کنند پس جزا دهی و بی فرمانی کنند
پس بیامرزی توئی قریب ترین هر حاضر ونزدیکترین هر نگاه بان
مانع میشوی همه نفسها را آرزوی وپیشانیهای خلق بیدقدرت
تست نبشته اثرها خلق را ونبشته اجلها خلق را آثار وآجال
بیک معنی است اثر بمعنی اجل است چنانچه در حدیث است من
سره ان یبسط الله فی رزقه وینسأ فی اثره فلیصل رحمه دلها
خلق را از خود را بتو میرسانند وپنهان نزد تو آشکار است آنچه تو
حلال کرده حلال است وآنچه تو حرام کرده حرام است ودین چیزی است
که بیان کردی وکار چیزی است که تو تمام کردی وخلق خلق تست وبنده بنده
تست وتوئی خداوند مهربان رحمت کننده میخواهم از تو بنور
ذات تو که آسمانها وزمین بدان روشن اند ومیخواهند بهمه
حقی که مر تراست ومیخواهم بحق سائلان که بر تو اند آنکه عفو کنی
از من درین بامداد وشبانگاه وآنکه امان دهی مرا از آتش
بقدرت خود حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِیمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ ی در کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت ابی الدرداء رضی الله که دعاء مذکور هفت بار بخوانند معنی دعا

بستده است مرا خدای که جز او معبود نیست بحق خدای ند تعالی
توکل کردم و خداوند تعالی پروردگار عرش عظیم است
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ س حب ط ی در سنن نسائی و صحیح
ابن حبان و مسند امام احمد و موطا بروایت ابو ایوب رضی الله عنه
و در کتاب عمل الیوم و اللیله ابن سنی است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که دعا مذکور ده بار بخواند معنی دعا واضح است سُبْحَانَ
اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ م د ت س مس حب عو
در مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک
و صحیح ابن حبان و صحیح ابو عوانه است که تسبیح مذکور صد بار
گوید معنی تسبیح گذشت سُبْحَانَ اللّٰهِ مِائَةَ مَرَّةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِائَةَ
مَرَّةٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِائَةَ مَرَّةٍ اَللّٰهُ اَكْبَرُ مِائَةَ مَرَّةٍ ت در سنن
ترمذی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که صد بار سبحان
الله گوید صد بار الحمد لله گوید صد بار لا اله الا الله صد بار
الله اکبر گوید وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَشْرَ مَرَّاتٍ ط در معجم کبیر است بروایة ابو الدرداء رضی
الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم ده بار درود
گوید وَاِنِ ابْتُلِيَ بِهَمٍّ اَوْ دَيْنٍ فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَاَعُوذُ

بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ
د در سنن ابی داود است بروایت ابو سعید خدری رضی الله
عنه اگر بهمی یا دینی مبتلی باشد پس گو که دعا مذکور گوید
معنی اینست ای بار خدای پناه میجویم بتو از غلبه هم و حزن
و پناه میجویم بتو از عجز و کاهلی و پناه میجویم بتو
از بددلی و بخل و پناه میجویم بتو از غلبه دین و قهر مردمان
یعنی از قهر و جور سلطان و فرق میان هم و حزن اینست
که هم در کاری پیش آمده است و حزن در کاری واقع
اِلٰى هُنَا يُقَالُ فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ جَمِيعًا وَلٰكِنْ يُقَالُ فِي الْمَسَاءِ
مَكَانَ اَصْبَحَ اَمْسٰى وَمَكَانَ هٰذَا الْيَوْمِ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَمَكَانَ
التَّذْكِيرِ التَّاْنِيثَ وَمَكَانَ النُّشُورِ الْمَصِيرَ كَمَا اَثْبَتْنَاهُ
بِالْحُمْرَةِ فَوْقَ كُلِّ كَلِمَةٍ تا اینجا در بامداد و شبانگاه
بجای اصبح امسی گویند و بجای هذا الیوم هذه اللیله گویند
و بجای تذکیر تانیث گویند و بجای النشور المصیر گویند
چنانچه بالای هر کلمه بسرخی نبشتیم وَيَزِيدُ فِي الْمَسَاءِ فَقَطْ
اَمْسَيْنَا وَاَمْسَى الْمُلْكُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ الَّذِي يُمْسِكُ
السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَاَ وَبَرَاَ
ط در معجم کبیر است که در شبانگاه دعا مذکور زیادت
کنند معنی اینست شب کردیم و شب کرد جمیع ملکی که مر خدای



عزوجل راست وجميع سپاس مرخداى تعالى راست بخداى
كه باز ميدارد آسمانرا از افتادن بر زمين مگر باذن خداوند
تعالى پناه ميجويم از بدي آنچه افريده است خداوند تعالى
خلق وذرا وبرا بيك معنى است ويزاد في الصباح فقط اصبحنا
واصبح الملك لله والكبرياء والعظمة والخلق والامر والليل
والنهار وما يضحى فيهما لله وحده اللهم اجعل اول هذا
النهار صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا اسألك خير الدنيا
والآخرة يا ارحم الراحمين مص درمصنف ابوبكرست بروايت
عبدالله بن ابى اوفى رضي الله عنه كه بامداد دعاء مذكور
زيادت كنند معنى دعا اينست بامداد كرديم وبامداد كرد
جميع ملكي كه مرخداى تعالى راست وبزرگي وعظمت
وهمه خلق وهمه امر وشب وروز وآنچه در شب
وروز بگردد يعنى درآيد وخود راظاهر كند مرخداى
تعالى راست خداوند تعالى تنها است اى بارخداى اول اين
روز را صلاح گردان وميانه اين روز را رستگاري گردان
وآخر اين روز را پيروزي گردان ميخواهم از تو بهترين دنيا
وآخرت اى مهربانان لبيك اللهم لبيك وسعديك و
الخير في يديك ومنك واليك اللهم ما قلت من قول او
حلفت من حلف او نذرت من نذر فمشيتك بين يدي

ذلك كله ما شئت كان وما لم تشأ لا يكون لا حول ولا قوة
الا بك انك على كل شيء قدير اللهم ما صليت من صلوة فعلى
من صليت وما لعنت من لعن فعلى من لعنت انت وليي
في الدنيا والآخرة توفني مسلما والحقني بالصالحين ى س
دركتاب عمل اليوم والليل ابن سني است وصحيح مستدرك
ومسند امام احمد حنبل ومعجم كبير است كه دعاء
مذكور خواند كه رسول صلى الله عليه وسلم زيد بن ثابت
را رضى الله عنه دعا مذكور آموخت معنى دعا اينست آمدم
كرديم ترا اى بارخداى اجابتي بعد از اجابت واعانت
ميكنم بر طاعت تو اعانتي پس اعانتي وهمه نيكى در قبض
تست واز تست وسوي تست اى بارخداى سخني كه گفتيم يا
يا نذري كه كرديم خواست تو بيش جميع آنست آنچه خواهي
شود وآنچه تو نخواهي نشود وهيچ حيله وقوة جز بتو
بدستي كه تو برهمه چيز توانائي اى بارخداى درود كه
فرستاده ايم آن درود بركسي است كه تو برو فرستادي
ولعنتي كه كردم آن لعنت بركسي است كه تو برو كردي
وتو يي دوست دارنده من در دنيا وآخرت مرا با اسلام
بميران ومرا با صالحان لاحق گردان اللهم اني اسألك
الرضا بعد القضاء وبرد العيش بعد الموت ولذة النظر

وليي

اللعن الطرد والابعاد من الله تعالى ومن الخلق السب والدعاء

بيا كرديم
تو

هذا هو الرضى وما يكون قبل القضاء
قبل القضاء ولكن الرضى يكون بعد القضاء فذلك علم على الرضى
الى قضاء الله على العبد ...

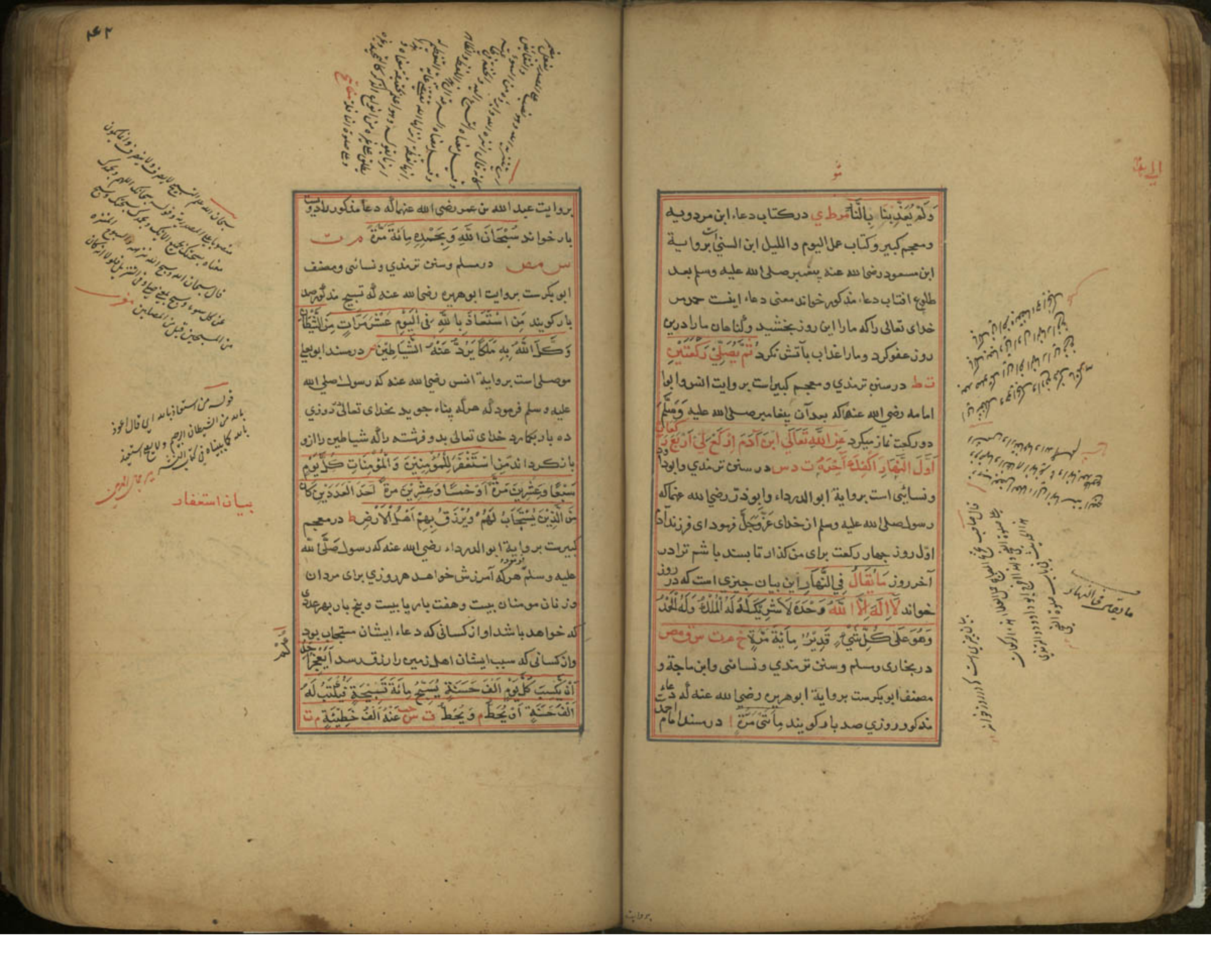
الی وجهک وشوقا الی لقائک فی غیر ضراء مضرة ولا فتنة
مضلة واعوذ بک من ان اظلم او اظلم او اعتدی او یعتدی
علی او اکسب خطیئة او ذنبا لا تغفره اللهم فاطر السموات
والارض عالم الغیب والشهادة ذا الجلال والاکرام فانی
اعهد الیک فی هذه الحیوة الدنیا واشهدک وکفی بک شهیدا
انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک لک الملک ولک
الحمد وانت علی کل شیء قدیر واشهد ان محمدا
عبدک ورسولک واشهد ان وعدک حق وان الساعة
اتیة لا ریب فیها وانک تبعث من فی القبور وانک ان
تکلنی الی نفسی تکلنی الی ضعف وعورة وذنب وخطیئة
وانی لا اثق الا برحمتک فاغفر لی ذنوبی کلها انه لا
یغفر الذنوب الا انت وتب علی انک انت التواب الرحیم

مر اط در صحیح مستدرک است و مسند امام احمد و معجم کبیر ست
بروایت زید بن ثابت رضی الله عنه که دعاء مذکور خواند
معنی دعا اینست ای بار خدای میخواهم از تو رضاء خود را
بعد قضاء تو و میخواهم شوق سوی لقاء تو در غیر زیانی
که زیان رساند یعنی در زیانی که دران صبر ممکن نبود و
در غیر فتنتی که گمراه کردند و پناه میجویم بتو ازین که ظلم
کنم یا کسی بر من ظلم کند یا از حدی تجاوز کنم یا کسی بر من از

یا اکسب خطیئة کنم

از حد تجاوز کند یا گناهی کنم که آنرا نیامرزی ای بار خدای
ای آفریننده آسمانها و زمین ای داننده غیب و حضور ای
خداوند عظمت و کرامی بدرستی من عهد میکنم سوی تو
درین حیوة دنیا و تو بسنده بگواهی بدرستی که من گواهی
میدهم بدین که جز تو معبود نیست تو تنهای بی شریک
مر تراست همه ملک و همه حمد و تو بی توانا بر همه چیزها و
گواهی میدهم بدین که وعده تو حق است و لقاء تو حق است
و قیامت بی شک آمدنی است و تو بر انگیزی مردگان را از
گورها و اگر مرا سوی نفس من سپاری سوی ضعف و خلل
و جسم و گناه سپاری و استوادی ندارم جز برحمت
تو بس همه گناهان من بیامرز بدرستی که جز تو کسی
گناهانرا نیامرزد و توبه من قبول کن بدرستی که تویی
قبول کننده توبه و رحمت کننده فاذا طلعت الشمس
قال الحمد لله الذی اقالنا یومنا هذا ولم یهلکنا بذنوبنا
مو مر در کتاب دعا ابن مردویه و معجم کبیر و مسلم ست
که چون آفتاب برآمد حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم
این دعا خواند معنی دعا اینست حمد مر خدایرا که درین
روز از ما عفو کرد و ما را بگناهان ما هلاک نکردانید
الحمد لله الذی وهبنا هذا الیوم واقالنا فیه عثراتنا

این بیان طلوع الشمس



وَلَمْ يُعَذِّبْنَا بِالنَّارِ مر ط ي در کتاب دعاء ابن مردویه و معجم کبیر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن السنی است بروایة ابن مسعود رضی الله عنه پیغمبر صلی الله علیه وسلم بعد طلوع افتاب دعاء مذکور خواند معنی دعاء اینست حمد مر خدای تعالی را که ما را این روز بخشید و گناهان ما را درین روز عفو کرد و ما را عذاب بآتش نکرد ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ت ط در سنن ترمذی و معجم کبیر است بروایت انس و ابو امامه رضی الله عنهما که بعد آن پیغامبر صلی الله علیه وسلم دو رکعت نماز میکرد عَنِ اللهِ تَعَالَى ابْنَ آدَمَ ارْكَعْ لِي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ أَوَّلَ النَّهَارِ أَكْفِكَ آخِرَهُ ت د س در سنن ترمذی و ابو داود و نسائی است بروایة ابو الدرداء و ابو ذر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم از خدای عز و جل فرمود ای فرزند آدم اول روز چهار رکعت برای من گذار تا بسند باشم ترا در آخر روز مَا يُقَالُ فِي النَّهَارِ این بیان چیزی است که در روز خواند لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مِائَةَ مَرَّةٍ خ م ت س ق مص در بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجة و مصنف ابو بکر است بروایة ابو هریره رضی الله عنه که دعاء مذکور در روزی صد بار گویند مِائَتَيْ مَرَّةٍ ا در مسند امام احمد بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که دعاء مذکور را دویست بار خواند سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ م ت س مص در مسلم و سنن ترمذی و نسائی و مصنف ابو بکر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که تسبیح مذکور صد بار گویند مَنِ اسْتَعَاذَ بِاللهِ فِي الْيَوْمِ عَشْرَ مَرَّاتٍ مِنَ الشَّيْطَانِ وَكَّلَ اللهُ بِهِ مَلَكًا يَرُدُّ عَنْهُ الشَّيَاطِينَ ص در مسند ابو یعلی موصلی است بروایة انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که پناه جوید بخدای تعالی روزی ده بار بگمارد خدای تعالی بدو فرشته را که شیاطین را ازو باز گرداند مَنِ اسْتَغْفَرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً أَوْ خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً أَحَدَ الْعَدَدَيْنِ كَانَ مِنَ الَّذِينَ يُسْتَجَابُ لَهُمْ وَيُرْزَقُ بِهِمْ أَهْلُ الْأَرْضِ ط در معجم کبیر است بروایة ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که آمرزش خواهد هر روزی برای مردان و زنان مومنان بیست و هفت بار یا بیست و پنج بار بهر عددی که خواهد باشد او از کسانی که دعاء ایشان مستجاب بود و از کسانی که سبب ایشان اهل زمین را رزق رسد أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ يُحَطُّ م وَيُحَطُّ ت س حب عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ م ت

بیان استغفار

س حب در مسلم و ترمذی و سنن نسائی و صحیح ابن حبان
ست بروایة سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود عاجز شود یکی از شما بر آنکه هر روزی
هزار نیکی کسب کند و آن چیست که سبحان الله صد بار گوید
پس برای او هزار نیکی بنویسند یا هزار بدی از و فرو نهند در
روایت غیر مسلم و یحط هست معنی اینست که هزار نیکی برای
او بنویسند و هزار بدی از و فرو نهند وَیُقَالُ عِنْدَ اَذَانِ
الْمَغْرِبِ اَللّٰهُمَّ هٰذَا اِقْبَالُ لَیْلِکَ وَاِدْبَارُ نَهَارِکَ وَاَصْوَاتُ
دُعَاتِکَ فَاغْفِرْ لِی د ت مس در سنن ابی داود و ترمذی و
صحیح مستدرک است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که نزدیک بانگ نماز
مغرب دعاء مذکور گوید معنی دعا اینست ای بار خدای تعالی
این وقت وقت روی آوردن شب تست و وقت پشت دادن روز
تست و این آوا نهاد اعیان تست پس مرا بیامرز مَا یُقَالُ
فِی اللَّیْلِ این بیان چیزی است که در شب بخوانند آمَنَ الرَّسُوْلُ الْآ
یَتَیْنِ اَوْ اٰخِرَ الْبَقَرَةِ ع در اصول است بروایت ابو مسعود رضی الله
آمن الرسول تا آخر سورة بقرة خوانند قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ خ م س
در بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت ابو سعید خدری
رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ و قل هو الله احد خوانند وَقِرَاءَةُ مِائَةِ آیَةٍ
مستن در صحیح مستدرک است بروایة ابن عمر رضی الله عنهما

ما یقال عند اذان المغرب

ما یقال فی اللیل

بیان چیزیست که در شب بخوانند

وده

و ده آیات قرآن خوانند وقراءة عَشْرِ آیَاتٍ اَرْبَعٍ مِنْ اَوَّلِ
الْبَقَرَةِ وَآیَةِ الْکُرْسِیِّ وَآیَتَیْنِ بَعْدَهَا وَخَوَاتِیْمِهَا مر ط
در کتاب دعا ابن مردویه و معجم کبیر است و ده آیات خوانند
چهار آیت از اول سورة بقره و آیة الکرسی و دو آیة که
بعد آیة الکرسی است و سه آیت آخر سوره بقره وقراءة یٰسٓ
حب در صحیح ابن حبان است بروایت جندب رضی الله عنه
و سوره یس خوانند مَا یُقَالُ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ جَمِیْعًا این بیان
چیزیست که در شب و روز خوانند سَیِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِی وَاَنَا عَبْدُکَ وَاَنَا عَلٰی
عَهْدِکَ وَوَعْدِکَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ
اَبُوْءُ لَکَ بِنِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَاَبُوْءُ بِذَنْبِی فَاغْفِرْ لِی فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ
الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ مَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوْقِنًا بِهَا فَمَاتَ فَهُوَ
مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّیْلِ وَهُوَ مُوْقِنٌ بِهَا فَمَاتَ فَهُوَ
مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ خ س در بخاری و سنن نسائی است بروایة شداد
بن اوس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
سید استغفار دعاء مذکور است هر که این کلمات را در ساعتی
از روز با یقین خواند و در آن روز بمیرد از اهل بهشت
بود معنی این دعا گذشت مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

خواتیمها

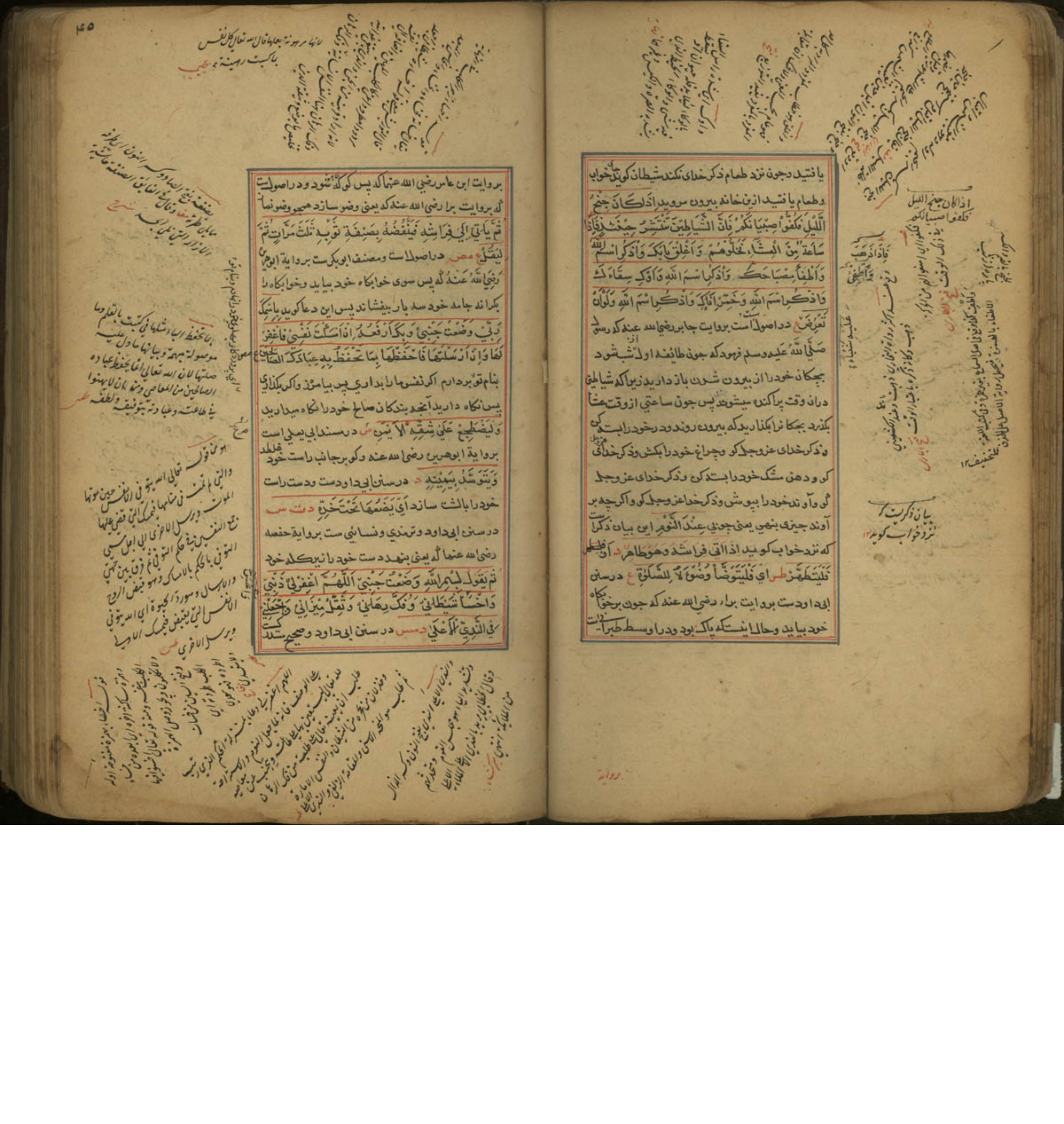
بیان چیزیست که در شب و روز خوانند

بیان سید الاستغفار

و هرکه این کلمات را در ساعتی از شب با یقین خواند و در آن شب بمیرد از اهل بهشت بود

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللّٰهِ فِي يَوْمٍ أَوْ فِي لَيْلَةٍ أَوْ فِي شَهْرٍ ثُمَّ مَاتَ فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ
أَوْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَوْ فِي ذٰلِكَ الشَّهْرِ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ س
در سنن نسائی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که کلمات مذکوره را در روزی خواند یا شبی یا ماهی خواند
پس در ان روز یا شب یا ماه بمیرد گناه او امرزیده شود معنی
کلمات واضح است دعا صلی الله علیه وسلم سَلْمَانُ فَقَالَ إِنَّ
نَبِيَّ اللّٰهِ يُرِيدُ أَنْ يَمْنَحَكَ كَلِمَاتٍ مِنَ الرَّحْمٰنِ تَرْغَبُ إِلَيْهِ فِيهِنَّ
وَتَدْعُو بِهِنَّ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ طس در معجم اوسط است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
سلمان فارسی را رضی الله عنه خواند و فرمود که پیغامبر خدای
میخواهد که ترا کلماتی از خدای تعالی بدهد که تو انرا میخواستی
و تو شب و روز آنرا دعا کنی و آن کلمات اینست اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
صِحَّةً فِي إِيمَانٍ وَإِيمَانًا فِي حُسْنِ خُلُقٍ وَنَجَاةً يَتْبَعُهَا
فَلَاحٌ وَرَحْمَةً مِنْكَ وَعَافِيَةً وَمَغْفِرَةً مِنْكَ وَرِضْوَانًا ای بار
خدای میخواهم از تو صحتی که در ایمانست و ایمانی که در حسن
خلق است و رستگاری که پس روی کند او را بیرونی میخواهم
رحمتی و عافیتی و آمرزشی و خشنودی از تو وَإِذَا دَخَلَ
بَيْتَهُ فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلَجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ بِسْمِ اللّٰهِ

وَلَجْنَا بِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْنَا وَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا ثُمَّ لِيُسَلِّمْ
عَلَى أَهْلِهِ د در سنن ابی داود است بروایت ابو مالک اشعری
رضی الله عنه که چون در خانه خود در آید این دعا بخواند
بعد آن بر اهل خود سلام گوید معنی دعا اینست ای بار خدای
میخواهم از تو بهترین در آمدن و بهترین بیرون شدن
بنام خدای تعالی در آمدیم ما و بنام خدای تعالی شدیم
ما و بنام خدای تعالی که پروردگار ما است توکل کردیم پس گو
سلام کند با اهل خود إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللّٰهَ عِنْدَ
دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ
وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللّٰهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ
أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللّٰهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ
الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ م د س ق ي در مسلم
و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجة و کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود و چون مرد در خانه خود
در آید و نزدیک دخول و طعام ذکر خدای عز و جل کند
شیطان اعوان خود را گوید که درین خانه شما را نه جای
خواب است و نه طعام است ازین بیرون شوید و چون نزد
دخول ذکر خدای تعالی نکند شیطان گوید جای خواب



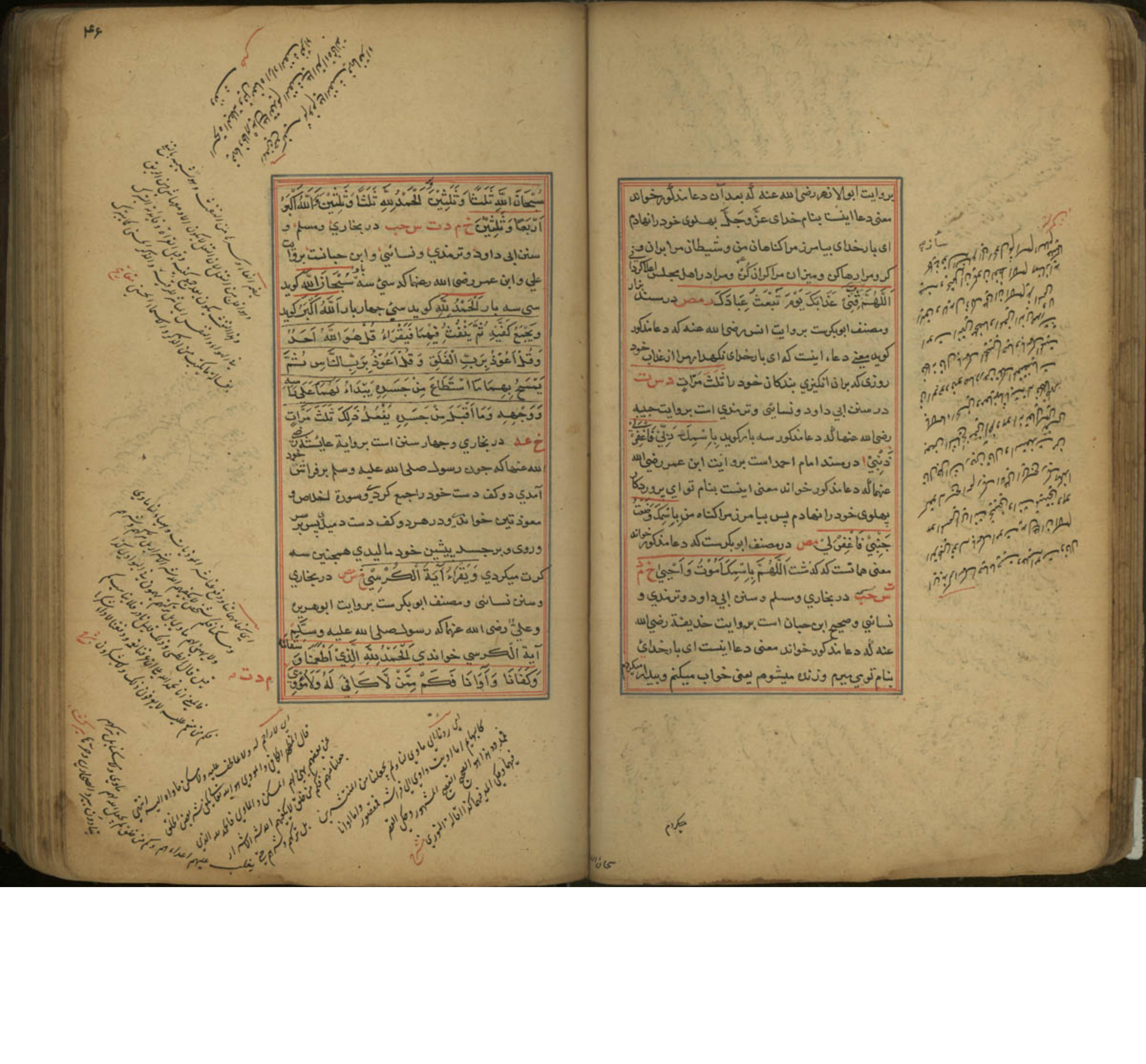
اذا كان جنح الليل فكفوا صبيانكم

بیان ذکر آنچه نزد خواب گوید

یا فتید وچون نزد طعام ذکر خدای نکند شیطان گوید جای خواب
وطعام یافتید ازین خانه بیرون مروید اذا كان جنح
اللَّيْلِ فَكُفُّوا صِبْيَانَكُمْ فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَنْتَشِرُ حِينَئِذٍ فَإِذَا
سَاعَةٌ مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمْ وَاَغْلِقْ بَابَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللهِ
وَاَطْفِ مِصْبَاحَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللهِ وَاَوْكِ سِقَاءَكَ
وَاذْكُرِ اسْمَ اللهِ وَخَمِّرْ اِنَاءَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللهِ وَلَوْ اَنْ
تَعْرِضَ ع در اصول است بروایت جابر رضي الله عنه که رسول
صلّی الله علیه وسلم فرمود که چون طائفه اول از شب شود
بچگان خود را از بیرون شدن باز دارید زیرا که شیاطین
دران وقت پراکنده میشوند پس چون ساعتی از وقت عشا
بگذرد بچگان را بگذارید که بیرون روند ودر خود را بسته کن
وذکر خدای عز وجل کن وچراغ خود را بکش وذکر خدای
کن ودهن مشک خود را بسته کن وذکر خدای عز وجل
کن وآوند خود را بپوش وذکر خدا عز وجل کن واگرچه بر
آوند چیزی بنهی یعنی چوبی عِنْدَ النَّوْمِ این بیان ذکر است
که نزد خواب گوید اذا اتی فراشه وهو طاهر د ای فليطهر
فَلْيَتَطَهَّرْ طس اي فليتوضأ وضوءه للصلوة ع در سنن
ابي داود است بروایت براء رضي الله عنه که چون بر خوابگاه
خود بیاید وحال اینست که پاک بود ودر اوسط طبرانی است

ما نفسا رهونة بعملها قال الله تعالى كل نفس بما كسبت رهينة

بروایت ابن عباس رضي الله عنهما که پس کو که شود ودر اصول است
که بروایت براء رضي الله عنه که یعنی وضو سازد همچو وضو نماز
ثُمَّ يَاتِي اِلَى فِرَاشِهِ فَيَنْفُضُهُ بِصَنِفَةِ ثَوْبِهِ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ
لِيَقُلْ ع مص در اصول است ومصنف ابو بکر است بروایة ابو هریرة
رضي الله عنه که پس سوی خوابگاه خود بیاید وخوابگاه را
بگرداند جامه خود سه بار بیفشاند پس این دعا گوید باسمك
رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ اَرْفَعُهُ اِنْ اَمْسَكْتَ نَفْسِي فَاغْفِرْ
لَهَا وَاِنْ اَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ ع مص
بنام تو بر دارم اگر نفس ما را بداری پس بیامرز واگر بگذاری
پس نگاه دارید آنچه بندگان صالح خود را نگاه میدارید
وَلْيَضْطَجِعْ عَلَى شِقِّهِ الْاَيْمَنِ ص در مسند ابي یعلی است
بروایة ابو هریرة رضي الله عنه وگو بر جانب راست خود غلطد
وَيَتَوَسَّدْ بِيَمِيْنِهِ د در سنن ابي داود است ودست راست
خود را بالش سازد اي يَضَعُهَا تَحْتَ خَدِّهِ د ت س
در سنن ابي داود وترمذي ونسائي است بروایة حفصه
رضي الله عنها که یعنی بنهد دست خود را زیر کله خود
ثُمَّ يَقُولُ بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِيَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي
وَاخْسَأْ شَيْطَانِي وَفُكَّ رِهَانِي وَثَقِّلْ مِيزَانِي وَاجْعَلْنِي
فِي النَّدِيِّ الْاَعْلَى د مس در سنن ابي داود وصحیح مستدرک است



بروایت ابو الازهر رضی الله عنه که بعد آن دعا مذکور خواند
معنی دعا اینست بنام خدای عز وجل پهلوی خود را نهادم
ای بار خدای بیامرز مرا گناهان من وشیطان مرا بران و فی
کرو مرا رها کن ومیزان مرا گران کن ومرا در اهل مجلس اعلا گردان
اَللّٰهُمَّ قِنِيْ عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ د مص در مسند بزار
ومصنف ابو بکرست بروایت انس رضی الله عنه که دعا مذکور
گوید معنی دعا اینست که ای بار خدای نگهدار مرا از عذاب خود
روزی که بر انگیزی بندگان خود را ثَلٰثَ مَرَّاتٍ د س ت
در سنن ابی داود ونسائی وترمذی است بروایت حبیبه
رضی الله عنها که دعا مذکور سه بار گوید بِاسْمِكَ رَبِّيْ فَاغْفِرْ
ذَنْبِيْ ا در مسند امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله
عنهما که دعا مذکور خواند معنی اینست بنام تو ای پروردگار
پهلوی خود را نهادم پس بیامرز مرا گناه من بِاسْمِكَ وَضَعْتُ
جَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ مص در مصنف ابو بکرست که دعا مذکور خواند
معنی همانست که گذشت اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ اَمُوْتُ وَاَحْيٰى خ م د
ت س حب در بخاری ومسلم وسنن ابی داود وترمذی و
نسائی وصحیح ابن حبان است بروایت حذیفة رضی الله
عنه که دعا مذکور خواند معنی دعا اینست ای بار خدای
بنام تو میمیرم وزنده میشوم یعنی خواب میکنم وبیدار میگردم

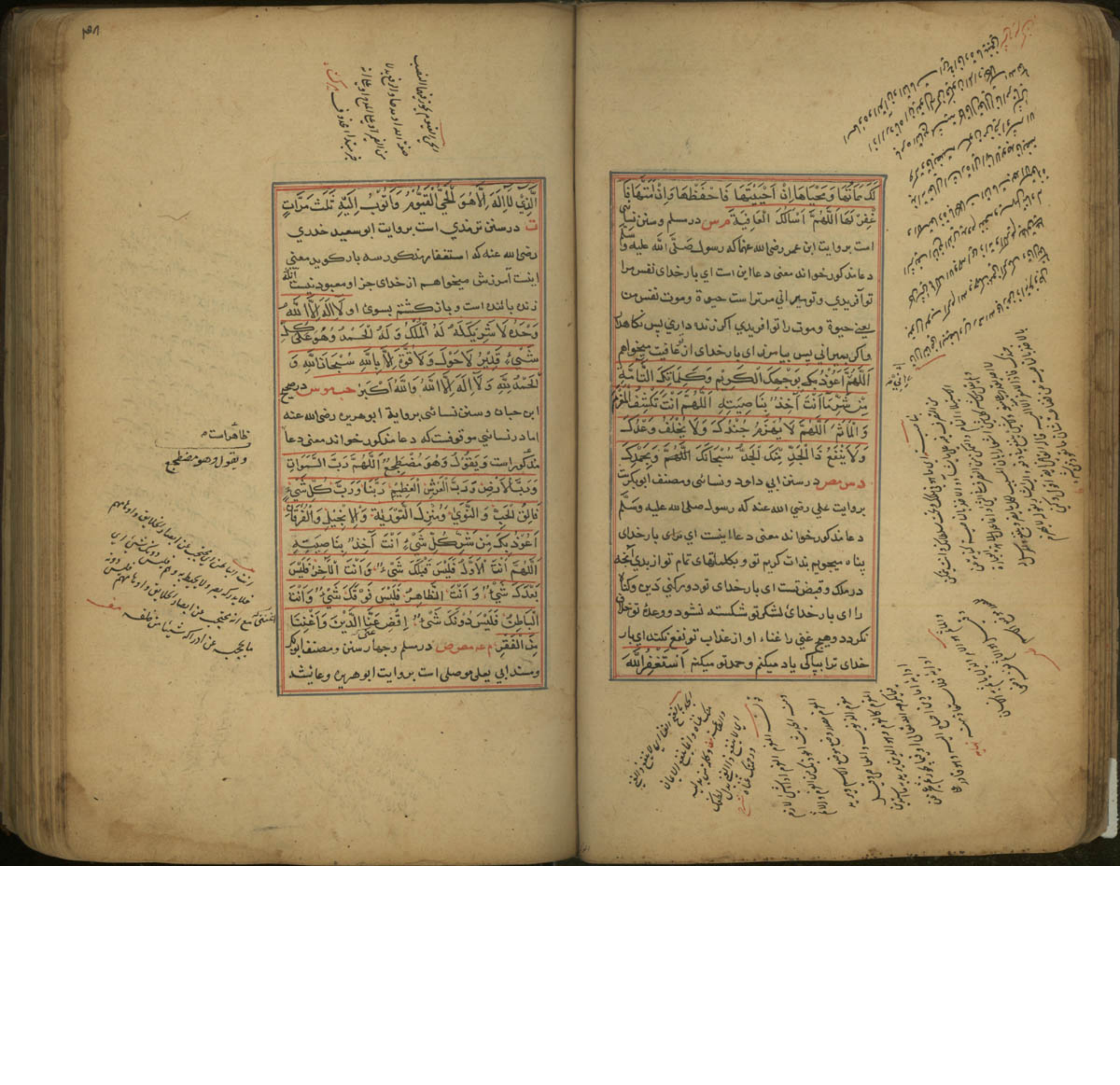
سُبْحَانَ اللّٰهِ ثَلٰثًا وَثَلٰثِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ ثَلٰثًا وَثَلٰثِيْنَ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
اَرْبَعًا وَثَلٰثِيْنَ خ م د ت س حب در بخاری ومسلم و
سنن ابی داود وترمذی ونسائی وابن حبانست بروایت
علی وابن عمر رضی الله عنهما که سی وسه بار سبحان الله گوید
سی وسه بار الحمد لله گوید سی وچهار بار الله اکبر گوید
وَيَجْمَعُ كَفَّيْهِ ثُمَّ يَنْفُثُ فِيْهِمَا فَيَقْرَاُ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ
وَقُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ثُمَّ
يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهٖ يَبْدَاُ بِهِمَا عَلٰى رَاْسِهٖ
وَوَجْهِهٖ وَمَا اَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهٖ يَفْعَلُ ذٰلِكَ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ
خ عه در بخاری وچهار سنن است بروایة عائشة رضی
الله عنها که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر فراش خود
آمدی دو کف دست خود را جمع کردی وسورۀ اخلاص و
معوذتین خواندی ودر هر دو کف دست دمیدی پس بر سر
وروی وبر جسد پیشین خود مالیدی همچنین سه
کرت میکردی وَيَقْرَاُ اٰيَةَ الْكُرْسِيِّ خ س ص در بخاری
وسنن نسائی ومصنف ابو بکرست بروایت ابو هریره
وعلی رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم
آیة الکرسی خواندی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا
وَكَفَانَا وَاٰوَانَا فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهٗ وَلَا مُؤْوِيَ

س مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایة
انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
بر فراش خود آمدی دعا مذکور خواندی معنی دعا
اینست حمد مر خدا یراست که ما را طعام و آب داد و
ما را بسنده شد یعنی ما را از شر موذیان نگاه داشت
و ما را جای داد بسیار کسانند که ایشانرا کسی بسنده
و جای دهنده نیست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ كَفَانِيْ وَآوَانِيْ
وَأَطْعَمَنِيْ وَسَقَانِيْ وَالَّذِيْ مَنَّ عَلَيَّ وَأَفْضَلَ وَالَّذِيْ
أَعْطَانِيْ فَأَجْزَلَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى كُلِّ حَالٍ اَللّٰهُمَّ
رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيْكَهُ وَإِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوْذُ
بِكَ مِنَ النَّارِ د ت س حب مس عو در سنن ابی داود
و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و صحیح
ابن عوانة است بروایة ابن عمر رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم دعا مذکور خواندی معنی دعا
اینست حمد مر خدا یراست که مرا نعمت داد پس احسان
کرد و مرا عطا بخشید پس بسیار کرد ای خدا را حمد است
بر همه حال ای پروردگار هر چیز و مالک و پادشاه
او و معبود هر چیز بتو پناه میجویم از آتش اَللّٰهُمَّ
رَبَّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ

رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ
لَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ وَالْمَلَائِكَةُ
يَشْهَدُوْنَ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ وَأَعُوْذُ بِكَ
أَنْ أَقْتَرِفَ عَلٰى نَفْسِيْ سُوْءًا أَوْ أَجُرَّهُ إِلٰى مُسْلِمٍ اط در مسند
امام احمد و معجم کبیر است که رسول صلی الله علیه و سلم
دعا مذکور خواندی معنی دعا اینست ای بار خدای ای پروردگار
آسمانها و زمین ای داننده غیب و حضور تویی پروردگار
بی شریک هر چیزی گواهی میدهم بدین که جز تو معبودی
بحق نیست تویی تنها بی شریک و گواهی میدهم بدین که محمد
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و رسول تست و گواهی میدهند
فریشتگان پناه میجویم از شیطان و دام او و پناه میجویم
بتو ازین که بر نفس خود بدی کسب میکنم یا بدی را
بسوی مسلمی بکشم اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيْكَهُ أَعُوْذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ د ت س
حب مس مص در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن
حبان و مستدرک حاکم و مصنف ابی بکر است بروایة ابو بکر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور خواندی معنی
دعا همان است اَللّٰهُمَّ خَلَقْتَ نَفْسِيْ وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا

ابی داود

علیه وسلم



لک مماتها ومحياها ان احييتها فاحفظها وان امتها فاغفر لها اللهم اسألك العافية م س در مسلم وسنن نسائی است بروايت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله عليه وسلم دعا مذکور خوانده معنی دعا اين است ای بارخدای نفس مرا تو آفريدی و تو ميرانی مر تراست حيوة وموت نفس من يعنی حيوة وموت را تو آفريدی اگر زنده داری پس نگاه دار و اگر بميرانی پس بيامرز ای بارخدای از تو عافيت ميخواهم

اللهم اعوذ بک بوجهک الکريم وکلماتک التامة من شر ما انت آخذ بناصيته اللهم انت تکشف المغرم والمأثم اللهم لا يهزم جندک ولا يخلف وعدک ولا ينفع ذا الجد منک الجد سبحانک اللهم وبحمدک

د س مص در سنن ابی داود ونسائی ومصنف ابوبکر است بروايت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله عليه وسلم دعا مذکور خوانده معنی دعا اينست ای بارخدای پناه ميجويم بذات کريم تو وبکلمهای تمام تو از بدی آنچه در ملک وقبض تست ای بارخدای تو دور کنی دين وگناه را ای بارخدای لشکر تو شکسته نشود ووعدهٔ تو خلاف نگردد وهيچ غنی را غناء او از عذاب تو نفع نکند ای بارخدای ترا بپاکی ياد ميکنم وحمد تو ميکنم استغفر الله

الذی لا اله الا هو الحی القيوم واتوب اليه ثلث مرات

ت در سنن ترمذی است بروايت ابوسعيد خدری رضی الله عنه که استغفار مذکور سه بار گويد معنی اينست آمرزش ميخواهم از خدای جز او معبود نيست زنده پاينده است وبازگشتم بسوی او

لا اله الا الله وحده لا شريک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدير لا حول ولا قوة الا بالله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر

حب مو س در صحيح ابن حبان وسنن نسائی بروايت ابوهريره رضی الله عنه اما در نسائی موقوفست که دعا مذکور خوانده معنی دعا مذکور است

ويقول وهو مضطجع اللهم رب السموات ورب الارض ورب العرش العظيم ربنا ورب کل شیء فالق الحب والنوی ومنزل التورية والانجيل والفرقان اعوذ بک من شر کل شیء انت آخذ بناصيته اللهم انت الاول فليس قبلک شیء وانت الآخر فليس بعدک شیء وانت الظاهر فليس فوقک شیء وانت الباطن فليس دونک شیء اقض عنا الدين واغننا من الفقر

م عه مص ص در مسلم وچهار سنن ومصنف ابوبکر ومسند ابی يعلی موصلی است بروايت ابوهريره وعائشه

ظاهر است م

ويقول وهو مضطجع

رضی الله عنها که چون پیغامبر صلی الله علیه وسلم بر پهلوی
غلطیدی دعاء مذکور میگفت معنی دعا اینست ای بارخدای
پروردکار آسمانها وزمین وپروردکار عرش
عظیم ای پروردکار ما وپروردکار همه چیز آفریننده
دانه وخسته وفرو آرنده توریة وانجیل وقران پناه
میجویم بتو از بدی هر چیز که تو قادری بران موی پیشانی
او بدست قدرة تست ای بارخدای تعالی تو یی اول همه
چیز پس بیش از وجود تو چیزی نبوده است یعنی
ترا ابتدائی نیست که چیزی بیش از ابتداء تو باشد
وتو یی آخر هر چیز بعد تو چیزی نباشد یعنی ترا انتهائی
نیست که بعد از تو چیزی نباشد یعنی ترا انتهائی نیست
که بعد از تو چیزی باشد وتو یی ظاهر وغالب پس بالاء
قدرت تو چیزی نیست وتو یی باطن پس نزد تو چیزی
حجاب نیست ای بارخدای وام ما را ادا کن وتخته کردان وما را
از فقر بی نیاز کن بسم الله س اَللّٰهُمَّ اَسْلَمْتُ نَفْسِي اِلَيْكَ
وَوَجَّهْتُ وَجْهِيَ اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ وَاَلْجَأْتُ
ظَهْرِيْ اِلَيْكَ رَغْبَةً وَرَهْبَةً اِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ
اِلَّا اِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِيْ اَنْزَلْتَ وَنَبِيِّكَ الَّذِيْ
اَرْسَلْتَ وَلْيَجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا يَتَكَلَّمُ بِهِ ع در سنن
نسائی است بروایت عائشه رضی الله عنها که دعا مذکور

بالبسم الله است ودر بخاری ومسلم وسنن ابی داود
وترمذی وابن ماجه ست بروایة برا رضی الله عنه که
دعاء مذکور بغیر بسم الله است معنی دعا اینست ای بار
خدای ذات خودرا بتو متوجه کردانیدم وکار
خودرا بتو سپردم وتکیه بر کرم تو کردم از جهت
خواهش ثواب تو وترس از عقاب تو جاء پناه ونجاة
از عذاب تو جز سوی تو نیست ایمان آوردم بکتاب تو
که فرو آورده وبه پیغمبر تو که فرستاده وباید که
این دعاء آخر سخن او باشد یعنی بعد خواندن این
دعا سخن نکوید در خواب رود در حدیث است
هر که این دعا را وقت خواب خواند ودران شب بمیرد
بر دین اسلام مرده باشد وَلْيَقْرَأْ قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَا فِرُوْنَ
ط در معجم کبیرست بروایت جبلة بن حارثة رضی الله
عنه وکو که قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ بخواند ثُمَّ لِيَنَمْ
عَلَى خَاتِمَتِهَا د ت س حب مس مص در سنن ابی داود
وترمذی ونسائی وصحیح ابن حبان ومستدرکست
ومصنف ابو بکر بروایت نوفل اشجعی رضی الله عنه پس
کو که خواب کند بر ختم آن سورة زیرا که قراءة آن سورة بیزاری
از شرک وکان صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ

اذ یرقد ویقول ان فیهن آیة خیر من الف آیة
د ت س در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است
بروایت عرباض رضی الله که پیغمبر صلی الله علیه وسلم
پیش از خواب سورتهائی که ابتداء آن بتسبیح است
میخواند و میفرمود در این سورتها آیتی که آن بهتر
از هزار آیة وهن الحدید والحشر والصف والجمعة
والتغابن والاعلی مر س در کتاب دعا ابن مردویه
و سنن نسائی است بروایة معاویة بن صالح رضی الله
عنه که سورتهای مذکور سورة حدید و حشر و صف
و جمعه و تغابن و اعلی است وحتی یقرأ الم السجدة
تبارك و الملك س ت مس مص در سنن نسائی است و ترمذی
و صحیح مستدرک و مصنف ابوبکر است بروایة جابر رضی
الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم خواب نمیکرد
تا که الم سجده و سورة ملک میخواند وحتی یقرأ بنی
اسرائیل والزمر ت س مس در سنن ترمذی و نسائی
و صحیح مستدرک است بروایة عایشة رضی الله عنها که
پیغامبر زمر میخواند ما کنت اعلم احدا یعقل ینام قبل
ان یقرأ الآیات الثلث الاواخر من سورة البقرة مو صحیح
در کتاب دعا ابن مردویه است بروایة علی رضی الله عنه

که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نمیدانم هیچ عاقلی را
که خواب کند پیش از آنکه سه آیة آخر سورة بقرة خواند
یعنی لله ما فی السموات تا آخر این حدیث صحیح است
اذا وضعت جنبک علی الفراش وقرأت فاتحة الکتاب و
قل هو الله احد فقد امنت من کل شیء الا الموت د در
مسند بزار است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود چون پهلوی خود را بر بستر
نهادی و فاتحه و اخلاص خواندی پس بدرستی که
از هر چیزی ایمن شدی جز مرگ ما من رجل یاوی
الی فراشه فیقرأ سورة من کتاب الله الا بعث الله
الیه ملکا یحفظه من کل شیء یؤذیه حتی
یهب من نومه متی هب ا در مسند امام احمد است بروایة
شداد رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هیچ مردی بر بستر خود بیاید پس سورتی از قرآن
خواند مگر که فرستد خدای تعالی فرشته را که او را
نگاه دارد از هر چیزی که او را بیازارد تا هر وقتی که
از خواب بیدار گردد اذا اوی الرجل الی فراشه ابتدره
ملک و شیطان فیقول الملک اختم بخیر ویقول
الشیطان اختم بشر فان ذکر الله ثم نام بات الملک

اذا اوی الرجل الی فراشه

یکره الحدیث یأتی تتمته س حب ص در سنن
نسائی وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک ومسند ابی یعلی
است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود چون مرد سوی بستر خود رود فرشته
وشیطان سوی او شتابند فرشته گوید ختم کن
سخن بنیکی کن و شیطان گوید ختم سخن ببدی کن
پس اگر او ذکر خدای تعالی گوید پس خواب کند
فرشته اورا نگاه دارد مصنف گفته است که تتمهٔ این
حدیث بیشتر خواهد آمد و درین کتاب تتمه نیست
تتمه در عدة آورده است و آن اینست فان وقع سریره مات
دخل الجنة پس اگر در آن شب از سریر خود بیفتد
وبمیرد در بهشت رود واذا رأی فی منامه ما یحب
فلیحمد الله علیها ولیحدث بها خ م س در بخاری و مسلم
وسنن نسائی است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون در خواب چیزی
محبوب بیند پس گو که حمد خدای تعالی گوید وبدان
خواب سخن کند ولا یحدث بها الا من یحب خ م
در بخاری ومسلم است که رسول صلی الله علیه وسلم

واذا رأی
فی منامه

فرمود و گو که سخن نکند بدان خواب جز با محبوب خود
واذا رأی ما یکره فلیتفل خ م در بخاری و مسلم
است بروایت ابو قتادة رضی الله عنه که رسول الله علیه
وسلم فرمود چون در خواب مکروه بیند پس گو که خوی
اندازد او لیبصق م در مسلم است ومعنی لیتفل ولیبصق
یکی است او لینفث ثلثا ثلثا عن یساره ع در اصول است
است یا نفث زند سه بار از چپ خود تکرار رمز عین از آن
که در حدیث خواهد بود و بعضی این تکرار خواهد
آمد محمول بر وجه مذکور است ولیتعوذ بالله من
الشیطان ومن شرها ع در اصول ست است و گو که
پناه جوید بخدای تعالی از شیطان و شر آن خواب یعنی
اعوذ بالله من الشیطان ومن شرها ثلثا ولا یذکرها ثلثا
لاحد خ م د س ق در بخاری ومسلم و سنن ابی داود ونسائی
وابن ماجه است که اعوذ بالله تا آخر سه بار گوید وذکر
این خواب با کسی نکند تا دشمن خوش نگردد یا کسی تأویل
بد نکند فانها لا تضره ع در اصول ست است پس بدرستی
که آن خواب اورا آزار نرساند ولیتحول عن جنبه
الذی کان علیه م در مسلم است بروایت جابر رضی الله
یا گو که بگردد از پهلو که بر آن خواب دیده بود اولیقم

صلی

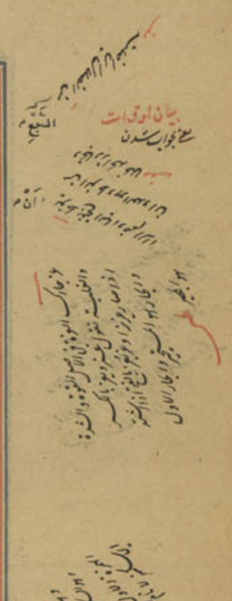
فَلْيُصَلِّ خ در بخاري است یا کوکه از بستر خود استاده
کردد پس نماز کزارد هر که خواب بد بیند اورا
باید میان این همه روایات جمع کند اول سه بار
از جیانی تف زند واعوذ بالله تا آخر کوید واز پهلو
بکردد وبخیزد ودو رکعت نماز کزارد وَإِذَا فَزِعَ أَوْ
وَجَدَ وَحْشَةً أَوْ أَرِقَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ
التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ
الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ در مسند امام احمد است
يا بخي با بروایت ولید بن ولید که چون بترسد یا
وحشتی بیابد یا بخواب کردد پس کوی که اعوذ بکلمات
تا آخر کوید در عرض آنست چون ولید رضی الله عنه پیش
رسول صلی الله علیه وسلم شکایت وحشت شب
کرد اورا فرمود این دعا بخواند معنی اینست پناه
میجویم بکلمات خدای تعالی که تمام اند یعنی پناه
میجویم باسماء وصفات خداوند تعالی از خشم و
عقاب او جل وعلا واز شر بندکان او جل وعلا
واز وسوسهای شیاطین واز ینکه ایشان نزدیک
می شوند وَكَانَ عَبْدُ اللهِ بْنُ عَمْرٍو يُلَقِّنُهَا مَنْ عَقَلَ
مِنْ عَقْلِهِ مِنْ وَلَدِهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهَا فِي صَكٍّ ثُمَّ

عَلَّقَهَا فِي عُنُقِهِ دت س مس در سنن ابی داود وترمذی
ونسائی وصحیح مستدرک است بروایت عمرو بن شعیب
که عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما فرزندان عاقل خودرا
این کلمات مذکوره می آموخت وبر کاغذ نبشته درکردن فرزندان
خود غیر عاقل می آویخت أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي
لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا
وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَفِتَنِ النَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ ط در معجم کبیر است
بروایت خالد بن ولید رضی الله عنه شکایت ترس در خواب
کرد رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور که از جبرئیل
علیه السلام شنیده بود اورا آموخت معنی دعا اینست
پناه میجویم بکلمات خدای تعالی که تمام اند آنکه نکذرد ازان
نیکوکار وبدکردار از بدی آنچه فرود آید از آسمان واز بدی
آنچه بالا رود در آسمان واز بدی آنچه خدای تعالی آفریده است
در زمین واز بدی آنچه از زمین بیرون آید واز بدی فتنهای
روز واز بدی حوادث آینده شب وروز مگر حادثه که در آید
بخیر ای رحمن وَفِي الْأَرَقِ این شروع در بیان دفع ارق

اذا فزع او وجد وحشة اوارق

شب ونتفهای م

في الارق



وارق بیخواب شدن بعلت است اللهم رب السموات السبع
وَمَا أَظَلَّتْ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ
وَمَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ أَنْ يَفْرُطَ
عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ يَطْغَى عَزَّ جَارُكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ طس مص
در معجم اوسط و در مصنف ابو بکر است بروایت خالد بن ولید رضی
الله عنه که چون او شکایت بیخوابی کرد رسول صلی الله
علیه وسلم او را دعا مذکور آموخت معنی دعا اینست ای بار خدای
ای پروردگار هفت آسمان و آنچه آنرا هفت آسمان برداشته
ای پروردگار هفت زمین و آنچه آنرا هفت زمین برداشته
وای پروردگار شیاطین و کسانیکه ایشانرا شیاطین گمراه
ساخته نگاهدار من باش از شر جمیع خلق خود آنکه کسی بر من
بایذاء بشتابد یا تجاوز از حد کند غالب و محفوظ است
ملتجی بتو و با برکت و نیکی است نام تو اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ
وَهَدَأَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ
وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِئْ لَيْلِي وَأَنِمْ عَيْنِي در کتاب
عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت زید بن ثابت رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم قراءة دعاء مذکور فرموده معنی
دعاء اینست ای بار خدای ستارگان فرو رفتند وآرام گرفتند چشمها
و تو ائی زنده پاینده ترا خواب و غنودن نگیرد ای زنده ای
پاینده شب مرا آرام ده و چشم مرا خواب ده وَإِذَا انْتَبَهَ مِنَ النَّوْمِ

بیان بیدار شدن از خواب

فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ إِلَيَّ نَفْسِي وَلَمْ يُمِتْهَا فِي مَنَامِهَا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ
إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ ص س حب مس در مسند ابی یعلی
و در سنن نسائی و صحیح مستدرک است بروایت جابر رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم از خواب بیدار شدی دعا
مذکور خواندی معنی دعا اینست جمیع ستایش مر خدایرا که
روح مرا بمن باز گردانید و در خواب نمیرانید جمیع ستایش
مر خدایرا که می دارد آسمانها و زمین را از آنکه زایل شوند
و هر آینه اگر زایل شوند ندارد ایشانرا هیچ یکی از جز خدای تعالی
بدرستی که خداوند تعالی برد بار است آمرزنده است جمیع ستایش
مر خدایرا که میدارد آسمانرا از افتادن بر زمین جز باذن خداوند
تعالی بدرستی که خدای عز وجل مهربانست بمردمان رحیم است
بریشان الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ در صحیح مستدرک است که رسول صلی الله علیه وسلم
از خواب بیدار شد حمد مذکور میفرمود و معنی اینست جمیع
ستایش مر خدایرا که مردگانرا زنده کرد است و خداوند تعالی
بر همه چیز تواناست الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا

وصحیح ابن حبان م

والیه النشور خ دت س مص در بخاری و سنن ابی داود
و ترمذی و نسائی ست و مصنف ابی بکر ست بروایت عایشه
رضی الله عنها که چون حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم
از خواب بیدار شدند حمد میگفتند معنی اینست جمیع
ستایش مر خدای راست که مرا زنده گردانید بعد انکه مارا میرانید
و سوی خداوند تعالی است برانگیختن و زنده شدن لا اله الا
انت لا شریک لک سبحانک اللهم انی استغفرک لذنبی و
اسالک رحمتک اللهم زدنی علما ولا تزغ قلبی بعد اذ
هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
دت س حب مس در سنن ترمذی و ابی داود و نسائی و صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک است بروایة عایشة رضی الله عنها که گفت چون
رسول صلی الله علیه و سلم از خواب بیدار شدندی دعا میکردند
میخواندند معنی اینست معبود بحق جز تو نیست ترا شریک نیست
پاکی است مر ترا ای بار خدای بدرستی که گناه خود را از تو آمرزش
میخواهم و از رحمت تو میخواهم ای بار خدای علم مرا زیادت
گردان و دل مرا مایل سوی باطل مساز بعد از آنکه راه حق نمودی
و مرا رحمت خود ببخش بدرستی که توئی بسیار بخشنده
لا اله الا الله الواحد القهار رب السموات والارض وما بینهما
العزیز الغفار س حب مس در سنن نسائی و صحیح
ابن حبان و صحیح مستدرک است که چون رسول صلی الله علیه و سلم

از خواب بیدار شدی میخواندی لا اله الا الله تا آخر میگفت
معنی اینست نیست معبود بحق جز خدای تعالی که واحد
قهار است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان ایشانست
انکه عزیز غفار است من تعار من اللیل فقال لا اله الا الله
والله اکبر وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
وهو علی کل شیء قدیر الحمد لله وسبحان الله و
لا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله
اللهم اغفر لی او یدعو فیستجاب له فان توضأ وصلی
قبلت صلوته خ عه در بخاری و چهار سنن است بروایة
عبادة بن صامت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
هر که از خواب شب بیدار شود پس دعاء یا الفاظ مذکور
یا دعای غیر این دعاء خواند دعاء او مستجاب گردد پس اگر وضو کند
و نماز گذارد نماز او مقبول گردد معنی دعا ظاهر است
من قال حین یتحرک من اللیل بسم الله عشر مرات و سبحان
الله عشرا آمنت بالله وکفرت بالطاغوت عشرا وقی
کل شیء یتخوفه ولم ینبغ لذنب ان یدرکه
الی مثلها طس در معجم اوسط است بروایة
ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود هر که وقت جنبیدن از خواب شب ده کرت باد

بیان

بيان جون كسي از فراش خود برخيزد

كلمات مذكوره كويد محفوظ كردد انهجيزي كه از بيش
واو را هيج كناهي در مثل آن شب در نيايد وَإِذَا قَامَ مِنَ
اللَّيْلِ عَنْ فِرَاشِهِ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ بِصَنِفَةِ إِزَارِهِ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ فَإِذَا اضْطَجَعَ
فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ
إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ رَدَدْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا
تَحْفَظُ بِهِ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ت ي در سنن
ترمذي و در كتاب عمل اليوم و الليل ابن سني است از
ابو هريرة رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم
فرمود جون كسي در شب از فراش خود بخيزد پس سوي
آن باز كردد كو كه فراش بكناره ازار خود سه بار
بيفشاند زيرا كه او نميداند كه بعد خاستن او جه جيز
بران فراش آمده است پس جون كه بغلطد باسمك اللهم
تا آخر كويد معني اينست بنام تو اي بارخداي بهلوي خود
نهادم و بنام تو بهلوي را بر دارم اكر روح مرا بداري
پس بر و رحمت كن اكر باز كرداني پس او را نكاه دار
بانجه نكاه داري بندكان صلح خود را وَإِذَا قَامَ
لِيَتَهَجَّدَ فَإِنْ دَخَلَ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ أَعُوذُ بِاللهِ
مصر ي در مصنف ابو بكر ست و در كتاب عمل اليوم و

بيان تهجد و احكام خلا

الليلات برواية علي رضي الله عنه كه جون كسي استاده شود
تا نماز تهجد كند پس اكر در آب خانه رود بسم الله كويد
زيرا كه رسول صلى الله عليه وسلم فرموده است بسم الله
برده است ميان عورت امت من و ميان جشم شياطين را
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ ع معي د را اصول ست
و مصنف ابو بكر ست بروايت انس رضي الله عنه كه
رسول صلى الله عليه وسلم نزد دخول آب خانه اللهم تا آخر ميفرمود
معني اينست اي بارخداي بتو پناه ميجويم از مردان و زنان
شياطين استعاذت در خلا ازينست كه خلا جاي حضور
شياطين است وَإِذَا خَرَجَ غُفْرَانَكَ حب عه مص در صحيح ابن حبان
و جهار سنن و مصنف ابو بكر ست بروايت عايشه رضي الله
عنها كه رسول صلى الله عليه وسلم از آب خانه بيرون شدي
غفرانك فرمودي يعني آمرزش تو ميخواهم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي س ي مو مص در سنن نسائي
و كتاب عمل اليوم و الليل ابن سني است بروايت ابو ذر
رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم از آب خانه
بيرون مي شدند الحمد لله تا آخر ميفرمود و در مصنف
ابو بكر موقوف است بروايت حذيفة رضي الله عنه معني
اينست جميع ستايش مر خدا را كه از من آزار برد و مرا عاقيت داد

وَإِذَا تَوَضَّأَ فَلْيُسَمِّ اللهَ دت ق در سنن ابی داود و
ترمذی و ابن ماجة است بروایة ابوهریرة رضی الله عنه
که چون خواهد که وضو سازد گوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
گوید ثُمَّ يَقُولُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي
وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي سی در سنن نسای و کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی بروایت ابوموسی رضی الله عنه که پس
دعا مذکور خواند معنی اینست ای بار خدای گناه من بیامرز
و خانه مرا فراخ گردان و در رزق من برکت کن وَإِذَا فَرَغَ مِنَ
الْوُضُوءِ رَفَعَ نَظَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ دس در سنن ابی داود
و نسایی است که چون از وضو فارغ شود چشم خود را
سوی آسمان بردارد وَلْيَقُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
م د س ق مصی در مسلم و سنن ابی داود و نسایی و
ابن ماجة و مصنف ابی بکر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن
سنی است بروایت عمر رضی الله عنه که شهادت مذکور گوید
قول بدین شهادت بعد وضو اشارتست بر اخلاص عمل
و طهارت قلب از شرک و ریا بعد طهارت اعضا از
حدث و خبث در حدیث است هرکه بعد وضو اشهد
ان لا اله الا الله تا آخر گوید برای او هشت در بهشت کشاده

واذا توضأ

واذا فرغ من الوضوء

وانس

انس در هر دو گه در آید ثلث مرات ق مصی در سنن
ابن ماجة و مصنف ابو بکر است و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است
بروایت انس رضی الله عنه که شهادت مذکور سه بار گوید اللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ ت در سنن
ترمذی است بروایت عمر رضی الله عنه که دعا مذکور خواند معنی
اینست ای بار خدای مرا از تائبان گردان و مرا از پاکان گردان
سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ
وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مس سی در مستدرک و سنن نسائی است
بروایت ابو سعید رضی الله عنه که دعا مذکور خواند معنی دعا
اینست پاکی و حمد مر تراست ای بار خدای گواهی میدهم که جز
تو معبود بحق نیست آمرزش از تو میخواهم و سوی تو باز میگردم
مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ كُتِبَ لَهُ فِي رَقٍّ ثُمَّ جُعِلَ فِي طَابَعٍ فَلَمْ
يُكْسَرْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ طس در معجم اوسط است
بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هرکه وضو کند پس دعاء مذکور خواند ثواب آن در کاغذی
نبشته مهر کند پس آن مهر تا قیامت نشکنند متوضی را باید که
هر از کار بعد وضو خواند تا بر همه احادیث عمل شود التشهد

خواهدم

إِلٰهَ م

ورقام

فرمودم

التشهد



این بیان تهجد است اَفْضَلُ الصَّلوٰةِ بَعْدَ الْمَكْتُوبَةِ الصَّلوٰةُ
فِي جَوْفِ اللَّيْلِ م در مسلم است بروایت ابوهریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بهترین نماز بعد
نماز فریضه نماز درمیانهٔ شب است زیراکه آن نماز از ریا دورست
وموجب اخلاص وحضورست اَفْضَلُ الصَّلوٰةِ صَلوٰةُ
الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ اِلَّا الْمَكْتُوبَةَ خ م در بخاری ومسلم است بروایت
زید بن ثابت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود بهترین نماز نماز مردم درخانهٔ اوست جز نماز فرض
صَلوٰةُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَثْنىٰ مَثْنىٰ خ م در بخاری ومسلم است
بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود نماز شب دوگان دوگانست ودر مسند امام احمد است
بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
نماز شب وروز دوگان دوگانست یعنی نوافل شب وروز
دوگانه دوگانه [illegible] دردو رکعت سلام گوید وكَانَ اِذَا
قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَتَهَجَّدُ قَالَ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ قَيِّمُ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ مَلِكُ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَ
لِقَاؤُكَ حَقٌّ وَقَوْلُكَ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَ
النَّبِيُّونَ حَقٌّ وَمُحَمَّدٌ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ اللّٰهُمَّ
لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْكَ اَنَبْتُ
وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ حَاكَمْتُ اَنْتَ رَبُّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ
فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا
اَعْلَنْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ
اَنْتَ خ م اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ ع عو در اصول است وصحیح ابی
عوانه است بروایة ابن عباس رضی الله عنهما که چون رسول صلی
الله علیه وسلم از خواب شب میخواست که نماز تهجد کند
دعاء مذکور میگفت معنی دعا اینست ای بارخدای مر تراست
حمد تویی نگاه دارندهٔ آسمانها وزمین وهرکه در ایشانست
ومر تراست حمد وتویی بادشاه ومالک آسمانها وزمین
وهرکه در ایشان است ومر تراست حمد تویی روشن کننده
آسمانها وزمین وهرکه در ایشانست ومر تراست حمد تو
یی حق ووعدهٔ تو حق است ولقاء تو حق است وقول
تو حق است وبهشت حق است ودوزخ حق است وپیغمبران
حق اند ومحمد صلی الله علیه وسلم حق است ای بارخدا
براستی تو انقیاد کردم وبتو ایمان آوردم وبر تو توکل کردم

و سوی تو باز گشتم و بحجت تو خصومت با خصم کردم و کار خود
سوی تو برداشتم و ترا حاکم کردم تا میان من حکم کنی تو ئی پروردگار
ما و سوی تست باز گشت ما پس گناهان مقدم و مؤخر و گناهان
پنهان و آشکار امن بیامرز تو ئی پیش کننده و پس کننده تو ئی
خداوند من معبود من جز تو معبود بحق نیست وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللّٰهِ ع در اصول است این کلمه زیادت بر دعاء مذکور
سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ ت در سنن ترمذی بروایت ربیعه بن کعب
اسلمی کلمه مذکور زیادت است معنی اینست قبول کرد خدای تعالی
حمد کسی که او را ستود سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ د س در سنن ابی
داود و نسائی بروایت ربیعه بن کعب رضی الله عنه کلمه
مذکور زیادت است وَتَعَدَّ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ النَّوْمِ فَنَظَرَ إِلَى
السَّمَاءِ فَقَالَ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ
مِنْ آلِ عِمْرَانَ حَتَّى خَتَمَهَا ثُمَّ قَامَ فَتَوَضَّأَ وَاسْتَنَّ فَصَلَّى
إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً ثُمَّ أَذَّنَ بِلَالٌ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ
خَرَجَ فَصَلَّى الْفَجْرَ خ م د س ق در بخاری و مسلم و سنن
ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابن عباس

رضی الله

رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فهو در ثلث آخر
شب از خواب بنشست پس سوی آسمان دید پس آیه
إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ تا آخر سورهٔ آل عمران خواند پس
برخاست و مسواک کرد و وضو ساخت پس یازده رکعت
نماز گزارد پس بلال رضی الله عنه بانگ نماز گفت پس رسول
صلی الله علیه وسلم دو رکعت نماز کردند پس از خانه
بیرون آمدند و نماز صبح گزاردند وَكَانَ يُصَلِّي مِنَ
اللَّيْلِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً يُوتِرُ مِنْ ذٰلِكَ بِخَمْسٍ
لَا يَجْلِسُ فِي شَيْءٍ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ خ م در بخاری و مسلم
است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم سیزده رکعت نماز در شب میکردند بدین
رکعة از جمله آن وتر می کردند در آن پنج رکعت جز در آخر
نمی نشستند وَكَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً
يُوتِرُ بِوَاحِدَةٍ خ م در بخاری و مسلم است بروایة عایشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم در شب یازده
رکعة نماز میکردند از آن جمله بیک رکعت وتر میکردند
وَإِذَا قَامَ لِصَلٰوةِ اللَّيْلِ كَبَّرَ عَشْرًا وَحَمِدَ عَشْرًا وَ
سَبَّحَ عَشْرًا وَاسْتَغْفَرَ عَشْرًا د س ق مص حب در سنن
ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابوبکر و صحیح

در ثلث آخر

و اذا قام لصلوة اللیل

اللیل

ابن حبان است بروایت عایشه عنها که چون رسول صلی الله علیه وسلم بجهت نماز شب میخواست ده بار اَللهُ اَکبر و ده بار اَلحَمدُ لِلّٰه و ده بار سُبحانَ الله و ده بار استغفر الله میفرمود وَقالَ اَللّٰهُمَّ اغفِر لِي وَاهدِنِي وَارزُقنِي وَعافِنِي دس ق مص در سنن ابی داود و نسایی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم این دعا هم میفرمود معنی اینست ای بار خدای مرا بیامرز و مرا راه راست نمای یعنی بر راه راست ثابت دار و مرا روزی ده و در عافیت دار عشرا حب در صحیح ابن حبان است که دعا مذکور ده بار میگفت و تعوذ باللهِ مِن ضِیقِ المَقامِ یَومَ القِیامَةِ دس ق م ص در سنن ابی داود و نسایی و ابن ماجه و صحیح مسلم و مسند ابی یعلی است که رَسُولُ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّمَ اَعُوذُ بِاللهِ مِن ضِیقِ تا آخر میگفت معنی اینست پناه میجویم بخدای تعالی از تنگی مقام در روز قیامت یعنی از شداید و مکاره آن روز زیرا که هر کرا که رنجی و یا خوفی رسد زمین بر و تنگ شود قالَ اللهُ تَعالَی وَضاقَت عَلَیکُمُ الاَرضُ بِما رَحُبَت و تنگ شد بر شما زمین بفراخی خود در روز حنین عشرا

در صحیح ابن حبان است که رسول صلی الله علیه وسلم تعوذ مذکور ده بار میگفت وَاِذا افتَتَحَ صَلوٰةَ اللَّیلِ قالَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ جَبرَئِیلَ وَمِیکائِیلَ وَاِسرافِیلَ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ عالِمَ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ اَنتَ تَحکُمُ بَینَ عِبادِکَ فِیما کانُوا فِیهِ یَختَلِفُونَ اِهدِنِي لِمَا اختُلِفَ فِیهِ مِنَ الحَقِّ بِاِذنِکَ اِنَّکَ تَهدِي مَن تَشاءُ اِلیٰ صِراطٍ مُستَقِیمٍ م عه حب ی در صحیح مسلم و چهار سنن و صحیح ابن حبان و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه وسلم میخواست که نماز شب آغاز کند دعا مذکور میگفت معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ای آفریدگار آسمانها و زمین ای داننده غیب و حضور تو حکم کنی میان بندگان خود در آنچه اختلاف کرده اند راه نمای مرا باذن خود سوی آنچه در آن اختلاف کردند از حق بدرستی که تو راه نمای سوی راه راست کسی را که خواهی وَاِذا صَلَّی الوِترَ ثَلٰثًا فَیَقرَءُ فِي الاُولیٰ سَبِّحِ اسمَ رَبِّکَ وَفِي الثّانِیَةِ قُل یا اَیُّهَا الکافِرُونَ وَفِي الثّالِثَةِ قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ د ت س ق حب ی این شروع است در

بیان نماز وتر

بیان نماز وتر در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و
مسند امام احمد و سنن ابن ماجه و صحیح ابن حبان و کتاب
عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایة عایشه و ابی رضی
الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه و سلم نماز وتر
سه رکعت میکردند در رکعت اول سبح اسم ربک و در دوم
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در سیوم قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ میخواندند
وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ دا ق تجب در سنن ابی داود و مسند امام
بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
و سلم در رکعت سیوم معوذتین نیز میخواندند و يَفْصِلُ
بَيْنَ الشَّفْعِ وَالْوِتْرِ بِتَسْلِيمَةٍ يُسْمِعُنَاهَا أَوْ لَا يُسَلِّمُ
إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ س ي در سنن نسائی و کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی است بروایت عائشه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه و سلم جدائی میکردند میان دو
رکعت و یک رکعة بسلامی که دیگران کلامی شنوانید یا جز
در آخر سلام نمیگفت أَوْتَرَ بِوَاحِدَةٍ خ م در بخاری و مسلم
بروایة عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله و سلم
وتر بیک رکعت میکرد أَوْ بِخَمْسٍ أَوْ بِسَبْعٍ قط سنی در سنن
نهائی دارقطنی و سنن کبیر بیهقی است بروایت ابو هریره

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم به پنج رکعت
یا به هفت رکعة وتر میکردند أَوْ بِتِسْعٍ أَوْ إِحْدَى عَشْرَةَ
رَكْعَةً أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ سنی در سنن کبیر بیهقی است یا که
رسول صلی الله علیه و سلم به نه رکعت یا یازده رکعت
یا بیشتر از یازده رکعت وتر میکردند فَيَقْنُتُ فِي الْأَخِيرَةِ
إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ مس در صحیح مستدرک است
بروایت حسین بن علی رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم
در رکعت آخر وتر چون سر از رکوع بر میداشت قنوت
میخواند فَيَقُولُ اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي
فِيمَنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا
أَعْطَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ
وَإِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ تَبَارَكْتَ
رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ نَسْتَغْفِرُكَ وَنَتُوبُ إِلَيْكَ عه حب مس مص
در چهار سنن و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است و
مصنف ابو بکر بروایت حسن بن علی رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه و سلم در قنوت دعا مذکور میخواند معنی
دعا اینست ای بار خدای بگردان مرا در جمله کسانی که ایشان را
راه راست نمودی و بگردان مرا در جمله کسانی که ایشان را
عافیت دادی و بگردان مرا در جمله کسانی که ایشان را

دوست داشتي ومرا برکت ده در چيزي که مرا دادي
نگاه دار مرا از بدي آنچه حکم کردي بدرستي که تو بر همه
حکم کني وبر تو کسي حکم نکند وبدرستي خوار نکرده
کسي که تو اورا دوست داشتي وعزيز نشود کسی که تو اورا
دشمن داشتي اي پروردگار تو بلي بزرگ وبرتر آمرزش
گناهان از تو ميخواهيم وسوي تو باز ميکرديم وَصَلَّى اللهُ
عَلَى النَّبِيِّ س درسنن نسائي که رسول صلى الله عليه وسلم
وصلى الله على النبي ميکفت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَاَلِّفْ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ
وَاَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَانْصُرْهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ
اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْكَفَرَةَ الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِكَ وَ
يُكَذِّبُوْنَ رُسُلَكَ وَيُقَاتِلُوْنَ اَوْلِيَاءَكَ اَللّٰهُمَّ خَالِفْ
بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَزَلْزِلْ اَقْدَامَهُمْ وَاَنْزِلْ بِهِمْ بَأْسَكَ الَّذِيْ
لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ وَلَا
نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ سي بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ وَاِلَيْكَ نَسْعٰى وَ
نَحْفِدُ نَخْشٰى عَذَابَكَ الْجِدَّ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ اِنَّ عَذَابَكَ
الْجِدَّ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ س مص بخ درکتاب دعا ابن مردويه

ومصنف

د مصنف ابوبکر وسنن کبير بيهقي است بروايت ابن مسعود
رضي الله عنه که رسول صلى الله عليه وسلم در قنوت دعا
مذکور ميخواند معني اينست اي بارخداي بيامرز مرا ومردان
وزنان مومنان را ومردان وزنان مسلمانان را والفت بده
ميان دلهاء ايشان واصلاح کن ميان ايشان وايشان را
نصرت ده بردشمن خود ودشمن ايشان اي بارخداي
لعنت کن برکافران که مردمان را از راه تو باز ميدارند
ورسولان ترا تکذيب ميکنند وبا دوستان تو کارزار
ميکنند اي بارخداي خلاف افکن ميان سخنهاء ايشان
وبلغزان قدمهاي ايشان را وفرو آر برايشان عذاب خود
که از آن قوم گناهکاران رد نکني اي بارخداي بدرستي
که ما از تو ياري ميخواهيم وآمرزش ميخواهيم وثناي تو
ميکوييم وبتو کافر نميشويم بيرون ميکشيم وترک ميدهيم
کسي را که بي فرماني تو کند اي بارخداي ترا ميپرستيم و
براي تو نماز وسجده ميکنيم واز جهت عبادت تو کو
ميکنيم وسوي خدمت تو شتابيم از عذاب حق تو ميترسيم
واميد رحمت تو داريم بدرستي که عذاب تو حق است بکافران
لاحق است وَاِذَا سَلَّمَ مِنْهُ قَالَ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ يَمُدُّ صَوْتَهُ فِي الثَّالِثَةِ وَيَرْفَعُ سر د مص قط

الآخرة مص

بفتح النون والواو ... البالغة الی الطاهر المنزه عن العيوب والنقائص وقد نبغ فافهم مناج
واذا سلم من الوتر

در سنن نسائی و ابی داود و مصنف ابو بکر است و سنن دار قطنی است بروایت ابیّ رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از وتر سلام داد سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سه بار میفرمود و در سیم کرت آواز خود را بلند و دراز میساخت رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ قط در سنن دار قطنی است که رسول صلی الله علیه وسلم رب الملائکة والروح نیز میفرمود اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا اُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ عه طس مص در چهار سنن و معجم اوسط و مصنف ابو بکر است بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای بدرستی من پناه میجویم بخشنودی تو از خشم تو و بعافیت تو از عقوبت تو و پناه میجویم برحمت تو از عذاب تو من طاقت ثنائی تو ندارم تو همچنی بذات خود ثنا کفتی وَاِذَا صَلَّى رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ يَقْرَاُ فِي الْاُولَى قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ م حب در صحیح مسلم و صحیح ابن حبان است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم دو رکعت سنت فجر

میکردند در اول قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد میخواندند اَوْ فِي الْاُولَى قُولُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ الْآيَةَ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا الْآيَةَ م در صحیح مسلم است بروایت ابن عباس رضی الله عنه یا که رسول صلی الله علیه وسلم در سنت فجر در رکعت اولی قُولُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ اِلَى اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمَاعِيلَ وَاِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَا اُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا اُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ میخواندند و در رکعت دوم قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا اِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اَنْ لَا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِاَنَّا مُسْلِمُونَ میخواندند وَيَقُولُ وَهُوَ جَالِسٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاِسْرَافِيلَ وَمُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مسی در صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابی اسامة بن عمیر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد سنت فجر دعا مذکور نشسته میخواندند

معني اينست اي بارخداي اي پروردگار جبرئيل
و ميكائيل و اسرافيل و محمد پيغامبر صلى الله
پيغامبر صلى الله عليه و سلم پناه ميجويم بتو از آتش
ثم ليضطجع على شقه الايمن دت در سنن ابي داود
و ترمذي است بروايت انس رضي الله عنه پس بكو كه
بغلطد بر جانب راست خود يعني بعد سنت فجر واذا
من بيته قال بسم الله توكلت على الله اللهم انا
نعوذ بك من ان نزل او نذل او نضل او نظلم او
او نجهل او يجهل علينا عه مسى در جهار سنن و صحيح مستدرك
و كتاب عمل اليوم و الليل ابن سني است بروايت ام سلمة رضي
الله عنها كه جون رسول صلى الله عليه و سلم از خانه خود
بيرون ميشد ند دعا مذكور ميفرمود معنى دعا اينست بنام
خداى تعالى بيرون ميشوم توكل بر خداى تعالى كردم اى
بارخداى بدرستى كه ما پناه ميجويم بتو ازين كه بلغزيم
يا خوار شويم يا كمراه كرديم يا ظلم كنيم يا جهالت كنيم يا
كسي بر ما جهالت كند بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله
التكلان على الله مس تي در صحيح مستدرك و سنن ابن
ماجه و كتاب عمل اليوم و الليل ابن سني است بروايت ابي
هريره رضي الله عنه كه جون رسول صلى الله عليه و سلم

ازخانه بيرون مي شد دعا مذكور ميفرمود معنى اينست
بنام خداى تعالى بيرون ميشوم و نيست حيله بر ترك
معصيت و قوة بر طاعت جز بخداى تعالى تكيه و توكل
بر خداى تعالى است بسم الله توكلت على الله لا حول
و لا قوة الا بالله د ت س حب ى در سنن ابي داود و تر
و نسائي و صحيح ابن حبان و كتاب عمل اليوم و الليل
ابن سني است بروايت رضي الله عنه كه جون رسول صلى
الله عليه و سلم از خانه بيرون مي شد ند دعا مذكور
ميفرمود معنى همانست كه كذشت ما خرج صلى الله
عليه و سلم من بيتي قط الا رفع طرفه الى السماء
فقال اللهم اني اعوذ بك ان اضل او اضل
او ازل او ازل او اظلم او اظلم او اجهل او يجهل
على د ق در سنن ابي داود و ابن ماجة است بروايت
ام سلمه رضي الله عنها كه كفت هيچ كاهي رسول صلى
الله عليه و سلم از خانه من بيرون نمي شد مكر
كه جشم خود را سوى آسمان بر ميداشت پس دعا
مذكور ميفرمود معنى اينست اى بارخداى بدرستى
كه من پناه ميجويم بتو ازين كه كمراه شوم يا كسى مرا
مرا كمراه كند يا بلغزم يا كسي مرا بلغزاند يا ستم كنم يا

مذى

انس

كد

اذا استعان العبد بالله و باسمه المبارك
هداه الله و ارشده و اعانه في الامور
الدينية و الدنيوية و اذا توكل على الله
فتحسبه و كفاه الله و من يتوكل على الله فهو حسبه
لا حول و لا قوة الا بالله وقاه الله من شر
الشيطان و لا يسلط عليه و لذا اورد
في تتمة الحديث ان من قال ذلك
يقال حينئذ هديت و كفيت
و وقيت و تنحى له الشيطان و يقول
شيطان آخر كيف لك برجل قد
هدي و كفي و وقي قال بعض الشارحين
كيف يتيسر لك اغواء رجل
مسلما للشيطان الذي يجئ لاجل
التمايل عن طريق اضلال
متحيرا آيسا فقوله لك
متعلق بقوله يتيسر ابو جعل
حال من فاعله

اذا خرج للصلوة

كسي بر من ستم كند يا جهالت كنم يا كسى بر من جهالت
كند وَاِذَا خَرَجَ لِلصَّلٰوةِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي
نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وفي سَمْعِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا
وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَعَنْ خَلْفِي نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُورًا خ م
د س ق در صحيح بخاري ومسلم وسنن ابى داود ونسائى
وابن ماجه است بروايت ابن عباس رضى الله عنهما
كه چون رسول صلى الله عليه وسلم از خانه خود براى
نماز بيرون ميشدند دعا مذكور ميفرمودند معنى
اينست اى بار خداى بكردان در دل من نور ودر چشم
من نور ودر كوش من نور واز راستاى من نور واز چپاى
من نور واز پس من نور وبكردان براى من نور وَفِي
عَصَبِي نُورًا وَفِي لَحْمِي نُورًا وَفِي دَمِي نُورًا وَفِي شَعْرِي
نُورًا وَفِي بَشَرِي نُورًا خ م د س ق در بخارى ومسلم وسنن
ابى داود ونسائى وابن ماجه است كه رسول صلى الله
عليه وسلم اين كلمات مذكوره نيز ميفرمود معنى اينست
وبكردان در رك من نور ودر كوشت من نور ودر خون
من نور ودر موى من نور ودر اندام من نور وَفِي لِسَانِي
نُورًا وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا وَاَعْظِمْ لِي نُورًا م در صحيح
مسلم است كه رسول صلى الله عليه وسلم اين كلمات

مذكوره

مذكوره نيز ميفرموده معنى اينست وبكردان در زبان من
نور وبكردان در ذات من نور وبزرك كن براى من نور
نورًا س در سنن نسائى وصحيح مستدرك است كه رسول صلى
الله عليه وسلم اين كلمه نيز ميكفت معنى اينست وبكردان مرا
نور اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ
فِي سَمْعِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا
وَاجْعَلْ مِنْ اَمَامِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي
نُورًا م د س در صحيح مسلم وسنن ابى داود ونسائى است
بروايت ابن عباس رضى الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم
چون از خانه براى نماز بيرون ميشدند دعا مذكوره ميفرمودند
معنى همانست كه كذشت وَعِنْدَ دُخُولِ الْمَسْجِدِ اَعُوذُ بِاللهِ الْعَظِيمِ
وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ د
س ق در سنن ابى داود ونسائى وابن ماجه است بروايت
ابن عمر رضى الله عنهما كه رسول صلى الله عليه وسلم نزد دخول
مسجد دعا مذكور ميفرمود معنى اينست پناه ميجويم بخداى
عظيم است وبذات او كه كريم است وبسلطان كه قديم است از شيطان
رانده واز رحمت دور مانده در حديث هركه اين كلمات كويد شيطان
كويد كه خود را در باقى روز از من نكاه داشت وَاِذَا دَخَلَهُ
فَلْيُسَلِّمْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمْ د س ق حب

وَاجْعَلْنِي م

اللهم اعطني نورا

عند دخول المسجد

قال الطيبي طلب النور للاعضاء عضوا عضوا ان يتحلى بانوار المعرفة والطاعة ويتعرى عما عداها فان الشياطين تحيط بالجهات الست بالوسواس فكان طلب التخلص منها بالانوار سادة تلك الجهات قال وكل هذه الامور راجعة الى الهداية والبيان وضياء الحق والى ذلك يرشد قوله تعالى الله نور السموات والارض قوله نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء انتهى ملخصا

درسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه است بروایت ابن عمر
رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم وصحیح ابن حبان
وصحیح مستدرک وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابی حمید
یا ابو اسید رضی الله عنه که چون در مسجد در آید پس کو که
سلام بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم کوید ولیقل اللهم
افتح لی ابواب رحمتک م د س ق حب مس ی
در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه وصحیح
ابن حبان وصحیح مستدرک وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی
ست وکو که دعا مذکور خواند معنی اینست ای بارخدای ابواب
رحمت خود بر من کشاده کن اللهم افتح لنا ابواب رحمتک
وسهل لنا ابواب رزقک ق عو در سنن ابن ماجه وصحیح ابی
عوانه است بروایت ابو حمید رضی الله عنه که دعا مذکور کوید
معنی اینست ای بارخدای ابواب رحمتت برای من کشاده کن و
ابواب رزق برای من آسان کردان او یقول بسم الله والسلام
علی رسول الله ق ت مص مه اللهم صل علی محمد وعلی
آل محمد مه اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک
ق ت مص مه
در سنن ابن ماجه وترمذی ومصنف ابو بکر وصحیح ابن خزیمه است
بروایة فاطمة رضی الله عنها که دعا مذکور خواند معنی اینست
ای بارخدای کناهان مرا بیامرز وابواب رحمت خود برای من

بعد دخول المسجد
کشاده کن وبعد دخوله السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین مو مص در کتاب دعا ابن مردویه ومصنف ابی بکر است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که بعد دخول مسجد سلام مذکور
اذا خرج من المسجد
کوید فاذا خرج منه فلیسلم علی النبی صلی الله علیه وسلم
ولیقل اللهم اعصمنی من الشیطان س ق حب مس
در سنن نسائی وابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که چون از مسجد بیرون شود کو که بر پیغامبر
صلی الله علیه وسلم درود کوید اللهم تا آخر کوید معنی
اینست ای بارخدای نکاه دار مرا از شیطان الرجیم ق
در سنن ابن ماجه است که من الشیطان الرجیم کوید ورجیم
رانده را کویند اللهم انی اسالک من فضلک م د س
در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی است بروایت ابو اسید
یا ابو حمید رض که چون از مسجد بیرون شود دعا مذکور کوید
معنی اینست ای بارخدای فضل تو از تو میخواهم او بسم الله
والسلام علی رسول الله مص ت ق مه در مصنف ابو بکر وسنن ترمذی
وابن ماجه وصحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی الله عنها
که با بسم الله تا آخر کوید اللهم صل علی محمد وعلی آل
محمد مه در صحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی الله عنها

که درود مذکور کوید اللّهمّ اغفر لی ذنوبی وافتح لی
ابواب فضلک مصت قه در مصنف ابوبکرست وسنن ترمذی و
ابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه
رضی الله عنها که چون از مسجد بیرون شود دعاء مذکور
خواند معنی کذشت وذکر رحمت در وقت دخول وذکر فضل در وقت
خروج برای طلب امور معاش پس ذکر رحمت سزاوارترست در
وقت دخول وذکر فضل سزاوارتراست در وقت خروج ولا یجلس
حتی یصلی رکعتین خ م در صحیح بخاری ومسلم است بروایت
ابی قتاده رضی الله عنه که کودر مسجد نه نشیند تاکه دو رکعت
تحیت کزارد وان سمع من ینشد ضالةً فی المسجد فلیقل
لا ادّاها الله علیک فانّ المساجد لم تبن لهذا م د ق
در صحیح مسلم وسنن ابی داود وابن ماجه است بروایت ابو هریرة
رضی الله عنه که چون بشنود کسی را که در مسجد کم شده جوید
پس باید که اورا لا ادّاها علیک تا آخر کوید یعنی رد نکند خدای
تعالی آن کم شده را بر تو زیرا که مساجد را برای این بنا نکرده اند
بنای مساجد برای عبادة خدای است طلب امور دنیاوی
در مساجد ناروا است وان رأی من یبیع او یبتاع فی
المسجد فلیقل لا اربح الله تجارتک ت س مس حب
در سنن ترمذی ونسائی وصحیح مستدرک وصحیح ابن حبان است

بروایة

بیان بانگ نماز

بروایت ابوهریره رضی الله عنه اکر ببیند کسی را که در مسجد
بیع یا شرا میکند پس اورا کوید خدای تعالی تجارت
ترا سودمند نکرداند وفی الاذان تسع عشرة کلمةً
معروفً عه امه این شروع در بیان بانکنماز است در چهار
سنن ومسند امام احمد وصحیح ابن خزیمه است بروایت ابو محذوره
رضی الله عنه که بانکنماز نوزده کلمه معروف است ویزاد فی
اذان الصبح الصلوة خیر من النوم مرتین د قطمه
در سنن ابی داود ست بروایت ابو محذوره رضی الله عنه
ودر سنن دار قطنی است بروایت انس رضی الله عنه ودر
صحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی الله عنها که
در بانکنماز صبح کلمه مذکوره را دوبار زیادة کنند معنی
اینست نماز بهتراست از خواب واذا سمع المؤذّن فلیقل
کما یقول ع ی در اصول است وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی
بروایت ابو سعید وعبد الله بن عمر رضی الله عنهم که چون از
مؤذن بانکنماز بشنود پس کو که بکوید چنانچه مؤذن بکوید
وبعد الحیعلة لا حول ولا قوة الا بالله خ م د س
در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی است بروایت
عمر رضی الله عنه که بعد حیّ علی الصلوة وحیّ علی الفلاح
لا حول تا آخر کوید اذا قال ذلک من قلبه دخل الجنة

دمس در سنن ابی داود وصحیح مسلم ونسائی است بروایت عمر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چون آن
جمیع مذکور از اخلاص دل گوید در بهشت در آید مَنْ قَالَ حِیْنَ
یَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِیْکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ رَضِیْتُ بِاللّٰهِ
رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِیْنًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُوْلًا م عدی
در صحیح مسلم وچهار سنن وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم هرکه وقت شنیدن بانگ نماز شهادت مذکوره تا آخر گوید
گناه او آمرزیده گردد معنی شهادت اینست گواهی میدهم که
معبود بحق نیست جز خدای تعالی تنهایی شریک وگواهی میدهم
که محمد صلی الله علیه وسلم بنده ورسول خداوند تعالی است خشنود
شدم بربوبیت خدای تعالی وبرسالت محمد مصطفی صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَسَلَّمَ وبدین اسلام مَنْ قَالَ مِثْلَ مَقَالَتِهِ یَعْنِی الْمُؤَذِّنَ
وَشَهِدَ مِثْلَ شَهَادَتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ ص در مسند ابی یعلی
موصلی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صَلَّی اللّٰهُ
علیه وسلم فرمود هرکه مثل قول مؤذن گوید ومثل شهادة
او شهادة ادا کند پس اورا بهشت است وَکَانَ اِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ
یَتَشَهَّدُ قَالَ وَاَنَا وَاَنَا د حب سی در سنن ابی داود وصحیح ابن

ما یقول بعد الاذان

حبان وصحیح مستدرک بروایت عائشة رضی الله عنها که رسول
صلی الله علیه وسلم چون مؤذن را میشنید که اَشْهَدُ میگفت میفرمود
وَاَنَا اَشْهَدُ وَاَنَا اَشْهَدُ میفرمود ثُمَّ لِیُصَلِّ عَلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ یَسْاَلُ اللّٰهَ لَهُ الْوَسِیْلَةَ م د ت س ی در صحیح مسلم
وسنن ابی داود وترمذی ونسائی وکتاب عمل الیوم ابن سنی است
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما پس گوید بر پیغامبر صلی الله علیه
وسلم درود گوید پس از خدای تعالی برای او علیه الصلوة
والسلام وسیلت خواهد وسیلت چیزیرا گویند که بدان قرب
سوی غیر حاصل شود ومراد اینجا منزلتی است در بهشت خ

الوسیلة

یَقُوْلُ اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ
اٰتِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِیْلَةَ وَالْفَضِیْلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُوْدَا
نِ الَّذِیْ وَعَدْتَهُ ~~اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ~~ خ عه حب سی در بخاری
وچهار سنن وصحیح ابن حبان وسنن کبیر بیهقی است بروایت
جابر رضی الله عنه که دعاء مذکور گوید معنی دعاء اینست ای بار
خدای ای پروردگار این دعوة که تمام است وپروردگار این نماز
که در حال قیام است محمد صلی الله علیه وسلم را وسیلة وفضیلة
بده ودر مقام که وعده کرده اورا بفرست اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ
سی در سنن کبیر بیهقی است که بعد وعدته اِنَّکَ تا آخر گوید
معنی اینست بدرستی که تو خلاف نکنی وعده را مَا مِنْ مُسْلِمٍ

يَسْمَعُ النِّدَاءَ فَيُكَبِّرُ وَيُكَبِّرُ وَيَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ ثُمَّ يَقُولُ اللّٰهُمَّ أَعْطِ
مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْأَعْلَيْنَ دَرَجَتَهُ
وَفِي الْمُصْطَفَيْنَ مَحَبَّتَهُ وَفِي الْمُقَرَّبِينَ ذِكْرَهُ إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ
الشَّفَاعَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ط در معجم کبیر است بروایة ابن مسعود
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیست هیچ مسلمی که نداء مؤذن
بشنود پس مؤذن اللّٰهُ أَكْبَرُ گوید و او هم اللّٰهُ أَكْبَرُ
گوید و أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ تا آخر گوید بعد اللّٰهُمَّ تا آخر
گوید بعده اللّٰهُمَّ تا آخر گوید مگر در روز قیامت شفاعت من
برای او واجب گردد معنی اینست ای بار خدای محمد صلی الله علیه
وسلم را وسیلت و فضیلت ده و بگردان درجهٔ او را در بلند
ترین مردمان و بگردان محبت او را در برگزیدگان و بگردان ذکر
او را در مقربان مَنْ قَالَ حِينَ يُنَادِي الْمُنَادِي اللّٰهُمَّ رَبَّ
هٰذِهِ الدَّعْوَةِ الْقَائِمَةِ وَالصَّلٰوةِ النَّافِعَةِ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَارْضَ عَنِّي رِضًا لَا تَسْخَطُ بَعْدَهُ اسْتَجَابَ اللّٰهُ دَعْوَتَهُ
الطس ی در مسند امام احمد و معجم کبیر اوسط و کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود هر که وقت نداء مؤذن دعاء مذکور
گوید خدای تعالی دعوت او را مستجاب کند معنی دعا اینست

الوسيلة

بلکه واجب شود برای او شفاعت ما در روز قیامت

ای بار خدای ای پروردگار این دعوت تمام و پروردگار این
نماز که قایم است بدوام آنکه نافع است برای خواص و عوام
بر محمد صلی الله علیه وسلم درود بفرست و از من راضی
شو بر ضائی که بعد آن خشم نکنی مَنْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ
شِدَّةٌ فَلْيَتَحَيَّنِ الْمُنَادِيَ فَإِذَا كَبَّرَ كَبَّرَ وَإِذَا تَشَهَّدَ
تَشَهَّدَ وَإِذَا قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ
وَإِذَا قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ثُمَّ يَقُولُ اللّٰهُمَّ
رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ الصَّادِقَةِ الْمُسْتَجَابِ لَهَا دَعْوَةِ الْحَقِّ وَكَلِمَةِ
التَّقْوٰى أَحْيِنَا عَلَيْهَا وَأَمِتْنَا عَلَيْهَا وَابْعَثْنَا عَلَيْهَا وَاجْعَلْنَا
مِنْ خِيَارِ أَهْلِهَا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ثُمَّ يَسْأَلُ اللّٰهَ حَاجَتَهُ
مس ری در صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است
بروایت ابو امامه رضی الله عنه که هر که غم یا سختی فرو آمده
باشد پس گو که وقت مؤذن را انتظار کند پس چون مؤذن
اللّٰهُ أَكْبَرُ گوید خود هم بگوید و چون مؤذن اشهد
بگوید خود هم بگوید و چون مؤذن حي على الصلوة گوید
خود هم بگوید پس اللّٰهُمَّ تا آخر گوید پس از خدای تعالی
حاجت خواهد معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار این
دعوت صادقه که هر یک استجابت آن کند الله دعوت حق و کلمه
تقوی است ما را بران دعوت زنده دار و بران دعوت

وچون مؤذن حي على الفلاح
گوید خود هم بگوید

والدعاء بين الاذان والاقامة لا يرد

بمیران وما را برای دعوت وما را برای دعوت برانگیزند
ما را از بهترین اهل آن دعوت کردن در حال حیات
و ممات وَالدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ لَا يُرَدُّ د ت س حب ص
در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
و مسند ابی یعلی موصلی است بروایت انس رضی الله عنه
که رَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود دعاء میان بانگ نماز
و اقامت رد کرده نشود فَادْعُوا ص در مسند ابی یعلی است
پس دعا کنید فَاسْأَلُوا اللهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ت
در سنن ترمذی است که رسول فرمود پس بخواهید از
خدای تعالی عافیت را در دنیا و آخرت وَالْإِقَامَةُ اَللهُ
أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ أَشْهَدُ
أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ (قد قامت الصلوة) اَللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

بيان اقامت است

ا د ق مه ت این شروع در بیان اقامت است در مسند امام احمد
و سنن ابی داود و ابن ماجة و صحیح ابن خزیمة و سنن ترمذی
است بروایة عبد الله بن زید رضی الله عنه که اقامت این اقامت
مذکور است یعنی یکان بار است او هی کالاذان الا فی الترجیع
در مسند امام احمد و چهار سنن و صحیح ابن خزیمة است
بروایت ابو محذوره رضی الله عنه که یا اقامت همچو بانگ نماز است

الترجیع اعدمد

بعض

بعض دو کافه بار است جز در ترجیع و زیادت قد قامت الصلوة
دو بار یعنی در اقامت ترجیع نکنند و قد قامت الصلوة
دو بار زیادت کنند ترجیع در بانگ نماز نزد امام شافعی رحمه الله
است و آن آنست که مؤذن الله اکبر الله اکبر بلند گوید
پس أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
آهسته گوید پس شهادت را بلند گوید بانها نیز بلند باز
کرده اند در الفاظ دیگر ترجیع نیست وَإِذَا قَامَ إِلَى الصَّلٰوةِ
الْمَكْتُوبَةِ حب ت قَالَ م عه حب بَعْدَ التَّكْبِيرِ م ت وَجَّهْتُ
وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ
ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي
لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا
إِلَّا أَنْتَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ وَ
الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ أَسْتَغْفِرُكَ
وَأَتُوبُ إِلَيْكَ م عه حب ط این شروع در بیان نماز است در
صحیح ابن حبان و سنن ترمذی و صحیح مسلم و چهار سنن است

بيان شروع نمازات

بروایت علی رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه
و در معجم کبیر ست بروایت بروایت ابو رافع رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه و سلم سوی نماز فرض می
استاد بعد تکبیر وجهت وجهی تا آخر میخواند معنی
اینست متقبل کرده ایدم روی خود را یعنی توجه بعبادت
کردم و اخلاص در آن آوردم برای آنکسی که آسمانها و زمین
را آفرید در آن حالت که مایلم سوی دین حق اسلام ارنده ام
بصدق و نیستم از مشرکان بدرستی که نماز من عبادت دیگر
من حیوة من و موت من برای خدای تعالی ماست که پروردگار
جهانیان است بی شریک و بدین مذکور که اخلاص است مامور
شدم و من از مسلمانانم ای پروردگار ای بارخدای توئی
بادشاه جز تو معبود نیست توئی پروردگار من و من بنده توام
بر ذات خود ستم کردم و بگناه خود اقرار آوردم پس جمیع
گناهان من بیامرز بدرستی که جز تو کسی نمی آمرزد گناهان را
مگر تو و بنما مرا راه بسوی نیکوترا خلاق و جز تو کسی سوی
آن راه ننماید و دوردار از من بدی خلقها که جز تو کسی آن را
دور نکرداند مداومت و مساعدت بر طاعت تو میکنم و همه
نیکی در قبض تست و بدی منسوب سوی تو نیست من بتو
موجود شدم و سوی تو بنهایت رسم توئی بزرگ و برتر

آمرزش از تو میخواهم و سوی تو باز میگردم اَللّٰهُمَّ بَاعِدْ
بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
اَللّٰهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ خ م د س ق
مصنف در دیباجه گفته است که علامت این شش کتاب بحروفهم
آورده و اینجا حروف آورده است در اصول است بروایت ابو عربیه
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد تکبیر دعاء
مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای دوری کردان میان
من و میان گناهان من چنانچه دوری کرد اینی میان مشرق
و مغرب ای بارخدای بشو گناهان مرا باب و برف و ژاله
یعنی بشو گناهان مرا بانواع مغفرت که در محو کردن گناهان
بمنزله این انواع مذکوره است در ازالت نجاست سُبْحَانَكَ
اَللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا
إِلٰهَ غَيْرُكَ د ت ق مس ط مو در سنن ابی داود و ترمذی
و ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت عایشه رضی الله عنها
و در معجم کبیر بروایت انس رضی الله عنه و در مسلم
موقوف است بروایت عمر رضی الله عنه که بعد تکبیر
سبحانک تا آخر خوانده معنی اینست پاکی و حمد مر ترا است
ای بارخدای نام تو بزرگ است و عظمت تو برتر است
و غیر تو معبود نیست اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيْرًا وَالْحَمْدُ

لِلّٰهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا م ت س
در صحيح مسلم وسنن ترمذي ونسائي است بروايت ابن
عمر رضي الله عنهما كه چون رسول صلى الله عليه وسلم براى نماز
ايستاده ميشدي الله اكبر كبيرا تا اخر ميفرمود دبعه
اما در مسلم لفظ اينست خداى تعالى بزرگست وحمد مر خداي
تعالى را بسيار است وبپاكى ياد ميكنم خداى تعالى را در بامداد
وشبانگاه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا
م د س فِيهِ د س در صحيح مسلم وسنن ابى داود ونسائى است
بروايت انس رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم
بعد تكبير الحمد لله تا اخر ميفرمودند اما در مسلم
لفظ فيه نيست معنى اينست حمد مر خداى تعالى راست حمدى
بسيار پاك از ريا مبارك ونعمتها را بسيار كرداننده اَللّٰهُمَّ
بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
وَنَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ مِنَ الدَّنَسِ ط
در معجم كبير است بروايت سمرة رضى الله عنه كه رسول
صلى الله عليه وسلم بعد تكبير دعا مذكور ميخواند معنى
اينست اى بار خداى دورى گردان ميان من وميان گناهان
من چنانچه دورى كرده ايدى ميان مشرق ومغرب و مرا
از گناهان من پاك كن چنانچه پاك كرده ايدى جامه را

ازديم

ازديم وَفِي صَلٰوةِ التَّطَوُّعِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيرًا ثَلٰثًا اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ كَثِيرًا ثَلٰثًا سُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
ثَلٰثًا اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِن نَفْخِهِ
وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ د ق حب مس مص سنى در سنن ابى داود
وابن ماجه وصحيح ابن حبان وصحيح مستدرك ومصنف
ابو بكر وسنن كبير بيهقى است بروايت جبير بن مطعم
رضى الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم در نماز نفل
بعد تكبير الله اكبر كبيرا سه بار ميفرمود الحمد
لله كثيرا سه بار ميفرمود سُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا سه بار ميفرمود بعد اعوذ بالله تا آخر ميفرمود
معنى اينست پناه ميجويم بخداى تعالى از شيطان رانده شده
او ونف زدن او وافسردن او در مشكوة است كه عمر رضى الله
كه رسول صلى الله عليه وسلم نفخ را بكبر ونفث را بشعر
وهمز را بجنون بيان كرده سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْجَبَرُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ
وَالْعَظَمَةِ طس در معجم اوسط است بروايت حذيفه رضى
الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد تكبير سبحان الله
تا اخر ميفرمود معنى اينست پاكيست مر خداوند پادشاهى را
بزرگى وبزرگوارى وعظمت وَإِذَا قَالَ الْإِمَامُ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
وَلَا الضَّالِّينَ فَلْيَقُلِ الْمَأْمُومُ آمِينَ يُحِبُّهُ اللّٰهُ م د س ق

قال عمر بن مرة احد رواة الحديث نفخه الكبر ونفثه الشعر وهمزه الموتة قال بعض الشراح المراد من نفخه ما يأمر الناس من التكبر ومن نفثه ما يأمر الناس من انشاء الشعر المذموم مما فيه من هجو الناس والافراط بالفسق والكفر ومن همزه جعل احد الجنون والموتة الجنون شرح

ما الفارسي في صلوة التطوع

ذي الملكوت هو الملك زيدت التاء للمبالغة والكثرة كما يقال رحموت ورهبوت والجبروت فعلوت من الجبر وهو القهر وهو ايضا للمبالغة
مبرك شاه

بالمد والتخفيف في جميع الروايات ويجوز القصر ايضا [illegible]

درصحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه است
بروایت ابی موسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود چون امام وَلا الضالین کوید که مقتدی آمین کویند
تا خدای تعالی اجابت او کند وَاِذا اَمَّنَ الاِمامُ فَلْيُؤَمِّنْ المأموم
فَمَنْ وافَقَ تَامِينُهُ تَامِينَ المَلائِكَةِ غُفِرَلَهُ مَا تَقَدَّمَ
مِنْ ذَنْبِهِ خ م درصحیح بخاری ومسلم است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه فرمود چون امام امین کوید
پس کوید که مقتدی آمین کویند زیراکه فرشتکان هم آمین کویند پس
هرکه آمین او موافق آمین فرشتکان آید کناهان کذشته
او مغفور کردد وَكَمَا قالَا النَّبِي صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمِينَ
مَدَّ بِهَا صَوْتَهُ احمد م رَفَعَ بِهَا صَوْتَهُ د درمسند امام احمد
سنن ابی داود وترمذی ومصنف ابو بکر است بروایت وائل
بن حُجْر رضی الله عنه که هرکاه رسول صلی الله علیه وسلم
آمین فرمود آواز خود را بآمین بلند کردانید وَكَانَ اِذَا
قَالَ آمِينَ يَسْمَعُ مَنْ يَلِيهِ مِنَ الصَّفِّ الاَوَّلِ د ق درسنن ابی داود
وابن ماجه است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم چون آمین میفرمود هرکه قریب او آواز او
بود می شنید فَيَرْتَجُّ بِهَا المَسْجِدُ ق درسنن ابن ماجه است
پس مسجد بآواز آمین می جنبید وَقَالَ آمِينَ ثَلَثَ مَرَّاتٍ ط

در معجم کبیر است بروایت وائل بن حجر رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم سه بار آمین فرمود
وَحِينَ قَالَ وَلَا الضَّالِّينَ قَالَ رَبِّ اغْفِرْلِي آمِينَ
ط درمعجم کبیر است بروایت وائل بن حجر رضی الله
عنه وقتی که رسول صلی الله علیه وسلم ولا الضالین
فرمود رب اغفرلی آمین نیز فرمود وَاِذَا رَكَعَ سُبْحَانَ
رَبِّيَ العَظِيمِ م عه حب مس د درصحیح مسلم وچهار
سنن است بروایت حذیفه رض درصحیح مستدرک بروایت
عقبة بن عامر است رضی الله عنه ودرمسند بزار است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که چون رسول صلی
الله علیه وسلم رکوع میکرد سبحان ربی العظیم میفرمود
ثَلَثًا ر درمسند بزار است سه بار میفرمود وَذَلِكَ اَدْنَاهُ
د درسنن ابی داود است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه
که سه بار کفتن ادنی است سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَ
بِحَمْدِكَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْلِي خ م د س ق درصحیح بخاری
ومسلم وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه است بروایات
عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم در
رکوع سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ تا آخر میفرمود معنی اینست بپاکی
یاد میکنم ترا ای بار خدای پروردکار ما وحمد تو میکنم

ای بارخدای بیامرز مرا سبحان الله وبحمده ثلث
مرات اط در مسند امام احمد ومعجم کبیرست بروایت
ابی مالك اشعري رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم در رکوع سه بار سبحان الله وبحمده میفرمود
اللهم لك ركعت وبك آمنت ولك اسلمت خشع لك
سمعي وبصري ومخي وعظمي وعصبي م دس در صحیح
مسلم وسنن ابی داود ونسائی است بروایت علي رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در رکوع اللهم
تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای برای تو رکوع
کردم وبتو ایمان آوردم وبرای تو فروتنی کردم ساکن
گشت وفروتنی کرد برای تو گوش من وچشم من ومغز من
واستخوان من وپی من سبوح قدوس رب الملائكة
والروح م د س در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی
است بروایت عایشه رضی الله عنها که صلی الله علیه وسلم
در رکوع سبوح تا آخر میخواند معنی اینست توئی پاک
پروردگار فرشتگان وروح معنی سبوح قدوس یکیست
ومراد از روح روحی است که بدان حیوة است یا جبرئیل
علیه السلام تخصیص او بفضل اوست ركع لك سوادي و
خيالي وآمن بك فؤادي ابوء بنعمتك علي هذه يداي وما

وماجنيت على نفسي س در صحیح مستدرک که رسول صلی
الله علیه وسلم در رکوع لك تا آخر میخواند معنی اینست سر
فرو کرد برای تو کالبد من وصورت من وایمان آورد
بتو دل من اقرار میکنم بنعمت تو که بر من است اینست دود
من وجنایتی که بر نفس خود کردم سبحان ذي الملك
والملكوت والكبرياء والعظمة دس در سنن
ابي داود ونسائی است بروایت عوف بن مالک رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم در رکوع سبحان تا آخر
میخواند معنی گذشت واذا قام من الركوع قال سمع الله
لمن حمده م عه در مسلم وچهار سنن است بروایت
حذیفه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه از رکوع استاده
میشد ند سمع الله لمن حمده میفرمود معنی اینست اجابت
خدای مر کسی را که حمد او کنت اللهم ربنا لك الحمد
خ م ت س د در صحیح بخاری ومسلم وسنن ترمذي ونسائی
وابی داود است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه بعد قیام از رکوع کلمه مذکور میفرمود معنی
اینست ای بارخدای ای پروردگار ما مر تراست حمد ربنا
ولك الحمد خ م در صحیح مسلم وبخاری است که رسول صلی
الله علیه وسلم کلمه مذکوره میفرمود ربنا لك میفرمود

ربنا ولك الحمد

خ حمداً كثيراً طيباً و نسائي است بروايت رفاعه رضي
الله عنه كه رسول صلى الله وسلم بعد قيامه ربنا ولك
الحمد تا آخر ميفرمود معنى گذشت اللهم لك الحمد
ملاء السموات وملاء الارض وملاء ما شئت من شيء
بعد اللهم طهرني بالثلج والبرد والماء البارد اللهم
طهرني من الذنوب والخطايا كما ينقى الثوب
الابيض من الوسخ م د ت ق در صحيح بخاري و سنن
ابي داود و ترمذي و ابن ماجه است بروايت عبد الله
بن ابي اوفى رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم
بعد قيام از ركوع اللهم لك الحمد تا آخر ميخواند يعني
اينست اى بار خداى مر تراست حمد پرى آسمانها و پرى
زمين و پرى آنچه خواهى پس پرى آسمانها و زمين اى بار
خداى پاك گردان مرا به برف و برف الد و باب سرد اى
بار خداى پاك گردان مرا از گناهان چنانكه پاك كنند
جامه سفيد را از چرك اللهم ربنا لك الحمد ملاء
السموات وملاء الارض وملاء ما بينهما وملاء ما شئت
من شيء بعد اهل الثناء والمجد احق ما قال العبد
وكلنا لك عبد لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت
ولا ينفع ذا الجد منك الجد م د س در صحيح مسلم و سنن

ابي داود و نسائي است بروايت ابو سعيد خدري رضي الله عنه
كه رسول صلى الله وسلم بعد قيام از ركوع اللهم ربنا
تا آخر ميخواند بعض معنى گذشت و بعض اينست اى اهل
ثناء و عظمت سزاوار آنچه بنده گفته است اينست كه براى
كسى را كه تو بدهى مانعى نيست و كسى را كه تو منع كنى دهنده
نيست و صاحب غنا را از عذاب تو غنا او نفع نكند و ما همه
بندگان توايم اللهم ربنا لك الحمد ملاء السموات والارض
وملاء ما بينهما وملاء ما شئت بعد اهل الثناء واهل
الكبرياء والمجد لا مانع لما اعطيت ولا ينفع ذا الجد
منك الجد ط در معجم كبير است بروايت ابن مسعود رضي
الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد قيام از ركوع
اللهم ربنا تا آخر ميخواند معنى همانست كه گذشت واذا
سجد سبحان ربي الاعلى م عه رحب س در صحيح مسلم
و چهار سنن و مسند بزار و صحيح ابن حبان و صحيح مستدرك
بروايت عقبه بن عامر رضي الله عنه كه چون رسول
صلى الله عليه وسلم سجده ميكرد سبحان ربي الاعلى
ميفرمود يعنى پاكى است پروردگار مرا كه برتر است از نقايص
و عيوب ثلاثاً ر در مسند بزار است بروايت ابن مسعود رضي
الله كه رسول صلى الله وسلم سه بار ميفرمود وذلك ادناه د

در سنن ابی داود است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه
که سه بار ادنی است اللّهم اعوذ برضاک من سخطک
وبمعافاتک من عقوبتک واعوذ بک منک
لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک
م عه در صحیح مسلم وچهار سنن است بروایت عائشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم در سجده
اللّهم لک سجدت وبک آمنت ولک اسلمت
سجد وجهی للذی خلقه وصوره فاحسن صوره
وشق سمعه وبصره تبارک الله احسن الخالقین
م د س در صحیح مسلم و سنن ابی داود ونسائی بروایت
علی رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم در سجده
اللّهم لک سجدت تا آخر میخواند معنی اینست ای
بار خدای برای تو سجده کردم وبتو ایمان آوردم
وبرای تو کردن نهادم سجده کرده است روی من برای
کسی را که روی مرا آفرید وصورت او کرد پس صورت
او را نیک کردانید وجای کوش وچشم او را شکافت
کرد بزرکست خدای تعالی که نیکوترین آفرینندکانست
خشع سمعی وبصری ودمی ولحمی وعظمی
وعصبی وما استقلت به قدمی لله رب العالمین من حب

در سنن نسائی وصحیح ابن حبان است بروایت جابر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سجده
خشع سمعی تا آخر میخواند معنی اینست ساکن کشت
وفروتنی کرد مر خدای تعالی را که پروردکار جهانیان است
کوش من وچشم من وخون من وکوشت من واستخوان من
وپی من وآنچه برداشته است او را قدم من یعنی تمام
اندام من سبوح قدوس رب الملائکة والروح
م د س در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی است
بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
در سجده سبوح تا آخر میفرمود معنی کذشت سبحانک
اللّهم ربنا وبحمدک خ م د س ق در صحیح بخاری ومسلم
وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه است بروایت
عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
در سجده سبحانک تا آخر میفرمود معنی کذشت اللّهم
اغفر لی ذنبی کله دقه وجله اوله وآخره و
علانیته وسره م د در صحیح مسلم وسنن ابی داود
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم اللّهم تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدای
بیامرز مرا کناه صغیره وکبیره من وکناه اول وآخر من

وگناه اشکارا و پنهان من اللهم سجدلک سوادی
وخیالی و بک آمن فؤادی ابوء بنعمتک
علی وهذا ما جنیت علی نفسی یا عظیم یا عظیم
فانه لا یغفر الذنوب العظیمة الا الرب العظیم مس
در صحیح مستدرک است بروایت عمر رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم در سجده اللهم سجد لک
تا اخر میخواند معنی گذشت در دعا رکوع سبحان ذی
الملک والملکوت سبحان ذی العزة والجبروت سبحان
الحی الذی لا یموت اعوذ بعفوک من عقابک واعوذ
برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل وجهک
الکریم مس در صحیح مستدرک است که رسول صلی
الله علیه وسلم در سجده سبحان تا آخر میخواند معنی
اینست پاکی مر خداوند ملک پادشاهی را پاکی است مر خداوند
عزت بزرگی را پاکی است مر زنده را که نمیرد باقی معنی گذشت
در دعا و تر رب اعط نفسی تقویها وزکها انت خیر
من زکیها انت ولیها ومولیها ا در مسند امام احمد
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
وسلم در سجده رب اعط تا اخر میخواند معنی اینست
ای پروردگار من نفس مرا تقوی بده و پاک گردان توئی

بهترین کسی که اورا پاک کرد اینده توئی ناصر و نگهدارنده و مالک
نفس منی اللهم اغفر لی ما اسررت وما اعلنت مص در مصنف
ابو بکر است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم در سجده اللهم تا آخر میخواند معنی اینست ای
بار خدای بیامرز برای من گناهانرا که پنهان کردم وگناهی را
که آشکارا کردم اللهم اجعل فی قلبی نورا واجعل فی سمعی
نورا واجعل فی بصری نورا واجعل امامی نورا واجعل
خلفی نورا واجعل من تحتی نورا واعظم لی نورا مص در
مصنف ابو بکر است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی
الله علیه وسلم در سجده اللهم اجعل تا الخر میخواند معنی
در دعاء خروج از بیت گذشت وفی سجود القرآن سجد

بیان سجدهٔ تلاوت

وجهی للذی خلقه وصوره وشق سمعه وبصره بحوله
وقوته مس دت مس در سنن نسائی وابی داود وترمذی
وصحیح مستدرک است بروایت عائشة رضی الله عنها که
رسول صلی الله علیه وسلم در سجده تلاوة سجد وجهی
تا اخر میخواند معنی در سجده نماز گذشت مرارا د در سنن
ابی داود است که چند بار میخواند فتبارک الله احسن
الخالقین مس در صحیح مستدرک در آخر دعا مذکور فتبارک
الله تا آخر میفرمود اللهم اکتب لی عندک بها اجرا

وَضَعْ عَنِّيْ بِهَا وِزْرًا وَاجْعَلْهَا لِيْ عِنْدَكَ ذُخْرًا وَتَقَبَّلْهَا
مِنِّيْ كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ عَبْدِكَ دَاوُدَ ت ق حب مس ك
در سنن ترمذي و ابن ماجه و صحيح ابن حبان و صحيح مستدرك
است بروايت ابن عباس رضى الله عنهما كه رسول صلى الله
عليه و سلم در سجده تلاوة اللهم تا اخر ميخواند معنى
اينت اى بارخداى بدين سجده نزد خود براى من اجر را
ثابت كن و بدين سجده گناه را از من فرونه و اين سجده
نزد خود براى من ذخيره گردان و اين سجده را از من قبول
كن چنانكه از بنده خود داود عليه السلام قبول كردي
مَا وَضَعَ رَجُلٌ جَبْهَتَهُ لِلّٰهِ سَاجِدًا فَقَالَ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِيْ
ثَلَاثًا اِلَّا رَفَعَ رَاْسَهُ وَقَدْ غُفِرَ لَهُ مو مص در كتاب دعاء
ابن مردويه و مصنف ابو بكر است بروايت ابو سعيد خدری
رضى الله عنه كه رسول صلى الله عليه و سلم فرمود هيچ
مردي پيشاني خود را در حالة سجده براى خداي تعالى
ننهد پس سه بار يا رب اغفر لي گفت مگر كه برداشت سر
خود را در ان حال كه مغفور گشت وَاِذَا جَلَسَ بَيْنَ
السَّجْدَتَيْنِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَعَافِنِيْ وَاهْدِنِيْ
وَارْزُقْنِيْ د ت ق مس سني در سنن ابي داود و ترمذي
و ابن ماجه و صحيح مستدرك و سنن كبير بيهقي است بروايت

ابن عباس رضى الله عنهما كه رسول صلى الله عليه و سلم
ميان دو سجده نماز ميخواند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ تا اخر
ميخواند معنى اينت اى بارخداى براى من بيامرز و رحمت
كن بر من و مرا در عافيت دار و براه راست ثابت گردان
و مرا روزي ده وَاجْبُرْنِيْ ت سني يعنى حال مرا نيك گردان
وَارْفَعْنِيْ س ق سني در صحيح مستدرك و سنن ابن ماجه
و سنن كبير بيهقي است وارْفَعْنِيْ يعنى مرتبه مرا بردار
وَيَقْنُتُ فِي الْفَجْرِ ز مس مص در مسند بزار و صحيح مستدرك
بروايت انس رضى الله عنه و در كتاب دعا ابن مردويه و مصنف
ابو بكر است بروايت عمر رضى الله عنه كه رسول صلى الله عليه
عليه و سلم در فجر دعا قنوت ميخواند وَفِيْ سَائِرِ الصَّلَوَاتِ
اِنْ نَزَلَ نَازِلَةٌ اِذَا قَالَ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فِي الرَّكْعَةِ
الْاَخِيْرَةِ وَيُؤَمِّنُ مَنْ خَلْفَهُ اد در مسند امام احمد و سنن
ابى داود است بروايت ابن عباس رضى الله عنهما كه اگر حادثه نازل
ميشد رسول صلى الله عليه و سلم در ديگر نماز فرض قنوت ميخواند
چون سمع الله لمن حمده در ركعة اخير ميفرمود و امين ميفر
كسانى كه پس رسول صلى الله عليه و سلم بوده اند وَاِذَا جَلَسَ
لِلتَّشَهُّدِ اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى

عبادِ اللهِ الصّالحین اشهد ان لا اله الا الله و اشهد
ان محمداً عبده و رسوله ع سنی در اصول ست است بروایة
ابن مسعود رضی الله عنه و در سنن کبیر بیهقی است
بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
برای تشهد گفتی التحیات تا آخر میخواند اما در سنن
نسائی بجاء السلام سلام وارد است و اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً وارد است معنی تحیتها
اینست بقا و ملک مر خدای عز و جل راست و رحمتها و پاکیزها
ای پیغامبر بر تو سلام و رحمت و برکتهای خدای تعالی است
سلام بر ما است و بر بندگان صالح خدای تعالی گواهی میدهم
که محمد صلی الله علیه و سلم بنده و رسول خدای تعالی است
گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه و سلم تکرار التحیات
المبارکات الصلوات الطیبات لله السلام علیک
ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمداً رسول الله م عه حب در صحیح مسلم و چهار
سنن و صحیح ابن حبان است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما
که رسول صلی الله علیه و سلم در تشهد التحیات بطریق
مذکور میگفت اما در سنن نسائی و ترمذی بجاء السلام

هر دو جای سلام وارد است التحیات الطیبات الصلوات
لله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین اشهد ان لا
اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله م د س ق در صحیح
مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت
ابو موسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
و سلم التحیات بطریق مذکور میگفت التحیات الطیبات
و الصلوات و الملک لله د در سنن ابی داود است بروایة
سمرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم التحیات
بطریق مذکور میخواند بسم الله و بالله التحیات لله
و الصلوات و الطیبات السلام علیک ایها النبی و رحمة
الله و برکاته السلام علینا و علی عباد الله الصالحین
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله
س ق مس در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک است
بروایة جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
التحیات بطریق مذکور میخواند التحیات لله الزاکیات
لله الطیبات الصلوات لله السلام علیک ایها النبی
و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان

سلامٌ ق س

سلامٌ ق س

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ مر سو طا در کتاب دعا ابن مردویه
وصحیح مستدرک وموطاآت بروایت عمر رضی الله عنه که
رسول صلی الله عَلَیْهِ وسلم اَلتَّحِیَّاتُ بطریق مذکور
میخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ خَیْرِ الاَسْمَاءِ اَلتَّحِیَّاتُ
اَلطَّیِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلّٰهِ وَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَ نَذِیراً وَ اَنَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ
لَا رَیْبَ فِیهَا اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی وَ اهْدِنِی طس در معجم کبیر واوسط
است بروایت ابن الزبیر رضی الله عنه التحیات بطریق
مذکور میخوانند بمعنی بعضی الفاظ که اینجا زیادت
اینست وگواهی میدهم که محمد صلی الله علیه وسلم
بنده ورسول خدای است فرستاده است اورا باحق
مژده دهنده بنعیم وبیم کننده بجحیم وگواهی میدهم
که قیامت بی شک آمدنی است ای بار خدای مرا بیامرز
وبراه راست ثابت دار وَکَیْفِیَّةُ الصَّلٰوةِ عَلَی النَّبِیِّ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ این شروع است در کیفیت درود
که در تشهد چگونه درود گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ

بیان کیفیة درود بر سید انبیاء

وَعَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی اِبْرَاهِیمَ وَعَلَی آلِ اِبْرَاهِیمَ اِنَّکَ
حَمِیدٌ مَجِیدٌ اَللّٰهُمَّ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ
عَلَی اِبْرَاهِیمَ وَعَلَی آلِ اِبْرَاهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ ع در
اصول ست است بروایت کعب بن عجره رضی الله عنه که درود
بطریق مذکور گوید معنی اینست ای بار خدای درود بفرست
بر محمد صلی الله عَلَیْهِ وَسَلَّمَ وبر آل محمد چنانچه درود
فرستادی بر ابراهیم علیه السلام وبر آل ابراهیم بدرستی
ستوده بستایشها بسیار بزرگواری ای بار خدای برکت
کن بر محمد صلی الله علیه وسلم وبر آل محمد چنانچه
برکت کردی بر ابراهیم علیه السلام وبر آل ابراهیم
بدرستی تو نبی ستوده بزرگوار اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ
وَعَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی اِبْرَاهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ
خ م مس در صحیح بخاری ومسلم وسنن نسائی
بروایت کعب بن عجره رضی الله عنه که درود بطریق
مذکور گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی اِبْرَاهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ اَللّٰهُمَّ
بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی اِبْرَاهِیمَ
اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ خ م در صحیح بخاری ومسلم است
که درود بطریق مذکور گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ

معناه عظمه فی الدنیا والآخرة
باعلاء ذکره واظهار دعوته وابقاء
شریعته وتشفیعه فی امته
وتضعیف اجره ومثوبته و
قیل المعنی لما امر الله سبحانه وتعالی
بالصلوة علیه ولم یبلغ قدر الواجب
من ذلک احلناه علی الله تعالی
وقلنا اللهم صل انت علی محمد
لانک اعلم بما یلیق به کذا فی النهایة

اَللّٰهُمَّ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ
عَلَی اِبْرَاهِیمَ وَعَلَی آلِ اِبْرَاهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

وعلى ازواجه وذريته كما صليت على ابراهيم
وبارك على محمد وعلى ازواجه وذريته كما باركت
على ابراهيم خ م د س ق حب انك حميد مجيد م
در صحيح بخاري ومسلم وسنن ابي داود ونسائي
وابن ماجه وصحيح ابن حبان است بروايت ابو
حميد ساعدي رضي الله عنه كه درود بطريق
مذكور كويد اما در مسلم انك حميد مجيد زيادتست
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك كما صليت على
وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على آل ابراهيم
خ س ق در صحيح بخاري وسنن نسائي وابن ماجه
بروايت ابو سعيد خدري رضي الله عنه كه درود بطريق
مذكور كويد اللهم صل محمد وعلى آل محمد كما
صليت على آل ابراهيم وبارك على محمد وعلى آل محمد
كما باركت على آل ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد
م د ت س در صحيح مسلم و سنن ابي داود و ترمذي
و نسائي است بروايت ابن مسعود رضي الله عنه كه
درود بطريق مذكور كويد اللهم صل على محمد النبي الامي
وعلى آل محمد د س در سنن ابي داود ونسائي است
كه بطريق مذكور كويد كما صليت على ابراهيم وبارك

آل ابراهيم م

اللهم صل على محمد كما صليت على ابراهيم
وبارك على محمد وآل محمد كما باركت على ابراهيم
وآل ابراهيم خ م

وبارك على محمد النبي الامي كما باركت على ابراهيم
انك حميد مجيد س در سنن نسائي اين مذكور برمقدم
زيادتست اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت
وباركت على ابراهيم انك حميد مجيد ر در مسند بزاد
بروايت ابو هريره رضي الله عنه كه بطريق مذكور كويد
اقبل رجل حتى جلس بين يدي رسول الله صلى الله
عليه وسلم ونحن عنده فقال يا رسول الله اما السلام
عليك فقد عرفناه فكيف نصلي عليك اذا نحن صلينا
عليك في صلوتنا صلى الله عليك قال فصمت حتى احببنا ان
الرجل لم يسأله ثم قال اذا صليتم علي فقولوا اللهم
صل محمد النبي الامي وعلى آل محمد كما صليت على
وعلى آل ابراهيم وبارك على محمد النبي الامي وعلى آل
محمد كما باركت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد
مجيد س حب در صحيح مستدرك و صحيح ابن حبانست بروايت
ابو سعيد خدري رضي الله عنه كه مردي آمد پيش رسول
صلى الله عليه وسلم وما بوديم پس كفت كه اي رسول
سلام بر تو كفتن دانستم بر تو درود در نماز چه كونه
كويم پس رسول صلى الله عليه وسلم خاموش ماند
تا كه دوست داشتيم كه اين مرد نمي پرسيدي پس رسول

وبارك على محمد م

الاحباب
دوست داشتن

ابراهيم م

الامي في اللغة منسوب الى امة العرب وهي لم تكن تكتب ولا تقرأ فاستعير لكل من لا يعرف الكتابة ولا القراءة ١٢ منه

صلی الله علیه وسلم فرمود چون خواهید که درود
بر من گوئید پس بطریق مذکور گوئید من سره ان
یکتال بالمکیال الاوفی اذا صلی علینا اهل البیت
فلیقل اللهم صل علی محمد النبی الامی وازواجه
امهات المؤمنین وذریته واهل بیته کما صلیت علی
آل ابراهیم انک حمید مجید د در سنن ابی داود است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر کرا
خوش کرده اند که اجر خود به پیمانه تمام ترگیرد
چون گفتن درود بر ما یعنی اهل بیت خواهد پس گوید
بطریق مذکور گوید من صلی علی محمد فقال اللهم
انزله المقعد المقرب عندک یوم القیامة وجبت له شفاعتی
ر ط طس در مسند بزار و معجم کبیر و اوسط است بروایت
رویفع بن ثابت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که بر محمد صلی الله علیه وسلم درود گوید
پس دعا مذکور خواند شفاعت من برای او واجب شود
معنی اینست ای بار خدای فرود آر محمد صلی الله
علیه وسلم را در مقامی که مقربست نزد تو ثم لیتخیر
من الدعاء اعجبه فیدعو خ در صحیح بخاری بروایت
ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم

صحابه را تشهد آموخت پس فرمود گو که اختیار کند بعد
درود دعائی را که سوی او دوست بود پس دعا بدان
کند ولیستعذ اللهم انی اعوذ بک من عذاب جهنم و
من عذاب القبر ومن فتنة المحیا والممات ومن شر فتنة
المسیح الدجال م عه حب در صحیح مسلم و چهار سنن
و صحیح ابن حبانست بروایت ابی هریره رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما از تشهد اخیر
فارغ شود پس گو که تعوذ بطریق مذکور گوید معنی اینست
ای بار خدای بدرستی من بتو پناه میجویم از عذاب دوزخ
و از عذاب قبر و از فتنة زندگانی که فوت مال و موت
و بلای صبر است و از فتنة مرگ که مکاره اهوال است و
از شر فتنة مسیح دجال دجال را مسیح از آن گویند که یک
چشم او ممسوح است یا که تمام زمین را مساحت کند
یعنی در تمام زمین بگردد اللهم انی اعوذ بک من عذاب
القبر واعوذ بک من فتنة المسیح الدجال واعوذ بک
من فتنة المحیا والممات اللهم انی اعوذ بک
من المأثم والمغرم خ م د س در صحیح بخاری و مسلم و سنن
ابی داود و نسائی است بروایت عایشه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم در نماز اللهم تا آخر میخواند

بعضی معنی گذشت و بعضی اینست ای بارخدائی بدرستیکه
من بتو پناهم از گناه و دین اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا
أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ
بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ م د ت س
در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت
علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد تشهد
اللهم اغفر لی تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای بیامرز
برای من گناهان پیشین و گناهان پسین من و گناهان نهان
و گناهان آشکار من و اسراف من یعنی کار بیهوده کردم و گناهی
که بدان داناتری از من که شهید یا ریائی آمده باشد و مرا
بدان علم نبود توئی پیش کننده و پس دارنده اَللّٰهُمَّ إِنِّي
ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاغْفِرْ لِي
مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ خ م ت س ق
در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه
است بروایت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که گفتیم ای رسول
خدای مرا دعای بیاموز که بدان در نماز دعا کنم پس رسول
دعا مذکور فرمود معنی اینست ای بارخدای بدرستی که من
بر نفس خود ظلم بسیار کردم و گناهان را جز تو کسی نیامرزد
پس مغفرت کن برای من مغفرت از نزد خود و بر من رحمت کن

بدرستیکه توئی آمرزنده رحمت کننده اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
يَا اللهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ د س مس
در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مستدرک بروایت محجن
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد تشهد دعاء
مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای بدرستیکه من از تو
میخواهم آنکه گناهان من بیامرزی بدرستیکه توئی غفور رحیم
ای خدای تعالی که یکی هستی پناه همه خلق آنکه نزاده است و نه
کسی او را زاده است و هیچ یکی مر او را همتا نیست اَللّٰهُمَّ
حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا مس در صحیح مستدرک بروایت
عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم بعد تشهد
اللهم تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای حساب کن
با من حسابی آسان اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ م در صحیح مسلم است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
بعد تشهد اللهم تا آخر میخواند معنی از این مثل این حدیث
بروایت عایشه رضی الله عنها گذشته است و لیقل اللهم
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اَللّٰهُمَّ

اِنِّي اَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَاَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ
بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا اِنَّنَا
آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا آتِنَا
مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا
تُخْلِفُ الْمِيعَادَ مرمص درکتاب دعا ابن مردویه ومصنف ابوبکر
است بروایت عمر بن سعد رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود چون یکی از شما از تشهد فارغ شود پس
کوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ تا آخر کوید معنی اینست ای باخدای
بدرستی که من میخواهم از تو همه نیکی را آنچه میدانم
وآنچه نمیدانم ای بارخدای بدرستی که من از تو میخواهم
بهترین آنچه خواسته اند از تو بندکان صالح تو وبتو می
پناهم از بدی آنچه پناهیده اند از آن بندکان صالح تو ای
پروردکار ما مارا در دنیا و آخرة نیکی بده ومارا از عذاب
آتش نکاه دار ای پروردکار ما بدرستی که ما ایمان آوردیم
پس مارا کناهان بیامرز ومارا از عذاب آتش نکاه دار
ای پروردکار ما بده مارا آنچه بر رسل خود وعده کرده
در روز قیامت مارا خوار مکن بدرستی که تو وعده را خلاف
نکنی سَيِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ اَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ اِذَا جَلَسَ فِي

سید الاستغفار

صَلٰوتِهِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِي وَاَنَا عَبْدُكَ
وَاَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
مَا صَنَعْتُ اَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي
اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ ر درمسند بزار است بروایت
بریده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
سید استغفار آنست که مرد چون در نماز خود نشیند
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي تا آخر کوید معنی آن در ادعیه صباح کذشته
وَاِذَا سَلَّمَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ~~ثَلٰثَ مَرَّاتٍ~~ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ
وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ خ م د س
ر ط ي در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی
ومسند بزار ومعجم کبیر وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت مغیره بن شعبة رضی الله عنه که چون رسول صلی الله
علیه وسلم سلام از نماز میکفت لا اله الا الله تا آخر میفرمود ومعنی
در ادعیه صباح وقیام از رکوع کذشت او لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ خ س در صحیح بخاری وسنن نسائی است
که رسول صلی الله علیه وسلم بعد از سلام لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

سه بار میگفت اَوْمَرَّةً وبعده لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّابِاللهِ
لَااِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَلَانَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ
وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَااِلٰهَ اِلَّا اللهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ
كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ م د س مص درمسلم وسنن ابی داود
ونسائی ومصنف ابوبکراست بروایت عبدالله بن الزبیر
رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم ازنماز
میفرمود باآواز بلند یکبار لَااِلٰهَ اِلَّا اللهُ وحده تا آخر میفرمود
و بعد لَاحول ولاقوة الا بالله تا آخر میفرمود معنا اینست نیست
حیله وقوة جز بخدای تعالی نیست معبود بحق جز خدای تعالی نمی
پرستیم جز خداوند تعالی معبود نیست خالص میکردانیم برای
خداوند تعالی دین وطاعت را واکرچه کافران کراهیت کرده اند
اَسْتَغْفِرُ اللهَ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ
تَبَارَكْتَ يَاذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ م عطدی درصحیح مسلم
وچهار سنن است بروایت عایشه رضی الله عنها ودرمعجم
کبیر است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما ودرکتاب عمل الیوم
والليل ابن سنی است بروایت عایشه رضی الله عنها که چون
رسول صلی الله علیه وسلم نماز را تمام میکردند سه بار
اَسْتَغْفِرُ اللهَ میفرمود معنی اینست ای بار خدای تویی سالم
ازعیوب ونقایص وسلامتی ما از تست تو بزرگ ای خداوند

عظمت

[illegible]

عظمت وکلمی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ اَكْبَرُ
لِيَكُوْنَ مِنْهُنَّ كُلِّهِنَّ ثَلٰثًا وَثَلٰثِيْنَ مَرَّةً خ م س درصحیح
بخاری ومسلم وسنن نسائی است بروایت ابوهریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سبحان الله والحمد
لله والله اکبر سی سه بار کویید تا از هر یکی این سی سه بار
کرد دیا کویید همه سی سه بار باشد چنانچه درحدیث
فرونیه می آید اِحْدٰى عَشْرَةَ وَاِحْدٰى عَشْرَةَ وَاِحْدٰى عَشْرَةَ
فَذٰلِكَ كُلُّهُ ثَلٰثٌ وَثَلٰثُوْنَ م درصحیح مسلم است یا که یازده بار
یازده یازده بار کویند پس آن همه سی سه بار است
اَوْعَشْرًا عَشْرًا عَشْرًا خ درصحیح بخاری است بروایت ابوهریره
وعبدالله بن عمرو عاص رضی الله عنهم یا که ده کان بار
کویند پس همه آن سی بار است مَنْ سَبَّحَ اللهَ دُبُرَ كُلِّ
صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَثَلٰثِيْنَ وَحَمِدَ اللهَ ثَلٰثًا وَثَلٰثِيْنَ وَكَبَّرَ اللهَ
ثَلٰثًا وَثَلٰثِيْنَ ثُمَّ قَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَااِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَاِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ م دس درصحیح
مسلم وسنن ابی داود ونسائی است بروایت ابوهریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که
بعد هر نماز فرض سبحان الله والحمد لله والله اکبر

قوله كلهن بكسر اللام تاكيد
للضمير المجرور ثلث وثلثين كذا
وقع بعض الرواة بالنصب ووجه
بان اسم يكون محذوف وهو
والتقدير حتى يكون العدد
منهن كلهن ثلثا وثلثين و
لاكثر الرواة بالرفع وهم اسم كان
فتح الباري

سیٔ سه کان باربکوید که آن نود نه کردد پس
صدم لا اله الا الله وحده تا آخر کوید کناهان او مغفور
شود واکرچه مثل کف دریا باشد مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيبُ
قَائِلُهُنَّ اَوْ فَاعِلُهُنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوبَةٍ
ثَلٰثٌ وَثَلٰثُونَ تَسْبِيحَةً وَثَلٰثٌ وَثَلٰثُونَ تَحْمِيدَةً وَاَرْبَعٌ
وَثَلٰثُونَ تَكْبِيرَةً م ت س در صحیح مسلم وسنن
ترمذی ونسائی بروایت کعب بن عجره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود کلمهائی که
پس از یکدیکر می آیند یا کویند کلمهائی که کناه را
محو میکنند چنانچه در لا معقب لحکمه کفته اند
از کلمها که زیان زده ونومید نکردد هرکه از بعد
هر نماز فریضه کوید سی سه بار تسبیح وسی سه بار
تحمید اند وسی وچهار بار تکبیر نمود مَنْ سَبَّحَ دُبُرَ
كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوبَةٍ مِائَةً وَكَبَّرَ مِائَةً وَهَلَّلَ
مِائَةً وَحَمِدَ مِائَةً غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَاِنْ كَانَتْ
اَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ س در سنن نسائی است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هرکه بعد هر نماز فریضه صد بار سبحان الله
کوید وصد بار الله اکبر کوید وصد بار لَا اِلٰهَ اِلَّا الله

کوید وصد بار الحمد لله کوید کناهان او مغفور کردند واکرچه بیش
از کف دریا باشند اَوْ مِنْ كُلٍّ خَمْسًا وَعِشْرِينَ س حب مس
در سنن نسائی وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک بروایت
زید بن ثابت رضی الله عنه که یا هرکه از هر تسبیح وتکبیر و تهلیل
وتحمید بیست پنج بار کوید اورا فضیلت مذکور حاصل کردد اَوْ
مِنْ كُلٍّ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ ثَلٰثًا وَثَلٰثِينَ وَالتَّكْبِيرِ اَرْبَعًا
وَثَلٰثِينَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا الله عَشْرَ مَرَّاتٍ ت س در سنن ترمذی ونسائی است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که هرکه تسبیح وتحمید سی سه بار
کوید وتکبیر سی وچهار بار کوید وتهلیل ده بار کوید اورا فضیلت
مذکور حاصل کردد اَوْ مِنْ كُلٍّ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ
مِائَةً مِائَةً مَعَ لَا اِلٰهَ اِلَّا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِالله لَوْ كَانَتْ خَطَايَاهُ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ لَمَحَتْهَا ا
در مسند امام احمد است بروایت ابو زید رضی الله عنه که
از هر تسبیح وتحمید وتکبیر صد کان بار لا اله الا الله تا آخر کوید
اکر کناهان او همچو کف دریا باشد این کلمات آنرا محو کرداند آیة
الكُرْسِيِّ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ اِلَّا اَنْ يَمُوتَ
س حب ی در سنن نسائی وصحیح ابن حبان وکتاب عمل
الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابی امامه رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه آیة الکرسی بعد هر نمازی

فریضه خواند اورا از دخول بهشت جز در نگی موت مانع نباشد
جون بمیرد در بهشت رود کان فِي ذِمَّةِ اللّٰهِ إِلَى الصَّلٰوةِ الأُخرى
ط در معجم کبیر است بروایت حسن رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود هر که بعد هر نماز فریضه آیة الکرسی خواند
او تا نماز دیگر در عهد امان خدای تعالی ماند وَلْيَقْرَأِ المُعَوِّذَتَيْنِ
دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ت د س حب سنی در سنن ترمذی و ابی داود
و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم و کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی است بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم مرا امر کردند بخواندن قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بعد هر فریضه نماز و در
روایتی المعوذات وارد است پس مراد این هر دو سوره و
قل هو الله احد یا قل یا ایها الکافرون باشد از جهت تغلیب
یا آنکه اقل جمع دو است اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ و
الْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ
الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ خ ت س در صحیح بخاری و سنن
ترمذی و نسائی است بروایت سعد بن ابی وقاص رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد هر نماز اَللّٰهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدای بدرستی که
من می پناهم بتو از بد دلی و از بخیلی و می پناهم بتو از انکه تا عمری ردی بمانم و می پناهم بتو از

فتنة

فتنهٔ دنیا و می پناهم بتو از عذاب قبر رَبِّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ
تَبْعَثُ أَوْ تَجْمَعُ عِبَادَكَ عو م عه در صحیح ابو عوانه و صحیح
مسلم و چهار سنن است بروایت براء بن عازب رضی الله
که رسول صلی الله علیه وسلم بعد هر نماز فریضه رب قنی
تا آخر میگفت معنی اینست ای پروردگار من مرا از عذاب خود
نگاهدار روزی که بر انگیزی یا جمع کنی بندگان خود را
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي عو در صحیح
ابو عوانه است سعد رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
بعد فریضه نماز اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ تا آخر میخواند یعنی در ادعیه
نماز گذشت اَللّٰهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ
أَعِذْنِي مِنْ حَرِّ النَّارِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ طس در معجم اوسط
است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
بعد هر نماز فریضه اللهم رب تا آخر میخواند معنی اینست
ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل در پناه
دار مرا از گرمی آتش و از عذاب قبر اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ
وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ
أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ د م ت
حب در سنن ابی داود و صحیح مسلم و سنن ترمذی و صحیح ابن
حبان است بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم

بروایت م

بعد هر نماز اللهم تا آخر میخوانند معنی در ادعیه تشهد گذشت
اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ د س حب
مس ي در سنن ابی داود و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح
مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت معاذ
بن جبل رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم مرا دست گرفت و فرمود
ای معاذ ترا دوست میدارم و ترا وصیت میکنم پس هرگاه نماز فریضه
کلمات مذکوره ترک نکنی معنی اینست ای بارخدای تعالی یاری بده
مرا بر ذکر خود و شکر خود و بر نیکوئی بندگی خود اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا
وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ اَنَا شَهِيْدٌ اَنَّكَ الرَّبُّ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ
رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ اَنَا شَهِيْدٌ اَنَّ الْعِبَادَ كُلَّهُمْ
اِخْوَةٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ اِجْعَلْنِيْ مُخْلِصًا لَكَ
وَاَهْلِيْ فِيْ كُلِّ سَاعَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اِسْمَعْ
وَاسْتَجِبْ اَللّٰهُ اَكْبَرُ الْاَكْبَرُ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ
اَللّٰهُ اَكْبَرُ الْاَكْبَرُ س دي در سنن نسائی و ابی داود و
کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت زید بن ارقم
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد هر نماز فریضه
اللهم ربنا تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای ای پروردگار
ما و پروردگار هر چیز من گواهم که توئی پروردگار تنها و نی
شریک ای بارخدای ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز من گواهم

گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول تست
ای بارخدای ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز من گواهم
که همه بندگان تو برادرانند ای پروردگار ما و پروردگار
هر چیز مرا و اهل مرا مخلص برای طاعت خود گردان
در هر ساعت دنیا و آخرت ای بارخدای خداوند
عظمت و بزرگی قبول کن و مستجاب گردان دعاء مرا خدای
تعالی بزرگ است اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ
وَعَذَابِ الْقَبْرِ س مس مص ي در سنن نسائی و صحیح مستدرک
و مصنف ابوبکر و کتاب عمل الیوم واللیله ابن سنی است ابوبکر است
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد فریضه نماز
اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ دِيْنِيَ الَّذِيْ جَعَلْتَهٗ عِصْمَةَ اَمْرِيْ وَاَصْلِحْ
دُنْيَايَ الَّتِيْ جَعَلْتَ فِيْهَا مَعَاشِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ
مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ لَا
مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا رَادَّ لِمَا قَضَيْتَ
وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ س حب در سنن نسائی و صحیح
ابن حبان است بروایت صهیب رضی الله عنه که رسول الله صلی الله
علیه وسلم بعد نماز فریضه اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ تا آخر میخواند
معنی اینست ای بارخدای راست گردان برای من دین من
که از آن نگهداشت کار من کرده ای باقی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ

خطائي و عمدي اللهم اهدني لصالح الاعمال والاخلاق لا يهدي
لصالحها ولا يصرف سيئها الا انت در مسند بزار است بروايت
ابن عمر رضي الله عنهما كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد نماز
فريضه اللهم اغفرلي تا آخر ميخواند معني اينست اي بار خداي
بيامرز گناه خطاي مرا و گناه عمد مرا اي بار خداي مرا راه نماي
سوي صالح اعمال و صالح اقوال راه نمايد سوي صالح آن جز
و دور نكرد اند اعمال و اقوال بد را جز تو اللهم اني اعوذ
بك من عذاب النار و عذاب القبر ومن فتنة المحيا والممات
ومن شر المسيح الدجال عو در صحيح ابو عوانه و صحيح مستدرك است
بروايت ابو هريره رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد
نماز فرض اللهم اني تا آخر ميخواند معني گذشت اللهم اغفرلي
خطاي و ذنوبي كلها اللهم انعشني و احيني وارزقني واهدني
لصالح الاعمال والاخلاق انه لا يهدي لصالحها و لا يصرف سيئها
الا انت مس طي در صحيح مستدرك است بروايه ايوب رضي الله عنه
و در معجم كبير و كتاب عمل اليوم والليل ابن سني است بروايت
ابو امامه رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد نماز
فرض اللهم انعشني تا آخر ميخواند معني اينست اي بار خداي
مرتبه مرا بر دار و مرا در رضاي خود زنده دار و در كتاب آخر
بجاي واحيني واجبرني وارد ست معني آن اينست كه حال مرا راست

آن باقي مني لبثت اللهم اصلح لي ديني و وسع لي في داري
و بارك لي في رزقي طط س در مسند امام احمد و معجم
كبير و مصنف ابو بكر است بروايت ابو موسي اشعري
رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد نماز
فرض اللهم اصلح لي تا آخر ميخواند معني اينست اي بار خداي
دين مرا راست دار و سراي من فراخ گردان و در روزق من بركت
كن سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين ص ي در مسند ابي يعلى موصلي و كتاب
عمل اليوم والليل ابن سني است بروايت ابو سعيد خدري رضي
الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بعد نماز نزد رفتن سبحان
ربك رب العزة تا آخر ميفرمود معني پاكي است براي پروردگار تو
اي محمد كه پروردگار عزت است از انچه كافران او را بدان
وصف ميكنند و سلام خداي تعالى بر رسولان باد و سپاس مر پروردگار
جهانيان راست وكان صلى الله عليه وسلم اذا صلى و فرغ من صلوته
مسح بيمينه على رأسه وقال بسم الله الذي لا اله الا هو الرحمن
الرحيم اللهم اذهب عني الهم والحزن ر طس ي در مسند بزار است
و معجم اوسط و كتاب عمل اليوم والليل ابن سني است بروايت
انس رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم چون از نماز فارغ
ميشد بدست راست خود بر سر خود مسح ميكرد و بسم الله الذي

تا آخر میگفت معنی اینست میخواهم بنام خدای تعالی که نیست معبودی جز او
که رحمن رحیم است ای بار خدای ببار زغم و اندوه را و دبر صلوة الصبح
وهو ثانٍ رجليه ت س قبل ان يتكلم أ ت لا اله الا الله وحده لا شريك
له له الحمد يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير عشر مرات
ت س بائة مرة طس درسنن ترمذي ونسائي ومعجم اوسط وکتاب
عمل اليوم والليل ابن سني است بروایت ابوذر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که ده بار ودردو کتاب اخرات که هر که
ده بار ودردو کتاب آخر است که هر که صد بار بعد نماز صبح پیش از
سخن در حالتی که پای خود دو توکرده باشد یعنی از حالت تشهد
نکرد اینه باشد لا اله الا الله وحده تا آخر گوید ده نیکی برای او بنویسند
وده بدی از و محو کنند ودران روز در پناه از شیطان باشد اللهم
اني أسألك رزقا طيبا وعلما نافعا وعملا متقبلا صطی در معجم
صغیر است وکتاب عمل اليوم والليل ابن سنی است بروایت ام سلمه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز صبح اللهم انی
تا آخر معنی اینست ای بار خدای تعالی بدرستی که من از تو رزق
حلال وعلم نافع وعمل مقبول میخواهم ودبر المغرب والصبح جميعا
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء
قدير عشر مرات مجبا ط درسنن نسائی وصحیح ابن حبان و مسند
امام احمد ومعجم کبیر است بروایت ابو ایوب رضی الله عنه ودر

مشکوة بروایت عبد الرحمن بن غنم است که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هر که بعد از نماز مغرب وصبح لا اله الا الله وحده تا
آخر گوید ده نیکی برای او بنویسند وده بدی از و محو کنند وده
درجه برای او برآرند واو دران روز در پناه باشد از شیطان
قبل أن ينصرف ويثني رجليه منهما وبعد صلوة الفجر والمغرب ايضا
قبل أن يتكلم اللهم أجرني من النار سبع مرات د س حب درسنن
ابی داود ونسائی وصحیح ابن حبان است بروایت مسلم ابن حارث
رضی الله عنه لا اله الا الله الا الله وحده مذکور است بیش خاستن
وناگزیر داشتن گوید یا آنکه بعد نماز صبح ومغرب اللهم
أجرني من النار هفت بار نیز گوید وبعد صلوة الضحى اللهم
بك أحاول وبك أصاول وبك أقاتل ي درکتاب عمل
اليوم والليل ابن سنی است بروایت صهیب رضی الله عنه
که بعد نماز ضحی اللهم بك تا آخر گوید معنی اینست ای
بار خدای بنام تو وباعانت تو برد شمن حمله کنم وباعانت تو
باد شمن قتال میکنم معنی احاول واصاول یکیست و
إذا دعي إلى طعام فليجب م د ت س در صحیح مسلم وسنن ابی
داود وترمذی ونسائی است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون
یکی از شما را سوی طعام خوانند پس گو که اجابت کند

الصبح دبر الصلوة ما يقال في

له الملك و

میکند

الضحى الصلوة وبعد

تو

ولا سیما ولیمة العرس د ق ه در سنن ابی داود و ابن ماجه
وصحیح ابو عوانة است که خصوصا طعام ولیمت کا حسن
را اجابت کند فان کان صائما صلی م د ت س در صحیح مسلم
وسنن ابی داود و ترمذی و نسائی بروایت ابو هریره که اگر
روزه دار باشد برای صاحب طعام دعا کند صلوة
بمعنی دعا است ودعا وبرک د ق عو در سنن ابی داود
وابن ماجه وصحیح ابو عوانة است بروایت ابن عمر که
برای صاحب طعام دعا کنند وبرکت خواهد یعنی بارک الله
فیک گوید واذا افطر قال ذهب الظماء وابتلت العروق
وثبت الاجر ان شاء الله د س مس در سنن ابی داود ونسائی
وصحیح مستدرک است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون
روزه افطار میکرد ذهب الظماء تا آخر میگفت معنی اینست
تشنگی رفت ورگها تر گشت واجر ثابت شد که خدای تعالی
خواسته است اللهم اسألک برحمتک التی وسعت کل
شیء ان تغفر لی ذنوبی مو س ق ی در کتاب دعا ابن مردویه
وصحیح مستدرک وسنن ابن ماجه وکتاب عمل الیوم واللیل
ابن سنی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون رسول
صلی الله علیه وسلم روزه افطار میکرد اللهم انی تا آخر میگفت
معنی اینست ای بار خدای بدرستی که میخواهم از تو برحمت تو

افطر
مابینا الذا

اکل طعام
عند
مابقال

که همه چیز را در گرفته است آنکه گناه مرا بیامرزی
فان افطر عند قوم قال افطر عندکم الصائمون و
اکل طعامکم الابرار وصلت علیکم الملائکة
ق حب در سنن ابن ماجه وصحیح ابن حبان است بروایت انس
و عبد الله بن الزبیر رضی الله عنهم که چون رسول صلی الله
علیه وسلم نزد قومی افطار میکرد افطر عندکم تا آخر
میگفت معنی اینست افطار میکرده اند نزد شما روزه دار
وخورده اند طعام شما را نیکوکار وآمرزش خواسته اند
برای شما فرشتگان از پروردگار واذا حضر الطعام فلیسم
الله فلیاکل مما یلیه بیمینه خ م ت س در صحیح بخاری و مسلم
وسنن ترمذی ونسائی است بروایت عمر بن ابی سلمة رضی
الله عنهما که چون طعام حاضر شود پس گو که بسم الله گوید
وبدست راست از نزدیک خود خورد عمر مذکور رضی الله عنه
روایت میکند که من خورد بودم در کنار رسول صلی الله علیه
وسلم طعام میخوردم ودست خود را دراز میکردم رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود ای غلام بسم الله گو وبدست راست
از نزد خود بخور ان الشیطان یستحل الطعام الذی لا یذکر
اسم الله علیه م د س در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی
است بروایت حذیفه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه

فرمود بدرستی شیطان حلال داردیعنی خوردن تواند
طعامی را که بسم الله بران نکویند یا برکت طعام ببرد
قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّا نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ قَالَ فَاجْتَمِعُوا
عَلَى طَعَامِكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللهِ يُبَارَكْ لَكُمْ فِيهِ
د ق حب مس در سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح مستدرکت
بروایت وحشی رضی الله عنه که صحابه کفتند ای رسول
خدا ما طعام میخوردیم و سیر نمیشویم رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود شاید شما جدا جدا میخورید کفتند آری رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که شما بر طعام خود جمع شوید یعنی
یکجا بخورید و بسم الله کوئید تا طعام شما برکت شود
وَأَمَرَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّحَابَةَ فِي الشَّاةِ الْمَسْمُومَةِ
الَّتِي أَهْدَتْهَا إِلَيْهِ الْيَهُودِيَّةُ أَنْ اذْكُرُوا اسْمَ اللهِ وَكُلُوا فَأَكَلُوا
فَلَمْ يُصِبْ أَحَدًا مِنْهُمْ شَيْءٌ مس در صحیح مستدرکت بروایت
ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
امر کرد صحابه را ببسم الله کفتن وخوردن کوسفند زهر
آلوده که زینب یهودیه روز فتح خیبر هدیه فرستاده بود
پس صحابه بسم الله کفتند وخوردند پس هیچ یکی را
از اثر زهر چیزی نرسید وَفِي حَدِيثِ مَسِيرِهِ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ إِلَى بَيْتِ أَبِي الْهَيْثَمِ وَ

قَالَ فَلَعَلَّكُمْ تَأْكُلُونَ مُتَفَرِّقِينَ قَالُوا نَعَمْ ص

أَكْلِهِمُ الرُّطَبَ وَاللَّحْمَ وَشُرْبِهِمُ الْمَاءَ قَوْلُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذَا هُوَ النَّعِيمُ الَّذِي تُسْأَلُونَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فَلَمَّا كَبُرَ عَلَى أَصْحَابِهِ قَالَ إِذَا أَصَبْتُمْ مِثْلَ هٰذَا وَضَرَبْتُمْ
بِأَيْدِيكُمْ فَقُولُوا بِسْمِ اللهِ وَعَلَى بَرَكَةِ اللهِ فَإِذَا شَبِعْتُمْ
فَقُولُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هُوَ أَشْبَعَنَا وَأَرْوَانَا وَأَنْعَمَ عَلَيْنَا
وَأَفْضَلَ فَإِنَّ هٰذَا كَفَافُ هٰذَا مس در صحیح مستدرکت بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم و ابو بکر و عمر
رضی الله عنهما سوی خانه ابو الهیثم رضی الله عنه رفتند
وخرمات وکوشت خوردند وآب نوشیدند رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود این نعیم است که روز قیامت شما را ازین
خواهند پرسید پس چون این سخن بر صحابه بزرک نمود
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون مثل این طعام برسید
ودست بر خوردن زنید بسم الله وعلی برکة الله کوئید
وچون سیر شوید الحمد لله تا آخر کوئید پس بدرستی که این
باز دارنده آن سوال است معنی اینست حمد مر خدائی را که ما را
بطعام وآب سیر کردانید وبر ما انعام بسیار کرد
وَإِنْ نَسِيَ التَّسْمِيَةَ أَوَّلَ الطَّعَامِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ
د ت مس حب مس در سنن ابی داود وترمذی ونسائی وصحیح
ابن حبان وصحیح مستدرکت بروایت عائشه رضی الله عنها

قوله

که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یکی از شما چون طعام خورد پس
کو که بسم الله کوید و اگر در اول طعام فراموش کند پس کو بسم الله
اوله وآخره کوید وان اکل مع مجذوم اودی عاهة قال بسم الله
ثقة بالله وتوکلا علیه ت د ق حب مس ی در سنن ترمذی
وابی داود وابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک وکتاب
عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم با پیسی یا خداوند آفتی ومرضی طعام میخورد
بسم الله ثقة تا آخر میکفت معنی اینست طعام میخورم بنام خدای
تعالی از جهت استواری بخدای جل وعلا وتوکل بخداوند تعالی
فاذا فرغ من الاکل والشرب قال الحمد لله حمدا کثیرا طیبا
مبارکا فیه غیر مکفی ولا مودع ولا مستغنی عنه ربنا خ عه
در صحیح بخاری وچهار سنن است بروایت ابو امامه رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم از اکل وشرب فارغ میشد
الحمد لله تا آخر میکفت معنی اینست حمد مر خدای تعالی راست ای پاک
خدای مر تراست حمد بسیار پاک خالی از ریا که در آن برکت باشد
یعنی رساننده نعمت بود در طیبی شرح مشکوة غیر مکفی وما بعد آنرا
بسه معنی بیان کرده است اکر غیر را منصوب خوانند پس منصوب
است وضمیر راجع سوی طعام یا حمد است اکر سوی طعام است معنی
اینست که غیر طعام مردود ومقلوب آوند وغیر متروک وغیر محتاج

والشرب
فرغ من اکل
ما یقال اذا

الیه بود واکر راجع سوی حمد است ... غیر مردود ... غیر متروک وغیر محتاج ...

الیه برین هردو وجه ربنا منصوب بحذف حرف نداست واکر
غیر را مرفوع خوانند پس ربنا مرفوع بود بابتدا وغیر
خبر مقدم بود ومکفی مشتق باشد از کفایت معنی اینست
پروردکار ما کافی ومطعم است غیر مکفی ومطعم وغیر متروک
طلب از وی وغیر محتاج الیه است الحمد لله الذی کفانا وأروانا
غیر مکفی ولا مکفور خ در صحیح بخاری است بروایت ابو امامه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم از طعام فارغ می شد الحمد لله
الذی تا آخر میکفت معنی اینست حمد مر خدای راکه ما را
کفایت بطعام کرد وسیراب کردانید در ان حال که آن طعام
غیر مردود وغیر ناسپاسی کرده شده باشد الحمد لله
اطعمنا وسقانا وجعلنا مسلمین عه ی در چهار سنن
وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو سعید
خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد
از فراغ از طعام الحمد لله تا آخر میکفت معنی اینست حمد مر
خدای راست که ما را طعام وآب داد وما را مسلمان کردانید
الحمد لله الذی اطعم وسقی وسوغه وجعل له مخرجا
در سنن ابی داود وسنن ترمذی ونسائی وصحیح ابن حبان
بروایت ابو ایوب رضی الله عنه که رسول صلی الله بعد فراغ از طعام
الحمد لله تا آخر میکفت معنی اینست حمد مر خدای راکه ما را

د ت س حب م

طعام وآب داد و ما را گوارنده ساخت و ساو را مخرج کردانید
الحمد لله الذي اطعمني هذا الطعام ورزقنيه من غير حول
مني ولا قوة دت مس عي در سنن ابي داود وترمذي وابن
ماجه وصحيح مستدرک وکتاب عمل اليوم والليلة ابن سنی است بروایت
معاذ بن انس رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد فراغ
از طعام الحمد لله تا آخر میگفت معنی اینست حمد مر خدای راست که مرا این
طعام داد بغیر حیله وقوة این طعام را رزق من کرد واذا اکل
الطعام فليقل اللهم بارک لنا فيه واطعمنا خيرا منه دت ق
در سنن ابي داود وترمذي وابن ماجه است بروایت ابن عباس رضي
الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما طعام
خورد پس گوید اللهم تا آخر بگوید معنی اینست ای بار خدای برکت کن
برای ما درین طعام وما را بهتر ازین بده فان کان لبنا فليقل اللهم
بارک لنا فيه وزدنا منه دت ق در سنن ابي داود وترمذي وابن ماجه
است بروایت ابن عباس رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
وچون طعام شیر باشد پس گوید اللهم تا آخر گوید معنی اینست
ای بار خدای برکت ده برای ما درین طعام درین طعام و زیاده
گردان ان ان الله ليرضى عن العبد ان يأكل الاكلة
فيحمده عليها او يشرب الشربة فيحمده عليها م ت س عي
در صحیح مسلم و سنن ترمذی ونسایی وکتاب عمل اليوم والليل

ابن سنی است بروایت انس رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه
فرمود بدرستی که خدای تعالی خشنود شود از بنده خود از جهت
آنکه یک لقمه بخورد پس بران حمد گوید یا یک نوشیدنی آب
بنوشد پس بران حمد گوید واذا اغسل يده الحمد لله الذي
لا يطعم من علينا فهدانا واطعمنا وسقانا وكل بلاء حسن
ابلانا الحمد لله غير مودع ولا مكافا ولا مكفور ولا مستغنى
عنه الحمد لله الذي اطعم من الطعام وسقى من الشراب و
كسا من العري وهدى من الضلالة وبصر من العمى وفضل
على كثير ممن خلق تفضيلا الحمد لله رب العالمين س حب مس
در سنن نسائی وصحیح مستدرک وصحیح ابن حبان است بروایت
عبد الله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما که رسول صلی الله علیه
وسلم بعد اکل طعام دست میشست الحمد لله الذي تا آخر
میگفت معنی اینست حمد مر خدای تعالی راست که همه را طعام
دهد و او را کسی طعام ندهد بر ما منت نهاد پس ما را راه
راست نمود و ما را طعام وآب داد و هر عطائی نیک ما را داد
حمد مر خدای راست بر طعام غیر متروک باشد وآنرا مکافات
نبود وغیر ناسپاسی بران بود وغیر محتاج الیه باشد حمد
مر خدای تعالی راست آنکه ما را طعام وآب داد وما را از برهنگی
پوشانید واز گمراهی راه نمود واز نابینائی بینا گردانید

يطعم

وبر بسیاری از خلق فضل داد حمد مر خدای تعالی راست که پ
پروردگار جهانیان است اَللّٰهُمَّ اَشْبَعْتَ وَاَرْوَیْتَ فَهَنِّئْنَا
وَرَزَقْتَنَا فَاَكْثَرْتَ وَ اَطَبْتَ فَزِدْنَا مر مص در کتاب دعا ابن
مردویه و مصنف ابوبکر است بروایت سعید بن جبیر تابعی
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم بعد از کل
طعام دست می شست اللهم تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای
ما را بطعام و آب سیر کردانیدی پس گوارا کردان برای ما
و ما را رزق بسیار و حلال دادی پس ان را زیادت کن وَيَدْعُو
لِاَهْلِ الطَّعَامِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِيمَا رَزَقْتَهُمْ فَاغْفِرْ لَهُمْ
وَارْحَمْهُمْ م ت س مص در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی
و مصنف ابوبکر است بروایت عبد الله بن بسر رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم طعام کسی میخورد برای اهل
او دعا میکرد اللهم بارک لهم تا آخر میگفت معنی اینست ای بار
خدای برکت کن برای ایشان در رزقی که دادی پس ایشان را
بیامرز و برایشان رحمت کن اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْ مَنْ اَطْعَمَنِي وَاَسْقِ
مَنْ سَقَانِي م در صحیح مسلم است بروایت مقداد رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم در خانه کسی طعام میخورد
اللهم اطعم تا آخر میگفت معنی این است ای بار خدای تعالی
طعام ده کسی را که مرا طعام داد و آب ده کسی را که مرا آب داد

واذا

اداب اللباس

وَاِذَا لَبِسَ شَيْئًا قَالَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ
وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهُ ی در کتاب عمل الیوم
واللیل ابن سنی است بروایت عمر رضی الله عنه که چون
رسول صلی الله علیه وسلم جامه یا سلاحی میپوشید اللهم
انی تا آخر میفرمود معنی اینست ای بار خدای بدرستی که میخواهم
از تو خیر این ملبوس و خیر آنچه مصنوع است این ملبوس
برای آن و می پناهم بتو از شر این ملبوس و شر آنچه مصنوع است
برای آن وَاِنْ كَانَ جَدِيدًا سَمَّاهُ بِاسْمِهِ عِمَامَةً اَوْ قَمِيصًا
اَوْ غَيْرَهُ ثُمَّ يَقُولُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ اَسْأَلُكَ
خَيْرَهُ ثُمَّ يَقُولُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ وَاَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ د ت حب مس در سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت ابو سعید
خدری رضی الله عنه که اگر جامه نو می بود رسول صلی الله علیه وسلم
نام آن جامه میگرفت که چون پیراهن یا دستار یا غیر آن
پس اللهم تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای مر تراست حمد این
پیراهن یا دستار تو مرا پوشانیدی باقی معنی گذشت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَوتِي ت ق مس
در سنن ترمذی و ابن ماجه و مصنف ابوبکر و صحیح مستدرک است بروایت

عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که جامه
نو پوشد پس الحمد لله تا آخر گوید وچون آن جامه کهنه
گردد بدهد او در حفظ خدای تعالی در حیات و ممات
باشد معنی اینست حمد مر خدای تعالی راست که پوشانید
مرا جامه که بدان عورت خود می پوشم وجمال میکند در حق
خود ظاهر بدان میکنم وَمَنْ لَبِسَ ثَوْبًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
كَسَانِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ غُفِرَ لَهُ
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ دت ق مس وَمَا تَأَخَّرَ د در سنن ابی داود
و ترمذی و ابن ماجه وصحیح مستدرک است بروایت معاذ بن انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که جامه
نو پوشد پس الحمد لله تا آخر گوید گناه مقدم ومؤخر او مغفور
گردد معنی اینست حمد مر خدای تعالی راست که این جامه مرا پوشانید
واز غیر حیله وقوة مرا این جامه روزی کرد وَإِذَا رَأَى عَلَى
صَاحِبِهِ ثَوْبًا جَدِيدًا قَالَ تُبْلِي وَيُخْلِفُ اللَّهُ دس در سنن ابی
داود وصحیح مستدرک است بروایت ام خالد رضی الله عنها
که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر صاحب خود جامه نو میدید
اورا تبلی تا آخر میگفت معنی اینست این جامه را کهنه کنی
وخدای تعالی ترا بعد این جامه را کهنه کنی وخدای تعالی ترا بدل
این جامه خلف باز دهد أَبْلِ وَأَخْلِقْ ثُمَّ أَبْلِ

وَأَخْلِقْ خ د در صحیح بخاری و سنن ابی داود است بروایت
ام خالد رضی عنها که رسول صلی الله علیه وسلم چون بر صاحب
خود جامه نو جدید ابل واخلق سه بار میگفت تکرار از جهت
بشارت طول عمرست معنی اینست این جامه را کهنه کن
معنی ابل واخلق یکیست فَإِذَا خَلَعَ ثِيَابَهُ فَسِتْرُ مَا بَيْنَ
أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَتِهِ أَنْ يَقُولَ بِسْمِ اللَّهِ مص ی در مصنف
ابو بکر وکتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی است بروایت انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون مرد
جامه خود را از اندام بیرون میکند پس پرده میان چشم
جن وعورت او اینست که بسم الله گوید وَإِذَا هَمَّ بِأَمْرٍ
فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَ
عَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ
بَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي ودنیای
وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي
وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ
خ عه این شروع در بیان نماز استخاره ودعاء آنست

مرع استخارا اداب

منزل الرابع

ثم رضني به حيث كنت ثم ارضني بقضائك حس

در صحیح بخاری وچهار سنن است بروایت جابر رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم در همه امور ما را استخاره می آموخت
چنانچه سورة قرآن می آموخت ومیفرمود چون یکی از شما قصد کاری
کند پس کو که دو کانه نماز غیر فریضه گزارد بس اللهم انی تا آخر کوید
وچون تا ان هذا برسد نام حاجت کند معنی اینست ای بارخدای
بدرستی که من از تو نیکی میخواهم بعلم تو واز تو قدرت میخواهم
بقدرت تو واز فضل تو که عظیم است میخواهم زیراکه بدرستی تو
بر همه چیز میتوانی ومن نمیتوانم وتو همه چیز میدانی ومن
نمیدانم وتوئی داننده غیبها ای بارخدای اگر میدانی که اینکار
که من میخواهم ونام آن کار بگیرد بهتر بود برای من در دین من
ودر زندگانی من ودر عاقبت کار من یاد بکارد نیا وآخرت این
شک از راویست پس آن کار را مقدور من ساز وآسان برای من
کردان واگر تو میدانی ای بارخدای که اینکار بد بود برای من
بازدار او را ومرا از آن بازدار ومقدور من ساز نیکی را هر جا که
باشد پس مرا بدان راضی کردان ان کان خیرا فی دینی ومعاشی
ومعاشی وعاقبة فقدره لی ویسره لی وبارک لی فیه وان کان
شرا فی دینی ومعادی ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی
واصرفنی عنه وقدر لی الخیر ورضنی به حب مص در صحیح مسلم
ومصنف ابوبکر است بروایت جابر رضی الله عنه که از ان کان بدعای

امری

مذکور خواند معنی همانست که گذشت خیرا لی فی دینی وخیرا لی فی
معیشتی وخیرا لی فی عاقبة امری فاقدره لی وبارک لی فیه وان
کان غیر ذلک خیرا لی فاقدر لی الخیر حیث ما کان ورضنی بقدرک
حب ودر صحیح ابن حبانست بروایت ابوهریرة رضی الله عنه که خیر
لی بطریق مذکور خواند خیرا لی فی دینی ومعیشتی وعاقبة امری
فاقدره لی ویسره لی وان کان کذلک للامر الذی یرید شرا لی
فی دینی ومعیشتی وعاقبة امری فاصرفه عنی ثم اقدر لی
الخیر اینما کان لا حول ولا قوة الا بالله حب در صحیح ابن حبانست
بروایت ابو سعید که خیرا لی بطریق مذکور خواند واسالک من
فضلک ورحمتک فانهما بیدک لا یملکهما احد سواک فانک تعلم
ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب اللهم ان کان
هذا الامر الذی یرید خیر الی فی دینی وفی دنیای وعاقبة امری
فوفقه وسهله وان کان غیر ذلک خیرا لی فوفقنی للخیر حیث
کان د در مسند بزارست بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که از واسالک
بطریق مذکور خواند معنی اینست ومیخواهم از تو فضل ورحمت تو زیراکه
بدرستی فضل ورحمت در قبض تست جز تو کسی آنرا مالک نیست باقی همچنانست
فان کان زواجا فلیکتم الخطبة ثم لیتوضا فیحسن
وضوءه ثم لیصل ما کتب الله له ثم لیحمد الله ویمجده
ثم لیقل اللهم انک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت

بیان خطبه ۱۲

علام الغيوب فان رايت ان في فلانة ويسميها باسمها خيرا لي في
ديني ودنياي وآخرتي فاقدرها لي وان كان غيرها خيرا لي منها
في ديني ودنياي وآخرتي فاقدرها لي حب درصحيح ابن حبان وصحيح
مستدرک است بروايت ابوايوب رضي الله عنه که چون آن کار نکاح باشد
خواستکاري را پنهان کند پس وضو نيک سازد پس نماز که خداي تعالی
او را مقدور کرده است کزارد پس حمد خداي تعالی کويد وخداي
تعالی را تعظيم ياد کند اللهم تا آخر کويد وچون تا ان رايت ان
في برسد نام آن زن کيرد و معنی همانست که کذشت من سعادة ابن
آدم استخارته الله تعالی ومن شقوته ترکه استخارة الله مس ت
درصحيح مستدرک و سنن ترمذي است بروايت سعد بن ابي وقاص رضي الله
عنه که رسول صلی الله عليه وسلم فرمود از نيکبختي فرزند آدم آنست
خواستن خيريت از خداي تعالی است وبدبختي اوست ترک آن ابن سني
روايت کرده است رسول صلی الله عليه انس را رضي الله عنه فرمود اي
انس چون قصد کاري کني کو پس هفت بار استخاره کن بعد آن هرچه
در دل تو بکذرد خير در آنست وان تولي عقدا فخطبته ان الحمد
لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور
انفسنا ومن سيئات اعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلله
فلا هادي له واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله يا ايها الناس اتقوا ربکم الذي

خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا
کثيرا ونساء واتقوا الله الذي تساءلون به والارحام ان
الله کان عليکم رقيبا يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته
ولا تموتن الا وانتم مسلمون يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا
سديدا يصلح لکم اعمالکم ويغفر لکم ذنوبکم ومن
يطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظيما عه مس عو در جامع سنن
است وصحيح مستدرک وصحيح ابوعوانه است بروايت ابن مسعود رضي
الله که چون رسول صلی الله عليه وسلم عقد نکاح کسي ميکرد پس خطبه
او ان الحمد لله تا آخر بود معنی اينست جميع محامد مر خداي تعالی راست
ستايش خداوند تعالی ميکنم ويأري آمرزش از و ميخواهم واز بديهاي
نفس واعمال خود بخداي تعالی مي پناهم هرکرا که خداي تعالی راه راست
نمايد او را کسي کمراه نسازد وهرکرا خداي تعالی کمراه کرداند او را
کسي در راه راست نيارد وکواهي ميدهم که نيست معبود بحق
خداي تعالی تنها بي شريک وکواهي ميدهم که محمد صلی الله عليه
وسلم بنده و رسول خداي تعالی است معنی آيه اول اينست
اي مردمان بترسيد وبپرهيزيد از خشم وعذاب خداي پروردکار
خويش آن آفريدکاري که بمحض قدرت بيافريد شما را از يک تن
که آن آدم است عليه السلام وبيافريد از آن تن تنها جفت وي را
که حواست وپراکنده کرد از آدم وحوا مردان بسيار وزنان

قرا دان و بترسید از مخالفت امر خدای آن خداوند که شما حاجت
میطلبید باو خدای و بپرهیزید از قطع رحم بدرستی
که خدای هست بر شما دیده بان و معنی آیة دویم ای گروهی
کرویدکان بترسید از خدای چنانچه سزاوار ترسیدن
ومیرید مگر آنکه شما مسلمان باشید و معنی آیة سیم ای
مومنان از خدا تعالی بترسید و سخن راست و استوار گوئید
تا خدای تعالی اعمال شما را راست کرده اند و گناهان
شما را آمرزد و هرکه طاعت خدای تعالی و رسول خدای تعالی
کند پس بدرستی که رستگاری عظیم یابد وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ
بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ
فَقَدْ رَشَدَ وَمَنْ يَعْصِهِمَا فَاِنَّهُ لَا يَضُرُّ اِلَّا نَفْسَهُ وَلَا يَضُرُّ اللّٰهَ
شَيْئًا د در سنن ابی داود ست بروایت ابن مسعود رضی الله عنهما
که و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله تا آخر یعنی اند
از اول تا اینجا موافق است معنی اینست و گواهی میدهم که
محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول خداوند تعالی است
اورا با حق مژده دهنده و بیم کننده پیش از قیامت فرستاده
هرکه خدای تعالی و رسول اورا طاعت کند پس بدرستی که
که او راه راست یابد و هرکه خدای تعالی و رسول اورا نافرمانی
کند پس بدرستی که او جز نفس خود را زیان نرساند و خدای

زیان د

را چیزی نرساند وَنَسْاَلُ اللّٰهَ اَنْ يَجْعَلَنَا مِمَّنْ يُطِيعُهُ وَيُطِيعُ
رَسُولَهُ وَيَتَّبِعُ رِضْوَانَهُ وَيَجْتَنِبُ سَخَطَهُ فَاِنَّمَا نَحْنُ بِهِ
وَلَهُ مس حه در کتاب دعا ابن مردویه و سنن ابی داود است بروایت
ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم و قال
الله تا آخرین میگفت معنی اینست و میخواهم از خدا تعالی
انکه ما را از جمله مطیعان خود و مطیعان رسول خود کرداند
و از جمله کسانی کرداند که ایشان را اتباع رضوان و اجتناب
سخط خداوند گشته پس بدرستی که ما موجود بدو تعالی
گشتیم و مملوک او هستیم وَيَقُولُ لِمَنْ تَزَوَّجَ بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ
خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت انس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم مرکسی را که زن میخواست
بارک الله لک میگفت یعنی مبارک کرداند خدای تعالی مر ترا
زن تو وَبَارَكَ اللّٰهُ عَلَيْكَ وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي خَيْرٍ عه حب مس در چهار سنن
و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم وبارک الله تا آخرین میگفت معنی
اینست و خدای تعالی زن ترا مبارک کرداند و جمع کند میان
شما در نیکی اَوْ فَبَارَكَ اللّٰهُ عَلَيْكَ خ م ت س در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ترمذی و نسائی است بروایت جابر رضی الله عنه
که یا فبارک بفا میگفت وَلَمَّا زَوَّجَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا فَاطِمَةَ

رضي الله عنهما دخل البيت فقال لفاطمة رضي الله عنها ائتيني
بماء فقامت الى قعب في البيت فاتت فيه بماء فأخذه ومج فيه
ثم قال لها تقدمي فتقدمت فنضح بين ثدييها وعلى رأسها وقال
اللهم اني اعيذها بك وذريتها من الشيطان الرجيم ثم قال لها ادبري
فادبرت فصب بين كتفيها ثم قال اللهم اني اعيذها بك وذريتها
من الشيطان الرجيم ثم قال ائتوني بماء قال علي فعلمت الذي يريد
فقمت فملأت القعب ماء واتيته به فأخذه ومج فيه ثم قال تقدم
فتقدمت فصب على رأسي وبين يدي ثم قال اللهم اني اعيذه بك
وذريته من الشيطان الرجيم ثم قال ادبر فادبرت فصب بين كتفي
فقال اللهم اني اعيذه بك وذريته من الشيطان الرجيم ثم قال ادخل
باهلك بسم الله والبركة ح حب در صحیح بخاری و ابن حبان آمده است
بروایت انس رضی الله عنه که هرگاه که رسول صلی الله علیه وسلم
بیبی فاطمه رضی الله عنها را برای حضرت علی کرم الله وجهه بزنی داد
درخانه درآمدند پس فاطمه رضی الله عنها را فرمود که آب بیار
فاطمه رضی الله عنها در کاسه چوبی آب آورد رسول صلی الله علیه وسلم
آنرا گرفت و آب در دهن کرده در ان انداخت پس فاطمه رضی الله عنها را
فرمود پیش بیا بیبی رضی الله عنها پیش آمدند پس رسول صلی الله علیه وسلم
میان دو پستان و بر سر او شرشک آب زدند و فرمود ای بارخدای
در پناه تو می آرم این را و ذریت این را از شیطان رانده پس حضرت

بیبی را رضی الله عنها فرمود که پشت ده بیبی رضی الله عنها پشت دادند
پس رسول صلی الله علیه وسلم میان دو شانه او آب ریخت و
فرمود ای بارخدای در پناه تو می آرم این را و ذریت این را از
شیطان رانده پس فرمود که آب بیارید علی رضی الله عنه فرمود دانستم
که مرا می فرمایند من خواستم و همان آوند پر کرده آب آوردم
پس رسول صلی الله علیه وسلم آنرا گرفت و آب در دهن کرده
در ان انداخت پس مرا فرمود که پیش بیا من پیش آمدم پس آب را
بر سر من و میان دو دست من ریخت پس فرمود ای بارخدای در پناه
تو می آرم این را و ذریت این را از شیطان رانده پس مرا فرمود که
پشت ده من پشت دادم پس آب را میان دو شانه من ریخت
و فرمود ای بارخدای تعالی در پناه تو می آرم این را و ذریت این را از
شیطان رانده پس مرا فرمود که اهل خود درآ بنام خدای تعالی
و ببرکت او واذا دخل باهله او اشترى رقيقا فليأخذ بناصيتها
د س ص در سنن ابی داود و نسائی و مسند ابی یعلی موصلی آمده است
بروایت عمرو بن شعیب از پدر او از جد او که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که چون یکی از شما بعد نکاح بر زن خود درآید
یا بنده را خرید کند پس گو که موی پیشانی آن گیرد ثم ليقل
اللهم اني اسألك من خيرها وخير ما جبلتها عليه واعوذ بك
من شرها وشر ما جبلتها عليه د ق س ص ص ص در سنن ابی داود

ونسائي وابن ماجة ومسند ابي يعلي موصلي ومصنف ابو بكرست
بروايت ابن عمر رضي الله عنه پس كوكه اَللّٰهُمَّ اِنّي اسالك تا آخر كويد
معني اينست اي بارخداي ميخواهم بتو از خير اين وخير آنچه
اين را بدان آفريدي ومي پناهم بتو از شر اين وشر آنچه اين را
بدان آفريدي ومي پناهم وَكَذٰلِكَ فِي الدَّابَّةِ وَيَاخُذُ بِذِرْوَةِ سَنَامِ
الْبَعِيرِ د س درسنن ابي داود ونسائي ومسند ابي يعلي است بروايت
ابن عمر رضي الله عنه كه چون چهارپايه بخرد همچنان موي پيشاني
اوكرفته دعاء مذكور خواند واكر شتر بخرد سر كوهان اورا كرفته دعا
مذكور خواند وَكَانَ اِذَا اشْتَرَى مَمْلُوكًا قَالَ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ فِيهِ وَاجْعَلْهُ
طَوِيلَ الْعُمْرِ كَثِيرَ الرِّزْقِ مو ص در كتاب دعاء ابن مردويه ومصنف ابن ابي بكر
بروايت ابن مسعود رضي الله عنه كه چون رسول صلي الله عليه وسلم
مملوكي ميخريد اللهم بارك تا آخر ميفرمود معني اينست اي بارخدا
مملوك بركت كن وعمر اين دراز و رزق اين فراخ كردان وَاِذَا اَرَادَ
الْجِمَاعَ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ
مَا رَزَقْتَنَا ع در اصول ست است بروايت ابن عباس رضي الله عنهما
كه رسول صلي الله عليه وسلم فرمود چون يكي از شما جماع زن خواهد
بِسْمِ اللّٰهِ تا آخر كويد معني اينست بنام خداي اين كار ميكنم اي بارخداي
دور دار ما را از شر شيطان ودور دار شيطان را از فرزندي كه ما را روزي
كردي وَاِذَا اَنْزَلَ قَالَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيمَا رَزَقْتَنِي نَصِيبًا مص مو

در كتاب دعاء ابن مردويه ومصنف ابي بكر است بروايت
ابن مسعود رضي الله عنه چون انزال كند اللهم تا آخر كويد معني
اينست اي بارخداي براي شيطان نصيب مكردان در فرزندي
كه ما را روزي كردي وَاَذَّنَ اَيْ بِمَوْلُودٍ اَذَّنَ فِي اُذُنِهِ
د ت
حِينَ وِلَادَتِهِ درسنن ترمذي وابي داود است بروايت ابو رافع
مولي رسول صلي الله عليه وسلم كه چون بر رسول صلي الله عليه
وسلم فرزند نوزاده ميآوردند در كوش او بانك نماز ميكفتند
عند ولادت او وَوَضَعَهُ فِي حِجْرِهِ وَحَنَّكَهُ بِتَمْرَةٍ وَدَعَا لَهُ وَبَرَّكَ
خ م در صحيح بخاري ومسلم است بروايت اسماء بنت ابو بكر
صديق رضي الله عنهما كه رسول صلي الله عليه وسلم آن مولود
را دركنار خود مي نهاد وخرما ميخائيد وبكام مولود مي ماليد
واو دعا ببركت ميكرد وَاَمَرَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِتَسْمِيَةِ الْمَوْلُودِ
يَوْمَ سَابِعِهِ وَوَضْعِ الْاَذَى عَنْهُ وَالْعَقِّ ت درسنن ترمذي است
بروايت ابن عمر رضي الله عنه كه امر كرده است رسول صلي
الله عليه وسلم بنام نهادن مولود هفتم روز وامر كرده است
بدور كردانيدن پليدي از و وامر كرده است بحلق سر وذبح
كوسپندي كه آنرا عقيقه كويند وَتَعْوِيذِ الطِّفْلِ اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ
اللّٰهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ
خ عه د در صحيح بخاري وچهار سنن است بروايت ابن عباس

ولادة الولد ما يقال حين

اذان المولود

الطفل تعويذ

رضي الله عنهما و در مسند بزار است بروايت ابن مسعود رضي الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم حسن وحسین را رضي الله عنهما اعوذ
بكلمات الله تا آخر تعويذ ميكرد ودر مسند بزار است اعيذك واردست
معنی اینست در پناه می آرم ترا به کلمات تامه خدای تعالی از بدی رساند
هر شیطان و مار وکژدم واز هر چشم که بدی رساند وَإِذَا أَفْصَحَ
الْوَلَدُ فَلْيُعَلِّمْهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ ي در کتاب عمل اليوم والليلة ابن
سنی است بروايت عبد الله بن عمر رضي الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود چون فرزند گویا شود پس گو که او را لا اله الا الله
بیاموزد مثل این حدیث بروایت ابو هریره رضي الله عنه وارد است که
رسول صلی الله علیه فرمود که زبان کودکان شان بقول لا اله الا الله
کشاید وَكَانَ إِذَا أَفْصَحَ الْوَلَدُ مِنْ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَلَّمَهُ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ
الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ي در کتاب عمل اليوم والليلة ابن سنی است
بروایت انس رضي الله عنه که چون فرزند بنی عبد المطلب گویا میشد
رسول صلی الله علیه وسلم او را آیه وقل الحمد لله الذي تا آخر می آموخت
معنی اینست بگوی حمد مر خدای تعالی را است آنکه فرزندی نگرفته است
ومر او را شریک در ملک او نیست ومر او را یاوری و ناصری نیست از ذل
یعنی خداوند تعالی را احتیاج و ذل نیست که بناصری حاجت باشد
وبزرگی یاد کن خداوند تعالی را إِضْرِبُوهُ عَلَى الصَّلَوٰةِ لِسَبْعٍ وَاعْزِلُوا

فِرَاشَهُ لِتِسْعٍ وَذَوَّجُوهُ لِسَبْعَ عَشْرَةَ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَلْيُجْلِسْهُ
بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ لِيَقُلْ لَا جَعَلَكَ اللهُ عَلَيَّ فِتْنَةً ي در کتاب عمل اليوم
والليل ابن سنی است بروايت انس رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود بزنید فرزند را بر ترک نماز بهفت ساله رسد و فراش
او را جدا کردانید بنه ساله رسد او را زن بدهید بهفده ساله
پس یکی از شان چون این مذکور کند پس گو که آن فرزند را پیش خود
بنشاند پس بگوید لا جعلك الله علي فتنة یعنی ترا خدای تعالی من
فتنه نگرداند وَإِنْ كَانَ سَفَرًا صَالِحًا وَقَالَ أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكَ
وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ س د ت مس حب در سنن نسائي
وابي داود وترمذي وصحيح مستدرك وصحيح ابن حبان است
بروايت ابن عمر رضي الله عنهما که اگر مسافر جهت وداع
بر مقیم بیاید مقیم دست او گیرد واستودع الله تا آخر
گوید معنی اینست ودیعت میدهم خدای تعالی را دین تو واهل و مال تو
که امانت بر امین خود نهادی وخواتیم عمل تو وَاقْرَأْ عَلَيْكَ
السَّلَامَ ت س در سنن ترمذی ونسائی است بروایت ابن عمر وَاقْرَأْ
عَلَيْكَ السَّلَامَ نیز گوید بر تو میخوانم وَيَقُولُ لِمَنْ يُوَدِّعُهُ أَسْتَوْدِعُكَ
وَأَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ الَّذِي لَا يَخِيبُ ي أَوْ لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ ي
در کتاب عمل اليوم والليلة ابن سنی است بروایت ابو هریره رضي الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سفر خواهد

افتتح الولد ما علما اذا

ادب فرزند

بیان وداع کردن وقت سفر

علیک

سلام و

پس کسی را که با او وداع کند و خلیفه سازد استودعک تا آخر
گوید یعنی مسافر برای مقیم گوید معنی اینست ای ترا بودیعت میدهم
مر خدای را که نا امید نکند ترا و ودیعتها او ضایع نگردد مَنْ
قَالَ لَهُ أُرِيدُ السَّفَرَ فَأَوْصِنِي قَالَ لَهُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللهِ وَالتَّكْبِيرِ عَلَى
كُلِّ شَرَفٍ فَإِذَا وَلَّى قَالَ اللَّهُمَّ اطْوِلَهُ الْبُعْدَ وَهَوِّنْ عَلَيْهِ
السَّفَرَ ت س ق در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم مردی را که
سفر خواست وصیت طلبید فرمود تقوی لازم گیر و بر هر بلندی
تکبیر گو پس چون آن مرد پشت داد رسول صلی الله علیه و سلم
اللهم تا آخر فرمود معنی اینست ای بارخدای تعالی بعد زمین برای
او نزدیک گردان و سفر را برو آسان کن زَوَّدَكَ اللهُ التَّقْوَى وَغَفَرَ ذَنْبَكَ
وَيَسَّرَ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثُ مَا كُنْتَ ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است
بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم او را زودک الله
تا آخر فرمود یعنی اینست خدای تعالی تقوی را توشهٔ تو گرداند و گناه
تو بیامرزد و هر جا که تو باشی ترا خیر را آسان گرداند جَعَلَكَ اللهُ
التَّقْوَى زَادَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَوَجَّهَ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتَ طب در مسند بزار
و معجم کبیر است بروایت قتادة بن عیاش رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم او را جعلک الله تا آخر گفت معنی همانست که گذشت وَإِذَا أَمَّرَ
أَمِيرًا عَلَى جَيْشٍ أَوْ سَرِيَّةٍ أَوْصَاهُ فِي خَاصَّتِهِ بِتَقْوَى اللهِ وَمَنْ مَعَهُ

مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا ثُمَّ قَالَ اغْزُوا بِسْمِ اللهِ وَلَا تَغُلُّوا وَلَا تَغْدِرُوا
وَلَا تُمَثِّلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا م عه در صحیح مسلم و جهاد سنن است
بروایت بریده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم صحابی را
بر لشکری یا بر اندکی امیر میساخت او را خاصه بتقوی وصیت میکرد
و اهل اسلام را که با وی بودند وصیت خیر میکرد پس میفرمود بنام خدای
تعالی غزا کنید و خیانت مکنید در غنیمت غدر مکنید و اطراف میبرید
و کودک را مکشید انْطَلِقُوا بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا وَلَا طِفْلًا وَلَا صَغِيرًا
وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَغُلُّوا وَضُمُّوا غَنَائِمَكُمْ وَأَصْلِحُوا وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ
يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ د در سنن ابی داود است بروایت انس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم آن امیر و سپاهش را میفرمود روان
شوید بنام خدای تعالی و بیاری خدای تعالی و بر دین رسول خدای
تعالی پیر فانی و طفل شیرخوار و کودک نابالغ و زن را مکشید و در
غنیمت خیانت مکنید و غنیمت را یکجا کنید و اصلاح و احسان ورزید
که خدای تعالی محسنان را دوست دارد فَإِذَا مَشَى مَعَهُمْ قَالَ انْطَلِقُوا
عَلَى اسْمِ اللهِ اللَّهُمَّ أَعِنْهُمْ مس در صحیح مستدرک بروایت ابن
عباس رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه و سلم تا ایشان
قدم میزد میفرمود روانه شوید بتوکل بر نام خدای تعالی ای بار
خدای ایشان را یاری ده وَإِذَا أَرَادَ سَفَرًا قَالَ اللَّهُمَّ بِكَ أَصُولُ

وَبِكَ أَحُولُ وَبِكَ أَسِيرُ دا در مسند بزار ومسند امام احمد است بروایت علی
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم سفر میخواست اللهم بک
تا آخر میفرمود معنی اینست ای بارخدای باعانت تو حمله میکنم بر کار و
وبحفاظت تو در راه میروم معنی اصول ولحول یکی است وَإِنْ خَافَ مِنْ
عَدُوٍّ أَوْ غَيْرِهِ فَقِرَاءَةُ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ مُجَرَّبٌ مردد
کتاب دعا ابن مردویه است بروایت ابو الحسن القزوینی التابعی که اگر ترس
دشمن وغیره دشمن بترسد پس خواندن لایلاف قریش امان است از هر
بدی مصنف گفت این مجرب است فَإِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ قَالَ
بِسْمِ اللهِ فَإِذَا اسْتَوَى عَلَى ظَهْرِهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلهِ سُبْحَانَ الَّذِي
سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ الْحَمْدُ لِلهِ ثَلٰثَ
مَرَّاتٍ اللهُ أَكْبَرُ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مَرَّةً سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ
نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ دت حب امس
در سنن ابی داود وترمذی ونسائی وصحیح ابن حبان است بروایت علی
بن ربیعة ومستدرک است بروایت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که چون
مسافر پای خود پای خود در رکاب نهد بسم الله گوید وچون بر پشت
دابه قرار گیرد الحمد لله سبحان الذی تا المنقلبون گوید معنی آنست
حمد مر خدای تعالی راست پاکی مر خدای تعالی راست که رام گردانید
برای ما این مرکب را وما طاقت برای رام نداشتیم وما سوی پروردگار خود
باز گردیم بعد آن الحمد لله سه بار گوید الله اکبر سه بار گوید

اكراز

بیان سوار شدن

ودر مسند امام احمد وصحیح م

لا اله الا الله یکبار گوید بعد آن سبحانک انی ظلمت نفسی تا آخر
گوید معنی اینست پاکیست مر ترا بدرستی که جز تو کسی گناهان نیامرزد
وَإِذَا اسْتَوَى كَبَّرَ ثَلٰثًا وَقَرَأَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا
الْآيَةَ وَقَالَ اللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هٰذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى
وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى اللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هٰذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ
اللّٰهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ اللّٰهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَ
الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ وَإِذَا رَجَعَ قَالَهُنَّ وَزَادَ فِيهِنَّ آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ
لِرَبِّنَا حَامِدُونَ م ت د س در صحیح مسلم وسنن ترمذی وابی داود
ونسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله
علیه وسلم بر پشت دابه قرار میگرفت سه بار الله اکبر میگفت وسبحان
الذی سخر لنا تا آخر میگفت معنی اینست ای بارخدای بدرستی که ما
درین سفر خود از تو نیکی وتقوی وعمل مرضی تو میخواهم ای بار
خدای ما را این سفر بر ما آسان گردان وبعد این سفر را نزدیک
گردان ای بارخدای تویی صاحب در سفر بعنایت وحفظ وتویی
خلیفه در اهل باصلاح امور ای بارخدای بدرستی که من میپناهم
بتو از رنج وسختی سفر واز غمناکی منظر که در اهل ومال مکروهی
وبه بینم واز بازگشتی بد در مال واهل وفرزند وچون رسول صلی
الله علیه وسلم از سفر رجوع میکرد همین کلمات مذکوره میگفت

ای الصاحب بالعناية والحفظ والاستئناس بذكره والمعنى انی اعتمدت عليه فی سفری ويغنيني عن ابلی ١٢ طيبی

قوله وعثاء بفتح الواو واسكان العين المهملة وبالثاء المثلثة ممدودة ای شدة ومشقة ١٢ حاشيه

قوله آيبون بكسر الهمزة بعد الالف الممدودة ای راجعون وكثير من الناس يلفظون بالياء بعد الالف وهو لحن ١٢ حاشيه

قوله وكآبة المنظر الكآبة تغير النفس وقيل بالانكسار المراد منه شدة الغم والحزن وقيل المراد الاستعاذة من كل منظر يعقب النظر اليه الكآبة ١٢ طيبی

قوله وسوء المنقلب الانقلاب من السفر والعود الى الوطن يعنی انه يعود الى وطنه فيرى ما يسوءه ويكتب به

وزیادت در انبوت تا اخر میکفت معنی اینست ما بازکشته تایب

شده ایم عبادت کرده ایم پروردکار خود را حمد کفته ایم اذا رکب

مد اضبعه وقال اللهم انت الصاحب في السفر والخليفة

في الاهل اللهم اصحبنا بنصحك واقلبنا بذمة اللهم ازو

الارض وهون علينا السفر اللهم اني اعوذ بك من وعثاء السفر

وكابة المنقلب ت س در سنن ترمذی ونسائی است بروایت ابی هریرة

رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم سوار میشد انکشت

خود را دراز میکرد اللهم تا اخر میخواند معنی اینست ای بار خدای تعالی

تویی صاحب سفر وخلیفه در اهل ای بار خدای بنصیحت تو صباح

کردیم وبعهد تو رو آوردیم ای بار خدای باهم بد بیچ برای من زمین را

باقی معنی کذشت ما من بعير الا في ذروته شيطان فاذكروا اسم

الله عليه اذا ركبتموه كما امركم الله ثم امتهنوها لا

نفسكم فانما يحمل الله عز وجل ط در مسند امام احمد و معجم

کبیر است بروایت ابو لاس خزاعی رضی الله که رسول الله صلی الله علیه وسلم

شتری نیست مکر در سر کوهان او شیطان است پس چون بر شتر سوار

شوید نام خدای تعالی را یاد کنید چنانچه خدای تعالی

امر کرده است یعنی آیة سبحان الذي سخر لنا تا آخر خوانید

پس شتر را در خدمت آرید زیراکه نمیدارد شما را جز خدای

ويتعوذ في السفر من وعثاء السفر وكابة المنقلب والحور

بعد الكور ودعوة المظلوم وسوء المنظر في الاهل والمال م ت

س ق در صحیح مسلم وسنن ترمذی ونسائی وابن ماجه است

بروایت عبد الله سرجس رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم

در سفر اللهم اني اعوذ بك من وعثاء السفر تا اخر میکفت

معنی اینست ای بار خدای بپناه هم بتو از سختی سفر و

از غمناکی بازکشت واز نقصان بعد زیادت واز دعوة مظلوم

واز بدی نظر در اهل ومال اللهم بلاغا يبلغ خيرا ومغفرة

منك ورضوانا بيدك الخير انك على كل شيء قدير اللهم

انت الصاحب في السفر والخليفة في الاهل اللهم هون

علينا السفر واطو لنا الارض اللهم اني اعوذ بك من وعثاء

السفر وكابة المنقلب مص ی در مسند ابی یعلی موصلی وکتاب

عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت براء رضی الله عنه

که رسول صلی الله علیه وسلم در سفر اللهم بلاغا تا آخر

میکفت معنی اینست ای بار خدای میخواهم بتو رسانیدن

ومیخواهم از تو مغفرة ورضوان ترا که همه نیکی در قبض

تویی بر همه چیز توانا باقی معنی کذشت اللهم انت الصاحب

في السفر والخليفة في الاهل اللهم اصحبنا في سفرنا واخلفنا

في اهلنا ت س در سنن ترمذی ونسائی است بروایت عبد الله

بن سرجس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سفر

واذا هبط علا ثنية مايقال اذا

اللهم انت تا آخر میخوانند معنی اینست ای بار خدای تا در سفر
نگاه دار و اصلاح امور درناهل ما کن وَاِذَا عَلَا ثَنِيَّةً كَبَّرَ
وَاِذَا هَبَطَ سَبَّحَ خ م د س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود
و نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله
علیه وسلم بر پشته بر آمدی الله اکبر فرمودی و چون فرود
آمدی سبحان الله فرمودی وَاِذَا اَشْرَفَ عَلَى وَادٍ هَلَّلَ وَكَبَّرَ
ع در اصول ست است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله وسلم بر کنار رود آمدی لا اله الا الله
والله اکبر فرمودی وَاِنْ عَثَرَتْ بِهٖ دَابَّتُهٗ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ
س مس ا ط در سنن نسائی و صحیح مستدرک و معجم کبیر است
بروایت اسامة بن عمیر رضی الله عنه و در مسند امام احمد است
بروایت ابو ملیح رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
چون دابه کسی بسر آید پس گو که بسم الله گوید
فائده در حیوة الحیوان است که طبرانی در معجم اوسط
آورده است که انس رضی الله عنه روایت کرده هر که ازینک کان
یا صبیان یا دواب بدخوئی دارد در گوش او این آیة بخواند
اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ وَلَهٗ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّاِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ معنی اینست آیا پس این کافران
غیر دین خدای تعالی میجویند و گردن نهاده است مر خداوند تعالی

اذا ركب البحر مايقال اذا

بطوع و کره هر که در آسمانها و زمین است و سوی خدای تعالی باز ایشان
گردانیده شوند وَاِذَا رَكِبَ الْبَحْرَ اَمَانٌ مِنَ الْغَرَقِ اَنْ يَقُوْلَ بِسْمِ اللّٰهِ
مَجْرٖيهَا وَمُرْسٰيهَا اِنَّ رَبِّيْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ الآية وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ
وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌ بِيَمِيْنِهٖ
سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ الآية فی الزمر طی ص در معجم کبیر است
و عمل الیوم و اللیل ابن سنی است و مسند ابی یعلی موصلی است بروایت
حسین بن علی رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
کسی در دریا سوار شود امان او از غرق اینست که بسم الله مجریها
تا آخر آیة وما قدروا الله حق قدره تا آخر آیة که سورة زمر است بخوانند
آیت اول اینست بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم
معنی اینست بنام خدای تعالی است روان شدن کشتی و ماندن کشتی است بدرستی
که پروردگار ما هر آینه غفور رحیم است آیة دوم وما قدروا الله
والارض جمیعا قبضته یوم القیامة والسموات مطویات بیمینه
سبحانه وتعالی عما یشرکون معنی اینست و نشناختند ایشان خدای تعالی را
حق شناختن او و تمام زمین روز قیامت قبض خداوند تعالی خواهد بود
و آسمانها بقدرت خداوند تعالی پیچیده خواهند بود بید قدرت خداوند
تعالی پاکی است مر خداوند تعالی را از عیب و نقص و برترست خداوند تعالی
از شرک کافران وَاِذَا انْفَلَتَتْ دَابَّةٌ فَلْيُنَادِ اَعِيْنُوْا عِبَادَ اللّٰهِ رَحِمَكُمُ
اللّٰهُ مو مصب در مسند بزار است و کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابو بکر است

اذا دعونا مايقال اذا

بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که چون دابه کسی رها شود پس
گو ندا کند ای بندگان خدای مرا یاری کنید خدای تعالی شما را رحمت
کند در رد و کتاب آخر رحمکم الله وارد است وَاِنْ اَرَادَ عَوْنًا
فَلْيَقُلْ يَا عِبَادَ اللّٰهِ اَعِينُوْنِي يَا عِبَادَ اللّٰهِ اَعِينُوْنِي يَا عِبَادَ
اللّٰهِ اَعِينُوْنِي ط وَقَدْ جُرِّبَ ذٰلِكَ در معجم کبیر است بروایت
عتبة بن غزوان رضی الله عنهما که اگر او یاری خواهد پس
گوید یا عباد الله اعینونی سه بار گوید مصنف گفته این مجربست
وَاِذَا اَشْرَفَ عَلٰى مَكَانٍ مُرْتَفِعٍ قَالَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ عَلٰى كُلِّ
شَرَفٍ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ حَالٍ ا ص ى در مسند امام احمد است و مسند
ابی یعلی و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت انس رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر جای بلند بر می آید اللهم
لك الشرف تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای مر تراست
بلندی بر هر بلندی و مر تراست حمد بر هر حال وَاِذَا رَاَى
بَلْدَةً يُرِيْدُ دُخُوْلَهَا قَالَ حِيْنَ يَرَاهَا اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ
وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ
وَمَا اَضْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ فَاِنَّا نَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ
وَخَيْرَ اَهْلِهَا وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا
س حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت صهیب
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم میخواست که در شهری

شرفه

درآید وقتی که آن شهر را میدید اللهم رب السموات والارض
تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای پروردگار هفت آسمان
و آنچه ایشان سایه بر آن افکنده اند و ای پروردگار
هفت زمین و آنچه ایشان آنرا برداشته اند و ای پروردگار
شیاطین و آنچه ایشان او را گمراه ساخته اند و ای
پروردگار بادها و آنچه ایشان آنرا ریخته اند بدرستی که
ما از تو نیکی این ده و نیکی اهل او میخواهیم و از بدی این ده
و بدی اهل او و بدی آنچه دروست می پناهم اَسْاَلُكَ خَيْرَهَا
وَخَيْرَ مَا فِيْهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَمِنْ شَرِّ مَا فِيْهَا ط در معجم
کبیر است بروایت ابو لبابه بن منذر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم اسالك خيرها تا آخر میگفت وَعِنْدَمَا يُرِيْدُ اَنْ يَدْخُلَهَا
اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا جَنَاهَا وَحَبِّبْنَا
اِلٰى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِيْ اَهْلِهَا اِلَيْنَا طس در معجم اوسط است بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم چون میخواست
که در شهری درآید نزدیک درآمدن اللهم بارک لنا فیها سه بار
میگفت بعده اللهم ارزقنا تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای
باران وارزانی این شهر ما را روزی گردان و ما را سوی اهل شهر
محبوب گردان و سوی ما محبوب گردان صلحاء آن شهر را وَاِذَا

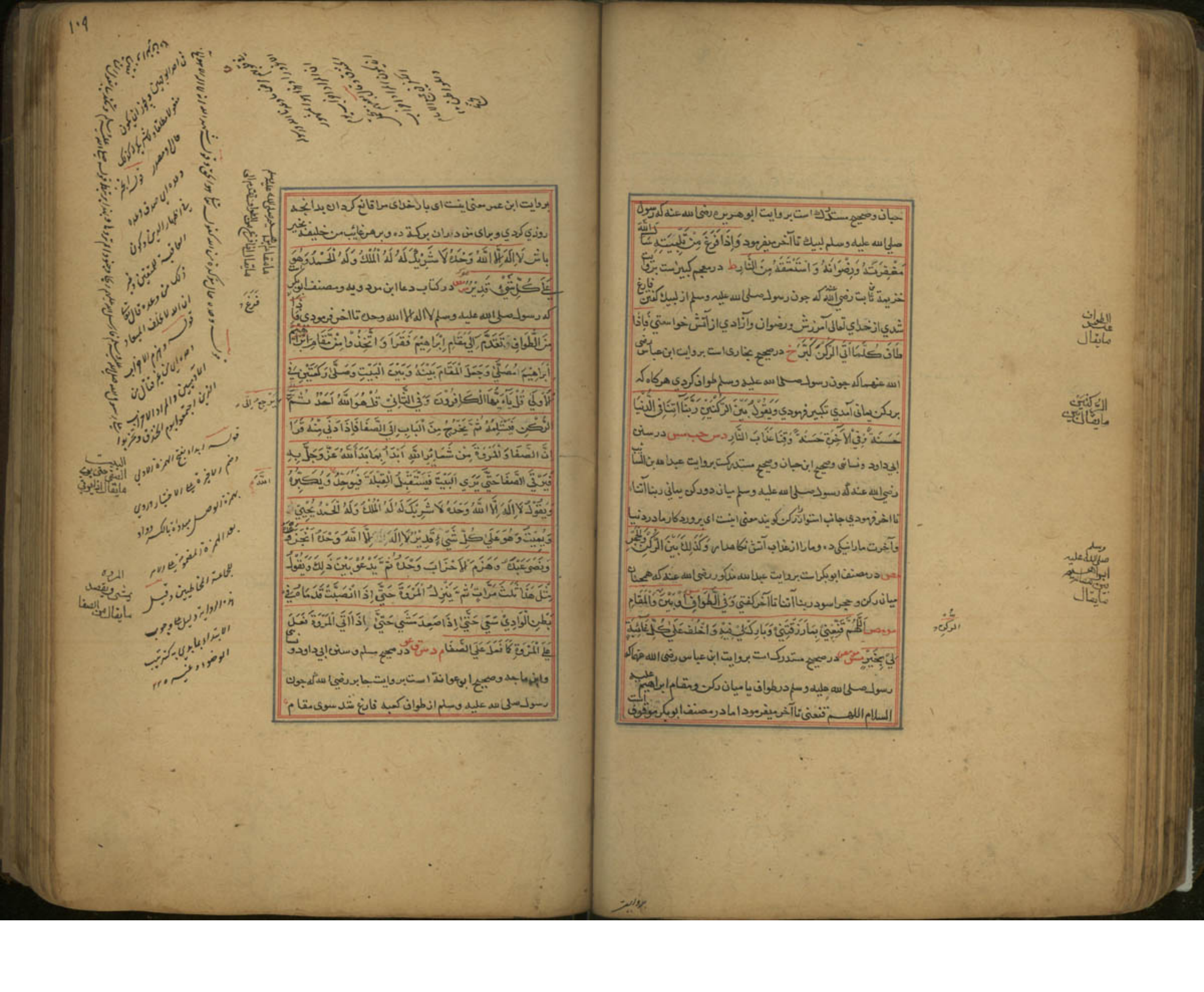


تَرَكَ مَنْزِلَهُ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ فَإِنَّهُ لَا
يَضُرُّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ م ت س ق ط مص در صحیح مسلم وسنن
ترمذی ونسائی وابن ماجه ومسند امام احمد ومصنف ابوبکر است
بروایت خوله بنت حکیم رضی الله عنها ودر معجم کبیر است بروایت
عبدالرحمن بن عایش رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هرکه در منزلی فرود آید پس اعوذ بکلمات الله تا خلق
گوید هیچ چیز اورا زیان نرساند تا که از انجا روان شود
وَإِذَا أَمْسَى وَأَقْبَلَ اللَّيْلُ يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللهُ أَعُوذُ بِاللهِ
مِنْ شَرِّكِ وَشَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكِ وَشَرِّ مَا يَدِبُّ عَلَيْكِ وَأَعُوذُ
بِاللهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَمِنَ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ سَاكِنِي الْبَلَدِ
وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ د س حب در سنن ابی داود ونسائی وصحیح
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم
در منزلی شب میکرد وشب اقبال می آورد رسول صلی الله علیه وسلم
یا ارض تا آخر میفرمود معنی اینست ای زمین پروردگار من وپروردگار
تو خدای تعالی می پناهم بخدای تعالی از بدی تو که خسف وسقوط در
ومهالک ودهشت وحیرت بیابانست وبدی آنچه مخلوقست در تو
وبدی آنچه بر تو می جنبد و می پناهم بخدای تعالی از شیر ومار
سیاه بزرگ ومار خورد وکژدم واز ساکنان زمین که جن اند واز
والد ومولود که ابلیس وذریت اوست یا هر والد ومولود که

زبان رساند وبلد زمین را گویند جای حیوان باشد اگرچه در آن
بنیان نباشد وبعضی گویند مراد از ساکنی البلد انس اند که
سکونت در بلد دارند وبلد را معمار ند وجه بلد گویند یعنی
وَقْتَ السَّحَرِ يَقُولُ سَمَّعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا
صَاحِبْنَا وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا عَائِذًا بِاللهِ مِنَ النَّارِ م د س عو در مسلم
وسنن ابی داود ونسائی وصحیح ابو عوانه است بروایت ابی هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم وقت سحر سمع سامع
تا آخر میگفت در آن حال که از آتش بخدای تعالی می پناهید اگر
سَمَّعَ بفتح وتشدید میم خوانند معنی چنین بود که سامع این قول
دیگری را شنوانید یعنی خود هم گفت ودیگری را رسانید واگر
سمع بکسر وتخفیف میم خوانند معنی چنین بود شنید شنونده
حمد مرا که برای خدای تعالی گفتم وشنید فضل خداوند تعالی
که بر ما کرد وبعضی سمع را بمعنی امر غایب میدارند معنی چنین
گویند گو که سامع بشنود وگواه گواهی دهد بر حمد ما که
بخدای تعالی میگوییم وبر حسن عطا خداوند تعالی ای پروردگار ما
ما را یاری بده ونگاه دار وبر ما فضل کن بدین که آن رحمت را
زیادت کنی ومدام گردانی وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُحِبُّ
يَا جُبَيْرُ إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ أَنْ تَكُونَ أَمْثَلَ أَصْحَابِكَ هَيْئَةً
وَأَكْثَرَهُمْ زَادًا فَقُلْتُ نَعَمْ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي قَالَ فَاقْرَأْ هٰذِهِ

السُّوَرَ الْخَمْسَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَقُلْ هُوَ اللهُ
أَحَدٌ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَافْتَتِحْ كُلَّ
سُورَةٍ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَاخْتِمْ قِرَاءَتَكَ بِهَا قَالَ جُبَيْرٌ
وَكُنْتُ غَنِيًّا كَثِيرَ الْمَالِ فَكُنْتُ أَخْرُجُ فِي سَفَرٍ فَأَكُونُ أَبَذَّهُمْ
هَيْئَةً وَأَقَلَّهُمْ زَادًا فَمَا زِلْتُ مُنْذُ عَلَّمَنِيهِنَّ مِنْ رَسُولِ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَرَأْتُ بِهِنَّ أَكُونُ مِنْ أَحْسَنِهِمْ هَيْئَةً
وَأَكْثَرِهِمْ زَادًا حَتَّى أَرْجِعَ مِنْ سَفَرِي ص در مسند ابی یعلی موصلی است
بروایت جبیر بن مطعم رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود ای جبیر تو دوست داری که نیک ترین اصحاب خود از روی هیئت
وبیشترین ایشان از روی توشه باشی چون در سفر بیرون شوی
جبیر رضی الله عنه گفت ای رسول خدای تعالی ما در و پدرم بر تو
فدا باد آری دوست دارم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون
دوست داری پس پنج سورهٔ مذکور بخوان و آغاز و اتمام هر سوره
ببسم الله الرحمن الرحیم کن وجبیر رضی الله عنه گفت من غنی بودم
در سفر می رفتم پس بدترین حال و اندک ترین توشه میگشتم
پس از آن مدت این سوره ها از رسول صلی الله علیه آموختم و
خواندم با حسن حال و اکثر توشه می باشم تا که از سفر خود باز
می آیم مَا رَاكِبٌ يَخْلُو فِي مَسِيرِهِ بِاللهِ وَذِكْرِهِ إِلَّا رَدِفَهُ اللهُ
بِمَلَكٍ وَلَا يَخْلُو بِشِعْرٍ وَنَحْوِهِ إِلَّا رَدِفَهُ شَيْطَانٌ ط در معجم کبیر است
بروایت عقبه بن عامر که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ

سواری در مسیر خود بخدای تعالی و ذکر او خلوت نکند مگر که
خدای تعالی ردیف او بفرشته کند و هیچ سواری بشعر و مانند آن
خلوت نکند مگر که خدای تعالی ردیف او شیطان کرداند وَإِنْ كَانَ فِي
حَجٍّ فَإِذَا اسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ عَلَى الْبَيْدَاءِ حَمِدَ اللهَ وَسَبَّحَ وَكَبَّرَ
خ این شروع در بیان حج است در صحیح بخاری است بروایت انس
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم در سفر حج بود
و شتر او علیه الصلوة والسلام بر زمین بیابان آمدی رسول صلی
حمد و تسبیح و تکبیر فرمودی فَإِذَا أَحْرَمَ لَبَّى لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ
لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ ع در اصول ست است بروایت ابن عمر رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم احرام می بست لبیک اللهم
تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای اجابت و اطاعت تو کردم ای
بار خدای ترا شریک نیست بدرستی که حمد و نعمت و ملک مر ترا است
ترا شریک نیست لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ بِيَدَيْكَ لَبَّيْكَ وَالرَّغْبَاءُ
إِلَيْكَ وَالْعَمَلُ لَبَّيْكَ م س عو در کتاب دعا ابن مردویه و صحیح مسلم
و جهاد سنن است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم لبیک و سعدیک تا آخر میفرمود معنی اینست اطاعت تو کردم
و همه نیکی در قبضهٔ تست و سوال و طلب از تست و عمل برای تست لَبَّيْكَ
إِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ س ق حب مس در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن



حبان وصحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم لبیک تا آخر میفرمود وَإِذَا فَرَغَ مِنْ تَلْبِيَتِهِ سَأَلَ اللهَ
مَغْفِرَتَهُ وَرِضْوَانَهُ وَاسْتَعْفَاهُ مِنَ النَّارِ ط در معجم کبیر است بروایت
خزیمة بن ثابت رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از لبیک گفتن فارغ
شدی از خدای تعالی آمرزش و رضوان و آزادی از آتش خواستی فَإِذَا
طَافَ كُلَّمَا أَتَى الرُّكْنَ كَبَّرَ خ در صحیح بخاری است بروایت ابن عباس رضی
الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم طواف کردی هرگاه که
برکن یمانی آمدی تکبیر فرمودی وَيَقُولُ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ د س حب مس در سنن
ابی داود ونسائی وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک است بروایت عبد الله بن السائب
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم میان دو رکن یمانی ربنا آتنا
تا آخر فرمودی جانب استوار رکن کویند معنی اینست ای پروردگار ما در دنیا
و آخرت ما را نیکی ده و ما را از عذاب آتش نگاه دار وَكَذَلِكَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْحَجَرِ
مص در مصنف ابو بکر است بروایت عبد الله مذکور رضی الله عنه که همچنان
میان رکن و حجر اسود ربنا آتنا تا آخر گفتی وَفِي الطَّوَافِ أَوْ بَيْنَ وَالْمَقَامِ
مو مص اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَاخْلُفْ عَلَى كُلِّ غَائِبَةٍ
لِي بِخَيْرٍ مس مص در صحیح مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که
رسول صلی الله علیه وسلم در طواف یا میان رکن و مقام ابراهیم علیه
السلام اللهم قنعنی تا آخر میفرمود اما در مصنف ابو بکر موقوف است

بروایت ابن عمر معنی اینست ای بار خدای مرا قانع گردان بدانچه
روزی کردی و برای من در آن برکت ده و بر هر غایب من خلیفه بخیر
باش لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سنی در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابو بکر
که رسول صلی الله علیه وسلم لا اله الا الله وحده تا آخر فرمودی فَإِذَا
فَرَغَ مِنَ الطَّوَافِ تَقَدَّمَ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَقَرَأَ وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ
مُصَلًّى وَجَعَلَ الْمَقَامَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَيْتِ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فِي
الْأُولَى قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّانِي قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ثُمَّ
الرُّكْنَ فَيَسْتَلِمُهُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ الْبَابِ إِلَى الصَّفَا فَإِذَا دَنَى مِنْهُ قَرَأَ
إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ
فَيَرْقَى الصَّفَا حَتَّى يَرَى الْبَيْتَ فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيُوَحِّدُ وَيُكَبِّرُهُ
وَيَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ
وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ثُمَّ يَدْعُو بَيْنَ ذَلِكَ وَيَقُولُ
مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَنْزِلُ الْمَرْوَةَ حَتَّى إِذَا انْصَبَّتْ قَدَمَاهُ فِي
بَطْنِ الْوَادِي سَعَى حَتَّى إِذَا صَعِدَ مَشَى حَتَّى إِذَا أَتَى الْمَرْوَةَ فَعَلَ
عَلَى الْمَرْوَةِ كَمَا فَعَلَ عَلَى الصَّفَا م د س ق عو در صحیح مسلم و سنن ابی داود و
نسائی و ابن ماجه و صحیح ابو عوانه است بروایت جابر رضی الله عنه که چون
رسول صلی الله علیه وسلم از طواف کعبه فارغ شد سوی مقام

ابراهیم بیشتر شد پس واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی خواند یعنی

اینست ومقام ابراهیم را جای نماز خود سازید پس مقام ابراهیم

را میان خود و میان کعبه کردانید و دو رکعت نماز کزارد در اول

قل یا ایها الکافرون و در دویم اخلاص خواند پس سوی رکن

یمانی باز کشت و حجر اسود را مالید یا بوسه داد پس سوی کوه صفا

بیرون آمدند چون نزد کوه صفا رسیدند ان الصفا والمروة من شعائر

الله خواند معنی اینست بدرستی کوه صفا و کوه مروه از علامات مناسک

و جای عبادات خدای تعالی است پس رسول صلی الله علیه و سلم

فرمود اغاز میکنم بدانچه خدای تعالی اغاز کرده است یعنی صفا را خدای

تعالی مقدم کرده است من هم مقدم میکنم بر صفا بر آمد تا کعبه را دید

پس استقبال قبله کرد و توحید و تکبیر خدای تعالی فرمود لا اله الا الله

وحده لا شریک له تا اخر فرمود تا هزم الاحزاب وحده خواند معنی اینست

نیست معبود بحق جز خدای تعالی بی شریک که وعده خود که بفتح مکه

کرده بود وفا کردانید و بنده خود محمد صلی الله علیه و سلم را نصرت داد

و کروههای کفار که در جنک خندق جمع شده بودند تنهایی شریک بی

واسطه جهاد شکست بادی فرستاد که خیام کفار را پرانید و

آتش ایشان را میرانید و ایشان را میان خود جفسانید و فرشتکان

تکبیر کفتند کفار منهزم کشتند پس رسول صلی الله علیه و سلم

بر صفا دعا کرد و مثل این مذکور سه بار کرد پس رسول خدای

فرود آمد تا مروه بر آید تا که دو پای مبارک او صلی الله علیه و سلم

در میان وادی فرود آمدند شتاب روان شدند تا که بر کرانه

وادی بر آمدند آهسته رفتند تا که بر کوه مروه بر آمدند و کرد

آنچه بر کوه صفا کرده بودند وَاِذَا رَقِيَ الصَّفَا كَبَّرَ ثَلٰثًا

وَيَقُولُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَصْنَعُ ذٰلِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَيَصِيرُ مِنَ

مِنَ التَّكْبِيرِ اِحْدٰى وَعِشْرُونَ وَمِنَ التَّهْلِيلِ سَبْعٌ وَيَدْعُو فِيمَا بَيْنَ

ذٰلِكَ وَيَسْاَلُ اللّٰهَ ثُمَّ يَهْبِطُ فَاِذَا رَقِيَ عَلَى الْمَرْوَةِ صَنَعَ كَمَا صَنَعَ

عَلَى الصَّفَا حَتّٰى يَفْرُغَ موطا مص در کتاب دعا ابن مردویه و موطاء

امام مالک و مصنف ابو بکر است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که صلی الله

علیه و سلم بر صفا بر آمدی سه بار تکبیر کفتی و هفت بار لا اله الا الله

وحده تا آخر فرمودی پس تکبیر بیست یکبار شدی و تهلیل هفت بار

شدی و میان مذکور دعا کردی و آنچه خواستی از خدای خواستی

پس از کوه صفا بیرون آمدی و چون بر کوه مروه رفتی چنانچه بر کوه

صفا کرده بودی کردندی وَيَدْعُو عَلَى الصَّفَا اللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ اُدْعُونِي

اَسْتَجِبْ لَكُمْ وَاِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَاِنِّي اَسْاَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي

لِلْاِسْلَامِ اَنْ لَا تَنْزِعَهُ مِنِّي حَتّٰى تَتَوَفَّانِي وَاَنَا مُسْلِمٌ موطا مو در کتاب

دعا ابن مردویه و موطاء امام مالک است بروایت ابن عمر رضی الله عنه

که رسول صلی الله علیه و سلم بر کوه صفا دعا میکرد اللهم انک تا آخر

والدعوة الصفا اداب بعین

رسوله

عَوْنِي

میخواند معنی اینست ای بار خدای تعالی بدرستی تو کفتی مرا بخوان
تا استجابة شمان کنم بدرستی که تو وعده را خلاف نکنی و من از تو میخواهم
که چنانچه سوی اسلام مرا راه نمودی اسلام را از من بیرون
نکشی تا مرا بمیرانی و من مسلم باشم وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ رَبِّ
اغْفِرْ وَارْحَمْ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ مو مص در کتاب عمل الیوم
دعا ابن مردویه و مصنف ابوبکر است بروایت عمر و ابن مسعود
رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه میان صفا و مروه
اغفر تا آخر میکفت معنی اینست ای پروردکار من بیامرز و ود
کن بدرستی که تو نی اعز اکرم وَاِذَا سَارَ اِلَى عَرَفَاتٍ لَبَّى وَكَبَّرَ
در صحیح مسلم و سنن ابی داود است بروایت ابن عمر رضی الله
که چون رسول صلی الله علیه و سلم سوی کوه عرفات میرفت
تلبیه و تکبیر میکفت وَخَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَخَيْرُ
مَا قُلْتُ اَنَا وَالنَّبِيُّوْنَ قَبْلِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ت در سنن
ترمذی و نسائی و ابن سنی است بروایت ابن عمر رضی الله عنه
و عمرو بن شعیب از پدر خود از جد خود که رسول صلی الله علیه
بهترین دعا در روز عرفه و بهترین قول من و قول پیغامبران
در روز عرفه اینست لا اله الا الله وحده تا آخر فرماید اکثر
وَدُعَاءُ الْاَنْبِيَاءِ قَبْلِي بِعَرَفَةَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي
قَلْبِي نُوْرًا وَفِي سَمْعِي نُوْرًا وَفِي بَصَرِي نُوْرًا اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ
لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ وَشَتَاتِ
وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ وَشَرِّ
مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ وَشَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ وَشَرِّ مَا تَهُبُّ بِهِ الرِّيَاحُ
مص در مصنف ابوبکر است بروایت علی رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود بیشتر دعا من و دعا پیغامبران کذشته
روز عرفه که لا اله الا الله وحده لا شریک له تا آخر است معنی
اینست ای بار خدای سینه مرا کشاده کردان و کار مرا آسان
کردان و می پناهم بتو از وسوسهای سینه و پراکندکی کار
و فتنه قبر ای بار خدای می پناهم بتو از شر آنچه در شب در
آید و شر آنچه در روز در آید و از شر آنچه باد بران وزد و
اَلتَّلْبِيَةُ بِعَرَفَاتٍ سُنَّةٌ س مس در سنن نسائی و صحیح
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که لبیک کفتن در عرفات
سنت است وَلَمَّا وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ وَقَالَ لَبَّيْكَ اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ قَالَ
اِنَّمَا الْخَيْرُ خَيْرُ الْاٰخِرَةِ طس در معجم اوسط است بروایت ابن
عباس رضی الله عنه که هرکاه که رسول صلی الله علیه و سلم وقوف
بعرفات کرد و تلبیه کفت انما الخیر خیر الآخرة کفت معنی اینست
نیست نیکی جز نیکی آخرة فَاِذَا صَلَّى الْعَصْرَ وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ

يرفع يديه ويقول الله اكبر ولله الحمد الله اكبر و
لله الحمد الله اكبر ولله الحمد لا اله الا الله وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد اللهم اهدني بالهدى ونقني با
لتقوى واغفر لي في الآخرة والاولى ثم يرد يديه فيسكت
قدر ما يقرأ انسان فاتحة الكتاب ثم يعود فيرفع
يديه ويقول مثل ذلك مس مو در كتاب دعا ابن مردويه ومصنف
ابو بكر است بروايت ابن عمر رضي الله عنهما كه چون رسول الله صلى
الله عليه وسلم نماز عصر گزاردی و وقوف بعرفات کردی دو دست
خود برداشتی الله اکبر ولله الحمد سه بار فرمودی لا اله الا الله
وحده تا آخر یکبار فرمودی معنی اینست ای بارخدای راه بنمای
مرا براه راست و پاک گردان مرا بتقوی و مرا در آخرت و دنیا
بیامرز پس رسول صلی الله علیه وسلم دو دست خود را برداشتی
و مثل آن مذکور فرمودی واذا رجع واتى المشعر الحرام استقبل
فدعاه وكبره وهلله ووحده فلم يزل واقفا حتى اسفر جدا
م د س ق عو در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه
و صحیح ابو عوانه است بروایت جابر رضی الله عنه که چون رسول
صلی الله علیه وسلم از عرفات باز گشت و در مشعر حرام که کوهی است در مزدلفه
آمدند روی بقبله آوردند و دعا کردند و تکبیر و تهلیل و توحید فرمودند
و آنجا استاده ماندند تا که صبح بمبالغت روشن گشت ولم يزل يلبي

الجمرة
اداب رمي

يرمي الجمرة اي جمرة العقبة ع در اصول است بروايت فضل ابن
عباس رضي الله عنهما كه رسول صلى الله عليه وسلم تلبيه ميگفت
تا که سنگ ریزها عقبه می انداخت عقبه راه را میگویند واذا اراد
رمي الجمار فاذا اتى الجمرة الدنيا رماها بسبع حصيات يكبر
على اثر كل حصاة خ س در صحیح بخاری و سنن نسائی است بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم رمی جمار یعنی انداختن
سنگ ریزها میخواست پس چون بر جمره که قریب است می آمد بدان
جمره قریب هفت سنگ ریزه می انداخت که پس هر سنگ ریزه تکبیر
میفرمود او مع كل حصاة م د س ق مص در صحیح مسلم و سنن
ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر است بروایت جابر
رضی الله عنه که یا با هر سنگ ریزه تکبیر میفرمود ثم يتقدم فيسهل
فيقوم مستقبل القبلة قياما طويلا فيدعو ويرفع يديه ثم
يرمي الجمرة ذات العقبة من بطن الوادي ولا يقف عندها خ س
در صحیح بخاری و سنن نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما
که پس رسول صلی الله علیه وسلم از جمره دنیا بپیشتر میشدی
در زمین نرم مستقبل قبله تا دیری استادی پس دعا کردی و دو دست
برداشتی پس رمی جمره ذات العقبة که در میان وادی است کردی
و نزد آن وقوف نکردی یعنی استاده نماندی ويستبطن الوادي حتى
اذا فرغ قال اللهم اجعله حجا مبرورا وذنبا مغفورا مس مو مص

پس رمی جمره وسطی همچنان
هفت بار کردی و تکبیر فرمودی
پس راست جمره وسطی رفتی
و در زمین نرم مستقبل قبله تا دیر
می استادی پس دعا کردی و
دو دست بر داشتی پس رمی

بیان وقت ذبح قربانی

در مصنف ابو بکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه وهم در مصنف
موقوف بروایت ابن عمر رضی الله عنهما یعنی بروایت ابن مسعود مرفوع
و بروایت ابن عمر موقوفست که رسول صلی الله علیه وسلم در شکم وادی
در آمد تا که چون از رمی جمار فارغ شدی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا تا آخر فرمودی
معنی اینست ای بار خدای تعالی این حج را مقبول گردان و گناه را مغفور
گردان وَيَدْعُو عِنْدَ الْجَمَرَاتِ كُلِّهَا وَلَا يُوَقِّتُ شَيْئًا مو مص در کتاب دعا
ابن مردویه و مصنف ابو بکر است بروایت حسن بصری رحمه الله که رسول
صلی الله علیه وسلم نزد همه جمرات دعا میکرد و چیزی از دعا تعیین نمی ساخت
هر دعا که میخواست میکرد وَإِذَا ذَبَحَ سَمَّى وَكَبَّرَ وَوَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى
صِفَاحِهِ أَيْ عَرْضِ خَدِّهِ ع در اصولست است بروایت انس رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم ذبح قربانی کردی بسم الله والله
اکبر فرمودی و پای مبارک بر پهن کله قربانی نهادی وَيَقُولُ
فِي الْأُضْحِيَةِ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَمِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ م د س
در صحیح مسلم و سنن ابی داود است و نسائی بروایت عائشه رضی الله عنها
رسول صلی الله علیه وسلم در قربانی بسم الله اللهم تا آخر میفرمودی
معنی اینست بنام خدای تعالی ذبح میکنم ای بار خدای تعالی قبول کن از
من و از امة محمد صلی الله علیه وسلم إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ

وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
أَكْبَرُ ثُمَّ يَذْبَحُ د ق مس در سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح
مستدرک است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم در ذبح قربانی انی وجهت تا آخر میفرمود بعد آن بسم الله
والله اکبر میفرمود پس ذبح کرد معنی در تکبیر نماز گذشت وقال
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا قُومِي إِلَى أُضْحِيَتِكِ فَاشْهَدِيهَا
فَإِنَّهُ يُغْفَرُ لَكِ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهَا كُلُّ ذَنْبٍ عَمِلْتِيهِ وَقُولِي إِنَّ
صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى آخِرِ قَالَ عِمْرَانُ
قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ هٰذَا لَكَ وَلِأَهْلِ بَيْتِكَ خَاصَّةً لَكَ قَالَ بَلْ لِلْمُسْلِمِينَ
عَامَّةً مس در صحیح مستدرک است بروایت عمران بن حصین رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فاطمه رضی الله عنها فرمودی که
ای فاطمه بایست و قربانی کن و بر قربانی خود حاضر شو زیراک
گناهی که تو کرده ای نزد اول قطره خون او مغفور گردد و ان
صلوتی و نسکی تا آخر گو و آدی حدیث عمران رضی الله عنه گفت که
ای رسول خدای این غفران خاصه برای تو و اهل بیت تواست فرمود
بلکه عام است برای مسلمانان فَإِذَا كَانَتْ بَدَنَةً فَلْيُقِمْهَا ثُمَّ
لِيَقُلْ اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ
ثُمَّ لِيُسَمِّ اللّٰهَ ثُمَّ لِيَنْحَرْ وَإِنْ كَانَتْ عَقِيقَةً فَعَلَى كَالْأُضْحِيَةِ مو مس
در کتاب دعا ابن مردویه و صحیح مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما

كه اگر شتر بود پس آنكه آنرا استاده كرد الله الله اكبر سه بار
گويد اللّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ گويد يعني اي بارخداي اين قرباني از تست
وبراي تست پس بسم الله گويد پس ذبح كند واگر عقيقه بود
فعل او همچو فعل قرباني كند وَيُسَمِّي عَلَى العَقِيقَةِ كَمَا يُسَمِّي عَلَى الأُضْحِيَةِ
بِسْمِ اللهِ عَقِيقَةُ فُلانٍ مص در عهد و كتاب مذكور است بروايت
ابن عباس كه تسميه گويد بر عقيقه چنانچه بر اضحيه بسم الله
تا آخر گويد معني اينست بنام خداي تعالي اين را ذبح ميكنم اين عقيقه
فلان است وَإِذَا دَخَلَ البَيْتَ كَبَّرَ فِي نَوَاحِيهِ خ د در صحيح بخاري وسنن
ابي داود است بروايت ابن عباس رضي عنهما كه چون رسول صلي الله عليه وسلم
در كعبه در آمدي در هر جانب كعبه تكبير فرمودي وَيَدْعُو وَايَاهُ د در سنن
ابي داود است كه هر كنج كعبه نيز تكبير ميفرمود وَيَدْعُو فِي نَوَاحِيهِ
كُلِّهَا فَإِذَا خَرَجَ رَكَعَ فِي قُبُلِ البَيْتِ رَكْعَتَيْنِ م س در صحيح مسلم
وسنن نسائي است بروايت اسامة بن زيد رضي الله عنهما كه رسول صلي
الله عليه وسلم در هر جانب كعبه دعا ميكرد پس چون از كعبه بيرون
مي آمدي دو ركعت نماز در پيش كعبه مستقبل در ميكرد وَدَخَلَ
النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الكَعْبَةَ هُوَ وَأُسَامَةُ وَعُثْمَانُ بْنُ طَلْحَةَ
الحَجَبِيُّ وَبِلالُ بْنُ رَبَاحٍ فَأَغْلَقَهَا عَلَيْهِ وَمَكَثَ فِيهَا فَسَأَلْتُ بِلالاً
حِينَ خَرَجَ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ جَعَلَ
عَمُودًا عَنْ يَسَارِهِ وَعَمُودَيْنِ عَنْ يَمِينِهِ وَثَلاثَةَ أَعْمِدَةٍ وَرَاءَهُ

خلا في البيت ما يساله الخ

من البيت اداب الخروج

وَكَانَ البَيْتُ يَوْمَئِذٍ عَلَى سِتَّةِ أَعْمِدَةٍ ثُمَّ صَلَّى خ م در صحيح بخاري
ومسلم است بروايت اسامة بن زيد رضي الله عنهما كه رسول صلي
الله عليه وسلم و اسامة و عثمان و بلال رضي الله عنهم در كعبه در آمدند
پس رسول صلي الله عليه وسلم در كعبه را بست و درنگ در كعبه كرد
چون بيرون آمد اسامه از بلال پرسيد كه رسول صلي الله عليه
وسلم در كعبه چه كرد بلال گفت يك ستون را طرف چپ داشت و دو
ستون را طرف راست داشت و سه ستون را پس خود داشت پس نماز
كرد و كعبه در آن روز بر شش ستون بود وَلَمَّا دَخَلَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
البَيْتَ أَمَرَ بِلالاً فَأَجَافَ البَابَ وَالبَيْتُ إِذْ ذَاكَ عَلَى سِتَّةِ أَعْمِدَةٍ
فَمَضَى حَتَّى إِذَا كَانَ بَيْنَ الأُسْطُوَانَتَيْنِ اللَّتَيْنِ تَلِيَانِ بَابَ
الكَعْبَةِ جَلَسَ فَحَمِدَ اللهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَسَأَلَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ ثُمَّ قَامَ
حَتَّى إِذَا أَتَى مَا اسْتَقْبَلَ مِنْ دُبُرِ الكَعْبَةِ فَوَضَعَ وَجْهَهُ وَخَدَّهُ عَلَيْهِ
وَحَمِدَ اللهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَسَأَلَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى كُلِّ
رُكْنٍ مِنْ أَرْكَانِ الكَعْبَةِ فَاسْتَقْبَلَهُ بِالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّسْبِيحِ وَ
الثَّنَاءِ عَلَى اللهِ وَالمَسْأَلَةِ وَالاسْتِغْفَارِ ثُمَّ خَرَجَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ
مُسْتَقْبِلَ وَجْهِ الكَعْبَةِ ثُمَّ انْصَرَفَ س در سنن نسائي است بروايت
اسامة بن زيد رضي الله عنهما كه هر گاه كه رسول صلي الله عليه وسلم
در كعبه در آمدند بلال رضي الله عنه را فرمود تا در ببست و كعبه در آن روز
بر شش ستون بود پس رسول صلي الله عليه وسلم پيشتر رفتند تا كه ميان

الاسطوانتين ... ابواب

دوستون که قریب در اند آمده نشست پس حمد وثنای خدای تعالی
فرمود واز وحاجت خواست وطلب آمرزش کردند پس پس استاد
تاکه بر بشت کعبه آمدند پس روی وکله مبارک خود را آنجا نهاد
وحاجت وآمرزش خواست پس سوی هر جانب کعبه روان شد
پس استقبال آن بتکبیر وتهلیل وتسبیح وثناء خدای تعالی وخواهش
حاجت وطلب آمرزش کرد پس از کعبه بیرون آمدند پس دو رکعت
نماز مستقبل قبله در کعبه کرد پس روان گشت وَإِذَا شَرِبَ مَاءَ زَمْزَمَ
فَلْيَسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَلْيَذْكُرِ اسْمَ اللهِ وَلْيَتَنَفَّسْ ثَلَاثًا وَلْيَتَضَلَّعْ مِنْهَا
فَإِذَا فَرَغَ فَلْيَحْمَدِ اللهَ إِنَّ آيَةَ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْمُنَافِقِينَ لَا يَتَضَلَّعُونَ
مِنْ زَمْزَمَ قس در سنن ابن ماجه وصحیح مستدرک است بروایت ابن
عباس رضی الله عنهما که چون کسی آب زمزم نوشد پس کوکه روی بقبله
آرد بسم الله کوید وبسه دم بسیر بخورد پس چون فارغ شود
حمد خدا تعالی کوید بدرستی که علامت جدائی ما ومیان منافقان
اینست که ایشان آب زمزم سیر نخورند وَمَاءُ زَمْزَمَ لِمَا شُرِبَ
لَهُ فَإِنْ شَرِبْتَهُ تَسْتَشْفِي بِهِ شَفَاكَ اللهُ وَإِنْ شَرِبْتَهُ مُسْتَعِيذًا
أَعَاذَكَ اللهُ وَإِنْ كَانَ شَرِبْتَهُ لِيَقْطَعَ ظَمَاكَ قَطَعَهُ وَكَانَ ابْنُ
عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ إِذَا شَرِبَ مَاءَ زَمْزَمَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ مس در صحیح مستدرک
بروایت ابن جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم

ماء زمزم
اداب شرب

ماء زمزم
ما یقال اذا شرب

فرود

فرمود آب زمزم بنیت هر چیزی که بخورند آن نیت بخورد اگر نیت
شفا بخوری خدای تعالی ترا شفا دهد واگر نیت پناه بخوری خدای تعالی
ترا پناه آرد اگر نیت قطع تشنکی بخوری تشنکی تو مقطوع کردد وابن
عباس رضی الله عنه چون آب زمزم مینوشید اللهم انی اسالک تا
آخر میکفت معنی اینست ای بار خدای از تو علم نافع ورزق فراخ
وشفاء از همه بیماری میخواهم وَلَمَّا أَتَى الْإِمَامُ الْحُجَّةُ عَبْدُ اللهِ
بْنُ الْمُبَارَكِ زَمْزَمَ وَاسْتَسْقَى مِنْهُ شَرْبَةً ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ
قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ ابْنَ أَبِي الْمَوَالِ حَدَّثَنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرٍ
رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَاءُ زَمْزَمَ
لِمَا شُرِبَ لَهُ وَهَذَا أَشْرَبُهُ لِعَطَشِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ شَرِبَ
مصنف ابو بکر کوید هر کاه که امام حجت عبد الله بن مبارک بر چاه زمزم
آمد وآب از چاه کشید مستقبل قبله شد کفت ای بار خدای ابن ابی
الموال از محمد بن منکدر بروایت جابر رضی الله عنه مارا کفت که رسول
صلی الله علیه وسلم فرموده است که آب زمزم برای هر کاری بخورند
آن کار بر آید ومن این را از جهت قطع تشنکی روز قیامة میخورم
پس آب مذکور خورد قُلْتُ هَذَا سَنَدٌ صَحِيحٌ وَالرَّاوِي عَنِ ابْنِ
الْمُبَارَكِ ذَلِكَ سُوَيْدُ بْنُ سَعِيدٍ ثِقَةٌ رَوَى لَهُ الْبُخَارِيُّ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ
وَابْنُ أَبِي الْمَوَالِ ثِقَةٌ رَوَى لَهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فَصَحَّ الْحَدِيثُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ
مصنف کوید این سند صحیح است وراوی از ابن مبارک که سوید بن

سعید است ثقه است مسلم در صحیح خود روایت آورده است
وابن ابی الموال نیز ثقه است بخاری در صحیح خود روایت او را
آورده است پس حدیث مذکور صحیح شد و حمد مر خدای تعالی
راست وَإِنْ كَانَ سَفَرَ غَزَاةٍ أَوْ لَقِيَ الْعَدُوَّ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي

او لقی العدو
ما یقال اذا کان سفر غزاة

وَنَصِيرِي بِكَ أَحُوْلُ وَبِكَ أَصُوْلُ وَبِكَ أُقَاتِلُ د ت س حب مص عو
در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح ابن
عوانة است بروایت انس رضی الله عنه اگر سفر غزا باشد یا
دشمن را ملاقات شود اَللّٰهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي تا آخر گوید معنی
ای بار خدای تو بی معین و ناصر من بقوت تو بر دشمن حمله
میکنم و بیاری تو کارزار میکنم رَبِّ بِكَ أُقَاتِلُ وَبِكَ أُصَاوِلُ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ س در سنن نسائی است بروایت صهیب
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم رَبِّ أُقَاتِلُ تا آخر
میفرمود اَللّٰهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَأَنْتَ نَاصِرِي فَبِكَ أُقَاتِلُ عو
در صحیح ابو عوانة است بروایت انس رضی الله عنه که اَللّٰهُمَّ

لقاء العدو
ما یقال اذا اراد

تا آخر گوید وَإِذَا أَرَادُوا لِقَاءَ الْعَدُوِّ لَهُ انْتَظَرَ الْإِمَامُ حَتَّى مَالَتِ
الشَّمْسُ ثُمَّ قَامَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ
وَسَلُوا اللّٰهَ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا

واسألوا

أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ ثُمَّ قَالَ اَللّٰهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ
وَمُجْرِيَ السَّحَابِ وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ اهْزِمْهُمْ وَانْصُرْنَا عَلَيْهِمْ

خ م د در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود است بروایت
عبد الله بن ابی اوفی رضی الله عنه که چون مسلمانان خواهند
که دشمنان را ملاقات کنند بادشاه تا زوال آفتاب انتظار
کند پس استاده گردد و بگوید ای مردمان آرزوی لقاء دشمن
مکنید و از خدای تعالی عافیت خواهید پس چون دشمنان را
ملاقات کنید صابر باشید از قتال رو مگردانید و بدانید
که بهشت زیر سایها تیغها است اللهم منزل تا آخر گوید
معنی اینست ای بار خدای ای فرو آرنده کتاب و روان کننده
ابر و شکننده گروههای کفار ایشان را بشکن و ما را بر ایشان
نصرت ده اَللّٰهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ سَرِيعَ الْحِسَابِ اهْزِمِ
الْأَحْزَابَ اَللّٰهُمَّ اهْزِمْهُمْ وَزَلْزِلْهُمْ خ م در صحیح بخاری
و مسلم است بروایت عبد الله بن ابی اوفی رضی الله عنه که
اَللّٰهُمَّ منزل الکتاب تا آخر معنی همانست وَإِذَا أَشْرَفَ عَلَى

اشرف على بلدهم
ما یقال اذا

بَلَدِهِمْ اَللّٰهُ أَكْبَرُ خَرِبَتْ أَيْ يَعْنِي الْبَلْدَةَ الَّتِي قَصَدَهَا
إِنَّا إِذَا نَزَلْنَا بِسَاحَةِ قَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ خ م ت
س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن
ماجه است بروایت انس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله
علیه وسلم بر شهر کافران بر آمدی تکبیر کفتی و فرمودی که
این شهر خراب شد بدرستی که ما چون میان قومی فرو آییم بس صباح

مذكور بم كرده شدكان بر كردد ثلث مرات م در صحيح مسلم است كه كلام
سه بار مي فرمود وَإِذَا خَافَ قَوْمًا اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ
وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ د س حب در سنن ابي داود ونسائي و
صحيح ابن حبان است بروايت ابو موسي اشعري رضي الله عنه كه چون
رسول صلي الله عليه وسلم از دشمنان ترسيدي اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ
تا آخر فرمودي معني اينست اي بارخداي ما ترا در مقابل ايشان ميكردانيم
واز بديهاي ايشان بتو مي پناهيم فَإِنْ حَصَرَهُمْ عَدُوٌّ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا
وَآمِنْ رَوْعَاتِنَا ز ا در مسند بزار است ومسند امام احمد است بروايت جابر
رضي الله عنه كه چون مسلمانرا دشمنان كرد كنند اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا
تا آخر كويند معني اينست اي بارخداي عورات مارا بپوش وترس مارا
امن كردان فَإِنْ أَصَابَهُ جِرَاحَةٌ قَالَ بِسْمِ اللهِ س در سنن نسائي
است بروايت جابر رضي الله عنه كه اكر اورا جراحت رسد بسم الله
كويد فَإِنْ هَزَمَ الْعَدُوَّ سَوَّى الْإِمَامُ الْجَيْشَ صُفُوفًا خَلْفَهُ ثُمَّ
قَالَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ وَلَا بَاسِطَ لِمَا
قَبَضْتَ وَلَا هَادِيَ لِمَنْ أَضْلَلْتَ وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ
وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُقَرِّبَ لِمَا بَاعَدْتَ وَلَا مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ اَللّٰهُمَّ
ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
النَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ وَلَا يَزُولُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ
يَوْمَ الْخَوْفِ اَللّٰهُمَّ عَائِذٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا وَمِنْ شَرِّ مَا

مَنَعْتَنَا اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا وَكَرِّهْ
إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ
اَللّٰهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا مَفْتُونِينَ
اَللّٰهُمَّ قَاتِلِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ
وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَعَذَابَكَ إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ س حب مس در سنن
نسائي وصحيح ابن حبان وصحيح مستدرك است بروايت رفاعة بن رافع
رضي الله عنه كه چون دشمنان منهزم شوند بادشاه لشكر را پس
خود صفها سازد پس اللهم لك الحمد تا آخر كويد معني اينست اي
بارخداي همه حمد مر تراست تنك كننده نيست مر چيزيرا كه تو فراخ
كردي وفراخ كننده نيست مر چيزيرا كه تو تنك كردي وراه نماينده نيست
مر كسي را كه تو كمراه كردي وكمراه كننده نيست مر كسي را كه تو راه نمودي و
دهنده نيست مر كسي را كه تو منع كردي ومنع كننده نيست مر كسي را
كه تو دادي ونزديك كننده مر كسي را كه تو دور كردي ودور كننده
نيست مر كسي را كه تو نزديك كردي اي بارخداي بركات ورحمت و فضل
ورزق خود را بر ما فراخ كن اي بارخداي ميخواهم از تو نعيم
پاينده كه متغير نشود وزائل نكردد اي بارخداي از تو امن روز
خوف ميخواهم اي بارخداي بتو مي پناهم از شر آنچه مارا دادي
واز شر آنچه مارا باز داشتي اي بارخداي تعالى ايمانرا سوي ما
دوست كردان وايمانرا در دلهاي ما آراسته ساز كفر وفسق

وعصیان را سوی ما مُکَرَّها کن وما را از اهل هدایت واهل عقل
کردان ای بارخدای تعالی مارا مسلمان بمیران وللاحق بصلحان
کردان دران حالکه خوار وفتنه زده نباشیم ای بارخدای بکش
کافرانرا که رسولان ترا تکذیب میکنند ومردمانرا از راه تو باز می دارند
وعذاب خود بریشان کمار ای اله حق دعاء مرا مستجاب کردان
وَیُعَلِّمُ مَنْ اَسْلَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِيْ وَارْحَمْنِيْ وَاهْدِنِيْ وَارْزُقْنِيْ
عو درصحیح ابوعوانة است بروایت طارق بن اشیم رضی الله عنه
که هرکه مسلمان شدي رسول صلی الله علیه وسلم اورا اللهم تا آخر
میفرمودي فَاِذَا رَجَعَ مِنْ سَفَرِهٖ يُكَبِّرُ عَلٰی كُلِّ شَرَفٍ مِنَ
اَلْاَرْضِ ثَلٰثَ تَكْبِيْرَاتٍ ثُمَّ يَقُوْلُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا
شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ آئِبُوْنَ
تَائِبُوْنَ عَابِدُوْنَ سَاجِدُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ صَدَقَ اللّٰهُ وَعْدَهٗ
وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ خ م د ت س درصحیح بخاري
ومسلم وسنن ابي داود وترمذی ونسائی است بروایت ابن عمر
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از سفر باز کشتي
برهر بلندی زمین سه بار تکبیر کفتي پس لا اله الا الله وحده
تا آخر فرمودي معنی کذشت فَاِذَا اَشْرَفَ عَلٰی بَلَدِهٖ آئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ
عَابِدُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ وَلَا يَزَالُ يَقُوْلُهَا حَتّٰی يَدْخُلَ بَلَدَهٗ خ م س
درصحیح بخاري ومسلم وسنن نسائی است بروایت انس رضی الله عنه

اِذَا اَسْلَمَ
مَا يَعْلَمُهُ

حِيْنَ سَفَرِهٖ
ماسعاك الذابح

که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر شهر خود مطلع شدي
تا که درشهر درآمدي آئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ حَامِدُوْنَ فرمودي وَاِذَا دَخَلَ
عَلٰی اَهْلِهٖ قَالَ تَوْبًا تَوْبًا لِرَبِّنَا اَوْبًا لَا يُغَادِرُ عَلَيْنَا حَوْبًا ا طـ ي
درمسند امام احمد است ومعجم کبیر وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سني است
بروایت ابن عباس رضي الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
بر اهل خود از سفر باز درآمدي توبا تا آخر کفتي معنی اینست توبه
رجوع سوی پروردکار خود کردیم توبه ورجوع کناهي را بر ما نکذارد اَوْ تَوْبًا
اَوْبًا لِرَبِّنَا تَوْبًا لَا يُغَادِرُ عَلَيْنَا حَوْبًا ر ص درمسند بزار ومسند ابویعلی موصلی است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
از سفر بر اهل خود آمدي اوبا تا آخر میفرمودي معنی همانست مَنْ
نَزَلَ بِهٖ غَمٌّ اَوْ كَرْبٌ اَوْ اَمْرٌ مُهِمٌّ فَلْيَقُلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَرَبُّ الْاَرْضِ
رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ خ م ت س ق درصحیح بخاري ومسلم وسنن ترمذي
ونسائي وابن ماجه است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که بهرکه غم
یا اندوه یا کاري مهم رسد پس کو لا اله الا الله العظیم الحلیم تا آخر
کوید معنی این ظاهراست لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَرَبُّ الْاَرْضِ وَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ خ درصحیح بخاري است بروایت ابن عباس رضی الله عنه
لا اله الا الله الحلیم تا اخر کوید ومعنی کذشت لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْعَظِيْمُ

الْعَظِيْمِ موم

ن
وقتی نزول به غم او
کرب او امر مهم

الکرب الغم الذی یاخذ بالنفس صحاح
الکرب اشد الغم قال الراحدی الکرب
بفتح الکاف وسکون الراء الغم
یدهم المرء مما یاخذ بنفسه فیغمه ویحزنه
مع ایادي

لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ م عو در صحیح مسلم وصحیح ابی عوانه
است بروایت ابن عباس لا اله الا الله الحلیم تا آخر گوید ثُمَّ يَدْعُو بَعْدَ
ذٰلِكَ عو در صحیح ابو عوانه است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما
که بعد آن دعا کند وحاجت خواهد لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مص س حب مس در مصنف ابو بکر است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه ودر سنن نسائی وصحیح ابن حبان و صحیح
مستدرک است بروایت علی رضی الله عنه لا اله الا الله الحلیم تا آخر گوید
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ س حب مس در سنن نسائی وصحیح ابن حبان و صحیح
مستدرک است وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ گوید لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عِبَادِكَ عه صحیح السند لابن
ابی عاصم فی کتابه الدعاء در چهار سنن است که لا اله الا الله الحلیم تا آخر گوید
مصنف گفت این حدیث صحیح سند است برای ابن ابی عاصم در کتاب او که
نام آن دعا است حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ خ ت س در صحیح بخاری
وسنن ترمذی ونسائی است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما
وقت حزن حسبنا تا آخر گوید معنی اینست بسنده است ما را خدای تعالی
ونیکو است وکیل ما او جل وعلا حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ خ
در صحیح بخاری است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که حَسْبِيَ اللّٰهُ
تا آخر گوید اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا د س ق ص طس در

سنن ابی داود ونسائی وابن ماجه است بروایت اسماء بنت عمیس رضی الله عنها
ودر مصنف ابو بکر است ومعجم اوسط است بروایت عائشه رضی الله عنها
که الله الله تا آخر گوید معنی اینست خدای تعالی پروردگار منست چیزی را
شریک نمی کردانم اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ طب
در کتاب دعا طبرانی است بروایت عائشه رضی الله عنها که الله الله تا آخر سه
بار گوید تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ
يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ
وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا مس در صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که توکلت تا آخر گوید معنی اینست توکل کردم بر زنده که نمیرد وحمد مر خدای
تعالی راست که فرزند نگرفته ومر او را در ملک او شریک نیست ومر او را
ناصری نیست یعنی خداوند تعالی را از ذلت وعجز نیست که محتاج سوی ناصر شود
خداوند تعالی را به بزرگی یاد کن ای محمد اَللّٰهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا
تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ د حب ط مص ی در سنن
ابی داود وصحیح ابن حبان ومصنف ابو بکر ومعجم کبیر وکتاب عمل الیوم
واللیل ابن سنی است بروایت ابو بکره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرموده دعوات غمزده اینست اللهم رحمتک ارجو تا آخر گوید معنی
اینست ای پروردگار خدای امید رحمت تو دارم پس مرا یک چشم زدنی سوی
نفس من مسپار ودهد کارهای مرا راست آر لا اله الا انت د حب مص ی
در صحیح ابن حبان ومصنف ابو بکر در کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است

لا اله الا انت گوید یا حیّ یا قیّوم برحمتک استغیث س ی در صحیح مستدرک
وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی ست بروایت انس رضی الله عنه که چون
رسول صلی الله علیه وسلم را کاری در حزن آوردی یا حیّ یا قیّوم
تا آخر گفتی معنی اینست ای زنده ای پاینده برحمت تو فریاد رسی میخواهم
ویکرر وهو ساجد یا حیّ یا قیّوم س مس در سنن نسائی و در صحیح مستدرک است
بروایت علی رضی الله عنه که یا حیّ یا قیّوم در سجده تکرار کند در مشکوة
است علی رضی الله گوید که روز بدر کارزار کردم پس آمدم تا رسول صلی
الله علیه وسلم را ببینم که در چه کار است رسول صلی الله علیه وسلم در سجده
یا حیّ یا قیوم برحمتک استغیث میفرمود پس باز رفتم و قتال کردم و آمدم
رسول صلی الله علیه در سجده همان میفرمود سه بار همچنان رفتم و آمدم
رسول صلی الله علیه وسلم را در همان حال دیدم پس خدای تعالی فتح داد
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین مص در کتاب عمل الیوم واللیل است
بروایت سعد وقاص رضی الله عنه لا اله الا انت تا آخر گوید معنی اینست جز تو
معبود بحق نیست پاکی است مر ترا ای پروردگار بدرستی هستیم از ستمکاران
که ستمکارم لم یدع بها رجل مسلم فی شیء قط الا استجاب الله له ت
س مس ص درسنن ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت سعد
وقاص رضی الله و در مسند امام احمد و مسند بزار و مسند ابی یعلی موصلی است
بروایت عدی رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا نکرده است
مرد مسلم در هیچ چیز بکلمه لا اله الا انت تا آخر مگر که خدای تعالی دعا او

مستجاب کرده است وما قال عبد اصابه هم او حزن اللهم انی عبدک
وابن عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی
قضاؤک اسألک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی
کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب
عندک ان تجعل القرآن العظیم ربیع قلبی ونور بصری وجلاء حزنی
وذهاب همی الا اذهب الله همه وابدله مکان حزنه فرحا حب
س او ص مص طـ در صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و مسند امام احمد و مسند
ابی یعلی موصلی و مسند بزار و مصنف ابی بکر و معجم طبرانی کبیر است بروایت
ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نگفته است
اللهم انی عبدک تا آخر هیچ بنده که او را اندیشه یا غم رسیده باشد مگر
که خدای تعالی هم و غم او را برده است و بجای اندوه او خوشی بدل
کرده است معنی اینست ای بار خدای بدرستی که من بنده توام و پسر بنده
و کنیزک توام موی پیشانی من در قبض قدرت است حکم تو در من جاری است
قضای تو در من عدل است بهر نام تو که ذات خود را نام بدان نهادی
یا در کتاب خود انرا فرو فرستادی یا کسی را از خلق خود تعلیم دادی
تعلیم خود اختیار کردی که کسی را آن علم ندادی میخواهم که قرآن را
راحت دهنده دل من و روشنائی چشم من و دفع کننده اندوه من
و برنده اندیشه من گردانی من قال لا حول ولا قوة الا بالله
کانت له دواء من تسعة وتسعین داء ایسرها الهم مس طـ

در صحیح مسلم که بروایت ابو هریره رضی الله عنه و در معجم طبرانی کبیر است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ گوید اورا این کلمه از نود و نه زحمت دوا بود که آسان ترین آن زحمت اندیشه و غم است

فائده منقول است از فضایل که عوف بن مالک اشجعی رضی الله عنه پیش رسول صلی الله علیه وسلم آمد گفت پسر مرا دشمنان اسیر ساخته اند مادر او اندوه میکند ما را چه میفرمائی رسول صلی الله علیه وسلم فرمود شما هر دو را میفرمایم که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بسیار گوید او و زن خود را گفت هر دو این کلمه میگفتند که پسر چهار هزار گوسفندان دشمنان آورد

مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ د ق حب مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ س جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ د س ق حب در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که استغفار لازم گیرد در سنن نسائی است هر که استغفار بسیار گوید خدای تعالی اورا از هر تنگی بیرون شدنی و از هر غم و اندیشه رها کرداند و اورا رزق رساند از انجا که نداند

وَتَقَدَّمَ مَا يَقُولُ مَنْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ عِنْدَ سَمَاعِ الْمُؤَذِّنِ س و پیش گذشته است آنچه بگوید

صاحب غم و سختی نزد شنیدن بانگ نماز مؤذن از نقل صحیح مستدرک بروایت ابو امامه رضی الله عنه وَإِنْ تَوَقَّعَ بَلَاءً أَوْ أَمْرًا مَهُولًا أَوْ وَقَعَ فِي أَمْرٍ عَظِيمٍ قَالَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ت مص در سنن ترمذی و مصنف ابو بکر است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که اگر بلائی یا کاری مخوف را چشم دارد یا کاری عظیم افتاده باشد حسبنا الله تا آخر گوید

وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَلْيَقُلْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ عِنْدَكَ أَحْتَسِبُ مُصِيبَتِي فَأْجُرْنِي فِيهَا وَأَبْدِلْنِي خَيْرًا مِنْهَا ت س ق در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که چون اورا مصیبتی رسد پس گوید انا لله تا آخر گوید معنی اینست ما مملوک خدای تعالی ایم و بسوی خداوند تعالی باز گردیم ای بار خدای تعالی اجر مصیبت خود از تو میطلبم پس مرا در ان اجر بده مصیبت خود و از ان بدل نیک گردان

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا م در صحیح مسلم است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که اگر مصیبت برسد انا لله تا آخر گوید معنی ها نیست

وَإِذَا خَافَ أَحَدًا اللَّهُمَّ اكْفِنَاهُ بِمَا شِئْتَ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَبُو نُعَيْمٍ فِي الْمُسْتَخْرَجِ عَلَى مُسْلِمٍ که چون از یکی بترسد اللهم اکفنا بما شئت گوید معنی اینست ای بار خدای تو ما را کافی باش بدانچه خواهی مصنف گوید این حدیث صحیح است ابو نعیم مر این حدیث را روایت کرده است در مستخرج خود که بر مسلم نبشته است اللهم انا

نعوذ بك من شرورهم وندرء بك في نحورهم عو در صحيح
ابي عوانه است بروايت ابو موسى اشعري رضي الله عنه كه چون از
كسي بترسد اللهم انا تا آخر گويد معنى اينست اي بار خداى بلند
كه ما از بدى ايشان بتو مي پناهيم وباز ميداريم ايشانرا بتو در مقابل
ايشان اللهم اني اجعلك في نحورهم واعوذ بك من شرورهم
عو در صحيح ابو عوانه است كه اللهم انى تا اخر گويد معنى اينست اي بار
خداى تعالى بدرستى كه من حفظ ترا در مقابل ايشان ميگردانم
واز بدى ايشان بتو مى پناهم وان خاف سلطانا او ظالما فليقل
الله اكبر الله اعز من خلقه جميعا الله اعز مما اخاف واحذر
اعوذ بالله الذي لا اله الا هو الممسك السماء ان تقع على الارض
الا باذنه من شر عبدك فلان وجنوده واتباعه واشياعه من الجن والانس
اللهم كن لي جارا من شرهم جل ثناؤك وعز جارك ولا اله
غيرك ثلاث مرات ط مو مص ع عو در معجم كبير است بروايت ابن
مسعود رضي الله عنه ودر مصنف ابي بكر ومسند بزار وصحيح ابي عوانه
موقوف است بروايت ابن مسعود عباس رضي الله عنهما كه اگر از سلطاني
يا ظالمي بترسد پس گو كه الله اكبر تا آخر سه بار گويد معني اينست
خدا تعالى بزرگتر است خداى تعالى غالب تر است از جميع خلق خود خداى
تعالى غالب تر است از انچه من ميترسم مي پناهم بخدائي كه نيست
معبود جز او آنكه باز دارنده آسمانست از افتادن بر زمين جز باذن

من سلطان او ظالم ما يقال اذا خاف

بزرگتر است

خداوند تعالى مي پناهم بتو از شر بنده تو كه فلان است اينجا نام او
گيرد واز شر لشكرهاى او وپس روان او از جن وانس اى بار
خداى مرا نگاه دار از شر ايشان بزرگ است ثناء تو وغالب است
ملتجي بتو وجز تو معبود نيست اللهم انا نعوذ بك ان يفرط علينا
احد منهم او ان يطغي مري در كتاب دعا ابن مردويه و
كتاب عمل اليوم والليلة است بروايت علقمه بن مرثد رضي الله عنه كه
اللهم انا تا آخر بگويد معنى اينست اى خداى بدرستى كه ما بتو مى پناهيم
از اينكه كسى از ايشان بر ما شتابى كند يا از حد تجاوز كند اللهم اله
جبرئيل وميكائيل واسرافيل واله ابراهيم واسمعيل واسحاق عافني
ولا تسلطن احدا من خلقك علي بشيء لا طاقة لي به مر مص
در كتاب دعا ابن مردويه ومصنف ابو بكر است بروايت علوى كه اللهم
اله جبرئيل تا آخر بگويد معنى اينست اى اله جبرئيل وميكائيل
واسرافيل عليهم السلام واى اله ابراهيم واسمعيل واسحاق
عليهم السلام مرا در عافيت دار وهيچ يكى را از خلق خود بچيزى كه
مرا طاقت آن نباشد بر من مگمار رضيت بالله ربا وبالاسلام
دينا وبمحمد صلى الله عليه وسلم نبيا وبالقرآن حكما واماما
در دو كتاب مذكور است كه رضيت تا آخر گويد معنى اينست راضي شدم
بربوبيت خدا تعالى وبدين اسلام وبنبوت محمد صلى الله عليه وسلم
وبحكومت وامامت قرآن وان خاف شيطانا او غيره اعوذ بوجه

من شيطان ما يقال اذا خاف

الله الكريم وبكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن برّ
ولا فاجر من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر ما ينزل من السماء و
من شر ما يعرج فيها ومن شر ما ذرأ في الأرض ومن شر ما يخرج منها ومن
شر فتن الليل والنهار ومن شر كل طارق إلا طارقا يطرق بخير
يا رحمن  الا مص مص سن طب در مسند امام احمد و معجم کبیر و مسند ابی
یعلی موصلی و مصنف ابو بکرست بروایت عبد الرحمن بن جیش رضی الله عنه
و در سنن نسائی و کتاب دعاء طبرانی بروایت ابن مسعود رضی
الله عنه که اگر شیطان یا غیر او بترسد اعوذ بوجه الله
تا آخر گوید معنی در ادعیه خواب گذشت فائده منقوله است
از حیوة الحیوان چون کسی برخود از قتل یا عذاب یا غیر آن
بترسد نر بز یا میش فربه سالم از عیوب چنانچه قربانی را شاید
در محل خالی مستقبل قبله ذبح کند و نزد ذبح بگوید اللهم هذا
لك فدائي فتقبله مني و گوی بکاود تا خون او در آن ماند بعد
آن خاک برخون اندازد تا خون او پایمال نشود و آن میش را شست
پر کاله سازد و خود و کسی که نفقه او واجب است از آن چیزی
نخورد و فقراء و مساکین را بدهد او را مکروهی که از آن میترسید
نرسد و آن میش فداء او باشد این مجربست وإذا تغولت الغيلان
نادى بالأذان م د مص در مسلم است بروایت ابو هریره و در مسند
بزارست بروایت سعد وقاص رضی الله عنه که چون غول و در مصنف

ابو بکرست بروایت جابر رضی الله عنه که چون غول بیابانی بترسانند
یا صورت نماید ندا بانگ نماز کند وقراءة آية الكرسي ت مص
در سنن ترمذی و مصنف ابو بکرست بروایت ابو ایوب رضی الله عنه
که آیة الکرسی نیز خواند ومن فزع فليقل أعوذ بكلمات الله
التامة من غضبه ومن شر عباده ومن همزات الشياطين وأن
يحضرون د ت س در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که هر که از چیزی بترسد پس گوید
اعوذ بکلمات الله تا آخر گوید معنی اینست می پناهم بکلمات خدای تعالی
که تمام اند از خشم خداوند تعالی و از شر بندگان او و از وسوسه
شیاطین و از ینکه ایشان نزد من حاضر شوند ومن غلبه أمر
فليقل حسبي الله ونعم الوكيل د س در سنن ابی داود و نسائی
و کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت عوف بن مالک رضی الله عنه
که هر که بر وکاری غلبه کند پس گوید حسبی الله تا آخر گوید معنی
گذشت ومن وقع له ما لا يختاره فلا يقل لو أني فعلت كذا وكذا
ولكن ليقل قدر الله وما شاء فعل م س ق ی در صحیح مسلم و سنن
ابی داود و ابن ماجه و کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که هر کرا واقع شود آنچه اختیار آن ندارد پس نگوید
که اگر چنین و چنین میکردم این واقع نمیشد و لکن گوید که بتقدیر
خدای تعالی این واقع شد و آنچه خدای تعالی خواهد بکند وإنها

ای تحرّی فیقدر الله وفی روایة قدّر الله اقدار الله والقدر بفتح الدال وهو عبارة عن قضاء الله تعالی وحکمه من الامور



عَلَيْهِ اَمْرٌ قَالَ اللّٰهُمَّ لَا سَهْلَ اِلَّا مَا جَعَلْتَهُ سَهْلًا وَ اَنْتَ تَجْعَلُ
الْحَزْنَ اِذَا شِئْتَ سَهْلًا حب درصحيح ابن حبان وكتاب عمل اليوم والليلة است
بروايت انس رضي الله عنه كه اكر كسي كاري دشوار كردد اللّٰهم
لا سهل تا آخر كويد معنى اينست اى بارخداى كار آسان نيست جز آنچه
تو آن را آسان كرداني واكر تو خواهي دشوار را آسان كني وَمَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ
اِلَى اللّٰهِ اَوْ اِلَى اَحَدٍ مِنْ بَنِي اٰدَمَ فَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيُحْسِنْ وُضُوْءَهُ ثُمَّ لْيُصَلِّ
رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يُثْنِيْ عَلَى اللّٰهِ وَيُصَلِّيْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَلْيَقُلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَسْاَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيْمَةَ
مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْعِصْمَةَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ
تمس در سنن ترمذي وصحيح مستدرك بروايت عبد الله بن ابي
اوفى كه اكر كسي را حاجت سوى خداى تعالى يا سوى آدمي باشد پس
كو كه نيك طريق وضو سازد پس دو كانه نماز كذارد پس ثناى خداى
تعالى بر زبان آرد ودرود معظم بر پيغمبر صلى الله عليه وسلم كويد
و لا اله الا الله الحليم تا آخر خواند معنى اينست نيست معبود بحق جز
خداى تعالى كه حليم كريم است يا پاكي است خداى تعالى را كه پروردكار
عرش عظيم است حمد مر خداى تعالى راست كه پروردكار جهانيان است
اي پروردكار ميخواهم از تو افسونهائي كه مغفرت رساند ميخواهم
از تو نصيبي تمام از هر نيكي و ميخواهم از تو حفظ وسلامتي ايمان

از كناه لَا تَدَعْ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً
هِيَ لَكَ رِضًا اِلَّا قَضَيْتَهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ ت در سنن ترمذي
اين كلمات زيادت است پس يا ارحم الراحمين بايد خواند
اينست نكذاري هيچ كناه مرا كه بيامرزي و وانكذاري هيچ اندوه
مرا مكر كه دور كرداني و نكذاري هيچ حاجت مرا كه در آن
رضاء تست مكر كه روا كني اي مهربان تر از مهربانان وَمَنْ
كَانَتْ لَهُ ضَرُوْرَةٌ فَلْيَتَوَضَّأْ فَلْيُحْسِنْ وُضُوْءَهُ ت س ق وَيُصَلِّيْ
رَكْعَتَيْنِ س ثُمَّ يَدْعُوْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ اِنِّيْ اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلٰى رَبِّيْ فِيْ حَاجَتِيْ
هٰذِهِ لِتُقْضٰى لِيْ اَللّٰهُمَّ فَشَفِّعْهُ فِيَّ ت س ق مس در سنن ترمذي
ونسائي وابن ماجه وصحيح مستدرك است بروايت عثمان بن حنيف
رضي الله عنه كه هر كرا كه ضرورة يعني ماندكي باشد پس كو كه وضو
نيك سازد در سنن نسائي است كه دو ركعت نماز كذارد پس
اللهم اني تا آخر كويد معنى اينست اي بارخداي بدرستي كه
من از تو ميخواهم و متوجه ميكردانم محمد صلى الله عليه
وسلم را كه نبي رحمت است تا او را اذن شفاعت دهي اى
محمد بدرستي كه با عانت تو سوى پروردكار خود متوجه
ميشوم در قضاء اين حاجت خود اى پروردكار اى بارخداى
پس شفاعة او را در حق من قبول كن وَمَنْ اَرَادَ حِفْظَ

القرآن فاذا كانت ليلة الجمعة فان استطاع ان يقوم في ثلث
الليل الآخر فانها ساعة مشهودة والدعاء فيها مستجاب
فان لم يستطع ففي وسطها فان لم يستطع ففي اولها فيصلي
اربع ركعات يقرأ في الاولى الفاتحة وسورة يس وفي الثانية
الفاتحة وحم الدخان وفي الثالثة الفاتحة والم تنزيل السجدة
وفي الرابعة الفاتحة وتبارك الملك فاذا فرغ من التشهد فليحمد
الله وليحسن الثناء على الله وليصل على النبي صلى الله عليه وسلم وليحسن
على سائر النبيين وليستغفر للمؤمنين والمؤمنات ولاخوانه
الذين سبقوه بالايمان ثم ليقل في آخر ذلك اللهم ارحمني
بترك المعاصي ابدا ما ابقيتني وارحمني ان اتكلف ما لا
يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني اللهم بديع
السموات والارض ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا
ترام اسألك يا الله يا رحمن بجلالك ونور وجهك ان تلزم
قلبي حفظ كتابك كما علمتني وارزقني ان اتلوه على النحو الذي
يرضيك عني اللهم بديع السموات والارض ذا الجلال والاكرام
والعزة التي لا ترام اسألك يا الله يا رحمن بجلالك ونور وجهك
ان تنور بكتابك بصري وان تطلق به لساني وان تفرج به
عن قلبي وان تشرح به صدري وان تغسل به بدني فانه
لا يعينني على الحق غيرك ولا يؤتيه الا انت ولا حول ولا قوة الا با

العلي العظيم يفعل ذلك ثلث جمع او خمسا او سبعا يجاب
باذن الله والذي بعثني بالحق ما اخطأ مؤمنا قط ت مس

در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله
عنهما که هر که حفظ قرآن خواهد پس شب جمعه اگر تواند
در ثلث آخر خیزد که دران ساعت رحمت حاضر می شود و دعا
مستجاب میگردد و اگر نتواند در نیم شب خیزد و اگر نتواند
در اول شب خیزد پس چهار رکعت نماز گزارد در رکعت
اول بعد فاتحه الم تنزیل سوره یس و در دویم بعد فاتحه
حم دخان و در سیوم بعد فاتحه الم تنزیل سجده و در چهارم
بعد فاتحه ملک بخواند پس چون از تشهد فارغ شود حمد و
ثنا خدای تعالی نیک طریق گوید و درود بر پیغامبر صلی الله
علیه وسلم و بر دیگر پیغامبران نیکو خواند و برای برادران مومن
که بایمان سبقت کرده اند آمرزش خواهد پس در آخر آن اللهم
اللهم ارحمنی تا آخر گوید سه جمعه یا پنج جمعه یا هفت
جمعه همچنان کند دعاء او باذن حق تعالی مقبول شود
و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بسوگند آن خدای تعالی
که مرا بحق فرستاده که هر که این عمل کرده دعاء او مستجاب شود
معنی دعاء اینست ای بار خدای رحمت کن بر من بدین که ترک
معاصی کنم مادام که مرا زنده داری و رحمت کن بر من بدین

التوبة
اداب صلوة

که نفی کنم که مرا از طاعت تو مشغول نکرد اند و مرا در اندیشه
نیارد و روزی کن نیک نظر در نفعی که مرا خشنود کند ای بار خدای
آفریننده آسمان و زمین ای خداوند عظمت و کرم و عزتی که دریافته
نشود از تو میخواهم ای خدای تعالی ای رحمن بعظمت و نور ذات تو
آنکه حفظ قرآن را در دل من لازم کردانی چنانچه مرا تعلیم کردی و روزی
کن مرا آنکه من قرآن را بخوانم بطریقی که ترا خشنود کند ای آفریننده
آسمان و زمین میخواهم از تو عظمت و نور ذات تو آنکه چشم مرا
بکتاب خود روشن کنی و زبان مرا بکتاب خود روان کردانی
و اندوه مرا از دل من بکتاب خود ببری و آنکه سینه مرا بکتاب خود
کشاده کنی زیرا که جز تو کسی مرا بر حق اعانت نکند و جز تو کسی مرا
حق ندهد و حیله و قوة نیست جز بخدای تعالی که برتر و بزرکست
وَإِذَا أَخْطَأَ أَوْ أَذْنَبَ فَأَحَبَّ أَنْ يَتُوبَ إِلَى اللهِ فَلْيَأْتِ فَلْيَمُدَّ يَدَيْهِ
إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهَا لَا أَرْجِعُ
إِلَيْهَا أَبَدًا فَإِنَّهُ يُغْفَرُ لَهُ مَا لَمْ يَرْجِعْ فِي عَمَلِهِ ذَلِكَ مس در صحیح
مستدرکست بروایت ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود چون آدمی خطا کند پس دوست دارد که
سوی خدای تعالی توبه کند پس کو که در خلوت بیاید دو دست
دراز کند اللهم انی تا ابدا کوید پس بدرستی که او مغفور شود
مادام که در ان عمل خود باز نکردد مَا مِنْ عَبْدٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا

ثُمَّ يَتَوَضَّأُ فَيَتَطَهَّرُ ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللهَ إِلَّا
غَفَرَ لَهُ ذَلِكَ الذَّنْبَ ع حب ى در چهار سنن و صحیح ابن حبان
و کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت ابی بکر صدیق
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیست هیچ
مردی که کناه کند پس باستد و وضو یا غسل سازد پس دو
نماز کزارد پس از خدای تعالی آمرزش خواهد مکر او آمرزیده
شود وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ وَاذُ
وَاذُنُوبَاهُ فَقَالَ قُلِ اللَّهُمَّ مَغْفِرَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي
وَرَحْمَتُكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَقَالَهَا ثُمَّ قَالَ عُدْ فَعَادَ
ثُمَّ قَالَ عُدْ فَعَادَ فَقَالَ قُمْ فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَكَ مس در صحیح
مستدرکست بروایت جابر رضی الله عنه که مردی پیش رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود اللهم تا آخر کو او کفت فرمود باز کو
کفت فرمود باز کو او کفت فرمود باز کو فرمود برو که خدا تعالی ترا آمرزیده است
یعنی اینست ای بار خدای آمرزش تو فراخ است از کناه من و رحمت
تو مرجو تر است نزد من از عمل خود إِنَّ اللهَ يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ
لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ
حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا مسی در صحیح مسلم و صحیح مستدرک
است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه فرمود خدای تعالی رحمت خود را در شب فراخ کند تا کناه

بیان شروع استسقاء

کار روز توبه کند و رحمت خود را در روز فراخ کند تا گناه کار
شب توبه کند تا که آفتاب از مغرب بر آید وَجَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ
یَا رَسُولَ اللهِ أَحَدُنَا یُذْنِبُ قَالَ یُکْتَبُ عَلَیْهِ قَالَ ثُمَّ یَسْتَغْفِرُ
مِنْهُ وَیَتُوبُ قَالَ یُغْفَرُ لَهُ وَیُتَابُ عَلَیْهِ قَالَ فَیَعُودُ فَیُذْنِبُ
قَالَ یُکْتَبُ عَلَیْهِ قَالَ ثُمَّ یَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَیَتُوبُ قَالَ یُغْفَرُ لَهُ وَیُتَابُ
عَلَیْهِ وَلَا یَمَلُّ اللهُ حَتَّی تَمَلُّوا طس در معجم اوسط و کبیر است بروایت
عقبه بن عامر رضی الله عنه که مردی پیش رسول صلی الله علیه وسلم
آمد و گفت ای رسول خدا یکی از ما گناه کند فرمود گناه بنام او بنویسند
پس او گفت اگر او آمرزش خواهش و توبه کند فرمود او مغفور گردد
و توبهٔ او مقبول شود او گفت باز اگر او گناه کند فرمود گناه
او بنویسند گفت باز اگر آمرزش خواهد فرمود او مغفور گردد
و توبه او مقبول شود و خدای تعالی از آمرزش باز نماند تا که
شما از توبه باز مانید وَإِذَا قَحَطُوا الْمَطَرَ فَلْیَجْثُوا عَلَی الرُّکَبِ ثُمَّ
لِیَقُولُوا یَا رَبِّ یَا رَبِّ عو این شروع در بیان استسقاست در صحیح
ابو عوانه است بروایت سعد وقاص رضی الله عنه که چون از مردم
باران برداشته شود پس گو که بر زانو بنشینند پس یا رَبِّ
یَا رَبِّ گویند وَدُعَاءُ الْاِسْتِسْقَاءِ اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا اَللّٰهُمَّ
اسْقِنَا خ در صحیح بخاری است بروایت انس که دعا خواستن باران
اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا سه بار است معنی اینست که ای بار خدای آب بده

بارا اَللّٰهُمَّ اَغِثْنَا سه اَللّٰهُمَّ اَغِثْنَا اَللّٰهُمَّ اَغِثْنَا سه بارات
م در صحیح مسلم است بروایت انس رضی الله عنه که دعا خواستن
باران اللهم اغثنا سه بار است یعنی ای بار خدایا فریاد رس ما را
وَاِنْ کَانَ اِمَامًا خَرَجَ اِذَا بَدَا حَاجِبُ الشَّمْسِ فَقَعَدَ عَلَی الْمِنْبَرِ
فَکَبَّرَ وَحَمِدَ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ مَالِکِ یَوْمِ الدِّیْنِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ یَفْعَلُ مَا یُرِیْدُ اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَنِیُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَنْزِلْ عَلَیْنَا الْغَیْثَ
وَاجْعَلْ مَا اَنْزَلْتَ قُوَّةً وَبَلَاغًا اِلٰی حِیْنٍ ثُمَّ یَرْفَعُ یَدَیْهِ حَتّٰی یَبْدُوَ
بَیَاضُ اِبْطَیْهِ ثُمَّ یُحَوِّلُ اِلَی النَّاسِ ظَهْرَهُ وَیُحَوِّلُ رِدَاءَهُ وَهُوَ
رَافِعٌ یَدَیْهِ ثُمَّ یُقْبِلُ عَلَی النَّاسِ وَیَنْزِلُ فَیُصَلِّیْ رَکْعَتَیْنِ
د حب مس در سنن ابی داود و صحیح ابن حبان و صحیح
مستدرک است بروایت عایشه رضی الله عنها که اگر امام باشد
بیرون آید چون سر آفتاب بر آید پس بر منبر نشیند و تکبیر و حمد
خدای تعالی گوید پس الحمد لله تا الی حین خواند پس دو دست خود را
بر دارد تا که سفیدی دو بغل ظاهر شود پس پشت بجانب مردم کند
و چادر خود را گردانند و هر دو دست مرفوع باشد پس روی بمردم آرد
و از منبر فرود آید پس دو رکانه نماز بگذارد و معنی دعا آنست
مر خدای راست که پروردگار جهانیانست رحمن و رحیم و مالک روز جزا است
نیست معبود بحق جز الله تعالی بکند آنچه خواهد ای بار خدای تو ئی

خدا که جز معبود نیست تو غنی نیاز و ما محتاجیم باران بر ما فرست
هنگامی دراز اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيئًا مُرِيعًا نَافِعًا
غَيْرَ ضَارٍّ عَاجِلًا د حص غَيْرَ آجِلٍ رَائِثٍ مس در سنن ابی داود است بروایت
جابر رضی الله عنه و در مصنف ابی بکر است بروایت کعب بن مرة رضی الله عنه
که اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا تا آخر گوید معنی اینست ای بارخدای آب بده ما را
بارانی فریاد رسنده یعنی ما را از دشواری کشنده گوارنده با بر
بسیار نفع کننده غیر زیان رساننده شتاب غیر درنگ کننده
در مصنف بجای آجل رائث وارد است معنی هردو یکیست اَللّٰهُمَّ
اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ وَأَحْيِ بَلَدَكَ الْمَيِّتَ د
در سنن ابی داود است بروایت عمر رضی الله عنه که اَللّٰهُمَّ اسْقِ تا
آخر گوید معنی اینست ای بارخدای بندگان خود را و بهائم خود را آب بده
و رحمت خود را پراکنده کن و زمین مرده خود را زنده کن اَللّٰهُمَّ أَنْزِلْ
فِي أَرْضِنَا زِينَتَهَا وَسَكَنَهَا عو در صحیح ابو عوانه است بروایت سمرة اَللّٰهُمَّ
ضَاحَتْ جِبَالُنَا وَاغْبَرَّتْ أَرْضُنَا وَهَامَتْ دَوَابُّنَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ مِنْ
أَمَاكِنِهَا وَمُنْزِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُجْرِيَ الْبَرَكَاتِ عَلَى أَهْلِهَا
بِالْغَيْثِ الْمُغِيثِ أَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ الْغَفَّارُ فَنَسْتَغْفِرُكَ لِلْحَامَّاتِ
مِنْ ذُنُوبِنَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَوَامِّ خَطَايَانَا اَللّٰهُمَّ فَأَرْسِلِ السَّمَاءَ
عَلَيْنَا مِدْرَارًا وَوَاصِلْ بِالْغَيْثِ وَاكِفًا مِنْ تَحْتِ عَرْشِكَ حَيْثُ يَنْفَعُنَا وَيَعُودُ
عَلَيْنَا غَيْثًا عَامًّا طَبَقًا غَدَقًا مُجَلِّلًا غَدَقًا خِصْبًا رَائِعًا مُمْرِعَ النَّبَاتِ عو

در صحیح ابو عوانه است بروایت سمرة رضی الله عنه که اَللّٰهُمَّ ضَاحَتْ
تا آخر گوید معنی اینست ای بارخدای کوههای ما برای آفتاب ظاهر شد
یعنی گیاه آن رفت یا گویند کوههای ما بشکافت و زمین غبار گشت و حواشی
ما تشنه شد ای دهنده خیرات از جایهای ای فرو آرنده رحمت از
کانهای روان کننده برکات بر اهل آن بارانی که فریاد رسنده یعنی
از دشواری کشد تو یی آنکه از و آمرزش خواهند تو آمرزنده و
پس آمرزش از تو میخواهیم برای خاصه گناهان ما ای بارخدای پس
بارانی ریزنده فرست و باران را پیوسته کن و از زیر عرش خود بجای کن
جائی که ما را نفع کند و بر ما باز گرد دو در آنحال که بارانی عام بود
در شب بارد آب عام و بسیار آرد و ارزانی کرداند گاه بسیار روینده
زمین را با بسیار گاه کرداند وَاسْتَسْقَى عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ
عنه باران خواست پس استغفار دعائی زیادت نکرد وَإِذَا رَأَى
سَحَابًا مُقْبِلًا اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أُرْسِلَ بِهِ اَللّٰهُمَّ سَيْبًا
نَافِعًا فَإِنْ كَشَفَهُ اللهُ وَلَمْ يُمْطِرْ حَمِدَ اللهَ عَلَى ذٰلِكَ د س ق در سنن ابی داود
و نسائی و ابن ماجه است بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله
علیه و سلم ابری دید که رو آورده است اللهم انا نعوذ بک تا آخر
گفتی پس اگر خدای تعالی آن ابر را دور کرداندی و نبارید رسول صلی
الله علیه و سلم حمد خدای تعالی برآن میگفت معنی دعا اینست ای بارخدای
بدرستی که ما بتو می پناهیم از شر آنچه با این ابر فرستاده شده است

اي بارخداي اين ابرا عطائي وجرياني نافع كردان وَاِذَا رَاَي
الْمَطَرَ صَيِّبًا نَافِعًا خ درصحيح بخاري است بروايت عايشه رضي الله
عنها كه جون رسول صلي الله عليه وسلم باران ديدي اَللّٰهُمَّ صَيِّبًا
فرمودي معني اينست اي بارخداي اين بارانرا نافع كردان اَللّٰهُمَّ
سَيْبًا نَافِعًا مَرَّتَيْنِ اَوْ ثَلَاثًا مص درمصنف ابي بكرست بروايت عايشه
رضي الله عنها كه جون رسول صلي الله عليه وسلم بارانرا ميديد اَللّٰهُمَّ
سَيْبًا نَافِعًا دوبار يا سه بار كفتي فَاِذَا كَثُرَ وَخِيفَ الضَّرَرُ اَللّٰهُمَّ
حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا اَللّٰهُمَّ عَلَي الْآكَامِ وَالْآجَامِ وَالظِّرَابِ وَالْاَوْدِيَةِ
وَمَنَابِتِ الشَّجَرِ خ م درصحيح بخاري ومسلم است بروايت انس كه جون
باران شدي وخوف ضرر بودي رسول صلي الله عليه وسلم اَللّٰهُمَّ
حَوَالَيْنَا تا آخر ميفرمودي معني اينست اي بارخداي بارانرا بپيرامون
ما بفرست نه برما اي بارخداي بفرست بارانرا بر پشتها ودرختان
وبلنديها ووادیها وجاي روئيدني درختها وَاِذَا سَمِعَ الرَّعْدَ
وَالصَّوَاعِقَ اَللّٰهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تُهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ
وَعَافِنَا قَبْلَ ذٰلِكَ ت س مس درسنن ترمذي ونسائي وصحيح مستدرك
بروايت ابن عمر رضي الله عنه كه جون رسول صلي الله عليه وسلم از ابر
آواز سخت شنيدي اللهم لا تقتلنا تا آخر فرمودي معني آنست
اي بارخداي مارا بخشم خود مكش وبعذاب خود هلاك مكن و
پيش ازان مارا درعافيت دار سُبْحَانَ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ

وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ مو درموطا موقوفست بروايت عبدالله بن
زبير رضي الله عنه كه جون آواز رعد شنيدي سُبْحَانَ الَّذِي تا آخر
فرمودي معني اينست كه پاكست آن خدارا كه رعد وفرشتكان از ترس
او تسبيح ميخوانند با حمد وَاِذَا هَاجَتِ الرِّيحُ اِسْتَقْبَلَهَا بِوَجْهِهِ
وَجَثَا عَلَي رُكْبَتَيْهِ وَمَدَّ يَدَيْهِ طب ط درمعجم كبير وكتاب
دعاء اوست بروايت ابن عباس رضي الله عنه كه جون باد برخواستي
رسول صلي الله عليه وسلم استقبال بروي خود كردي وبرزانوي
ودو دست شدي وَقَالَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ
مَا فِيهَا وَخَيْرَ مَا اُرْسِلَتْ بِهِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا
وَشَرِّ مَا اُرْسِلَتْ بِهِ م ت س طب درصحيح مسلم وسنن ترمذي
نسائي وكتاب دعاء طبراني است بروايت عايشه رضي الله عنها
كه جون باد برخواستي رسول صلي الله عليه وسلم اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
تا آخر بكفتي معني اينست اي بارخداي بدرستي كه من ميخواهم از
تو نيكي اين باد ونيكي آنچه دراين بادست ونيكي آنچه اين باد بسبب
او فرستاده شده است وميپناهم بتو از بدي اين باد وبدي آنچه
دراين بادست وبدي آنچه اين باد بسبب او فرستاده شده است
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا طب ط دركتاب دعا
طبراني ومعجم كبير است بروايت ابن عباس رضي الله عنه كه جون
باد برخواستي رسول صلي الله عليه وسلم اللهم اجعلها تا آخر

اللهم

كبير طبراني

اللهم اجعلها رياحا ولا تجعلها ريحا

ما يقال اذا سمع الرعد والصواعق

الريح مع ظلمة
ما يقال اذا جاء

فرمودی معنی آنست ای بار خدای باد را ریاح گردان و این باد را ریح مگردان که ریاح برای رحمت است و ریح برای عذاب ای بار خدای این باد را رحمت گردان و این باد را عذاب مگردان

وَإِنْ جَاءَ مَعَ الرِّيحِ ظُلْمَةٌ تَعَوَّذَ بِالْمُعَوِّذَتَيْنِ د در سنن ابی داود بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه که اگر باد تاریکی آمدی رسول صلی الله علیه وسلم قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ خواندی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أُمِرَتْ بِهِ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أُمِرَتْ بِهِ ت س در سنن ترمذی و نسائی است بروایت ابی بن کعب رضی الله عنه که چون باد برخواستی رسول صلی الله علیه وسلم اللهم انا نسألك تا آخر فرمود معنی گذشت اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا أُمِرَتْ بِهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أُمِرَتْ بِهِ ص در مسند ابویعلی موصلی است بروایت انس رضی الله عنه که چون باد برخواستی رسول صلی الله علیه وسلم اللهم انی تا آخر فرمودی معنی اینست ای بار خدای میخواهم از تو نیکی آنچه این باد بدان مامور است و می پناهم بتو از بدی آنچه این باد بدان مامور است اللَّهُمَّ لَقِحًا لَا عَقِيمًا حب در صحیح ابن حبان و معجم اوسط است بروایت سلمة بن الاکوع رضی الله عنه که چون باد برخواستی رسول صلی الله علیه وسلم اللهم تا آخر فرمودی معنی اینست که ای بار خدای این باد را باران دار گردان که ابر را پیدا آرد و باران بارد نه

صیاح الدیکة
اداب اذا سمع

این باد را بی بار مگردان وَإِذَا سَمِعَ صِيَاحَ الدِّيَكَةِ فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ خ م د س ت در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ترمذی است بروایت ابی هریرة رضی الله عنه که چون بانگ خروس بشنوند پس گو که از خدای تعالی فضل او خواهد

نهیق الحمیر و نباح الکلاب
ما یقال اذا سمع

وَإِذَا سَمِعَ نَهِيقَ الْحَمِيرِ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ خ م د س ت در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که چون بانگ خر بشنود پس گو که اعوذ بالله تا آخر گوید وَكَذَلِكَ إِذَا سَمِعَ نُبَاحَ الْكِلَابِ د س مس در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت جابر رضی الله عنه که همچنان اعوذ بالله گوید چون بانگ سگ بشنود

الشمس والقمر
اداب الکسوف

وَإِذَا رَأَى الْكُسُوفَ فَلْيَدْعُ اللَّهَ وَلْيُكَبِّرْ وَلْيُصَلِّ وَلْيَتَصَدَّقْ خ م د س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی است بروایت عایشة رضی الله عنها که چون کسی را بی نور شدن آفتاب یا ماهتاب ببیند پس گو که خدای تعالی را خواند و تکبیر گوید و نماز گزارد و صدقه دهد

الهلال
ما یقال اذا رأی

وَإِذَا رَأَى الْهِلَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ مي در مسند دارمی است بروایت طلحة رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم ماه نو دیدی الله اکبر فرمودی اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْيُمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ

ت حب مي

در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و مسند دارمی است بروایت ابن
عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بماه الله اکبر
گفتی اللهم اهله تا آخر میفرمود معنی اینست ای بارخدای طالع گردان
بما این ماه را با یمن و ایمان و سلامتی و اسلام و توفیق بر کاری که
تو دوست داری و خشنود باشی ای ماه پروردگار من و پروردگار تو
خدای تعالی است هلال خیر و رشد اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ مِنْ خَیْرِ هٰذَا
وَخَیْرِ الْقَدَرِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ ط در معجم کبیر است
بروایت رافع رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
ماه نو دیدی هلال خیر تا آخر سه بار فرمودی معنی اینست این ماه
خیر و رشد است ای بارخدای از نیکی این ماه میخواهم و نیکی
قدر میخواهم و بدی این ماه بتو می پناهم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَ
نَصْرَهُ وَبَرَکَتَهُ وَنُوْرَهُ وَفَتْحَهُ وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا
بَعْدَهُ مر در کتاب دعاء ابن مردویه و مصنف ابی بکر است بروایت
علی رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم ماه نو دیدی
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تا آخر فرمودی معنی اینست ای بارخدای خیر این ماه
و نصر این ماه و نور این ماه ما را روزی کن و بدی این ماه و بدی آنچه
که بعد اوست بتو می پناهم وَاِذَا نَظَرَ اِلَی الْقَمَرِ فَلْیَقُلْ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ
مِنْ شَرِّ هٰذَا الْغَاسِقِ ت س مس در سنن ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک
بروایت عایشه رضی الله عنها که چون کسی سوی ماه نظر کند بماه گوید

گو

اعوذ بالله تا آخر گوید معنی اینست بخدای تعالی از بدی این ماه که تاریک
کننده است چون بی نور گردد زیرا که کسوف دال است بر حدوث بلیه و
وَاِذَا رَأَیٰ لَیْلَةَ الْقَدْرِ فَلْیَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّی
ت ق مس در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت
عایشه رضی الله عنها که چون کسی شب قدر را بیند پس گو که اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ
تا آخر گوید ای بارخدای تو ئی عفو کننده که عفو را دوست داری پس
از من عفو کن وَاِذَا نَظَرَ وَجْهَهُ فِی الْمِرْآةِ اَللّٰهُمَّ حَسَّنْتَ خَلْقِی فَحَسِّنْ
خُلُقِی حب در صحیح ابن حبان است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه
و در کتاب دعا بیهقی است بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول
روی مبارک خود را در آینه دیدی اَللّٰهُمَّ انت تا آخر فرمودی معنی
اینست ای بارخدای تو صورت مرا نیک کردی پس خصلت مرا هم
نیک کن اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِی فَحَسِّنْ خُلُقِی وَحَرِّمْ وَجْهِی عَلَی النَّارِ
مر در کتاب دعاء ابن مردویه است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم چون روی در آینه دیدی اللهم کما تا آخر فرمودی معنی اینست
ای بارخدای چنانچه صورت مرا نیک کردی سیرت مرا نیک کن و روی
مرا بر آتش حرام گردان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ سَوّٰی خَلْقِی وَاَحْسَنَ
صُوْرَتِی وَزَانَ مِنِّی مَا شَانَهُ مِنْ غَیْرِی ر در مسند بزار است بروایت انس
بروایت انس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم در آینه
دیدی الحمد لله تا آخر فرمودی معنی اینست حمد مر خدای راست که

المنزل الخامس علی الجد مایقال اذا سلم

خلقت مرا راست کرد وصورت مرا نیکو کرد انید وآراست از من

من چیزی راکه معیوب ساخت از تن غیر من اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَوّٰی

خَلْقِي فَعَدَّلَهُ وَصَوَّرَ صُورَةَ وَجْهِي فَأَحْسَنَهَا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

طس ی درمعجم اوسط وکتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت انس

رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم در آیینه دیدی الحمد لله

الَّذِي سَوّٰی تا آخر فرمودی حمد مر خدای است که خلق من برابر کرد

پس راست کردانید وصورت روی من نگاشت پس نیک ساخت

ومرا از جمله مسلمانان کردانید وَإِذَا سَلَّمَ عَلَىٰ أَحَدٍ فَلْيَقُلِ السَّلَامُ

عَلَيْكُمْ خ م س درصحیح بخاری ومسلم وسنن نسائی است بروایت

ابی هریره رضی الله عنه که چون کسی خواهد که بر یکی سلام کوید پس کوید

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ کوید السَّلَامُ عَلَيْكَ د ت س ی وَرَحْمَةُ اللّٰهِ د ت وَبَرَكَاتُهُ

د ت س ی درسنن ترمذی ونسائی ومسند داری است بروایت عمران

بن حصین ومعاذ بن انس رضی الله عنهم که السلام علیک ورحمة الله و

برکاته کوید تکرار رموز سبب تکرار حدیث است فَإِذَا رَدَّ

السَّلَامَ وَعَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ خ حب درصحیح بخاری

است بروایت عایشه رضی الله عنها ودر صحیح ابن حبان است بروایت

انس رضی الله عنه چون خواهد که بر کسی رد سلام کند وعلیکم السلام

تا آخر کوید وَعَلَىٰ أَهْلِ الْكِتَابِ عَلَيْكَ م ت س درصحیح مسلم وسنن ترمذی

ونسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که بر اهل الکتاب چون رد سلام کند

رد السلام مایقال اذا

ابی داود وم

ابی داود وترمذی

وَإِذَا بَلَغَ سَلَامًا مِنْ أَحَدٍ فَلْيَقُلْ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

بَرَكَاتُهُ ع در اصول ست است بروایت عایشه رضی الله عنها

که چون کسی را کسی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دیکری سلام رساند پس کو

کو وعلیه السلام تا آخر او وَعَلَيْكَ السَّلَامُ کوید وَإِذَا عَطَسَ فَلْيَقُلْ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ خ د س درصحیح بخاری وسنن ابی داود ونسائی است

بروایت ابو هریره رضی الله عنه که چون کسی را عطسه آید پس الحمد لله

کوید عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ د ت س مس ق درسنن ابی داود وترمذی ونسائی

وصحیح مستدرک وسنن ابن ماجه است بروایت ابی هریره رضی الله عنه

که الحمد لله علی کل حال کوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا

فِيهِ مُبَارَكًا عَلَيْهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَىٰ د ت س درسنن ابی داود

وترمذی ونسائی است بروایت رفاعه رضی الله عنه که الحمد لله

حمدا تا آخر کوید معنی اینست حمد مر خدای تعالی راست حمدی

پاک از ریا که در آن برکت بود چنانچه پروردکار ما دوست دارد

وراضی بود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ د ت س حب درسنن ابی داود

وترمذی ونسائی وصحیح ابن حبان است بروایت سالم بن عبید

رضی الله عنه که الحمد لله رب العالمین کوید وَلْيَقُلْ لَهُ يَرْحَمُكَ اللّٰهُ

خ د س ت ق درصحیح بخاری وسنن ابی داود ونسائی بروایت

ابی هریره رضی الله عنه ودرسنن ترمذی وصحیح مستدرک وسنن ابن

ماجه است بروایت ابو ایوب رضی الله عنه که سامع برای عاطس

عطس مایقال اذا

يَرْحَمُكَ اللهُ كويد چون از و الحمد لله بشنود وَلْيَرُدَّ عَلَيْهِ يَهْدِ
وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ خ د س ت مس در صحيح بخاري وسنن ابي داود
ونسائي وترمذي وصحيح مستدرك بروايت ابي هريره وابي ايوب
رضي الله عنه كه عاطس بر سامع رد كند يهديكم الله تا آخر
كويد معنى اينست خداى تعالى شمارا براه راست دارد وحال شمارا
راست آرد يَغْفِرُ اللهُ لَنَا وَلَكُمْ د ت س حب در سنن ابي داود
وترمذي ونسائي وصحيح ابن حبان است بروايت سهم بن عبيد
رضي الله عنه يَغْفِرُ اللهُ لِي وَلَكُمْ كويد لنا ولكم س ق مس در سنن
نسائي وابن ماجه وصحيح مستدرك بروايت علي رضي الله عنه كه يغفر
الله لنا ولكم كويد يَرْحَمُنَا اللهُ وَإِيَّاكُمْ وَيَغْفِرُ لَنَا وَلَكُمْ مر طا در كتاب
دعا ابن مردويه وموطاست بروايت ابن عمر رضي الله عنهما كه يرحمنا الله
تا آخر كويد معنى اينست رحمت كند خداى تعالى برما وبر شما وبيامرزد
مارا وشمارا وَإِنْ كَانَ ذِمِّيًّا يَقُولُ لَهُ يَهْدِيكُمُ اللهُ وَيُصْلِحُ
بَالَكُمْ ت د س مس در سنن ترمذي وابي داود ونسائي وصحيح مستدرك
بروايت ابي موسى اشعري رضي الله عنه كه اگر عاطس يهودي يا نصراني
باشد والحمد لله كويد او را يهديكم تا آخر كويد معنى گذشت وَمَنْ قَالَ
عِنْدَ كُلِّ عَطْسَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ مَا كَانَ لَمْ يَجِدْ
وَجَعَ ضِرْسٍ وَلَا أُذُنٍ أَبَدًا مر مص در كتاب دعاء ابن مردويه ومصنف
ابي بكر است بروايت علي رضي الله عنه كه هركه نزد عطسه الحمد لله

تاكان بكويد او درد دندان وكوش كاهي نيابد معنى اينست حمد خداى
تعالى راست كه پروردگار جهانيانست بهر حالي از حالها كه
باشد فائده در شرح آورده است كه فقيه ابو الليث حديثي
آورده است كه رسول صلى الله عليه فرمود مَنْ سَبَقَ الْعَاطِسَ بِالْحَمْدِ
أَمِنَ الشَّوْصَ وَاللَّوْصَ وَالْعِلَّوْصَ يعنى هركه پيش از عاطس الحمد
كويد از درد دندان وكوش وشكم ايمن كردد وَإِذَا طَنَّتْ
أُذُنُهُ فَلْيَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلْيُصَلِّ عَلَيْهِ وَ
لْيَقُلْ ذَكَرَ اللهُ بِخَيْرٍ مَنْ ذَكَرَنِي طي در معجم كبير وكتاب
عمل اليوم والليلة است بروايت ابي رافع رضي الله عنه كه اگر كوش كسي
آواز كند پس كو كه پيغامبر صلى الله عليه وسلم را ياد كند وذكر
تا آخر كويد معنى اينست ذكر كند خداى تعالى به نيكى كسى را كه ذكر من
كرده است وَإِذَا بُشِّرَ بِمَا يَسُرُّهُ فَلْيَحْمَدِ اللهَ خ م د س ق در صحيح بخاري
ومسلم وسنن ابي داود ونسائي وابن ماجه است بروايت عايشه
رضي الله عنها كه كسى را مژده رسد كه او را خوش كرداند پس كو كه
حمد خداى كويد أَوْ حَمِدَ وَكَبَّرَ خ م در صحيح بخاري ومسلم است
بروايت ابو سعيد خدري رضي الله عنه يا حمد وتكبير كويد أَوْ يَسْجُدُ
شُكْرًا س ا در صحيح مستدرك ومسند امام احمد است بروايت عبد الرحمن
بن عوف رضي الله عنه كه يا سجده شكري براي خداى تعالى كند وَإِذَا
رَأَى مِنْ نَفْسِهِ أَوْ مَالِهِ أَوْ غَيْرِهِ مَا يُعْجِبُهُ فَلْيَدْعُ بِالْبَرَكَةِ

در سنن نسائی و ابن ماجة و صحیح مستدرك است بروایت عامر
ابن ربیعة رضی الله عنه که چون کسی از نفس خود یا مال خود یا غیر آن
چیزی بیند که او را خوش گرداند و بترسد که او را چشم زخم
برسد پس گو که دعا برکت کند یعنی بارك الله فیه گوید وَاِذَا اَرَادَ نَمُوَّ
مَالِهِ قَالَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَعَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ ص در مسند ابو یعلی است بروایت ابی سعید
الخدری که چون کسی خواهد که مال او بیفزاید پس گوید که اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی محمد
تا آخر گوید وَاِذَا رَاٰی اَخَاهُ الْمُسْلِمَ یَضْحَكُ قَالَ اَضْحَكَ اللّٰهُ سِنَّكَ خ م س
در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت عمر رضی الله عنه
که چون کسی برادر مسلم خود را خندان بیند او را اضحك الله سنك گوید یعنی
خدای تعالی دندان ترا خندان دارد وَاِذَا اَحَبَّ اَخَاهُ فَلْیُعْلِمْهُ ذٰلِكَ
ی س د حب در کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت مقداد و در سنن نسائی
و ابی داود و صحیح ابن حبان است بروایت انس رضی الله عنه که چون کسی برادر
مسلمان خود را دوست دارد گو که او را اعلام کند که من ترا دوست میدارم
فَاِذَا قَالَ لَهٗ اِنِّیْ اُحِبُّكَ لِلّٰهِ قَالَ اَحَبَّكَ الَّذِیْ اَحْبَبْتَنِیْ لَهٗ س د حب ی
در سنن نسائی و ابی داود و صحیح ابن حبان و کتاب عمل الیوم و اللیلة است
بروایت انس رضی الله عنه که چون محب برای محبوب گوید بدرستی که
من ترا از برای خدای دوست میدارم محبوب گوید دوست دارد ترا کسی
که برای او تو مرا دوست میداری فَاِذَا قَالَ لَهٗ غَفَرَ اللّٰهُ لَكَ قَالَ وَلَكَ

مال عند ثنی ما یقال

یضحك رای احد ما یقال اذا

فی الله

در سنن نسائی است بروایت عبد الله بن سرجس رضی الله عنه
که چون کسی مر کسی را گوید غفر الله لك یعنی خدای تعالی ترا آمرزد
او گوید که وَلَكَ یعنی ترا نیز آمرزد وَاِذَا قِیْلَ لَهٗ كَیْفَ اَصْبَحْتَ قَالَ
اَحْمَدُ اللّٰهَ اِلَیْكَ ط در معجم کبیر است بروایت عبد الله بن عمرو
رضی الله عنه که اگر کسی پرسد که چگونه بامداد کردی او گوید احمد
الله الیك یعنی حمد خدای تعالی بسوی تو میرسانم وَاِذَا نَادَاهُ
رَجُلٌ رَدَّ عَلَیْهِ لَبَّیْكَ ی در کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت
عمر رضی الله عنه که چون مردی او را خواند لبیك گوید یعنی لبیك
آنست که اجابت تو کردم وَاِذَا صُنِعَ اِلَیْهِ مَعْرُوْفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهٖ
جَزَاكَ اللّٰهُ خَیْرًا فَقَدْ اَبْلَغَ فِی الثَّنَاءِ ت س حب در سنن ترمذی
و نسائی و صحیح ابن حبانست بروایت عمر رضی الله عنه که چون کسی
سوی او نیکی کند و او گوید جزاك الله خیرا یعنی خدای تعالی ترا جزای نیکی
دهد بدرستی که او در ثنا مبالغت کرده باشد وَاِذَا عَرَضَ عَلَیْهِ اَخُوْهُ
مِنْ اَهْلِهٖ وَمَالِهٖ قَالَ بَارَكَ اللّٰهُ فِیْ اَهْلِكَ وَمَالِكَ خ ت س ی
در صحیح بخاری و سنن ترمذی و نسائی و کتاب عمل الیوم و اللیل است
بروایت انس رضی الله عنه که چون برادری مسلم اهل و مال خود را
برو عرض کند او را گوید بارك الله فی اهلك و مالك یعنی برکت کند
خدای تعالی در اهل و مال تو وَاِذَا اسْتُقْرِضَ فِیْ دَیْنِهٖ قَالَ اَلْفَتْنِیْ
اَذَی اللّٰهُ بِكَ خ م ت س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی

و نسائي و ابن ماجة است بروايت ابي هريره رضي الله عنه كه چون كسى
دين خود از مديون ستاند مديون را اوفيتني تا آخر گويد يعني اينست تو
دين من دادى خداى تعالى خداى ترا دهد وفى الله بك خ در صحيح
بخاري است كه بعد اوفيتني وفى الله بك معنى همانست اوفاك الله م
در صحيح مسلم است معنى همانست و اذا رأى ما يحب قال الحمد لله الذي
بنعمته تتم الصالحات و ان رأى ما يكره قال الحمد لله على كل حال
در سنن ابن ماجه و صحيح مستدرك و كتاب عمل اليوم و الليلة است بروايت
عائشة رضي الله عنها كه چون رسول صلى الله عليه و سلم چيزى محبوب
ميديد الحمد لله تا الصالحات ميگفت يعني اينست حمد مر خداى تعالى را
كه بنعمت او اعمال صالحه تمام ميگردد و اگر رسول خداى صلى الله عليه و سلم
چيزى مكروه ميديدى الحمد لله على كل حال فرمودي ما انعم الله تعالى
على عبد من نعمة فقال الحمد لله الا و قد ادى شكرها فان قالها
الثانية جدد الله له ثوابها فان قالها الثالثة غفر الله له ذنوبه
مس در صحيح مستدرك است بروايت جابر رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه
و سلم فرمود كه خداى تعالى بر هيچ بنده انعام نعمتى نكرده پس او الحمد لله
گفته مگر كه او شكر آنرا ادا كرده پس اگر دويم بار الحمد لله گويد خداى
ثواب آن جديد دهد و اگر سيوم بار الحمد لله گويد خدا تعالى گناهان او را
بيامرزد ما انعم الله على عبد نعمة فقال الحمد لله رب العالمين الا
كان قد اعطى خيرا مما اخذ ى در كتاب عمل اليوم و الليلة است بروايت

انس رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه و سلم فرمود كه خداى تعالى
بر هيچ بنده انعام نكرده است پس او الحمد لله رب العالمين گفته مگر كه او را
داده شود بهتر از آنچه او گرفته است از نعمت و اذا ابتلي بالدين
قال اللهم اكفني بحلالك عن حرامك و اغنني بفضلك عمن سواك
ت مس در سنن ترمذي و صحيح مستدرك است بروايت علي رضي الله عنه
كه چون كسي بوام مبتلى گردد اللهم اكفني تا آخر گويد يعني
اينست كه اى بار خداى ما را بسنده باش بحلال خود از حرام و بى نياز كن
مرا بفضل خود از غير خود اللهم فارج الهم كاشف الغم
مجيب دعوة المضطرين رحمن الدنيا و الآخرة و رحيمهما انت
ترحمني فارحمني برحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك
مس ر در صحيح مستدرك و مسند بزار است بروايت ابو بكر رضي الله عنه
كه اللهم فارج الهم تا آخر گويد يعني اينست اى بار خداى اى دور كننده
اندوه و انديشه اى برنده غم اى اجابت كننده دعاء عاجزان اى
رحمن و رحيم دنيا و آخرت بر من رحمت كنى پس بر من رحمت كن برحمتى
مرا كه از رحمت غير بى نياز گرداند اللهم مالك الملك تؤتي
الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من
تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير رحمن الدنيا و الآخرة تعطيهما من
تشاء و تمنع منهما من تشاء ارحمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك
ط در معجم صغير است بروايت انس رضي الله عنه كه اللهم مالك تا آخر

يعني اينست كه اي مالك مالك هركه را كه خواهي ملك دهي و انهركه خواهي ملك بستاني
و هركه را خواهي عزيز گرداني و هركه را خواهي خوار كني همه نيكي بدست تست تو بر همه چيز
توانايي اى رحمان دنيا و آخرة دهي هركه را خواهي و از دنيا و آخرت بازداري كسي
كه خواهي رحمت كن بر من رحمتي كه مرا از رحمت غيري نياز سازد وَتَقُلْ مَا يَقُولُ
إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى هو بس كه شده است آنچه گويد مبتلي بدين چون بامداد و شبكند
منقول از سنن ابي داود بروايت ابو سعيد رضي الله عنه وَإِذَا أَخَذَ لِأُنْعَاسٍ
مِنْ شَعْرٍ أَوْ طَلَبَ زِيَادَةَ قُوَّةٍ فَلْيُسَبِّحْ عِنْدَ نَوْمِهِ ثَلٰثًا وَثَلٰثِينَ وَلْيَحْمَدْ ثَلٰثًا
وَثَلٰثِينَ وَلْيُكَبِّرْ أَرْبَعًا وَثَلٰثِينَ اَوْ مِنْ كُلٍّ ثَلٰثًا وَثَلٰثِينَ اَوْ مِنْ اَحَدِهِنَّ
أَرْبَعًا وَثَلٰثِينَ مَرَّةً خ د س ت حب ط در صحيح بخاري و مسلم و سنن ابي داود
و ترمذي و نسائي و صحيح ابن حبان است بروايت علي رضي الله عنه و در مسند امام
احمد و معجم كبير است بروايت ام سلمه رضي الله عنها كه چون كسي از كاري
درماند شود يا زيادت قوة طلبد پس گو كه نزد خواب سي سه بار سبحان الله و سي
سه بار الحمد لله و سي چهار بار الله اكبر گويد يا از هر يكى سي و چهار
گويد اَوْ مِنْ كُلٍّ يُكَبِّرُ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ عَشْرًا وَعِنْدَ النَّوْمِ ثَلٰثًا وَثَلٰثِينَ وَالتَّكْبِيرَ
أَرْبَعًا وَثَلٰثِينَ ا در مسند امام احمد است بروايت ابن عمر رضي الله عنه
كه يا اذ هر يك ايشان پس پشت هر نمازى ده كان باد گويد و نزد خواب سي شه بار
و الله اكبر سي چهار بار گويد وَمَنِ ابْتُلِيَ بِالْوَسْوَسَةِ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللّٰهِ
وَلْيَنْتَهِ خ م د س در صحيح بخارى و مسلم و سنن ابي داود و نسائي بروايت ابي هريرة
رضي الله عنه كه هركه مبتلي بوسوسه گردد پس گو كه اعوذ بالله من الشيطان

الرجيم گويد و از فكر وسوسه باز ماند أَوْ لِيَقُلْ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ
م در صحيح مسلم است بروايت ابي هريره رضي الله عنه كه آمَنْتُ بِاللّٰهِ
وَرُسُلِهِ گويد اَللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كُفُوًا اَحَدٌ ثُمَّ لِيَتْفُلْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلٰثًا وَلْيَسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ د س ى وَمِنْ فِتْنَتِهِ س در سنن ابي داود و نسائي و كتاب عمل
اليوم والليلات بروايت ابي هريرة كه الله الصمد تا آخر گويد پس سه بار
از جانب چپ تف يا خوى زند و اعوذ بالله من الشيطان الرجيم گو و بعد در
سنن نسائى است كه وَمِنْ فِتْنَتِهِ نيز گويد معنى اينست كه خداى تعالى يكى
و او پناه همه است خداى تعالى فرزند نزاييده و نه او را كسي زاده و مر خدا را
هيچ يك همتائى نيست وَإِذَا كَانَتِ الْوَسْوَسَةُ فِي الْأَعْمَالِ فَإِنَّ ذٰلِكَ شَيْطَانٌ
يُقَالُ لَهُ خِنْزَبٌ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ وَلْيَتْفُلْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلٰثًا م مص
در صحيح مسلم و مصنف ابى بكر است بروايت عثمان بن ابي العاص رضي الله عنه
كه چون وسوسه در اعمال بود يعنى در نماز يا وضو يا غير آن باشد پس
بدرستى كه آن وسوسه در يابد پس گو كه اعوذ بالله من الشيطان الرجيم گويد
و از جانب چپ خود سه بار خوى تف زند وَمَنْ غَضِبَ فَقَالَ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ خ م د س در صحيح بخاري و مسلم
و سنن ابي داود و نسائي است بروايت سليمان بن صرد رضي الله عنه
كه هركه خشمناك گردد پس اَعُوْذُ بِاللّٰهِ تا آخر گويد خشم از او برود
وَمَنْ كَانَ حَدًّا لِلِّسَانِ فَاحِشَةً لَازَمَ الْاِسْتِغْفَارَ لِحَدِيثِ حُذَيْفَةَ

زيادة قوة طلب الجماع
وليحمد
سه بار يا از يكى سى
الوسوسة ما يقال اذا
غضب ما يقال عند
از شيطانست كه او را خنزب گويند جوه آن وسوسه
ذرب اللسان ما يقال اذا

شكوت الى رسول الله صلى الله عليه وسلم ذرب لساني فقال
اين انت من الاستغفار اني لاستغفر الله في كل يوم مائة
مرة س ق س مص ك در سنن نسائي وابن ماجه وصحيح مستدرك و مصنف
ابي بكر وكتاب عمل اليوم والليل است بروايت حذيفه رضي الله عنه كه هر كه
بذربان باشد استغفار را ملازمت كند از جهت در اين حديث حذيفه
رضي الله عنه گفت سوي رسول صلى الله وسلم گله بذرباني خود كردم س
فرمود چرا استغفار دوري من هر روز صد بار استغفار ميگويم حديث
مذكور بيشتر گذشت

ما يقال اذا دخل المجلس

ومن انتهى الى مجلس فليسلم فان بدا له ان
يجلس فليجلس ثم اذا قام فليسلم د ت س در سنن ابي داود و ت
ونسائي است بروايت ابي هريره رضي الله عنه كه هر كه سوي مجلسي رسد
پس گو كه سلام گويد پس اگر راي او نشستن باشد بنشيند پس چون بخيزد
سلام گويد وكفارة المجلس ان يقول قبل ان يقوم سبحانك اللهم
وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك د ت س حب مس
ثلث مرات د حب در سنن ابي داود وترمذي ونسائي وصحيح ابن حبان
وصحيح مستدرك است بروايت ابو هريره رضي الله عنه ودر معجم كبير است
بروايت عبد الله بن عمر رضي الله عنه ودر مصنف ابو بكر بروايت
ابو برزه رضي الله عنه كه كفارت مجلس اينست كه وقت قيام سبحانك اللهم
تا آخر گويد در سنن ابي داود وصحيح ابن حبانست كه سه بار گويد يعني در
دعوات وضو گذشت رب عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي

انه لا يغفر الذنوب الا انت س مس در سنن نسائي وصحيح مستدرك است
بروايت رافع بن خديج كه رب عملت سوءا تا آخر نيز گويد يعني
اينست كه اي پروردگار بدي كردم وستم بر نفس خود آوردم
پس بيامرز مرا چه نمي آمرزد گناه كارانرا بيامرزد ما جلس قوم
مجلسا لم يذكروا الله فيه ولم يصلوا على نبيهم الا كان
عليهم ترة فان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم د ت س حب مس در سنن
ابي داود وترمذي ونسائي وصحيح ابن حبان وصحيح مستدرك است
بروايت ابو هريره كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود ننشسته اند
قومي در هيچ مجلسي كه در ان ذكر خداي تعالى نكرده اند وبر پيغامبر
خود درود نگفته اند مگر آن جلوس وعدم ذكر نقصان بر
ايشان باشد اگر خداي تعالى خواهد ايشانرا عذاب كند واگر خواهد
آمرزش كند

ما يقال اذا دخل السوق

ومن دخل السوق فقال لا اله الا الله وحده لا
شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا
يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير كتب الله له الف الف
حسنة ومحى عنه الف الف سيئة ورفع له الف الف درجة
وبنى له بيتا في الجنة ت ي در سنن ترمذي وابن ماجه ومسند
امام احمد وصحيح مستدرك وكتاب عمل اليوم والليل است بروايت عمر رضي الله
عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه در بازار درآيد
پس لا اله الا الله وحده تا آخر گويد خداي تعالى براي او هزار هزار نيكي

بنویسند وهزار بدی ازو محو کند وهزار هزار درجه برای او
بردارد ودر سنن ترمذی وکتاب عمل الیوم و اللیلة است که برای او خانه
در بهشت بنا کند یعنی کوشک وَإِذَا دَخَلَ أَوْ خَرَجَ إِلَيْهِ قَالَ بِسْمِ اللهِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ السُّوقِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُصِيبَ فِيهَا يَمِينًا
فَاجِرَةً أَوْ صَفْقَةً خَاسِرَةً مس ی در صحیح مستدرک وکتاب عمل الیوم
واللیلات بروایت بریده رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
در بازار درآمدی یا سوی بازار بیرون آمدی بسم الله اللهم تا
آخر گفتی یعنی اینست ای بارخدای که من از تو میخواهم نیکی این بازار
و بلا نجه در این بازار است پناه میگیرم بتو و پناه میگیرم بتو از این که
برسد مرا در بازار سوگند دروغ با بیعی و شرائی زیانکار يَا مَعْشَرَ
التُّجَّارِ لِيَتَعَمَّدْ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ مِنْ سُوقِهِ أَنْ يَقْرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فَيَكْتُبُ
اللهُ لَهُ بِكُلِّ آيَةٍ حَسَنَةً ط در معجم کبیر است بروایت ابن عباس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای گروه سوداگران اگر از شما
عاجز میشود ازین که ده آیت قرآن خواند چون از بازار باز گردد بنویسد
خدای تعالی برای او بهر آیة یک نیکی ثبت کند وَإِذَا رَأَى بَاكُورَةَ ثَمَرٍ قَالَ اللَّهُمَّ
بَارِكْ لَنَا فِي ثَمَرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي مَدِينَتِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي صَاعِنَا وَبَارِكْ
لَنَا فِي مُدِّنَا م ت س ق در صحیح مسلم وسنن ترمذی ونسائی وابن ماجه است
بروایت ابی هریره رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم اول

میوه دیدی اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا تا آخر فرمودی یعنی اینست ای بارخدای
برکت کن برای ما در میوهٔ ما و برکت کن برای ما در شهر ما و برکت کن برای
ما در صاع ما و برکت کن برای ما در مدّ ما مدّ ربع صاع است فَإِذَا أُتِيَ بِشَيْءٍ مِنْهُ
دَعَا أَصْغَرَ وَلِيدٍ حَاضِرٍ فَيُعْطِيهِ ذَلِكَ م ت س ق در صحیح مسلم وسنن ترمذی
ونسائی وابن ماجه است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که چون چیزی
از میوه نو پیش رسول صلی الله علیه وسلم آورده شدی کودک خورد
تر را حاضر بودی طلبیده دادی وَمَنْ رَأَى مُبْتَلًى فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا
لَمْ يُصِبْهُ ذَلِكَ الْبَلَاءُ ت ق طس در سنن ترمذی وابن ماجه است بروایت
عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که مبتلائی را ببیند
پس الحمد لله الذی تا آخر گوید او را آن بلا نرسد یعنی اینست حمد مر خدای را
که عافیت داد از بلائی که ترا بدان مبتلا کرد و بر بسیاری از خلق خود
مرا فضل داد مو ت يَقُولُ ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ مو ت در سنن ترمذی
موقوف است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که این دعا را در دل خود گوید
آشکارا نکند که مبتلا بشنود و در دل او درد رسد وَإِذَا ضَاعَ لَهُ شَيْءٌ
أَوْ أَبَقَ اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَهَادِيَ الضَّلَالَةِ أَنْتَ تَهْدِي مِنَ
الضَّلَالَةِ ارْدُدْ عَلَيَّ ضَالَّتِي بِقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ فَإِنَّهَا مِنْ عَطَائِكَ
وَفَضْلِكَ ط در معجم کبیر است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که چون
از کسی چیزی گم شود یا برده گریزد اللهم تا فضلک گوید یعنی اینست

یعنی اذا کان مبتلی بالمعاصی والفسوق واما اذا کان مریضا او ناقص الخلقة ولم یسمع المخاطب ۱۲ طیبی

ودر معجم اوسط است بروایت ابن عمر رضی الله عنهم

او ابق
ضاع شیء
اذا ابل

ای بارخدای باز کردانند کم شده واین راه راست نماینده انکراهی
بقدرتك وسلطان خود کم شده مرا برمن رد کون زیراکه آن ازعطا
وفضل تست اَوْ يَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَيَتَشَهَّدُ وَيَقُولُ بِسْمِ اللهِ
يَا هَادِيَ الضَّالِّ وَرَادَّ الضَّالَّةِ اُرْدُدْ عَلَيَّ ضَالَّتِي بِعِزَّتِكَ وَسُلْطَانِكَ
فَاِنَّهَا مِنْ عَطَائِكَ وَفَضْلِكَ موص درمصنف ابوبکر موقوفاست بروایت
ابن عمر رضی الله عنه که وضو کند ودوکانه نماز کزارد وتشهد خواند
وبعد از فراغ تشهد بسم الله یا هادی تا آخر کوید معنی همانست وَلَا يَتَطَيَّرْ
فَاِنْ فَعَلَ فَكَفَّارَتُهُ اَنْ يَقُولَ اَللّٰهُمَّ لَا خَيْرَ اِلَّا خَيْرُكَ وَلَا طَيْرَ اِلَّا
طَيْرُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اط درمسند امام احمد ومعجم کبیراست بروایت
ابن عمر رضی الله عنه که فال جانور نه بیند پس اکر فال جانور دید کفارة
او اینست که اَللّٰهُمَّ لَا خَيْرَ تا آخر کوید معنی اینست ای بارخدای جز
نیکی تو نیکی نیست وجز فال تو فال نیست وجز تو معبود نیست اِذَا رَاَيْتُمْ
مِنَ الطِّيَرَةِ شَيْئًا تَكْرَهُونَهُ فَقُولُوا اَللّٰهُمَّ لَا يَاْتِي بِالْحَسَنَاتِ
اِلَّا اَنْتَ وَلَا يَذْهَبُ بِالسَّيِّئَاتِ اِلَّا اَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ وحده مصنف
ابی بکر وسنن ابی داود ست بروایت عروة بن عامر رضی الله عنه که رسول
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود از فال جیزی مکروه بیند پس اللهم لا یاتی
تا آخر کوید معنی اینست ای بارخدای جز توکسی نیکیها را نیارد وجز تو
کسی بدیها را دفع نکند وحیله وقوة جز بتو نیست وَمَنْ اُصِيبَ بِعَيْنٍ
رُقِيَ بِقَوْلِهِ بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ حَرَّهَا وَبَرْدَهَا وَوَصَبَهَا

أُصِيبَ الْعَيْنَ
ما يقال الزهون

ثُمَّ قَالَ قُمْ بِاِذْنِ اللهِ س ق س ط در سنن نسائی وابن
ماجة است وصحیح مستدرک ومعجم کبیراست بروایت عامر بن
ربیعة رضی الله عنه که اکر کسی را چشم زخم رسیدی رسول
صلی الله علیه وسلم بر او افسون خواندی بِسْمِ اللهِ
اَللّٰهُمَّ تا آخر واورا فرمودی استاده شو بنام خدای تعالی
معنی اینست افسون میخوانم بنام خدای تعالی ای بارخدای
کرمی وسردی ودرد چشم زخم ببر وَاِنْ كَانَتْ دَابَّةً
نَفَثَ فِي مَنْخِرِهِ الْاَيْمَنِ اَرْبَعًا وَفِي الْاَيْسَرِ ثَلٰثًا وَقَالَ لَا
بَاْسَ اَذْهِبِ الْبَاْسَ رَبَّ النَّاسِ اِشْفِ اَنْتَ الشَّافِي لَا
يَكْشِفُ الضُّرَّ اِلَّا اَنْتَ مر مص در کتاب دعا ابن مردویه ومصنف
ابوبکر ست بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که اکر جهارپایه
چشم زخم رسیده باشد درسوراخ بینی راست او جهار بار دمد
ودرسوراخ چپ او سه بار بدمد ولا باس تا آخر کوید معنی
اینست که نیست باک ای خداوند عالم درد ببر وشفا ده توانی
شفا دهنده درد را جز توکسی نکند فایده منقولست از
فضایل بروایت علی رضی الله عنه که جبرئیل علیه السلام رسول را
صلی الله علیه وسلم غمناک دید کفت ای رسول خدا ترا غمناک
می بینم دید کفت ای رسول خدا ترا غمناک می بینم فرمود که حسن
حسین را چشم زخم رسیده است جبرئیل علیه السلام کفت

المخر هو ثقب الانف
وقد يكسر الميم اتباعا لكسرة
الخاء

درد را دور م

کفت چشم م

اللهم

زخم حق است بدین کلمات تعویذ می باید کرد یا ذا السلطان العظیم ذا المن القدیم ذا الوجه الکریم ولی الکلمات التامات والدعوات المستجابات عاف الحسن و الحسین عن انفس الجن واعین الانس وان اصیب احد بلمم من جن وضعه بین یدیه وعوذه بالفاتحة واول البقرة الی المفلحون والهکم اله الایة وآیة الکرسی ولله ما فی السموات الی آخر البقرة وشهد الله الایة وان ربکم الله فی الاعراف الایة وتعالی الله الی آخر المؤمنون وعشر من اول الصافات الی لازب وثلث آیات من آخر الحشر وانه تعالی الایة من الجن وقل هو الله احد والمعوذتین

ست قا در صحیح مستدرک و سنن ابن ماجه و مسند امام احمد است بروایت ابی بن کعب رضی الله عنه که چون یکی را دیوانگی از سبب جن رسد او را پیش خود بنهد و بر و خواند فاتحه و الم ذلک الکتاب تا مفلحون و الهکم اله تا آیه و آیة الکرسی و لله ما فی السموات تا آخر سورة بقره و شهد الله انه تا آیه و ان ربکم الله در سورة اعراف تا آیه فتعالی الله تا آخر سورة المومنون و ده آیه از اول الصافات تا لازب و سه آیه از آخر سورة حشر و آیه انه تعالی از سورة جن و قل هو الله و معوذتین فائده در انوار است بروایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که او در گوش مبتلائی بباد صرع چیزی خواند در حال آن مبتلا بهوش آمد رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود

ای عبدالله چه خواندی گفت افحسبتم تا آخر سوره خواندم فرمود که اگر مردی جبل را این آیة را با یقین خود خواند کوه از جای خود دور کردد ویرقی المعتوه بالفاتحة ثلثة ایام غدوة و عشیة کلما ختمها جمع بزاقه ثم تفل د س در سنن ابی داود و نسائی است بروایت علاقة بن صحار که رسول صلی الله علیه وسلم دیوانه را افسون بفاتحه سه روز هر بامداد و شبانگاه خواندی هر گاه فاتحه تمام کردی خوی را تف کردی ویرقی اللدیغ بالفاتحة ع در اصول ست است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم گزیده مار را بفاتحه افسون کردی سبع مرات ت هفت بار ولدغت النبی صلی الله علیه وسلم عقرب وهو یصلی فلما فرغ قال لعن الله العقرب لا تدع مصلیا ولا غیره ثم دعا بماء وملح فجعل یمسح علیها ویقرأ قل یا ایها الکافرون وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس م ، صط در معجم صغیر است بروایت علی رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم را در حال نماز کژدم گزید چون از نماز فارغ شد فرمود لعنت خدای کژدم را که مصلی نگذارد پس رسول صلی الله علیه وسلم آب و نمک طلبید و در آوند کرد و بر انگشت خود میریخت و بر جائی که گزیده بود مسح میکرد و هر سه سورة میخواند فائده در حیوة الحیوان آمده که

افسون مجربست که کزیده را برسد که اعلی درد تا کجاست پس
آهن بران نهد و این عزیمت بتکرار خواند و باآهن مسح کند
فرود آرد از اعلی باسفل خود درسد مکیدن کیرد تا که همه
درد برود عزیمت اینست سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَعَلَىٰ محمد
فِي الْمُرْسَلِينَ مِنْ حَامِلَاتِ السَّم اجمعين كَذَٰلِكَ نَجْزِي عِبَادَهُ الْمُحْسِنِينَ
إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ إِنَّ رَبِّي بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ " وَصَلَّى اللّٰه
عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ در تفسیر معالم التنزیل است
در سورهٔ هود که چون نوح علیه السلام بر کشتی سوار میشد مار
و کژدم کفتند که ما را بردار نوح علیه السلام ابا آورده و هر دو شمان
زیان کار اید کفتند هر که نام تو کیرد او را زیان نرسانیم بر
عهد کردند بعده ایشان را در کشتی در آورد هر که سلام علی نوح فی
العالمین کوید مار و کژدم او را زیان نرساند عَرَضْنَا عَلَىٰ رَسُولِ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُقْيَةً مِنَ الْحُمَةِ فَأَذِنَ لَنَا فِيهَا وَقَالَ إِنَّمَا هِيَ
مِنْ مَوَاثِيقِ الْجِنِّ بِسْمِ اللّٰهِ شَجَّةٌ قَرْنِيَّةٌ مِلْحَةٌ بَحْرٌ قَفَطًا طس
در معجم اوسط است بروایت عبد الله بن زید رضی الله عنه کفت که ما
افسون زهرها را کژدم بر رسول صلی الله علیه و سلم عرض کردیم
و هو دا این افسون از عهدهای جن است بسم الله شجة تا آخر آنست
وَيُرْقَى الْحَرْقُ بِقَوْلِهِ أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي
لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ س ا در سنن نسائی و مسند امام احمد است بروایت

محمد بن حاطب رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
سوخته آتش را بقول خود اذهب الباس تا آخر افسون میکرد
یعنی اینست درد را ای پروردکار مردم شفا ده تویی
شفا دهنده جز تو کسی شفا دهنده نیست وَإِذَا رَأَى الْحَرِيقَ
فَلْيُطْفِئْهُ بِالتَّكْبِيرِ ص ی در مسند ابی یعلی موصلی بروایت
ابی هریره رضی الله عنه و در کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت
ابو عمر رضی الله عنه که چون کسی جائی آتش کرفته بیند
پس کو که از تکبیر فرو میرا ند یعنی الله اکبر کوید تا آتش
فرو میرد مُجَرَّبٌ مصنف کوید که مجربست وَيُرْقَى مَنْ لُحِبَسَ
بَوْلُهُ أَوْ أَصَابَتْهُ حَصَاةٌ بِقَوْلِهِ رَبُّنَا اللّٰهُ الَّذِي فِي السَّمَاءِ
تَقَدَّسَ اسْمُكَ أَمْرُكَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ كَمَا رَحْمَتُكَ فِي
السَّمَاءِ فَاجْعَلْ رَحْمَتَكَ فِي الْأَرْضِ وَاغْفِرْ لَنَا حُوبَنَا وَخَطَايَانَا
أَنْتَ رَبُّ الطَّيِّبِينَ فَأَنْزِلْ شِفَاءً مِنْ شِفَائِكَ وَرَحْمَةً مِنْ رَحْمَتِكَ
عَلَىٰ هَٰذَا الْوَجَعِ فَيَبْرَأُ س د مس در سنن نسائی و ابی داود و در
صحیح مستدرک است بروایت ابی الدرداء رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم کسی را که بول او بسته میشد یا سنک
مثانه میرسید بقول خود ربنا الله تا آخر افسون کردی
پس او به شدی معنی آنست که پروردکار ما خدایست که ملک
او در آسمان پاک و برتر است نام تو ای پروردکار فرمان

فروح وجرح
اداب علاج

تو ادرا آسمان و زمین است چنانچه رحمت تو در آسمانست پس (رحمت)
خود را در زمین فرست وگناهان مرا بیامرز تو ئي پروردگار
پاکان پس فرو بیار ازین درد شفائي از شفاء خود و رحمتی
اندر حق خود وَيُدَاوِيْ مَنْ بِهِ قَرْحَةٌ اَوْ جُرْحٌ بِاَنْ يَضَعَ
اِصْبَعَهُ السَّبَابَةَ بِالْاَرْضِ ثُمَّ يَرْفَعُهَا قَائِلًا بِسْمِ اللهِ تُرْبَةُ
اَرْضِنَا بِرِيْقَةِ بَعْضِنَا يُشْفٰى سَقِيْمُنَا اَوْ لِيُشْفٰى سَقِيْمُنَا بِاِذْنِ رَبِّنَا
در صحیح مسلم است بروایت عائشة رضي الله عنها که کسی که ریشی
یا جرحی بودی رسول صلی الله علیه و سلم او را ورد کردی بدین
که انگشت سبابه خود را خوي کرده بر زمین نهادی پس برداشتی
درین حال که بسم الله تربة تا اخر بودی پس جراحتی مسح کردی
معنی اینست ای خاک زمین ما مخلوط بخوي بعض ماست تا شفا
دهد مریض ما را باذن پروردگار ما که در طیبی است که شیخ نور (بد)کو
که ذکر تربت اشارتست بر خاک خلقت آدم علیه السلام و ذکر
ریقه اشارتست بر نطفه آدم علیه السلام که خلقت فرزندان
اوست پس چنانستی که افسون کننده بزبان حال تضرع میکند ای
پروردگار تو اصل اول را بخاک آفریدی و فرزندان از آب (خوار)
پیدا کردی پس تو آسانست که اینچنین کس صحت دهی و قاضی
ناصر الدین گوید که خوي را در نضج و تبدیل مزاج مدخلست
و خاک زمین را در حفظ مزاج و دفع نکبات مضرات تاثیرات

قوله بسم الله تربة
ای التبرک بسم الله هذه تربة
ارضنا وريقة بعضنا ترخت
احديهما على الاخرى لتشفى به
سقيمنا باذن ربنا قال المراد
بارضنا جملة الارض وقيل
ارض المدينة خاصة لبركتها
وبعضنا رسول الله صلى الله عليه
وسلم لشرف ريقه فيكون
ذلك مخصوصا وفيه نظر ١٢
فتح الباري

ومعنى الحديث انه ياخذ
من ريق نفسه على اصبعه
السبابة ثم يضعها على التراب
فيعلق بها منه شيء فيمسح
على الموضع العليل والجريح و
يقول هذا الكلام في حال كذا
قاله الامام النووي ١٢

وطن م

هم ازین جهت در تدبیر مسافران مذکور است که مسافر را باید که خاک
زمین خود گیرد تا چون بآبي مخالف مزاج رسد آن خاک را در آب (نزد) اندا
و بخورد تا از تغییر مزاج ایمن گردد و افسون و عزیمت را
آثاري عجب است که عقل از رسیدن کنه آن باز ماند صاحب
کشاف گوید مراد از بعض محمد صلی الله علیه و سلم است که او افضل
از همه انبیاست علیهم السلام در شرح مسلم است علما گفته اند
که مراد از ارض تمام زمین است و بعضی گویند زمین مدینه است و
اِذَا خَدِرَتْ رِجْلُهُ فَلْيَذْكُرْ اَحَبَّ النَّاسِ اِلَيْهِ موع در کتاب
دعاء ابن مردویه است موقوف بروایت ابن عمر رضي الله عنه
که چون پای کسی خواب کند پس گو که نام محبوب ترین مرد مانرا
گیرد وَمَنِ اشْتَكٰى اَلَمًا اَوْ شَيْئًا فِيْ جَسَدِهِ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنٰى عَلَى الْمَكَانِ (الذی)
يَأْلَمُ وَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ وَلْيَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ اَعُوْذُ بِاللهِ
وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ وَاُحَاذِرُ م عه در صحیح مسلم و جهار سنن (ست)
بروایت عثمان بن العاص رضي الله عنه که هرکه از دردی یا انچیزی
در جسد خود بیند پس گو که دست راست خود را بر محل درد
بنهد و سه بار بسم الله تمام گوید و هفت بار اعوذ بالله وقدرته
تا اخر گوید معنی اینست که بخدای تعالی و بقدرت او پناهم از شر
دردی که می یابم و از شر دردی که از وی میترسم او اعوذ بعزة الله
وقدرته مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ سَبْعًا طا مص در معجم کبیر و مصنف

مَنِ اشْتَكٰى اَلَمًا

اَلَمًا في جسده
اداب اذا وقع

تعوذ من وجع ومكروه
يجده وما يتوقع حصوله
في المستقبل من الحزن والخوف
فان الحذر هو الاحتراز عن المخوف ١٢
طيبي

بعزة الله

ابي بكر است بروايت عثمان رضي الله عنه كه هفت بار كويد
او اعوذ بعزة الله وقدرته على كل شيء من شر ما اجد سبع
مرات يضع يده تحت الثدي ا ط درمسند امام احمد ومعجم كبير
بروايت كعب بن مالك رضي الله عنه اعوذ بعزة الله تا آخر
هفت بار كويد او بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته
من شر ما اجد من وجعي هذا وتراثم يرفع يده ثم يعيدها ت درسنن
ترمذي است بروايت انس رضي الله عنه كه يا بسم الله اعوذ
تا هذا كو بيس دست خود را از محل درد بردارد پس جون باز
خواند باز دست بران نهد او يقرأ على نفسه بالمعوذات و
ينفث خ م د س ق درصحيح بخاري ومسلم وسنن ابي داود و نسائي
وابن ماجه بروايت عايشه رضي الله عنها كه يا معوذات خواند
وبر ذات خود دمد مراد از معوذات قل يا ايها الكافرون
ومعوذتين است ومن اصابه رمد اللهم متعني ببصري و
اجعله الوارث مني وارني في العدو ثاري وانصرني على من
ظلمني مس ي درصحيح مستدرك وكتاب عمل اليوم
والليلة است بروايت انس رضي الله عنه كه كسي را درد چشم
رسد اللهم متعني تا آخر كويد يعني اي خدا بهره مند كن مرا بچشم من
برخورداري ده وچشم مرا باقي كردان ومرا نصرت ده بر كسي
كه ستم بر من كرده است ومن حصلت له حمى يقول بسم الله

الكبير اعوذ بالله العظيم من شر كل عرق نعار ومن
شر حر النار مس ص درصحيح مستدرك ومصنف ابي بكر است
بروايت ابن عباس رضي الله عنه كه كسي را كه تب حاصل كردد
بسم الله الكبير تا آخر كويد يعني مي پناهم
بخداي تعالى كه عظيم است از بدي هر جنبنده واز بدي كرمي
آتش وان اصابه ضر وسئم الحيوة فلا يتمنى الموت فان
كان لا بد فاعلا فليقل اللهم احيني ما كانت الحيوة
خيرا لي وتوفني اذا كانت الوفاة خيرا لي خ م د ي
درصحيح بخاري ومسلم وسنن ابي داود وكتاب ابن السني است
بروايت انس رضي الله عنه واكر كسي را ضرري رسد وسير شود
از حيات پس آرزوي نبرد موت را پس اكر باشد ناچار
آرزو برنده موت را پس كو بكويد اي بار خداي زنده دار
مرا مادام كه باشد حيات بهتر براي من وبميران مرا وقتي
كه باشد مردن بهتر واذا عاد مريضا قال لا باس طهور
ان شاء الله لا باس طهور ان شاء الله خ س درصحيح بخاري
وسنن نسائي است بروايت ابن عباس رضي الله وهركاه آنحضرت
صلى الله عليه وسلم عيادت مريض ميفرمود ميكفت باكي نيست
بر تو پاك شد اين بيماري پاك كننده ترا از كناهان اكر خواهد
خداي بسم الله تربة ارضنا وريقة بعضنا يشفى

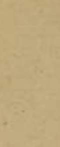
وان اصابه ضر

واذا عاد مريضا

سقیمنا خ م د س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود
و نسائی و ابن ماجه قزوینی است بروایت عایشه رضی الله عنها
که کسی را که ریشی یا جرحی بودی رسول صلی الله علیه و سلم
او را دور کردی بدین انگشت سبابه خود را خوی کرده
بر زمین نهادی پس برداشتی درین حال که میفرمودی بنام خدا
برکت میطلبم این خاک زمین ما مخلوط بخوی بعض ما است تا
شفا دهد مریض ما را و بروایت بخاری باذن ربنا آمده وارد شده
یعنی بدستوری پروردگار ما و در بعضی روایت بخاری باذن الله
واقع است یعنی بدستوری پروردگار ما و در بعضی روایت
بخاری باذن الله واقع است یعنی بدستوری الله تعالی و یمسح
بیده الیمنی و یقول اللهم اذهب الباس رب الناس اشفه
و انت الشافی لا شفاء الا شفاءک شفاء لا یغادر سقما
خ م س در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت عایشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم چون بعیادت مریض
تشریف بردی و مسح کردی بدست راست مبارک خود میفرمودی
ای بار خدای ببر این شده را ازین بیماری بپروردگار آدمیان شفا
ده این مریض را و تو شفا دهنده بیماری نیست هیچ شفایی
مگر شفاء تو شفا ده شفا دادنی که نگذارد هیچ بیماری را بسم الله
ارقیک من کل شیء یؤذیک و من شر کل نفس و عین حاسد

الله یشفیک بسم الله ارقیک م ت س ق در صحیح مسلم و سنن
ترمذی و نسائی و ابن ماجه قزوینی است بروایت ابی سعید
خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم چون بمریض رسیدی
بیمار دفتی باین کلمات تامات دقیه فرمودی بنام خدای
پناه میکنیم ترا از هر چیزی که ایذاء میکند ترا
و از بدی هر نفسی یا چشمی که حسد کنند باشد خدا شفا دهد
ترا بنام خدا پناه میگیرم ترا از همه امراض بسم الله ارقیک والله
یشفیک من کل داء فیک من شر النفاثات فی العقد و من
شر حاسد اذا حسد س مص مس در سنن نسائی و مصنف ابی بکر
بن ابی شیبه و مستدرک حاکم است بروایت ابو هریره رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم چون بعیادت مریض
رفتی این دعا بخواندی که بنام خدای افسون میکنم ترا که خدا
شفا دهاد ترا از هر بیماری که در تست و از بدی زنان که
سحر کنند ها اندر در گرهها و از بدی هر حاسدی وقتی که
حسد کند و بروایت مستدرک حاکم سه بار این کلمات ثلث مرات مس
تکرار کند بسم الله ارقیک من کل داء یشفیک من
کل حاسد اذا حسد و من شر کل ذی عین ا در مسند
امام احمد است بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول
صلی الله علیه و سلم بمریض بیمار دفتی این کلمات

بر و خواندي بنام خدا افسون كنم ترا از هر زحمتي شفا دهد
ترا پناه كيرم ترا از بدي هر حاسدي و ديدن كه حسد كند ترا و از
بدي هر چشم زخم اللهم اشف عبدك ينكا لك عدوا و
يمشي لك الى جنازة د حب سن در سنن ابي داود و ابن حبان و
مستدرك حاكم بروايت عبد الله بن عمرو كه چون رسول صلى
الله عليه وسلم بعيادت بيمار رفتي فرمودي اى بار خدا شفا
ده بنده خود را تا غزا كند در راه تو و مجروح سازد براى
تو دشمني را و ميرود براى رضاى تو بسوى جنازه مومني اللهم
اشفه اللهم عافه مس حب در مستدرك حاكم و در جامع ترمذي
و صحيح ابن حبان است بروايت على رضي الله عنه كه مي فرمود
اللهم اشفه اللهم عافه اى بار خدا شفا ده او را اى بار خدا
عافيت بخش او را س و در سنن نسائي است بروايت علي
رضي الله عنه كه ميفرمود اللهم اشفه اللهم اعفه اي بار
خدا شفا ده او را اى بار خداى عافيت بخش او را يا فلان
شفى الله سقمك وغفر ذنبك وعافاك في دينك و جسدك
الى مدة اجلك س در مستدرك حاكم است بروايت سلمان
كه چون رسول صلى الله عليه وسلم به عيادت بيمار رفتي
فرمودي كه اى فلان شفا دهد الله تعالى بيماري ترا و بيا
مرزد كناه ترا و عافيت بخشد ترا در دين تو و در بدن تو



تا مدت اجل تو ومن عاد مريضا لم يحضر اجله فقال عنده سبع
مرات اسأل الله العظيم رب العرش العظيم ان يشفيك الا
عافاه الله من ذلك المرض د ت س در سنن ابي داود و جامع
ترمذي و سنن نسائي و صحيح ابن حبان و مستدرك حاكم و
مصنف ابن ابي شيبه است بروايت ابن عباس رضي الله عنهما
كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه كسى كه بپرسد مريض را
كه اجل او نرسيده باشد و بكويد نزد او هفت بار اين كلمات را كه سوال
ميكنم خداي را كه بزرك است پروردكار عرش عظيم است آنكه شفا دهد ترا
و نكويد اين كلمات را نزد وي مكر عافيت بخشد الله تعالى او را از آن
بيماري وجاء رجل الى على رضي الله عنه فقال ان فلانا شاك فقال ايسرك
ان يبرأ قال نعم قال قل يا حليم يا كريم اشف فلانا فانه يبرأ مو مص
در مصنف ابن شيبه است موقوف آيت فضيل ابن عمرو و آمد مردي بسوى
علي رضي الله عنه پس كفت آن مرد كه بتحقيق فلان بيمار است پس فرمود
على رضي الله عنه ايا خوش حال كند ترا آنكه او نيك شود كفت آري فرمود
بكو يا حليم يا كريم شفا فلانا پس بدرستى او صحت يابد و ايما مسلم
دعا بقوله لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين حمل بار پس
بميرد در آن مرض داده شود او را مزد شهيدى و اكر نيك شود در حالى
كه آمرزيده شده باشد از جميع كناهان خود ومن قال في مرضه لا اله الا
الله والله اكبر لا اله الا الله وحده لا اله الا الله وحده لا شريك له

اربعين مرة فمات في مرضه
ذلك اعطي اجر شهيد وان برا
برا وقد غفر له جميع ذنوبه س
در مستدرك حاكم است بروايت
سعد بن ابي وقاص كه حضرت رسالت
صلى الله عليه وسلم فرمود كه هر كس
دعا كند بقول خداى عز وجل
بقوله لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين م

لا اله الا الله له الملك وله الحمد لا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله ثم مات
لم تطعمه النار ت س ق حب مس در جامع ترمذی وسنن نسائی
وابن ماجه قزوینی وصحیح ابن حبان ومستدرک حاکم است بروایت ابی سعید
خدری وابی هریره رضی الله عنهما که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم
فرمود که کسی که بگوید در مرض خود این کلمات را بعد از آن بمیرد نسوزد
او را آتش دوزخ من سأل الله الشهادة بصدق وبلّغه الله منازل الشهداء
وان مات علی فراشه م عه در صحیح مسلم وسنن اربعه است بروایت سهل
بن حنیف که حضرت رسالت فرمود صلی الله علیه وسلم فرمود که کسی که بگوید
در مرض خود این کلمات را بعد از آن بمیرد نسوزد او را آتش دوزخ
بخواهد از خدای تعالی شهادت از روی راستی برساند او را خدای
تعالی بدرجات شهداء ۰ واگرچه بمیرد بر فراش خود من طلب
الشهادة صادقا اعطیها ولو لم تصبه م در صحیح مسلم است
بروایت انس که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود کسی که
طلب کند شهادت را در حالی صادق باشد دران داده شود او را ثواب
شهادت واگرچه نرسد شهادت باو من قاتل فی سبیل الله فواق
ناقة فقد وجبت له الجنة ومن سأل الله القتل من نفسه صادقا ثم
مات او قتل کان له اجر شهید عه در سنن اربعه است بروایت معاذ
بن جبل که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که کسی که مقاتله کند در راه
خدای تعالی آن مقدار زمانی که میان دو دوشیدن باشد پس بدو

واجب شود او را بهشت وکسی که خواهد از خدای تعالی قتل را در راه از
نفس خود در آن حالی که صادق باشد بآن خواهش پس از آن بمیرد یا
کشته شود باشد مر او را ثواب مرد شهیدی اللهم ارزقنی شهادة
فی سبیلک واجعل موتی ببلد رسولک خ در صحیح بخاری است که امیر المؤمنین
عمر رضی الله عنه این دعا میخواند معنی آنست که ای بار خدای روزی کردان
مرا شهادت در راه خود وکردان موت مرا در شهر رسول خود فاذا حضره
الموت وجّه الی القبلة س در مستدرک حاکم است بروایت ابی قتادة انصاری
که رسول صلی الله علیه وسلم میفرمود که هرگاه حاضر شود مریض را موت
کردانیده شود روی او را بسوی قبله ویقول اللهم اغفر لی وارحمنی
والحقنی بالرفیق الاعلی خ م ت در صحیح بخاری ومسلم وجامع ترمذی
است بروایت عایشه رضی الله عنها میفرمود حضرت رسالت صلی الله
علیه وسلم این کلمات که ای بار خدای بیامرز مرا وببخشای مرا وبرسان
مرا باکنان اعلی علیین که پیغمبرانند لا اله الا الله ان للموت
سکرات خ س ق در صحیح بخاری وسنن نسائی وابن ماجه است
بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم میفرمود
در مرض موت خود که نیست هیچ خدای معبود بحق جز الله تعالی بدرستی
مر موت را شدادهاست اللهم اعنّی علی غمرات الموت وسکرات
ت در جامع ترمذی است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی
الله علیه وسلم میفرمود در مرض موت خود ای بار خدای یاری ده مرا

بر دشواریهاء موت و شدتهاء موت یقول الله عز و جل ان
عبدی المؤمن عندی بمنزلة کل خیر یحمدنی و انا انزع نفسه
من بین جنبیه ا در مسند امام احمد است بروایت ابو هریره رضی
الله عنه که گفت رسول صلی الله علیه و سلم که میفرماید خدای تعالی
که بدرستی بنده مؤمن من نزد من بمنزله هر چیزی است در حالی
که حمد میکند مرا و من می ستانم روح او را از میان دو پهلوی
او و من حضره عنده فلیلقنه لا اله الا الله م عه در صحیح مسلم و سنن
اربعه است بروایت ابی سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم میفرمود کسی که حاضر شود نزد محتضر پس گویا دهد او را
کلمه طیبه من کان آخر کلامه لا اله الا الله دخل الجنة د مس
در سنن ابی داود و مستدرک حاکم است بروایت معاذ بن جبل
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود کسی که باشد آخر کلام او لا اله
الا الله در آید در بهشت و اذا غمضه دعا لنفسه بخیر فان
الملائکة یؤمنون علی ما یقول فیقول اللهم اغفر لفلان
وارفع درجته فی المهدیین و اخلفه فی عقبه فی الغابرین
واغفر لنا وله یا رب العالمین وافسح له فی قبره و نور له فیه م د ق
در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه قزوینی است
بروایت ام سلمه رضی الله عنها هر گاه که حاضر شوند بپوشند
چشمان میت را دعا کند برای نفس خود بخیر پس بدرستی که ملائکه

رحمت آمین میگویند بر چیزی که وی میگوید پس بگوید ای بار خدا
بیامرز مر فلان را و بلند گردان درجه او را در زمره آنها که راه نموده
شده اند و خلیفه باش مر او را در اولاد او که باقی مانده اند و بیامرز مرا
و مر او را ای پروردگار عالمیان و فراخی کن مر او را در قبر او
و روشن گردان مر او را در آن و لیقل اهله اللهم اغفر لی
وله واعقبنی منه عقبی حسنة م عه در صحیح مسلم و سنن اربعه است
بروایت ام سلمه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که بگویند
اهل میت بعد قبض روح او که بار خدای بیامرز مرا و مر او را و از پس
او در آر مرا از وی عاقبت نیک یعنی بدل صالح بمنا کرامت کن
و لیقرأ علیه سورة یس س د ق حب مس در سنن نسائی و ابی داود
و ابن ماجه قزوینی و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم است بروایت
معقل بن یسار رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که
خوانده شود بر محتضر سوره یس و یقول صاحب المصیبة
انا لله و انا الیه راجعون اللهم اجرنی فی مصیبتی و اخلف لی
خیرا منها م در صحیح مسلم است بروایت ام سلمه که رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود نیست هیچ مسلمانی که برسد او را مصیبتی
پس بگوید انا لله و انا الیه راجعون الخ یعنی بدرستی که ما از آن
خدائیم و بدرستی بسوی او باز گردندگانیم ای بار خدای مزد ده
مرا در مصیبت ما و عوض ده مرا چیزی که بهتر باشد از آن و اذا

مات ولد العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد عبدي
فيقولون نعم فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع
فيقول ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت الحمد ت حب ى
در سنن ترمذی وصحیح ابن حبان وکتاب ابن السنی است بروایت
ابو موسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود وقتی که بمیرد فرزند بندهٔ مومن فرماید خدای تعالی مر
فرشتگان خود را که قبض کردید روح پسر بندهٔ مرا پس بگویند
آری پس فرماید خدای تعالی چیست آنکه گفت بنده من پس بگویند
که حمد کرد ترا واسترجاع کرد یعنی انا لله وانا الیه راجعون
گفت پس فرماید حق تعالی مر فرشتگان را که بنا کنید برای بندهٔ من خانه
در بهشت وبنامید او را خانهٔ حمد فاذا عزي احدا يسلم
ويقول ان لله ما اخذ ولله ما اعطى وكل عنده باجل مسمى فلتصبر
ولتحتسب خ م د س ق در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی
وابن ماجة قزوینی است بروایة اسامة بن زید که رسول صلی
الله علیه وسلم تعزیت میفرمود کسی را سلام میکرد بروی میگفت
بدرستی که خدای راست آنچه گرفت ومر خدای راست آنچه عطا فرمود
هر چیزی را از اخذ واعطا وغیره نزد خداوند سبحانه مخصوص
بوقت معین پس صبر کنی تو وگو ثواب طلبی تو وکتب صلى الله عليه
وسلم الى معاذ يعزيه في ابن له بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله الى معاذ بن جبل سلام عليك فاني احمد اليك
الله الذي لا اله الا هو اما بعد فاعظم الله لك الاجر والهمك الصبر
ورزقنا واياك الشكر فان انفسنا واموالنا واهلينا واولادنا
من مواهب الله عز وجل الهنيئة وعواريه المستودعة نمتع بها
الى اجل معدود ويقبضها لوقت معلوم ثم افترض علينا الشكر اذا
اعطى والصبر اذا ابتلى فكان ابنك من مواهب الله الهنيئة و
عواريه المستودعة متعك به في غبطة وسرور وقبضه منك
باجر كثير الصلوة والرحمة والهدى ان احتسبت فاصبر
ولا يحبط جزعك اجرك فتندم واعلم ان الجزع لا يرد شيئا
ولا يدفع حزنا وما هو نازل فكان قد والسلام مس در مستدرک
حاکم وکتاب ابن مردویه است بروایت معاذ بن جبل که نوشت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم کتاب را بسوی معاذ در آن حال که
تسلی کرد وی را در فوت پسری که مر او را بود بنام خدا که رحمن
ورحیم است می نویسم این کتاب را از محمد فرستادهٔ خدای
بسوی معاذ پسر جبل از محمد رسول الله سلامی است بر تو پس
بدرستی که من حمد میکنم با تو خدای را عز وجل آن خدائی که
نیست هیچ معبود بحق غیر وی هر چون که باشد بعد حمد پس
بزرگ کرداند خدای تعالی مر ترا مزدی والهام کند شکیبائی
وروزی کند ما را وترا شکر پس بدرستی که نفسهای ما ومالهای ما

واهلها ما و فرزندان ما از بخششهای خداست عز وجل که کوارا
اند و از عاریتهاء اوست که ودیعت کرده شده است نزد
ما برخورداري میکیریم بآن ها تا زمانی که شمرده شده است و مي
ستاند آنها را در وقت معلوم پس از ان فرض کردانیده است
بر ما شکر را هر کاه که بدهد و فرض کرده است بر ما صبر را
وقتی که بیازماید ما را بآن ها پس بود پسر تو از بخششهاء خدای
تعالی که خوب بوده و ان جمله عاریتها ودیعت کرده شده بود نزد
تو برخورداري داده بود ترا باو در حالي که آرزو می بردند
باو و خوش حالی میکردند باو و کرفت او را از تو بمزد عظیم
و برکت رحمت و رضوان و راه نمودن اکر طلب ثواب کني پس
صبر کن و باطل نسازد جزع و فزع تو مزد ترا تا پشیمان شوی
بدان بدرستی که جزع و فزع نمیکند هیچ چیزی را و دفع نمیکرد اند
اندوه را و چیزی که نازل شونده است پس کویا واقع شد پس فا
نیست در جزع و سلامتی بر تو باد ولما توفي رسول الله صلی
الله علیه وسلم عزتهم الملائكة السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
ان في الله عزاء من كل مصيبة وخلفا من كل فائت فبالله
فثقوا واياه فارجوا فانما المحروم من حرم الثواب والسلام
عليكم ورحمة الله وبركاته مس در مستدرک حاکم است بروایت
جابر رضي الله عنه که آن هنگام که وفات کرد رسول صلی الله علیه

فان المحروم

تعزیت کردند مر اهل بیت و اصحاب را فرشتکان کفتند که سلامتی
است بر شما و رحمت خدا و برکات او و بدرستی که در لقاء خدای
تعالی تعزیت و تسلی است از هر مصیبتي و خلفي است از هر
فائت پس بخدای عز وجل اعتماد کنید و باو امیدوار باشید
پس نیست نا امید مکر کسي که نا امید کرده شود از ثواب و سلامتی
باد بر شما و رحمت خدای و برکات او ودخل رجل اشهب
اللحية جسيم صبيح فتخطا رقابهم فبكي ثم التفت الى الصحابة
فقال ان في الله عزاء من كل مصيبة وعوضا من فائت وخلفا
من كل هالك فالى الله فانيبوا واليه فارغبوا ونظره اليكم
في البلاء فانظروا فانما المصاب من لم يجبر وانصرف فقال ابو بكر
وعلي هذا الخضر عليه السلام مس در مستدرک حاکم است بروایت
انس رضي الله عنه که آن هنکام که وفات کرد رسول صلی الله علیه وسلم
در آمد مردی چال ریش تنه دار خوش روي پس میکذشت بر
کردن هاء اصحاب را پس کریه کرد پس متوجه شد باصحاب
رسول الله صلی الله علیه وسلم و کفت بدرستی که در لقاء
خدای تعالی تعزیت و تسلي است از هر مصیبتي و عوضي است از هر
فوت شونده و قایم مقامي است از هر هالکي پس بسوی خدای باز
کردید و بسوی او رغبت کنید و نظر رحمت اوست بسوی شما
در بلاء پس منتظر شوید پس مصیبت زده نیست مکر کسی که

رضي الله عنهم

کل

قوله ان في الله عزاء اي تعزية من كل مصيبة فاقام الاسم مقام المصدر قال صاحب النهاية في الحديث من لم يتعز بعزاء الله فليس منا اراد بالتعزي في هذا الحديث التسلي والتصبر عند المصيبة وان يقول انا لله وانا اليه راجعون نقلي هذا يجوز ان يقدر مضاف في قوله في الله اي في لقاء الله عزاء اي تسليا وتصبرا عن كل مصيبة وان يراد في الله مسبب على التجريد

رضي الله عنها

ما يقال اذا رفع الميت على السرير

مصيبت او جبر کرده نشود بعد ازان آن مرد بازکشت پس کفت
ابو بکر وعلی رضی الله عنهما که این حضرت علیه السلام می فرمود
رَفَعَ الْمَيِّتَ عَلَى السَّرِيرِ اَوْ حَمَلَهُ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ حص در مصنف
ابن ابی شیبه است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون برداشت میت
را بر سریر یا بر دارد او را بسوی قبر پس کو بکوید بِسْمِ اللهِ

اداب نماز جنازه

وَاِذَا صَلَّى عَلَيْهِ كَبَّرَ ثُمَّ قَرَاءَ الْفَاتِحَةَ ثُمَّ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ
يَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَيَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
وَرَسُولُكَ اَصْبَحَ فَقِيرًا اِلَى رَحْمَتِكَ وَاَصْبَحْتَ غَنِيًّا عَنْ عَذَابِهِ تَخَلَّى
مِنَ الدُّنْيَا وَاَهْلِهَا اِنْ كَانَ زَاكِيًا فَزَكِّهِ وَاِنْ كَانَ مُخْطِئًا فَاغْفِرْ لَهُ
اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهُ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ مس در مستدرک حاکم بروایت
ابن عباس رضی الله عنهما که اکر نماز کذارد بر میت تکبیر کوید بعد ازان
فاتحه خواند بعد ازان درود بر سرور کائنات بکوید پس ازان
بکوید که ای بارخدای این بنده تست و پسر بنده تست و پسر کنیزک
تست و کواهی میدهد که نیست هیچ معبودی بغیر تو در ان حالی که
یکانه تو نیست هیچ شریک مر ترا و کواهی میدهد که بدرستی محمد بنده
تست و پیغمبر تست صباح کرد این بنده که محتاج است بسوی
رحمت تو و صباح کردی تو بی نیاز از عذاب او و مفارقت کرد
از دنیا و اهل او اکر پاک است پس بیفزای در پاکی او و اکر کناه

کاراست

قوله نزله بضم النون وزاء او هو في الاصل قرى الضيف يعني الاجر والثواب والمغفره ۲۲ مفاتيح

قوله قبره موضع دخوله فيه وهو القبر يعني ما يدخل الله فيه وهو الذي مفاتيح

قوله من الدنس بفتح الدال والنون الوسخ يريد المبالغة في التطهر من الخطايا والذنوب ۲۲ مفاتيح

کارات پس بیامرز مر او را ای بارخدای محروم مکردان
ما را از اجر و ثواب او و کمراه مکردان ما را بعد او اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ وَاَكْرِمْ نُزُلَهُ
وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا
كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْاَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَاَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا
مِنْ دَارِهِ وَاَهْلًا خَيْرًا مِنْ اَهْلِهِ وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَاَدْخِلْهُ
الْجَنَّةَ وَاَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ م ت س ق مص
در صحیح مسلم و جامع ترمذی و نسائی و ابن ماجه قزوینی و مصنف
ابن ابی شیبه است بروایت عوف بن مالک الاشجعی که بود رسول
صلی الله علیه وسلم که میخواند این دعا را در نماز جنازه که
ای بارخدای بیامرز مر او را و رحمت کن او را و عافیت بخش
او را و در کذر از و و بزرک کردان اجر او را و کشاده
کردان قبر او را و پاک کردان او را باب مغفرت و ثلج
رحمت و برد عفو و پاکیزه کردان او را از کناهان چنانکه
پاک کردی تو جامه سفید را از چرک و عوض ده او را سرای
بهتر از سرای دنیا و عوض ده او را اهلی که بهتر باشد
او را از اهل او و زن ده او را بهتر از زنان دنیا و در آر
او را بفضل خود در بهشت و پناه بخش او را از عذاب کور
و عذاب آتش اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَصَغِيرِنَا

وكبيرنا وذكرنا وانثانا وشاهدنا وغائبنا اللهم من
احييته منا فاحيه على الاسلام ومن توفيته منا فتوفه على
الايمان اللهم لا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده د ت س حب مس در سنن
ابی داود وجامع ترمذی وسنن نسائی ومسند احمد وصحیح ابن حبان
ومستدرک حاکم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که بود پیغمبر صلی
الله علیه [وسلم] که میخواند این دعا را در نماز جنازه ای بارخدای بیامرز
زنده مارا ومرده مارا وخورد مارا وبزرگ مارا ونر مارا وماده
مارا وحاضر مارا وغایب مارا ای بارخدای کسی را که زنده داری از ما
پس زنده دار او را بر ایمان وهر کرا بمیرانی از ما پس بمیران
او را با سلام ای بارخدای محروم مگردان مارا از مزد او وگمراه
مگردان مارا بعد از مردن او اللهم انت ربها وانت خلقتها
وانت هديتها للاسلام وانت قبضت روحها وانت اعلم بسرها
وعلانيتها جئنا شفعاء فاغفر لها له د در سنن ابی داود وجامع
ترمذی وسنن نسائی ومسند احمد صحیح ابن حبان ومستدرک
حاکم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که بود پیغمبر صلی الله ونسائی
است بروایت ابو هریره ودر سنن ابی داود فاغفر لها واقع شده
ودر سنن نسائی فاغفر له بود رسول خدا صلی الله علیه وسلم
که میخواند این دعا را در نماز جنازه ای بارخدای تویی پروردگار
او وتو آفریدی او را وتو راه نمودی او را بسوی اسلام وتو

الاسلام الایمان

فاغفر د س لها
له د

کردی

کردی روح او را وتو داناتری به پنهان او وآشکارا او آمدیم
در حالی که شفیعان اوییم پس بیامرز مر او را اللهم ان فلان
بن فلان في ذمتك وحبل جوارك فقه من فتنة القبر وعذاب
النار وانت اهل الوفاء والحمد اللهم فاغفر له وارحمه انك انت
الغفور الرحيم د ق در سنن ابی داود وابن ماجه قزوینی است
بروایت واثله رضی الله عنه که بود پیغامبر صلی الله علیه وسلم که میخواند
این دعا را بر جنازه ای بارخدای که بدرستی فلان بن فلان در امان
تست ودر عهد طاعت تست پس نگاه دار او را از فتنه قبر وعذاب آتش
وتویی اهل وفا واهل حمد وثنا پس بیامرز او را وبخشای او را
بدرستی که تویی آمرزگار بسیار بخشش اللهم عبدك وابن امتك
احتاج الى رحمتك وانت غني عن عذابه ان كان محسنا فزد في احسانه
وان كان مسيئا فتجاوز عنه مس در مستدرک حاکم است بروایت
زید بن رکانه که بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که میخواند این دعا را
بر جنازه ای بارخدای این بنده تست وپسر کنیزک تست محتاج
شده بسوی رحمت تو وتویی بی نیازی از عذاب او اگر هست
نیکوکار پس بیفزای در احسان او واگر هست بدکار پس درگذران
ازو اللهم عبدك وابن عبدك كان يشهد ان لا اله الا الله وان
محمدا عبدك ورسولك وانت اعلم به مني ان كان محسنا فزد
في احسانه وان كان مسيئا فاغفر له ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا

بلا حب درصحیح ابن حبان است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که بود پیغامبر صلی الله علیه وسلم میخواند این دعا را بر جنازه
ای بارخدای این بنده تست و پسر بنده تست و بود که گواهی میداد
که نیست هیچ معبودی سزاء پرستش غیر خدای و گواهی میداد بدرستی
که محمد بنده تست و فرستاده تست و تو دانا تری باحوال او از من
اگر بود محسن پس بیفزای در احسان و اگر بود مسیء پس بیامرز
اورا و محروم مگردان مارا از اجر او و در فتنه میفکن مارا پس از و
وَإِذَا وَضَعَهُ فِي قَبْرِهِ قَالَ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا
نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى بِسْمِ اللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ
اللّٰهِ كس درمستدرک حاکم بروایت ابوامامه که بود پیغامبر صلی الله
علیه وسلم هرگاه وضع میکرد میت را در قبر میفرمود این آیه
میخواند و معنی آنست که از زمین خلق کردیم شمارا و در زمین باز میگردانیم شمارا و ازان بیرون میکنیم شمارا مرتبه دیگر
در آی بنام خدای و در راه خدا و بر طریق رسول خدا بِسْمِ اللّٰهِ وَعَلَى
سُنَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صلى الله عليه وسلم د س ت حب درسنن ابی داود و نسائی است بروایت
عثمان رضی الله عنه و در جامع ترمذی و صحیح ابن حبان است بروایت
ابن عمر رضی الله عنه که هرگاه می نهادند میت را در قبر میفرمود که
در آی بنام خدای و بر طریق رسول خدا بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللّٰهِ مس درمستدرک حاکم است بروایت ابن عمر رضی الله عنه
و معنی دعا مذکور شده فَإِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِهِ وَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ فَقَالَ اسْتَغْفِرُوا

آداب الدفن وفقه

اللّٰهَ لِأَخِيكُمْ وَاسْأَلُوا لَهُ التَّثْبِيتَ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ د مس سنی
در سنن ابی داود و مستدرک حاکم و مسند بزار و سنن بیهقی است
بروایت عثمان بن عفان رضی الله عنه که بود رسول صلی الله علیه وسلم
هر وقتی که فارغ شدی از دفن میت می استاد بر قبر و میفرمود
که طلب آمرزش کنید از خدای برای برادر خود و بخواهید برای
او ثابت بودن در جواب ملکین پس بدرستی که او این زمان
پرسیده میشود وَيُقْرَأُ عَلَى الْقَبْرِ بَعْدَ الدَّفْنِ أَوَّلُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ
وَخَاتِمَتُهَا سنی درسنن بیهقی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما و
میخواند بر قبر بعد دفن میت اول سورة بقره و آخر آنرا وَإِذَا أَتَى
الْقُبُورَ فَلْيَقُلِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَلَاحِقُونَ نَسْأَلُ اللّٰهَ
لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ م س ق درصحیح مسلم و سنن نسائی و ابن ماجه است
بروایت بریده که هرگاه زیارت کند قبور را پس گو بگوید سلامتی
باد بر اهل دیار و مراد از دیار مقابر است یا سلامتی است بر شما
ای اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان و بدرستی که اگر خواهد خدا
بشما لاحق شوند کانیم میخواهیم برای خود برای شما از الله تعالی
عافیت را أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ س درسنن نسائی است
بروایت بریده شما مرا میران منزل آید و ما شمارا پس آینده کانیم
السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللّٰهُ

زیارة القبور وما یقال فیها

الْمُسْتَقْدِمِينَ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَلَاحِقُونَ
م س ق درصحیح مسلم وسنن نسائی وابن ماجه است
بروایت عایشه رضی الله عنها که بود رسول صلی الله علیه وسلم
که میفرمود سلامتی باد بر اهل مقابر از مومنان ومسلمانان
ورحمت کند خدای تعالی آنانکه پیش روندگانند ازما
وازپس ایندگانند ازما وما بدرستی اگر خواهد خدای عز وجل
بشما رسندگانیم اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ
وَأَتَاكُمْ مَا تُوعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ
م س درصحیح مسلم وسنن نسائی است بروایت عایشه
رضی الله عنها سلامتی باد بر شما ای اهل سرای ازان گروه
مومنان وآمد شمارا چیزی که بشمان وعده کرده شده است
فردا ومراد ازین قیامت است بشما اجل کرده شده است وما
بدرستی اگر خواهد خدا بشما رسندگانیم اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
يَا أَهْلَ الْقُبُورِ يَغْفِرُ اللهُ لَنَا وَلَكُمْ أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْأَثَرِ ت
درجامع ترمذی است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که منقول است
سلامتی باد بر شما ای اهل قبور بیامرزد مارا وشمارا خدای عز وجل
شمان پیش روندگان مائید ومایس آیندگان شما اَلذِّكْرُ الَّذِي وَرَدَ
فَضْلُهُ غَيْرُ مَخْصُوصٍ بِوَقْتٍ وَلَا سَبَبٍ وَلَا مَكَانٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
هِيَ أَفْضَلُ الذِّكْرِ ت درجامع ترمذی است بروایت جابر بن

عبد الله که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که کلمه طیبه بهتر ذکر است
وَهِيَ أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ ا درمسند احمد است بروایت بریده که
آن کلمه بهترین نیکوئیها است أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ
مَنْ قَالَهَا خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ خ درصحیح بخاری است بروایت
ابوهریره رضی الله عنه که پیغامبر فرمود صلی الله علیه فرمود که نیک بخت
ترین مردمان بسبب شفاعت من درروز قیامت کسی است که بگوید
این کلمه را درحالی که خالص باشد از دل خود یا از نفس خود يَخْرُجُ
مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَهَا وَفِي قَلْبِهِ وَزْنُ شَعِيرَةٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ مِنْ إِيمَانٍ
وَيَخْرُجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَهَا وَفِي قَلْبِهِ وَزْنُ بُرَّةٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ مِنْ
إِيمَانٍ خ م ت درصحیح بخاری ومسلم وسنن ترمذی است بروایت
انس رضی الله عنه که گفت پیغامبر صلی الله علیه وسلم بیرون می آید
از آتش دوزخ کسی که گفته است آن کلمه را ودر دل او مقدار جویست
از نیکوئی یا از ایمان شک راوی است وبیرون می آید از آتش کسی که
گفت آنرا درحالی که در دل او مقدار دانه گندم است از نیکوئی یا ایمان
وبیرون می آید از آتش کسی که گفت آنرا درحالی که در دل او مقدار ذره است
از نیکوئی یا ایمان مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَهَا ثُمَّ مَاتَ عَلَى ذٰلِكَ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ
وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ
م درصحیح مسلم است بروایت ابی غفاری رضی الله عنه که پیغامبر
فرمود صلی الله علیه وسلم نیست هیچ بنده که گفت کلمه طیبه را پس از آن

السلام عليكم دار قوم مؤمنين وانا ان شاء الله بكم لاحقون د

المنزل الثامن

كلمه لا اله الا الله فضيلت

ويخرج من النار من قالها وفي قلبه وزن ذرة من خير او ايمان

مرد بران کلمه یعنی بر اسلام ثابت بود تا وقت مردن مگر
در آمد در بهشت و اگر چه زنا کرد و اگر چه دزدی
کرد سه بار تکرار فرمود جَدِّدُوا اِیْمَانَکُمْ قِیْلَ
یَا رَسُوْلَ اللهِ وَ کَیْفَ نُجَدِّدُ اِیْمَانَنَا قَالَ اَکْثِرُوْا
مِنْ قَوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ احمد طب در مسند احمد و کتاب طبرانی
است بروایت ابی ذر که رسول صلی الله علیه وسلم میفرمود تازه
سازید ایمان خود را اصحاب گفتند یا رسول الله بچه کیف
تازه کنیم ایمان خود را فرمود که بسیار گوئید کلمه طیب را
لَیْسَ لَهَا دُوْنَ اللهِ حِجَابٌ حَتّٰی تَخْلُصَ اِلَیْهِ ت در جامع ترمذی
است بروایت عبد الله بن عمرو که فرمود صلی الله علیه وسلم
نیست مر این کلمه طیب را نزد خدا هیچ حجابی تا میرسد بسوی
حق جل ذکره قَوْلُهَا لَا یَتْرُکُ ذَنْبًا وَ لَا یُشْبِهُهَا عَمَلٌ مس در
مستدرک حاکم است بروایت ام هانی بنت ابی طالب رضی الله عنها
که پیغامبر فرمود صلی الله علیه وسلم گفتن کلمه طیب نمیگذارد
هیچ گناهی را و نمی ماند با وی هیچ عملی یعنی گفتن این کلمه بهترین
عملها است لَوْ اَنَّ اَهْلَ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ فِیْ کِفَّةٍ
وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ فِیْ کِفَّةٍ مَالَتْ بِهِمْ حب س د در صحیح ابن حبان
و سنن نسائی و ابی داود است بروایت ابن عمرو ابو سعید خدری
رضی الله عنهما که پیغامبر فرمود صلی الله علیه وسلم اگر بدل سنجی

اهل هفت آسمان و اهل هفت زمین باشند در پله لا اله الا الله
در پله دیگر گران آید بر ایشان مَا قَالَهَا عَبْدٌ قَطُّ مُخْلِصًا اِلَّا فُتِحَتْ
لَهُ اَبْوَابُ السَّمَاءِ حَتّٰی تُفْضِیَ اِلَی الْعَرْشِ مَا اجْتُنِبَتِ الْکَبَائِرُ
ت س مس در جامع ترمذی و سنن نسائی و مستدرک حاکم است
بروایت ابی هریره رضی الله عنه که پیغامبر فرمود صلی الله علیه وسلم نگفت
آن کلمه را هیچ بنده مؤمن هرگز در آن حالی که خالص کرده باشد آنرا
مگر گشاده کرده باشد برای او درهای آسمان تا میرسد بسوی عرش
خدا ما دام که دوری جوید از کبائر لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ
لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَ یُمِیْتُ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ مَنْ قَالَهَا
عَشْرَ مَرَّاتٍ کَانَ کَمَنْ اَعْتَقَ اَرْبَعَ اَنْفُسٍ مِنْ وُلْدِ اِسْمَاعِیْلَ خ
م ت س ا در صحیح بخاری و مسلم و جامع ترمذی و سنن نسائی و مسند
احمد است بروایت ابو ایوب انصاری که پیغامبر فرمود صلی الله علیه وسلم
کسی که گوید این کلمه را ده بار باشد این قایل مثل کسی که آزاد کرد
چهار نفس از فرزندان اسماعیل علیه السلام و معنی کلمه مذکور
شد وَ مَرَّةً لِعِتْقِ نَسَمَةٍ ا مص در مسند احمد و مصنف ابن ابی
شیبه است بروایت براء بن عازب که گفتن آن کلمه یکبار مانند
آزاد کردن یک نفس آدمی است وَ مِائَةَ مَرَّةٍ کَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ وَ
کُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَ مُحِیَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَیِّئَةٍ وَ کَانَتْ لَهُ حِرْزًا
مِنَ الشَّیْطَانِ وَ لَمْ یَاْتِ اَحَدٌ بِاَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ اِلَّا اَحَدٌ عَمِلَ اَکْثَرَ

بَعْدَه

عَشْرٍ

مِنْ ذَلِكَ هو در صحیح ابو عوانه است کسی که بگوید آن کلمه
را صد بار باشد آن کلمه مر او را برابر آزادی ده نفر نوشته
شود برای او صد نیکویی و محو کرده شود از نامه او صد بدی
و باشد آن کلمه مر او را پناهی و مانعی از شیطان و نیارد هیچ
یکی بهتر از آنچه آورد از ذکر و طاعت مگر کسی که کرد ذکر بیش
از آنچه او ذکر کرد هِيَ الَّتِي عَلَّمَهَا نُوحٌ ابْنَهُ فَإِنَّ السَّمٰوَاتِ لَوْ
كَانَتْ فِي كِفَّةٍ لَرَجَحَتْ بِهَا وَلَوْ كَانَتْ حَلْقَةً لَقَصَمَتْهَا مص
در مصنف ابن ابی شیبه است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما این
کلمه ایست که تعلیم کرد آنرا نوح علیه السلام مر پسر خود را
برای آنکه بدرستی آسمانها اگر باشند در پله ترازو هر آینه گران شود
این کلمه بر مقابل آن آسمانها و اگر باشند آسمانها حلقه هر آینه
بشکنند آنها را بیکدیگر لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ كَلِمَتَانِ لَيْسَ
لِأَحَدِهِمَا نِهَايَةٌ دُونَ الْعَرْشِ وَالْأُخْرَى تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ط در معجم کبیر طبرانی است بروایت معاذ دو کلمه اند
که نیست یکی را از آنها نهایتی نزد عرش خدای تعالی و دیگری از آن
کلمه پر میکند میانه آسمان و زمین وَهُمَا مَعَ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا عَلَى الْأَرْضِ أَحَدٌ يَقُولُهَا إِلَّا كُفِّرَتْ
عَنْهُ خَطَايَاهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ ت س در جامع ترمذی و سنن
نسائی است بروایت ابن عمر و آن دو کلمه با لا حول و لا قوة الا بالله

العلی

العلی العظیم نیست بر روی زمین هیچ یکی که بگوید آن کلمات را مگر
که پوشیده شود گناهان او و اگرچه باشند گناهان او مانند کف
دریا مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ
إِلَّا حَرَّمَهُ اللهُ عَلَى النَّارِ در صحیح بخاری و مسلم است بروایت معاذ
که پیغامبر فرمود نیست هیچ یکی که گواهی دهد که بدرستی نیست هیچ معبودی
بحق غیر الله تعالی و بدرستی محمد فرستاده خداست مگر که حرام کند او را
خدای تعالی بر آتش یعنی آتش دوزخ بروی حرام شود خ م حدیث معاذ
قال یَا رَسُولَ اللهِ أَفَلَا أُخْبِرُ النَّاسَ فَيَسْتَبْشِرُوا قَالَ إِذًا يَتَّكِلُوا وَ
أَخْبَرَ بِهَا مُعَاذٌ عِنْدَ مَوْتِهِ تَأَثُّمًا خ م در صحیح بخاری است بروایت
انس و در صحیح مسلم این حدیث معاذ است که گفت معاذ ای فرستاده
خدا خبر نکنم مردم را تا بشارت یابند پیغمبر فرمود علیه الصلوة و السلام
آنهنگام تکیه کنند بر آن بشارت و بعبادت فریضه نپردازند
و خبر کرد معاذ بآن بشارت نزد موت خود برای پرهیزیدن از
گناه مَنْ شَهِدَ بِهَا كَذَلِكَ حَرَّمَهُ اللهُ عَلَى النَّارِ م ت در صحیح مسلم و جامع
ترمذی است بروایت عبادة بن الصامت رضی الله عنه کسی که گواهی
دهد بآن کلمه شهادت مانند شهادتی که مذکور شد حرام گرداند
او را خدای تعالی بر آتش وَحَدِيثُ الْبِطَاقَةِ الَّتِي تَثْقُلُ بِالتِّسْعَةِ
وَتِسْعِينَ سِجِلًّا كُلُّ سِجِلٍّ مَدُّ الْبَصَرِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ت حب مس در سنن ابن ماجه

قزوینی و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم است بروایت ابن عمر حدیث
پارچه کاغذی که گران آید بر نود و نه سجل هر سجلی در طول
برابر مد بصر و آن حدیث اینست اشهد ان لا اله الا الله و
اشهد ان محمدا عبده و رسوله من قال اشهد ان لا اله الا
الله وحده و ان محمدا عبده و رسوله و ان عیسی عبد الله
و ابن امته و کلمته القیها الی مریم و روح منه و ان الجنة
و النار حق ادخله الله من ای ابواب الجنة الثمانیة شاء م
خ س در صحیح مسلم و بخاری و سنن نسائی است بروایت عبادة بن
الصامت رضی الله عنه پیغامبر فرمود صلی الله علیه و سلم کسی که
بگوید گواهی میدهم بدرستی که شان اینست که نیست هیچ معبودی
سزاء پرستش جز الله تعالی یگانه است و بدرستی که گواهی
میدهم که محمد بنده اوست و فرستاده او و بدرستی عیسی بنده
خدا است و پسر کنیزک اوست و کلمه اوست یعنی بقول او
حاصل شده بی واسطه پدر و انداخته کلمه را بسوی مریم
و روحی است حاصل از و و بدرستی که بهشت حق و آتش دوزخ
حق است در آید گوینده این شهادت را خدای تعالی از هر دری
که خواهد از درهای بهشت هشت گانه من شهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله و ان عیسی عبد الله
و رسوله و ابن امته و کلمته القیها الی مریم و روح منه و ان

حق

الجنة حق و النار حق ادخله الله الجنة علی ما کان من عمل
او من ابواب الجنة الثمانیة ایها شاء خ م س در صحیح بخاری
و مسلم و سنن نسائی است بروایت عبادة بن الصامت رضی الله عنه
که پیغمبر فرمود صلی الله علیه و سلم هر که گواهی دهد برین مذکورات
که معنی آن بالا گذشت در آرد آن گواهی دهنده را الله تعالی در
بهشت بر هر عملی که باشد و ایراد تکرار حدیث مذکور بواسطه
طرق احادیث است زیرا که در حدیث اول لفظ مسلم و در حدیث
ثانی لفظ بخاری است کان صلی الله علیه و سلم یقول لا اله
الا الله وحده اعز جنده و نصر عبده و غلب الاحزاب وحده
فلا شیء بعده خ م س در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که بود رسول صلی الله علیه و سلم
که میفرمود نیست هیچ معبود سزاء پرستش جز الله تعالی که یگانه است
قوی میگرداند لشکر خود را و نصرت میدهد بنده خود را و غالب
آورد مر ابر گروهها کفار تنها پس نیست چیزی بعد او یعنی نیست
بعد حکم او هیچ حکمی حدیث الاعرابی علمنی کلاما اقوله قال
قل لا اله الا الله وحده لا شریک له الله اکبر کبیرا
و الحمد لله کثیرا و سبحان الله رب العالمین لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم اللهم اغفر لی و ارحمنی و اهدنی
و ارزقنی م ز در صحیح مسلم و بزار است بروایت سعد بن ابی وقاص

العزیز الحکیم

رضی الله عنه که آمد اعرابی نزد رسول صلی الله علیه وسلم
وعرض کرد که یا رسول الله تعلیم کن مرا کلامی که بگویم آنرا
گفت پیغمبر باو که بگو لا اله الا الله وحده تا العلی العظیم
گفت اعرابی که یا رسول الله این کلمات ثناء خدای تعالی است
پس چیست مرا فرمود که بگو اللهم اغفر لی الی آخره یعنی ای بار
خدای بیامرز مرا ورحمت کن مرا وراه نمای مرا وروزی ده
مرا مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ مَرَّةً كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا وَمَنْ قَالَهَا
عَشْرًا كُتِبَتْ لَهُ مِائَةً وَمَنْ قَالَهَا مِائَةً كُتِبَتْ لَهُ أَلْفًا وَمَنْ زَادَ
زَادَهُ اللّٰهُ ت س در جامع ترمذی و سنن نسائی است بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما که پیغمبر فرمود صلی الله علیه وسلم کسی که
گوید سبحان الله وبحمده یکبار نوشته شود مر او را ده بار و کسی
گوید از او ده بار نوشته شود مر او را صد بار و کسی گوید از او صد بار
نوشته شود مر او را هزار و کسی که زیاده گوید زیاده کند او را
خدای تعالی مَنْ قَالَهَا مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ
زَبَدِ الْبَحْرِ عو در صحیح ابوعوانه است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که پیغامبر صلی الله علیه وسلم کسی گوید آن کلمه را صد بار دور
کرده شود گناهان او و اگرچه باشند برابر کف دریا هِيَ أَحَبُّ الْكَلَامِ
إِلَى اللّٰهِ م ت س مص در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی و مصنف
ابن شیبه است بروایت ابوذر که این کلمه دوستترین کلام است

بسوی خدای تعالی وَهِيَ أَفْضَلُ الْكَلَامِ هِيَ الَّذِي اصْطَفَى اللّٰهُ
لِلْمَلَائِكَةِ م عو در صحیح مسلم و ابوعوانه است بروایت ابوذر
که این کلمه بهترین کلامی است آنکه برگزید الله تعالی
آنرا برای فرشتگان خود هِيَ الَّتِي أَمَرَ نُوحٌ بِهَا ابْنَهُ فَإِنَّهَا صَلَاةُ
الْخَلْقِ وَتَسْبِيحُ الْخَلْقِ وَبِهَا يُرْزَقُ الْخَلْقُ مص در مصنف ابن ابی
شیبه است بروایت جابر رضی الله عنه این آن کلمه ایست که
امر کرد نوح علیه السلام بآن کلمه پسر خود را پس بدرستی
آن کلمه رحمت خلق و تسبیح خلق است و بآن کلمه روزی
داده میشود مخلوقات را مَنْ قَالَهَا غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ
ر در مسند بزار است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما کسی که
گوید آن کلمه را نهالی کرده شود مر او را درختی در بهشت مَنْ
هَالَهُ اللَّيْلُ أَنْ يُكَابِدَهُ أَوْ بَخِلَ بِالْمَالِ أَنْ يُنْفِقَهُ أَوْ جَبُنَ عَنِ
الْعَدُوِّ أَنْ يُقَاتِلَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنْهَا فَإِنَّهَا أَحَبُّ إِلَى اللّٰهِ مِنْ جَبَلِ
ذَهَبٍ يُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ط در معجم کبیر است بروایت ابی
امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود کسی را
که رنج برساند او را شب یا کسی که از انفاق مال بخل کند یا کسی
دشمن غردل شود پس گو که سبحان الله بحمده بسیار گوید
که آن کلمه دوسترات سوی خدای تعالی از انفاق کوه زرد در
راه خدای تعالی أَحَبُّ الْكَلَامِ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ عو در صحیح

کرا زقتال

ابوعوانه است بروایت ابوذر رضی الله عنه که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم دوست ترین کلام سوی خدای تعالی
کلمه مذکوره است مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ نَبَتَتْ لَهُ غَرْسٌ فِي
الْجَنَّةِ ت س حب مص در سنن نسائی وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
ومصنف ابی بکرست بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
فرمود هر که کلمه مذکور کوید برای او درخت خرما در بهشت نشانند
فَإِنَّهَا عِبَادَةُ الْخَلْقِ وَبِهَا تُقْطَعُ أَرْزَاقُهُمْ د در مسند بزار است
بروایت ابن عمر که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که کلمه مذکوره
دعاء خلق است وبدان کلمه خلق را خدای تعالی رزق میدهد كَلِمَتَانِ
خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمٰنِ
سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ خ م ت مص در صحیح بخاری
ومسلم وسنن ترمذی ومصنف ابی بکرست بروایت ابی هریره رضی الله
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دو کلمه سبک است بر زبان کران اند
در میزان دوستند سوی رحمان سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ
الْعَظِيمِ مَنْ قَالَهَا أَسْتَغْفِرُ اللهَ الْعَظِيمَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ كُتِبَتْ لَهُ
كَمَا قَالَهَا ثُمَّ عُلِّقَتْ بِالْعَرْشِ لَا يَمْحُوهَا ذَنْبٌ عَمِلَهُ صَاحِبُهَا
حَتَّى يَلْقَى اللهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَخْتُومَةً كَمَا قَالَهَا د در مسند بزار است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که آن دو کلمه مذکوره را با استغفر الله العظیم واتوب الیه کوید

ابن قال سبحان الله العظیم وبحمده غرست له نخلة في الجنة ت حب مس
صورت س ح

آنرا چنانچه او کفته است برای بنویسند پس آنرا مهر کرده
بعرش آویزند کناه صاحب او آنرا محو نکند تا روز قیامت با مهر
چنانچه او کفته است خدای تعالی را ملاقات کند وَقَالَ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِجُوَيْرِيَةَ وَقَدْ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا بُكْرَةً حِينَ
صَلَّى الصُّبْحَ وَهِيَ فِي مَسْجِدِهَا ثُمَّ رَجَعَ بَعْدَ أَنْ أَضْحَى
وَهِيَ جَالِسَةٌ مَا زِلْتِ عَلَى الْحَالِ الَّتِي فَارَقْتُكِ عَلَيْهَا قَالَتْ
نَعَمْ قَالَ لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَكِ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ وُزِنَتْ
بِمَا قُلْتِ مُنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنَتْهُنَّ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ
وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ م عه عو در صحیح
مسلم وچهار سنن وصحیح ابوعوانه است بروایت ام المؤمنین
جویریه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم نماز صبح کرد
از پیش او بیرون آمد او بجای نماز خود تسبیح میکفت پس
رسول صلی الله علیه وسلم در وقت ضحی باز بر او آمد او بر جای نماز
خود تسبیح میکفت او را فرمود که تو بر همان حال هستی که من ترا
کذاشته بودم او کفت آری ای رسول خدای فرمود که بعد از جدا
شدن از تو چهار کلمات سه بار کفتم که اکر آنرا با جمیع آنچه
تو کفتی وزن کنند برابر آن شود یا کویند از آن راجح آید آن
چهار کلمات سبحان الله وبحمده تا آخر است معنی اینست تسبیح و
حمد خدای تعالی میکویم بعدد خلق خداوند تعالی و رضای

خداوند تعالی دبمداد کرانی عرش ومداد سیاهی کلمات
اوکه زیادتست از آب هفت دریا است سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ خَلْقِهِ
سُبْحَانَ اللهِ رِضَا نَفْسِهِ سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ م س عو مص
عو درصحیح مسلم ونسائی ومصنف ابی بکر وصحیح ابوعوانه است
بروایت جویریه که رسول صلی الله علیه وسلم سبحان الله عدد
تاآخر گفتی معنی همانست وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَذٰلِكَ س درسنن
نسائی است که والحمد لله همچنان گفت یعنی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ خَلْقِهِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضَا نَفْسِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ زِنَةَ عَرْشِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدَادَ
كَلِمَاتِهِ درسنن نسائی است که رسول صلی الله علیه وسلم
سبحان الله وبحمده تا آخر فرمود وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
لِامْرَأَةٍ دَخَلَ عَلَيْهَا وَبَيْنَ يَدَيْهَا نَوًى أَوْ حَصًى تُسَبِّحُ بِهِ أَلَا أُخْبِرُكِ
بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكِ مِنْ هٰذَا أَوْ أَفْضَلُ فَقَالَ سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ
فِي السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَسُبْحَانَ اللهِ
عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَاللهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذٰلِكَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ ذٰلِكَ وَلَا
إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِثْلَ ذٰلِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ مِثْلَ ذٰلِكَ د ت س حب مس
درسنن ابی داود وترمذی ونسائی وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک است
بروایت سعد وقاص رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
بر زنی آمد وپیش او تخم خرما یا سنگ ریزها بود که بدان تسبیح میکرد
اورا فرمود که ترا خبر کنم بچیزی که ازین آسان تراست بر تو وافضل

سُبْحَانَ اللهِ زِنَةَ عَرْشِهِ م

سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ
أَكْبَرُ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَى نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ
وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ س مه

أَوْ أَفْضَلُ
عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ

وافضلست وآن سبحان الله عدد ما خلق تا آخر والله اکبر
عدد تا آخر والحمد لله عدد تا آخر ولا اله الا الله عدد تا آخر ولا
حول ولا قوة عدد تا آخر است معنی اینست که تسبیح خدای تعالی
میکنیم بعدد مخلوقی که در آسمان وزمین اند وبعدد مخلوقی که
میان آن واینست وبعدد آنچه مخلوق کرده وَدَخَلَ عَلَى صَفِيَّةَ وَ
وَبَيْنَ يَدَيْهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ نَوَاةٍ تُسَبِّحُ بِهِنَّ فَقَالَ قَدْ سَبَّحْتِ مُنْذُ
قُمْتُ عَلَى رَأْسِكِ أَكْثَرَ مِنْ هٰذَا قَالَتْ عَلِّمْنِي قَالَ قُولِي سُبْحَانَ
اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ مس ح ت صحیح مستدرک وسنن ابی داود است بروایت
أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ صَفِيَّةَ رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
بر وی آمد وپیش او چهار هزار تخم خرما بود که بدان تسبیح میکرد
رسول صلی الله علیه وسلم اورا فرمود درین مدت که بر سر تو
استاده ام تسبیحی بیشتر ازین کردم صفیه گفت مرا تعلیم آن
کن فرمود سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بگو وَقَالَ لِأَبِي الدَّرْدَاءِ أَلَا
أُعَلِّمُكَ شَيْئًا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ ذِكْرِ اللَّيْلِ مَعَ النَّهَارِ وَالنَّهَارِ مَعَ
اللَّيْلِ سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ سُبْحَانَ اللهِ مِلْءَ كُلِّ شَيْءٍ
وَسُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَسُبْحَانَ اللهِ مِلْءَ مَا أَحْصَى
كِتَابُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ
مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ ط درسند بزار

اللهِ م
اللهِ
مَا خَلَقَ وَسُبْحَانَ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ
وَسُبْحَانَ اللهِ مِلْءَ م

ومعجم کبیر است بروایت ابی الدرداء رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود ای ابو الدرداء ترا چیزی بیاموزم
که افضل است از ذکر خدای تعالی در شب تا روز ودر روز تا شب
اینست که سبحان الله عدد ما خلق تا آخر گوئی معنی اینست
که تسبیح خدای میگویم بعدد مخلوق او وپری مخلوق او وتسبیح
خدای میگویم بعدد هر چیزی وپری هر چیزی وبعدد هر چیزی
که لوح محفوظ آنرا در گرفته است وبعدد پری آنچه لوح محفوظ
آنرا گرفته است وحمد خدای میگویم بعدد مخلوق او وپری مخلوق
او وحمد خدای میگویم بعدد هر چیزی وپری هر چیزی وحمد
خدای میگویم بعدد هر چیزی که لوح محفوظ آنرا در گرفته است
وبعدد پری آنچه لوح محفوظ آنرا در گرفته است وقال لابی
أمامة ألا أخبرك بأكثر أو أفضل من ذكرك الليل مع النهار
والنهار مع الليل أن تقول سبحان الله عدد ما خلق سبحان
الله ملء ما خلق سبحان الله عدد ما في الأرض والسماء وسبحان
الله ملء ما في الأرض والسماء وسبحان الله عدد ما أحصى كتابه
وسبحان الله ملء ما أحصى كتابه وسبحان الله عدد كل شيء
وسبحان الله ملء كل شيء والحمد لله مثل ذلك س حب مس
در سنن نسائی وصحیح ابن حبان ومستدرک است بروایت ابی امامه
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای ابو امامه

ترا خبر کنم با کثر یا افضل از ذکر تو در شب تا روز
ودر روز تا شب اینست که سبحان الله عدد ما خلق تا آخر
گوئی والحمد لله عدد ما خلق تا آخر مثل آن گوئی معنی همانست
وکذا رواه ط الا انه قال موضع سبحان الله الحمد لله ثم
قال وتسبح مثل ذلك وتكبر مثل ذلك وكذا رواه د
سوى التكبير وهمچنان طبرانی در معجم کبیر خود حدیث
مذکور را روایت کرده است لیکن او تکبیر نیاورده وقالت
سلمى أم بني أبي رافع يا رسول الله أخبرني بكلمات
ولا تكثر علي فقال قولي عشر مرات الله أكبر يقول
الله هذا لي وقولي سبحان الله عشر مرات يقول الله هذا لي
وقولي اللهم اغفر لي يقول الله قد فعلت فتقولين
عشر مرات ويقول قد فعلت ط در کبیر است که سلمی رضی الله عنها
گفت که ای رسول خدای خبر کن مرا بکلماتی اندک نه بسیار که
آنرا باسانی بگویم فرمود الله اکبر ده بار بگوی خدای تعالی
گوید این برای منست وسبحان الله ده بار گوی خدای تعالی
گوید این برای منست اللهم اغفر لی ده بار گوی خدای تعالی
ده بار آمرزش کردم أفضل الكلام سبحان ربي وبحمده
سبحان ربي وبحمده لا سبحان ربي وبحمده ت در سنن
ترمذی است بروایت ابی ذر رضی الله عنه که رسول صلی

الله علیه وسلم فرمود افضل کلام سبحان ربی وبحمده

بار وسبحان الله والحمد لله تملآن ما بین السماء والارض

والحمد لله تملأ المیزان م ت در صحیح مسلم وسنن ترمذی

است بروایت ابو مالك اشعری رضی الله عنه که رسول صلی

الله علیه وسلم فرمود سبحان الله والحمد لله پر میکند

بثواب جائی را که میان آسمان وزمین است والحمد لله

پر میکند میزان را از حسنات احب الکلام الی الله اربع سبحان

الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر لا یضرك

بایهن بدأت م ت در صحیح مسلم وترمذی مذکور است بروایت

سمرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دوست‌ترین

کلام سوی خدای تعالی چهار است یکی سبحان الله دویم

والحمد لله سیم ولا اله الا الله چهارم والله اکبر بهیچ

کلام که آغاز کنی ترا زیان نکند هن افضل الکلام بعد القرآن

وهن من القرآن ا در مسند امام احمد است بروایة سمرة

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود این چهار کلمه

مذکوره افضل کلام است بعد قرآن واین از قرآن است من

قالها کتب له بکل حرف عشر حسنات ط در معجم کبیر است

بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود هر که این چهار کلمه مذکوره گوید بهر حرفی ده نیکی برای

اونبویسند

اونبویسند لان اقولها احب الی مما طلعت علیه الشمس

م ت س مص عو در صحیح مسلم وسنن ترمذی ونسائی و

مصنف ابی بکر وصحیح ابو عوانه است بروایت ابی هریرة رضی

الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه گفتن

این چهار کلمه دوست‌تر است سوی من از آنچه آفتاب برو بر

آمده است ان الجنة طیبة التربة عذبة الماء وانها

قیعان وان غراسها هذه ت در سنن ترمذی است بروایت

ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خاك

بهشت خوش است آب بهشت شیرین است وزمین بهشت

هموار است ودرختان بهشت این چهار کلمه اند

یغرس لك بکل واحدة شجرة فی الجنة ق مس طس در سنن

ابن ماجة وصحیح مستدرك ومعجم اوسط است بروایت ابو هریرة

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود برای تو بهر یکی

ازین چهار کلمه درختی در بهشت نشانده شود خذوا جنتکم

من النار قولوا یعنی هذه فانهن یأتین یوم القیامة

مجنبات ومعقبات وهن الباقیات الصالحات س در سنن

نسائی وصحیح مستدرك ومعجم صغیر است بروایت ابی

هریرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود از

آتش سپر خود گیرید این چهار کلمه مذکوره گوئید که

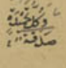
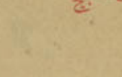
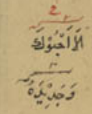
فرمود

س مس مصط طس

في بعض النسخ هيچ

لي

که آن برود قیامت آتش را از شان دود گرداند این
کلمات باقیات صالحات وکل تسبیحة صدقة


وکل تهلیلة صدقة وکل تکبیرة صدقة م د

ق در صحیح مسلم وسنن ابی داود وابن ماجه است بروایت
ابی ذر رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده هر تسبیح
این کلمات صدقه است وهر تحمید آن صدقه است
وهر تکبیر آن صدقه است وهن اللواتی یقلن
فی صلوة التسبیح وذلک انه قال لعمه العباس یا عباس

یا عماه الا اعطیک الا امنحک الا اخبرک الا افعل بک
عشر خصال اذا انت فعلت ذلک غفر الله لک ذنبک اوله
وآخره قدیمه وحدیثه خطأه وعمده صغیره وکبیره
سره وعلانیته عشر خصال ان تصلی اربع رکعات
تقرأ فی کل رکعة فاتحة الکتاب وسورة
فاذا فرغت من القراءة فی اول رکعة وانت قائم قلت
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر خمس
عشرة مرة ثم ترکع فتقولها وانت راکع عشرا ثم ترفع راسک

من الرکوع فتقولها عشرا ثم تهوی ساجدا فتقولها عشرا
ثم ترفع من السجود فتقولها عشرا ثم تسجد فتقولها عشرا
ثم ترفع راسک من السجود فتقولها عشرا قبل ان تقوم

کل

فذلک خمس وسبعون مرة فی کل رکعة تفعل ذلک فی اربع
ان استطعت ان تصلیها فی کل یوم مرة فافعل فان لم
تفعل ففی کل جمعة مرة فان لم تفعل ففی کل شهر مرة فان
لم تفعل ففی کل سنة مرة فان لم تفعل ففی عمرک مرة
د ق حب در سنن ابی داود وابن ماجة وصحیح مستدرک وصحیح ابن
حبان است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که آن چهار کلمات
مذکوره را در نماز تسبیح خوانند که رسول صلی الله علیه وسلم
عباس رضی الله عنه را گفت که ای عم من ترا چیزی بدهم
که چون آن را بکنی خدای تعالی ده انواع گناهان ترا محو کند و در
شرح مشکوة است که مراد از عشر خصال ده تسبیح است
که جز در قیام ده گانه بار میخوانند برین وجه معنی اینست
ترا ده خصال بدهم که آن را کنی خدای تعالی انواع گناهان ترا
مغفور سازد وآن اینست که چهار رکعت نماز کنی در هر رکعت
بعد از فاتحه وسوره دیگر سبحان الله تا آخر پانزده بار
گوئی پس رکوع کنی ودر رکوع ده بار گوئی پس از
از رکوع سر برداری وده بار گوئی پس سجده کنی وده بار
گوئی پس از سجده سر برداری وده بار گوئی پس سجده
دویم کنی وده بار گوئی پس سر از سجده برداری وده
بار گوئی پیش از انکه برخیزی پس تسبیح مذکور در هر رکعت

بار

هفتاد پنج میشود همچنان در چهار رکعت کنی اگر هر روز این
نماز توانی هر روز بکن و اگر نه در هر جمعه یکبار کنی و اگر نه
در هر ماه یکبار کن و اگر نه هر سال یکبار کنی و اگر نه در عمر
یکبار کن هِیَ مَعَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ فَإِنَّهُنَّ الْبَاقِيَاتُ
الصَّالِحَاتُ وَهُنَّ يَحْطُطْنَ الْخَطَايَا كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ
وَرَقَهَا وَهُنَّ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ ط در معجم کبیر است
بروایت ابی الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود و آن کلمات مذکوره با و لاحول ولا قوة الا
بالله فضیلت بیشتر دارد که آن باقیات صالحات‌اند و آن
گناهان را فرو ریزد چنانچه درخت برگ خود را فرو ریزد
و آن کلمات چهار با و لاحول ولا قوة الا بالله ان کنجهای
بهشت اند تُجْزِئُ مِنَ الْقُرْآنِ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُهُ مص در مصنف
ابی بکر است بروایت عبد الله بن ابی اوفی رضی الله عنه
آن کلمات چهار و لاحول ولا قوة الا بالله بسنده باشد
از قرات قرآن کسی را که قرآن خواندن نتواند و کذلک مع
اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي وَارْزُقْنِي وَعَافِنِي وَاهْدِنِي تُجْزِئُ مِنَ
الْقُرْآنِ لِمَنْ لَا يَسْتَطِيعُهُ وَمَنْ أَخَذَهُ فَقَدْ مَلَأَ يَدَهُ مِنَ الْخَيْرِ
د س در سنن ابی داود و نسائی که همچنان آن کلمات
چهار لاحول ولا قوة الا بالله و با اللهم ارحمنی تا واهدنی

خودر

بنده باشد از قرات قرآن کسی را که قرآن خواندن نتواند
هر که آنرا بگیرد پس بدرستی که او دست خود را از نیکی
پر کرد در مشکوة است که عبد الله بن ابی اوفی روایت کرد
که یکی شخص رسول صلی الله علیه و سلم آمد گفت ای رسول
خدای قرآن خواندن نمیتوانم مرا چیزی بیاموز که بسنده باشد
فرمود سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
ولاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم گو او گفت که ای رسول
خدای این خدای تعالی راست مرا چیست فرمود اللهم ارحمنی
وَاهْدِنِي گو معنی ادعیه در نماز گذشت وَهُنَّ أَيْضًا بِغَيْرِ الدُّعَاءِ
مَعَ وَتَبَارَكَ اللهُ تَقْبِضُ عَلَيْهِنَّ مَلَكٌ فَضَمَّهُنَّ تَحْتَ جَنَاحِهِ
وَصَعِدَ بِهِنَّ لَا يَمُرُّ بِهِنَّ عَلَى جَمْعٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا اسْتَغْفَرُوا
لِقَائِلِهِنَّ حَتَّى يُحَيِّيَ بِهِنَّ وَجْهَ الرَّحْمَنِ مر مص در کتاب دعاء
ابن مردویه و مصنف ابی بکر است بروایت ابن مسعود
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سبحان الله
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر ولاحول ولا قوة
الا بالله و تبارک الله گوید فرشته این کلمات را قبض کند
و زیر بازوی خود دارد و بر آسمان رود بر فرشتگان که
بگذرد قائل این را آمرزش خواهند تا که آن فرشته بدین کلمات
ذات پاک را ستایش کند انَّ اللهَ اصْطَفَى مِنَ الْكَلَامِ

اربعا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
فمن قال سبحان الله كتب له عشرون حسنة وحطت
عنه عشرون سيئة ومن قال الحمد لله فمثل ذلك ومن
قال الله اكبر فمثل ذلك ومن قال لا اله الا الله فمثل
ذلك ومن قال الحمد لله رب العالمين من قبل نفسه كتب له
ثلثون حسنة وحطت عنه ثلثون سيئة س ا س ك در سنن
نسائی و مسند امام احمد و صحیح مستدرک و مسند بزار است
بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود خدای تعالی چهار کلمه گزیده است
یکی سبحان الله دویم والحمد لله سیم ولا اله الا الله چهارم
والله اکبر پس هرکه سبحان الله گوید بیست نیکی برای
او بنویسند و بیست بدی از نامهٔ او دور کنند و هرکه الحمد
لله گوید او را نیز همان ثواب است و هرکه والله اکبر گوید
او را نیز همان ثواب است و هرکه الحمد لله رب العالمین از جانب
نفس گوید برای او سی نیکی بنویسند و سی بدی از و دور
کنند اما يستطيع احدكم ان يعمل كل يوم مثل
احد عملا قالوا يا رسول الله ماذا قال سبحان الله اعظم
من احد ولا اله الا الله اعظم من احد والحمد لله
اعظم من احد والله اكبر اعظم من احد ط در مسند بزار

و معجم کبیر ست بروایت عمران بن حصین رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم صحابه را فرمود که نمیتوانند
یکی از شما که هر روز مثل کوه احد عمل کند صحابه گفتند
ای رسول خدای این عمل بزرگ که میتواند کرد
فرمود که هریکی از شما میتواند کرد گفتند آن چیست
فرمود ثواب سبحان الله از کوه احد بزرگ است و
ثواب لا اله الا الله از کوه احد بزرگ است و ثواب الحمد
لله از کوه احد بزرگست سبحان الله مائة تعدل مائة
رقبة من ولد اسماعيل والحمد لله مائة تعدل مائة فرس
مسرجة ملجمة يحمل عليها في سبيل الله والله اكبر
مائة تعدل مائة بدنة مقلدة متقبلة س ق مس ا ط مص
تنحر بمكة ط در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک
و مسند امام احمد و معجم کبیر و مصنف ابی بکر است بروایت
ام هانی رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
قول سبحان الله صد بار برابر شود با عتق صد برده از
فرزندان اسماعیل علیه السلام و قول الحمد لله صد بار
برابر شود با صد اسب بزین و لگام که براه غزاة سوار
شوند و قول والله اکبر صد بار برابر شود با صد شتر

وثواب والله اکبر از کوه احد بزرگ است

مسرجة

بقلادها که مقبول باشند در معجم کبیر است که در
مکه ذبح کنند کلمهٔ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ تَمْلَاُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ
وَالْاَرْضِ حق ص اط در سنن نسائی و ابن ماجة و صحیح مستدرک
و سند امام احمد و معجم کبیر است بروایت ام هانی
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ثواب
قول لا اله الا الله پر کند جائی را که میان آسمان
و زمین است بَخٍ بَخٍ بِخَمْسٍ مَا اَثْقَلَهُنَّ فِي الْمِيْزَانِ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ اَكْبَرُ وَالْوَلَدُ
يُتَوَفّٰى لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ فَيَحْتَسِبُهُ س حب مس ر اط در سنن نسائی
و صحیح ابن حبان و مستدرک و مسند بزار و مسند امام احمد
و معجم کبیر است بروایت ابو سلام و ثوبان رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه فرمود اخ اخ به پنج که چه گران
گردانند میزان را یکی لا اله الا الله دویم سبحان الله سیم
و الحمد لله چهارم الله اکبر پنجم فرزند صالح که از مسلمان
بمیرد و او بجهت طلب اجر صبر کند اِنَّ مِمَّا تَذْكُرُوْنَ
مِنْ جَلَالِ اللهِ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
يَنْعَطِفْنَ حَوْلَ الْعَرْشِ لَهُنَّ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ تُذَكِّرُ
بِصَاحِبِهَا اَمَا يُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَكُوْنَ اَوْ لَا يَزَالُ مَنْ يُذَكِّرُ

الصالح

جیز

در بعض نسخ لفظ والحمد لله بعد از لا اله الا الله افتاده

به ق حب در سنن ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت
نعمان بن بشیر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم گفت بدرستی که از آنچه شما ذکر عظمت خدای تعالی
میکنید اینست که سبحان الله تا آخر گوئید این کلمات گرد
عرش میگردند و آوازی همچو آواز مگس انگبین می برآرند
بصاحب خود ملاء اعلی را یاد میدهانند تا فرشتگان او را
آمرزش خواهند بار رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آیا
یکی از شما دوست ندارد که ملاء اعلا را بدو همیشه یاد
دهانند اِسْتَكْثِرُوْا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ اَللهُ اَكْبَرُ وَلَا
اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ س حب در سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت
ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بسیار گوئید باقیات صالحات را که آن الله اکبر و لا
اله الا الله تا آخر است قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ فَاِنَّهَا كَنْزٌ
مِنْ كُنُوْزِ الْجَنَّةِ ع ا ط در اصول ست و مسند امام احمد و بزار
و معجم کبیر است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم او را یا دیگری را گفت لا حول و لا قوة
الا بالله بگو بدرستی این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت بَابٌ
مِنْ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ ا ط س در مسند امام احمد و معجم کبیر و

سنن نسائی است که این کلمه مذکوره دری از درهای بهشت
است غراس الجنة حب ط درصحیح ابن حبان ومسند امام احمد و
معجم کبیر است بروایت ابو ایوب رضی الله عنه که این کلمه [illegible]
درختان بهشتند وتقدم انها دواء من تسعة وتسعين داء
ايسرها الهم س ط وپیش گذشته است از نقل صحیح مستدرک و
معجم کبیر است بروایت ابی هریره رضی الله که کلمه لاحول
ولا قوة الا بالله دوائی است از نود و نه درد که آسان‌ترین
آن غم و اندیشه است كنت عند النبي صلى الله عليه وسلم فقلتها
فقال اتدري ما تفسيرها قلت الله ورسوله اعلم قال لا
حول عن معصية الله الا بعصمة الله ولا قوة على طاعة الله
الا بعون الله ز درمسند بزار است بروایت ابن مسعود رضی الله
عنه که صحابی گفت نزد رسول صلی الله علیه وسلم کلمه لاحول
ولا قوة الا بالله گفتم فرمود معنی این را میدانی گفتم خدا و رسول
او داناتر اند فرمود نیست تدبیر و حیله از گناه جز بعصمت خدای
تعالی ونیست قوة بر طاعت جز بعون خدای تعالی وهي مع ولا منجا
من الله الا اليه كنز من كنوز الجنة ت ز درسنن نسائی
ومسند بزار است بروایت ابو هریره که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که لاحول با کلمه ولا منجا من الله الا اليه گنجی است از گنجهای
بهشت ونیست جای نجات از عذاب خدای تعالی جز سوی

رحمت

رحمت او ومن قال رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد
صلى الله عليه وسلم رسولا وجبت له الجنة م د س مص درسنن نسائی
وصحیح مسلم وسنن ابی داود ومصنف ابوبکر است بروایت ابی سعید
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه رضیت بالله تا
آخر گوید بهشت برای او واجب گردد من قال اللهم رب السموات
والارض عالم الغيب والشهادة اني اعهد اليك في هذه الحيوة الدنيا
اني اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا
عبدك ورسولك فانك ان تكلني الى نفسي تقربني من الشر
وتباعدني من الخير واني لا اثق الا برحمتك فاجعل لي عندك
عهدا توفينيه يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد الا قال الله
عز وجل يوم القيامة لملائكته ان عبدي عهد عندي عهدا
فاوفوه اياه فيدخله الله عز وجل الجنة قال سهيل فاخبرت
القاسم بن عبد الرحمن ان عونا اخبرني بكذا وكذا فقال ما في
اهلنا جارية الا وهي تقول هذا في خدرها ا درمسند امام
احمد است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که اللهم رب السموات تا آخر گوید در روز قیامت
خدای تعالی فرشتگان را گوید که بنده من نزد من عهد بسته است
پس برای او آن عهد وفا کنید پس خدای تعالی او را در بهشت
درآرد و سهیل گفت قاسم بن عبدالرحمن را خبر کردم که عوف

رضی الله عنه مرا جنین خبر کرد قاسم کفت که در اهل ما
هیچ دختری صغیره نیست مکر دیرد ، خود این دعا
میخواند معنی دعا اینست ای بار خدای ای پروردکار آسمانها
آسمانها و زمینها ای دانای غیب وحضور بدرستی که من
درین حیوة خود تو عهد میکنم که من کواهی میدهم که نیست
معبودی بحق جز تو تنها بی شریك و کواهی میدهم که محمد
صلی الله علیه وسلم بنده ورسول تست پس اکر تو مرا
سوی نفس من مرا شوی شر نزدیک کردانی وا زخیر دور
کردانی و من جز برحمت تو استواری ندارم پس تو نزد خود
برای من عهد کن که روز قیامت آنرا وفا کنی بدرستی
که تو خلاف وعده نخواهی کرد وَلَمَّا جَلَسَ الرَّجُلُ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَى قَالَ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدِ ابْتَدَرَهَا عَشَرَةُ
أَمْلَاكٍ كُلُّهُمْ حَرِيصٌ عَلَى أَنْ يَكْتُبُوهَا فَمَا دَرَوْا كَيْفَ
يَكْتُبُونَهَا حَتَّى رَفَعُوهَا إِلَى ذِي الْعِزَّةِ فَقَالَ اكْتُبُوهَا
كَمَا قَالَ عَبْدِي حب س در صحیح ابن حبان و سنن نسائی
است بروایت انس رضی الله عنه که هرکاه که
که مردی پیش رسول صلی الله علیه وسلم نشست
و الحمد لله تا ویرضی کفت رسول صلی الله علیه

نفس من سپاری ؛
دارد

فرمود سوکند آن خدای که نفس من بید قدرة اوست هر آینه
بدرستی که ده فرشته بر آن شتافتند ان همه حریص اند که ثواب
آنرا بنویسند اما ندانستند که چه طریق آنرا بنویسند تا که
آنرا بحضرت عزة عرض دادند پس خدای تعالی فرمود بنویسید
چنانچه بنده من کفته است وَتَقَدَّمَ سَيِّدُ الِاسْتِغْفَارِ خ س
و پیش کذشته است سید استغفار در سه محل بتکرار منقول
از بخاری و سنن نسائی و مسند بزار بروایت شداد بن اوس
رضی الله عنه و آن اینست اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
خَلَقْتَنِي تا إِلَّا أَنْتَ این شروع در بیان نفل استغفار است
إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللهَ ص وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً
ص طس در مسند ابی یعلی موصلی و معجم اوسط است بروایت
ابی هریرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
بدرستی من در روزی هفتاد بار آمرزش از خدای تعالی میخواهم
أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً خ س ق طس در صحیح بخاری و سنن نسائی
و ابن ماجه است و معجم اوسط است بروایت ابی هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که روزی صد بار آمرزش
میخواهم تُوبُوا إِلَى رَبِّكُمْ فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ
مِائَةَ مَرَّةٍ عو در صحیح ابو عوانه است بروایت ابن عمر رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود توبه کنید

سبعین مرة خ س ق طس در صحیح
بخاری و سنن نسائی و ابن ماجه و معجم
اوسط بروایت ابی هریرة رضی الله عنه
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی
که من در روزی بیشتر از هفتاد بار آمرزش
میخواهم

ربکم

سوی خالق خود من در روزی صد بار توبه میکنم ٭ مَا أَصَرَّ
مَنِ اسْتَغْفَرَ وَإِنْ عَادَ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً ٭ در سنن
ابی داودست بروایت اغر المزنی که رسول صلی الله علیه
علیه وسلم فرمود که مصر نیست در گناه کسی استغفار کند
واگرچه بازگردد بگناه در روزی هفتاد بار اِنَّهُ
لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ
م د س در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی است که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بر دل من پوششی می آید
یعنی فترتی وغفلتی از ذکر میشود وبدرستی که من در روزی
صد بار آمرزش میخواهم وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَخْطَأْ
تُمْ حَتَّى تَمْلَأَ خَطَايَاكُمْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ
اسْتَغْفَرْتُمُ اللَّهَ لَغَفَرَ لَكُمْ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ لَمْ
تُخْطِئُوا لَجَاءَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُخْطِئُونَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُونَ فَيَغْفِرُ
لَهُمْ ٭ ا ص در مسند امام احمد وابو یعلی است بروایت ابی سعید
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند آن خدائی که
نفس من بید قدرت اوست اگر شما گناهان میکردید تا که
گناهان شما میان آسمان وزمین را پر می ساختند پس آمرزش
میخواستید هر آینه خدای تعالی شما را آمرزیدی وبسوگند
آن خدائی که نفس محمد بید قدرت اوست اگر شما گناه نمیکردید

هر آینه خدای تعالی قومی را می آورد که گناه میکردند پس آمرزش
آمرزش میخواستند خدای تعالی ایشان را می آمرزید وَالَّذِي
نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُذْنِبُوا لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذْنِبُونَ
فَيَسْتَغْفِرُونَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ ٭ م در صحیح مسلم بروایت ابی هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوگند آن
خدای که نفس من بید قدرت اوست که اگر شما گناه نمیکردید
واستغفار مینمودند پس خدای تعالی ایشان را می آمرزید
مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ غَفَرَ لَهُ ٭ ت س در سنن ترمذی
ونسائی است بروایت ابن عمر که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که آمرزش خواهد از خدای تعالی حق تعالی بیامرزد
او را مَنْ أَحَبَّ أَنْ تَسُرَّهُ صَحِيفَتُهُ فَلْيُكْثِرْ فِيهَا مِنَ
الِاسْتِغْفَارِ ٭ طس در معجم اوسط طبرانی است بروایت ابی هریره
رضی الله عنه کسی دوست دارد این که خوشحال کند او را صحیفهٔ
اعمال او پس باید که بسیار کند در آن صحیفه استغفار را
مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعْمَلُ ذَنْبًا إِلَّا وَقَفَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِإِحْصَاءِ
ذُنُوبِهِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فَإِنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْ ذَنْبِهِ ذَلِكَ
فِي شَيْءٍ مِنْ تِلْكَ السَّاعَاتِ لَمْ يُوقِفْهُ عَلَيْهِ وَلَمْ يُعَذَّبْ بِهِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ ٭ مس در صحیح مستدرک است بروایت ام عصمت رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیست کس که گناه کند

نَفْسِي

حق تعالی قومی دیگر بیاورد
که گناه میکردند

فرشته که موکل است بشمردن گناهان تا شش ساعت توقف
کند یعنی گناه او ننویسد پس اگر درین شش ساعت آمرزش
خواهد خدای تعالی آن فرشته را اطلاع بر گناه او ندهد
و او را روز قیامت عذاب نکند إِنَّ إِبْلِيسَ قَالَ لِرَبِّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَا أَبْرَحُ أُغْوِي بَنِي آدَمَ مَا دَامَتِ
الْأَرْوَاحُ فِيهِمْ فَقَالَ لَهُ رَبُّهُ فَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَبْرَحُ أَغْفِرُ
لَهُمْ مَا اسْتَغْفَرُونِي ا س در مسند امام احمد و ابو یعلی موصلی است
بروایت ابی سعید رضی الله عنه که ابلیس لعین پروردگار خود
عز وجل را گفت بسوگند عزت و عظمت تو که فرزندان آدم را
همیشه گمراه کرده ام تا کارواح در ایشان باشد پس خدای
عز وجل فرمود بسوگند عزت و عظمت من همیشه ایشان را
آمرزم تا که ایشان از من آمرزش خواهند وَتَقَدَّمَ حَدِيثُ
الرَّجُلِ الَّذِي جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ وَاذُنُوبَاهُ
س پیش رفته است در بیان توبه حدیث مردی پیش رسول
صلی الله علیه وسلم آمد و گفت وای بر گناه من فرمودند
که اللهم مغفرتك تا آخر بگوید مَا مِنْ حَافِظَيْنِ يَرْفَعَانِ
إِلَى اللهِ فِي يَوْمٍ صَحِيفَةً فَيَرَى فِي أَوَّلِ الصَّحِيفَةِ وَفِي
آخِرِهَا اسْتِغْفَارًا إِلَّا قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ غَفَرْتُ
لِعَبْدِي مَا بَيْنَ طَرَفَيِ الصَّحِيفَةِ ر د در مسند بزار است

بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
فرمود دو فرشته نگاه دارند اعمال بندگان را بسوی
حق تعالی صحیفه را برندارند و به بینند حق تعالی در
اول صحیفه و در آخر صحیفه استغفار مگر فرماید حق تعالی
بدرستی بخشیدم برای بنده خود گناه که میان دو طرف
صحیفه است مَنِ اسْتَغْفَرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَتَبَ اللهُ
لَهُ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ حَسَنَةً ط در معجم کبیر است
بروایت عبادة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که برای مردان و زنان مومن آمرزش خواهد
خدای تعالی او را بعدد هر مرد و زن نیکی بنویسد وَتَقَدَّمَ
مَنْ لَزِمَ الاسْتِغْفَارَ وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْهُ جَعَلَ اللهُ لَهُ
مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا د س ق حب و پیش رفته است
از منقول در سنن ابی داود و نسائی است و ابن ماجه
و صحیح ابن حبان بروایت ابن عباس رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که استغفار را
لازم گیرد و بسیار استغفار کند خدای تعالی او را از هر
تنگی بیرون آرد و از غم و اندیشه برهاند و رزق او
از جائی که معلوم نباشد از آنجا بدهد وَتَقَدَّمَ مَنِ
اسْتَغْفَرَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كُلَّ يَوْمٍ الْحَدِيثَ ط

بهشت رفته است منقول از معجم کبیر بروایت ابی الدرداء
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه
بیست وهفت یا بیست وپنج بار برای مردان وزنان مومن
آمرزش خواهد دعا او مستجاب کردد وببرکت او اهل زمین
را رزق برسد وَنُقِلَ مِنْ حَدِيثِ الرَّجُلِ الَّذِي جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللهِ أَحَدُنَا يُذْنِبُ فَقَالَ
يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَيَتُوبُ قَالَ يُغْفَرُ لَهُ طس
وبهشت رفته است منقول از معجم اوسط وکبیر بروایت
عقبه بن عامر رضی الله عنه حدیث مردی که پیش رسول صلی
الله علیه وسلم آمد وکفت ای رسول خدای یکی از ما کناه
کند فرمود برو بنویسند کفت پس آمرزش خواهد وتوبه
کند فرمود که آمرزیده کردد يَقُولُ اللهُ تَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ
مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ
وَلَا أُبَالِي يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ
اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ
الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا
مَغْفِرَةً ت در سنن ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه فرمود خدای عزوجل میفرماید ای
فرزند آدم تا که مرا خوانی وامید آمرزش من داری ترا بیامرزم

بهر عملی که باشی وباک ندارم ای فرزند آدم اکر کناهان تو
تا سحاب آسمان یا تا عین آسمان رسیدی پس آمرزش
از من خواستی ترا آمرزیدمی ای فرزند آدم اکر تو پری
زمین پیش من کناه آوردی وملاقات من بی شرک کردی
من پری زمین پیش تو مغفرت می آوردم إِنَّ عَبْدًا أَصَابَ
ذَنْبًا فَقَالَ رَبِّ أَذْنَبْتُ ذَنْبًا فَاغْفِرْ لِي فَقَالَ الرَّبُّ
أَعَلِمَ عَبْدِي أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ وَيَأْخُذُ بِهِ
غَفَرْتُ لِعَبْدِي ثُمَّ مَكَثَ مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ أَصَابَ ذَنْبًا
آخَرَ فَاغْفِرْ لِي فَقَالَ أَعَلِمَ عَبْدِي أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ
الذَّنْبَ وَيَأْخُذُ بِهِ غَفَرْتُ لِعَبْدِي ثَلَاثًا فَلْيَعْمَلْ مَا شَاءَ
خ م س در صحیح بخاری ومسلم وسنن نسائی است بروایت
ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بنده
کناه کرد پس کفت ای پروردکار کناه کردم مرا بیامرز
خدای تعالی فرماید که آیا بنده من دانست که مرا پروردکاری
هست که کناه را می آمرزد وبکناه میکیرد پس بنده خود را
آمرزیدیم باز آن بنده کناه را کرد باز آمرزش خواست باز
همان فرمان میشود طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَتِهِ اسْتِغْفَارًا
كَثِيرًا ق در سنن ابن ماجه است بروایت عبد الله رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیکی وخوشی

رَبِّ الذَّنْبَ
فَقَالَ أَذْنَبْتُ ذَنْبًا
ثُمَّ مَكَثَ مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ أَصَابَ ذَنْبًا فَقَالَ
رَبِّ أَذْنَبْتُ ذَنْبًا آخَرَ فَاغْفِرْهُ لِي فَقَالَ
أَعَلِمَ عَبْدِي أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ وَيَأْخُذُ
بِهِ غَفَرْتُ لِعَبْدِي صح
است

هر کسی را که در نامهٔ اعمال خود استغفار بسیار یابد
وتقدم حديث الذي شكا الى رسول الله صلى الله عليه وسلم
ذرب لسانه فقال اين انت من الاستغفار يعني و پیش رفته
است منقول از مصنف ابو بکر و کتاب عمل اليوم والليلة بروایت
حذیفه که او کله بدزبانی خود پیش رسول صلی الله علیه وسلم
کرد فرمود که تو چرا استغفار دور می باشی یعنی از استغفار
زبان تو نیک کردد و كيفية الاستغفار استغفر الله
استغفر الله موم یعنی استغفار همی کلمه کنند که استغفر الله
استغفر الله من قال استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي
القيوم و اتوب اليه غفر له وان كان قد فر من الزحف
د ت در سنن ابی داود و ترمذی است بروایت زید رضی
الله که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که استغفار
مذکور کوید خدای تعالی او را آمرزد اگرچه قتال کفار کریخته
باشد ثلث مرات ت حب مو ط در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان
و معجم کبیر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه خمس مرات
غفر له وان كان عليه مثل زبد البحر مص در مصنف ابی بکر است
بروایت ابی سعید اگرچه پنج بار کریخته باشد آمرزیده
شود مر او را و اگر باشد کناهان او همچو کف دریا کان
كنا لنعد لرسول الله صلى الله عليه وسلم في المجلس الواحد

رب اغفر لي وتب علي انك انت التواب الرحيم مائة
مرة عه حب در چهار سنن و صحیح ابن حبان است بروایت
ابن عمر رضی الله عنه که کفت ما می شمردیم که رسول صلی
الله علیه وسلم در مجلس واحد رب اغفر لی میکفت صد بار
وما احسن قول الربيع بن خثيم رضي الله عنه لا يقل احدكم
استغفر الله واتوب اليه فيكون ذنبا وكذبا بل يقل
اللهم اغفر لي وتب علي وليس كما فهم بعض ائمتنا
ان الاستغفار على هذا الوجه يكون كذبا بل هو ذنب فانه
اذا استغفر عن قلب لاه لا يستحضر طلب المغفرة ولا
يلجأ الى الله بقلبه فان ذلك ذنب عقابه الحرمان وهذا
كقول رابعة استغفارنا يحتاج الى استغفار كثير واما
اذا قال اتوب الى الله ولم يتب فلا شك انه كذب واما
الدعاء بالمغفرة والتوبة فانه اذا كان غافلا فقد يصادف
وقتا فيقبل فمن اكثر طرق الباب يوشك ان يلج ويوضح
ذلك اكثاره صلى الله عليه وسلم في المجلس الواحد منه
مائة مرة ووعده لمن قال استغفر واتوب اليه بالمغفرة وان
كان قد فر من الزحف مرة او ثلث مرات فها قد كشف
لك الغطاء اختر لنفسك ما يحلو مصنف کوید چه چنین
نیک کردانید قول ربیع رضی الله عنه که کفت کو که یکی از شما

الاستغفار و کیفیته

که اگرچه سه بار کریخته باشد لیکن در یخ موقوف است

فائده

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ نكويد كه آن دروغ باشد بلكه اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ كويد آن دروغ وكناه نيست سوال وثابت
نيست چنانچه بعض ائمه ما فهم كرده است كه استغفار برين
وجه دروغ بلكه من ميكويم كه آن كناه است كه او چون از دل
غافل آمرزش خواهد كه استحضار طلب مغفرت ندارد و
التجا سوى خداى تعالى بدل خود نكند پس كناه است كه عقاب
آن حرمان از آمرزش است واين مذكور همچو قول رابعه بصريه
است رحمها الله كه كفت استغفار ما محتاج بسوي استغفار
بسيار است اما چون اتوب الى الله كويد وتوبه نكرده است
بلاشبهه اين دروغ است واما دعاء بمغفرة وتوبه اگر
چه بغفلت باشد وقتى را در يابد كه مقبول كردد زيرا كه
در راه بسيار كوبد قريب باشد كه در آيد وظاهر ميكند اين
مذكور را بسيار كفتن رسول صلى الله عليه وسلم استغفار
را در مجلس واحد از صد بار وقطع كردن آن صلى الله عليه
وسلم بآمرزش مر كسى را كه استغفر الله واتوب اليه
كويد اگر چه از قتال يكبار يا سه بار كريخته باشد پس
هوشيار شو كه پرده براى تو دور كرده باشد براى
نفس خود آنچه ترا روشن كرده فَضْلُ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ
وَسُوَرٍ مِنْهُ وَآيَاتٍ اين شروع در بيان فضل قرآن عظيم

وفي كتاب الزهد عن لقمان عوّد لسانك باللهم
اغفر لي فان لله ساعات لا يرد فيهن سائلا



وفضل سورتها و آيات قرآن است اِقْرَؤُا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي
يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ م در صحيح مسلم است بروايت ابا امامه
رضى الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه قرآن بخوانيد
بدرستى كه قرآن روز قيامت اصحاب خود را شفاعت كند يَقُولُ
اللّٰهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى مَنْ شَغَلَهُ الْقُرْآنُ عَنْ ذِكْرِي وَمَسْأَلَتِي
أَعْطَيْتُهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِي السَّائِلِينَ وَفَضْلُ كَلَامِ اللّٰهِ عَلَى
سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللّٰهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ تي در سنن
ترمذي ومسند دارمي است بروايت ابو سعيد خدري كه رسول
صلى الله عليه وسلم فرمود خداى عز وجل ميفرمايد كه كسى را
كه قرآن از ذكر من وسوال من مشغول كرده اند يعنى چندان
قرآن خوانده كه ذكر وسوال كردن نتوانده او را بهتر بدهم
از آنچه سائلانرا ميدهم وفضل كلام خداى تعالى بر ديكر كلام
همچو فضل خداى است بر خلق تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ وَاقْرَؤُهُ
فَإِنَّ مَثَلَ الْقُرْآنِ لِمَنْ تَعَلَّمَهُ فَقَرَأَهُ وَقَامَ بِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ
مُلِيءَ مِسْكًا يَفُوحُ رِيحُهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَهُ
فَيَرْقُدُ وَهُوَ فِي جَوْفِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ أُوكِيَ عَلَى مِسْكٍ ت
س ق حب در سنن ترمذى ونسائى وابن ماجه وصحيح ابن
حبان است بروايت ابى هريره رضى الله عنه كه رسول الله صلى الله عليه وسلم
فرمود قرآن بياموزيد وبخوانيد زيرا كه مثل كسى كه قرآن

بیاموزد و بخواند و بران عمل کند مثل مشکی است که
که پر بشک است که خوشبوئی آن در هر محل میرسد و مثل
کسی که قرآن آموزد پس خواب کند یعنی نخواند و قرآن در
شکم اوست مثل مشک است که دهن او بسته شده است خوشبوئی
او نمیرسد مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ فَلَهُ حَسَنَةٌ
وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا أَقُولُ الم حَرْفٌ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ
حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ ت در سنن ترمذی است بروایت ابن
مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
هر که یک حرف از قرآن خواند پس مر او را یک نیکی است و نیکی
بده مانند است نمیگویند که الم یک حرف است ولیکن الف
حرف است و لام حرف است و میم حرف است لَا حَسَدَ إِلَّا
فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ
وَآنَاءَ النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُهُ آنَاءَ
اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت
ابن عمر که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود حسد نیست
جز در دو چیز یکی مردی که خدای تعالی او را قرآن داده
و در اوقات شب و روز میخواند و بدان عمل میکند
دویم مردی است که خدای تعالی او را مال داده است
پس او در اوقات شب و روز میخوا انفاق میکند يُقَالُ

لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ
فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَأُهَا د ت در
سنن ابی داود و ترمذی است بروایت عبد الله بن عمرو رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بگویند در روز
قیامت برای صاحب قران که در دنیا قرآن خوانده است و
و بران عمل کرده که قرآن بخوان و بالا درجهای
بهشت برآی و آهسته خوان چنانچه در دنیا آهسته میخواندی
زیرا که منزل تو نزد قراءت آخر آیتست اگر بسیار خوانی بالاتر
روی و اگر نه هر جا که قراءت تو آخر شود همانجای
منزل است الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ
السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ يَقْرَأُهُ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ
عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت
عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آنکه
آنکه قرآن خواند و او کامل حفظ باشد و بجلدی حفظ
قراءت برو دشوار نگردد او با فرشتگان مرسل یا با فرشتگان
کاتب مطیعان پروردگار باشد و کسی که قرآن خواند و تردد
در قراءت کند و قراءت برو دشوار گردد مر او را دو اجر گردد
یکی اجر قراءت دوم اجر رنج که ثواب او از ماهر بیشتر
باشد که ماهر با فرشتگان کرام است و قراءت او بسیار و حفظ

فضیلت سورة الفاتحة

او باستحکام است اَلْفَاتِحَةُ اَعْظَمُ سُوْرَةٍ فِي الْقُرْآنِ هِيَ السَّبْعُ
الْمَثَانِيْ وَالْقُرْآنُ الْعَظِيْمُ خ د سق در صحیح بخاری و سنن
ابی داود و نسائي و ابن ماجه است بروایت ابو سعید ابن
المعلی رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که فاتحه
بزرگترین سورتهاء از قرآن است فاتحه سبع مثاني است و
قرآن عظیم است سبع مثاني از آن میگویند که هفت آیت است
و دو بار در نماز میخوانند یا که دو بار نازل گشته است
فَاتِحَةُ الْكِتَابِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ مس در صحیح مستدرک است
بروایت معقل بن یسار که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که داده شد مرا فاتحة الکتاب و از زیر عرش بَيْنَا جِبْرَئِيْلُ
قَاعِدٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ نَقِيْضًا مِنْ فَوْقِهِ
فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ هٰذَا مَلَكٌ نَزَلَ الْاَرْضَ لَمْ يَنْزِلْ قَطُّ اِلَّا الْيَوْمَ
فَسَلَّمَ فَقَالَ اَبْشِرْ بِنُوْرَيْنِ اُوْتِيْتَهُمَا لَمْ يُؤْتَهُمَا نَبِيٌّ
قَبْلَكَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَخَوَاتِيْمُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ لَنْ تَقْرَاَ
بِحَرْفٍ مِنْهُمَا اِلَّا اُعْطِيْتَهُ م س در صحیح مسلم و سنن نسائي
است بروایت ابن عباس رضي الله عنهما که جبرئیل نزد رسول
صلی الله علیه وسلم نشسته بود که ناگاه از بالای خود آواز
شنید جبرئیل سر خود را برداشت وگفت این فرشته که بزمین
آمده جز امروز گاهی نازل نشده است پس فرشته مذکور بر

فضیلت سورة البقرة

رسول صلی الله علیه وسلم سلام خواند وگفت ای رسول شاد
باش بدو نور که ترا داده اند هیچ پیغمبر پیشین را نداده اند
یکی فاتحه و دوم آخرین سورة بقره هرگز حرفي از آن نخواني
مگر که ترا آن حرف بدهند حرف بمعني طرف است یعني
هر طرفي که خواني آنچه در آن طرف است ترا دهند اگر فاتحه است
از اعانت و هدایت دهند و اگر آمن الرسول خواني آنچه
در آن است از غفران وجز آن دهند و اگر همه خواني
آنچه در همه هست بدهند البقرة این شروع بیان سورة
بقره است اِنَّ الشَّيْطَانَ يَفِرُّ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِيْ يُقْرَاُ فِيْهِ
الْبَقَرَةُ م ت س در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی است
بروایت ابي هریرة رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود بدرستي که شیطان بگریزد از خانه که در آن
بقره خوانند اِقْرَؤُوْهَا فَاِنَّ اَخْذَهَا بَرَكَةٌ وَتَرْكَهَا
حَسْرَةٌ وَلَا يَسْتَطِيْعُهَا الْبَطَلَةُ م در صحیح مسلم است بروایت
ابی امامه رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
بدرستی که شیطان بگریزد از آن خانه که در آن سورة بقره را
خوانند خواندن آن برکت است و ترک آن پشیماني و
ساحران این خواندن را [illegible] نتوانند لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامٌ
وَسَنَامُ الْقُرْآنِ الْبَقَرَةُ ت مس حب در سنن ترمذي و صحیح مستدرک

وصحیح ابن حبان است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر چیزی را بلندی است و بلندی
قرآن سورهٔ بقره است مَنْ قَرَأَهَا لَيْلاً لَمْ يَدْخُلِ الشَّيْطَانُ
بَيْتَهُ ثَلَاثَ لَيَالٍ وَمَنْ قَرَأَهَا نَهَاراً لَمْ يَدْخُلِ الشَّيْطَانُ
بَيْتَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ حب در صحیح ابن حبانست بروایت سهل رضی الله
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سورهٔ بقره در شب
خواند شیطان سه شب در خانهٔ او در نیاید و هر که سورهٔ
بقره در روز خواند شیطان سه روز در خانهٔ او در نیاید
أُعْطِيتُ الْبَقَرَةَ مِنَ الذِّكْرِ الْأَوَّلِ مس در صحیح مستدرک است
بروایت معقل بن یسار رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود سورهٔ بقره مرا از ذکر اول داده اند احتمال
دارد که ذکر اول ذکر انبیا یا ذکر فرشتگان باشد که بدان
ذکر میکنند یا مراد از ذکر اول کتب مقدمه باشد الْبَقَرَةَ
وَآلَ عِمْرَانَ این مشروع در بیان فضل سورهٔ بقره است
و آل عمران است اِقْرَؤُا الزَّهْرَاوَيْنِ الْبَقَرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ
فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا
غَيَايَتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافَّ تُحَاجَّانِ عَنْ
أَصْحَابِهِمَا م در صحیح مسلم است بروایت ابو امامه رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که روشن کنندگان را

[حاشیه: فی بیته]
[حاشیه: فضیلت سورهٔ آل عمران]

بخوانید

بخوانید که سورهٔ بقره و آل عمران است زیرا که بدرستی این
هر دو سوره روز قیامت همچو دو ابر یا همچو دو سایه
یا همچو دو جماعت پرندگان که بازوی خود را کشاده
کرده با یکدیگر چفسانیده سایه کنان بیایند و اصحاب
خود حجت کنند و عذاب دفع کرده اند آيَةُ الْكُرْسِيِّ
بزرگترین آیه هِيَ أَعْظَمُ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ م د در صحیح مسلم و سنن
ابی داود است بروایت ابی بن کعب رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود آیة الکرسی بزرگترین آیه
است در کتاب خدای تعالی سَيِّدَةُ آيِ الْقُرْآنِ ت حب مس
در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت
ابو هریره که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آیة الکرسی
سرور آیتها است لَا تَقْرَؤُهَا عَلَى مَالٍ وَلَا وَلَدٍ فَيَقْرَبُكَ
شَيْطَانٌ حب در صحیح ابن حبانست بروایت سهل که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود نخوانی تو آیة الکرسی را بر مال
و بر فرزند پس شیطان نزدیک مال و فرزند تو شود الْآيَتَانِ
این بیان فضل دو آیهٔ آخرین سورهٔ بقره است آمَنَ الرَّسُولُ
إِلَى آخِرِ الْبَقَرَةِ لَا تُقْرَآنِ فِي دَارٍ ثَلَاثَ لَيَالٍ فَيَقْرَبُهَا
شَيْطَانٌ ت س حب مس در سنن ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
و مستدرک است بروایت نعمان بن بشیر رضی الله عنه که رسول

[حاشیه: فضیلت آیة الکرسی]
[حاشیه: فضیلت آمن الرسول]

صلی الله علیه وسلم فرمود در هیچ خانه سه شب آمن
تا آخر نخوانند که شیطان سه شب نزدیک آن خانه شود
إِنَّ اللّٰهَ خَتَمَ الْبَقَرَةَ بِآيَتَيْنِ أَعْطَانِيهِمَا مِنْ كَنْزِهِ الَّذِي تَحْتَ
عَرْشِهِ فَتَعَلَّمُوهُنَّ وَعَلِّمُوهُنَّ نِسَاءَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ
فَإِنَّهَا صَلَوةٌ وَقُرْآنٌ وَدُعَاءٌ مس در صحیح مستدرک بروایت
جبیر بن نفیل رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که خدای تعالی ختم کرده است سورهٔ بقره را بدو
آیه و داده مرا حق تعالی آن هر دو آیه را از گنجی که زیر عرش است
پس شما آنرا بیاموزید و زنان و فرزندان خود را بیاموزانید
بدرستی آن استغفار است زیرا که غفرانک در ان وارد
است صلوة بمعنی استغفار است زیرا که غفرانک در ان وارد
است صلوة بمعنی استغفار آمن است که صلوة ملائکه
بمعنی استغفار است و بدرستی که آن قربت سوی رسول
صلی الله علیه وسلم است که عطف والمومنون بر رسول
است و بدرستی که آن دعا ست که واعف عنا تا آخر در ان
وارد است وضمیر جمع راجع بر جماعت حرف حرفا ست
الأَنْعَامُ این بیان فضل سوره انعام است لَمَّا نَزَلَتْ سَبَّحَ
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ لَقَدْ شَيَّعَ هٰذِهِ
السُّورَةَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا سَدَّ الْأُفُقَ مس در صحیح مستدرک

ختم

و قرءان

بروایت

بروایت انس رضی الله عنه که هرگاه که سورهٔ نازل شده
رسول صلی الله علیه وسلم سبحان الله گفت پس
فرمود که پس روی کردند این سورة را چندان فرشتگان
که کرانهای آسمان را بستند الکهف این بیان سوره
کهف است مَنْ قَرَأَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ النُّورِ
مَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ مس در صحیح مستدرکست بروایت ابی سعید
خدری که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که روز جمعه
سوره کهف خواند برای او نوری باشد از هر ایت و تو
تا جمعه دیگر مَنْ قَرَأَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ النُّورِ
فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ مرمی در کتاب دعا
ابن مردویه و مسند دارمی است که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هر که شب جمعه سورهٔ کهف خواند برای او
نوری میان او و میان کعبه روشن کنند عتیق قدیم
و آزاد شده گویند مَنْ قَرَأَهَا كَمَا أُنْزِلَتْ كَانَتْ لَهُ نُورًا
مِنْ مَقَامِهِ إِلَى مَكَّةَ وَمَنْ قَرَأَ بِعَشْرِ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا
فَخَرَجَ الدَّجَّالُ لَمْ يُسَلَّطْ عَلَيْهِ س مس در سنن نسائی
و صحیح مستدرک است بروایت ابو سعید رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که سوره کهف را
چنانچه نازل شده است بخواند برای او نوری از مقام

انعام

الکهف سوره فضیلت

اوتامکه باشد وهرکه ده آیة از آخر آن سورة بخواند
پس دجال بیرون شود برو مسلط نکردد مَنْ قَرَاءَ
سُوْرَةَ الْكَهْفِ كَانَتْ لَهُ نُوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ مَقَامِهِ
اِلَى مَكَّةَ وَمَنْ قَرَأَ بِعَشْرِ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا ثُمَّ خَرَجَ
الدَّجَّالُ لَمْ يَضُرَّهُ طس در معجم اوسط است بروایت
ابي سعيد رضي الله عنه کسیکه بخواند سورة کهف باشد
اورا نوری از مقام او تامکه در روز قیامة وکسی بخواند
ده آیة را آخر آن سورة واو اکر دجال را بیابد دجال
باو هیچ زیان نرساند نتواند مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ
اَوَّلِهَا عُصِمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ م د ت س در صحیح مسلم وسنن
ابي داود و ترمذي ونسائي است بروایت ابی الدرداء
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه
ده آیة از اول سورة کهف بخواند او از فتنه دجال
محفوظ باشد مَنْ اَدْرَكَ الدَّجَّالَ فَلْيَقْرَأْ عَلَيْهِ فَوَاتِحَهَا
الْحَدِيْثَ م عه در صحیح مسلم وچهار سنن است بروایت
نواس بن سمعان رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود هرکه دجال را یابد پس کو که آیتها اولین
سورة کهف بخواند فَاِنَّهَا جِوَارُكُمْ مِنْ فِتْنَتِهِ د
در سنن ابي داود ست که بر وی خواند آیتهاء اول کهف

مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ م د مَنْ قَرَاءَ الْعَشْرَ الْاَ
وَاخِرَ مِنَ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ
د س مَنْ قَرَاَ ثَلٰثَ آيَاتٍ مِنْ اَوَّلِ الْكَهْفِ
عُصِمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ ت

جِوَارُكُمْ

والحواميم والطواسين سورة طه فضيلت

ثمانی است از فتنه دجال اُعْطِيْتُ طٰه وَالطَّوَاسِيْنَ وَ
الْحَوَامِيْمَ مِنْ اَلْوَاحِ مُوْسٰى مس در صحیح مستدرک است بروایت
معقل بن یسار رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که خدای تعالی مرا سورة طه ودو طسم ویک طس
وهفت حم از الواح موسی علیه السلام داده اند قَلْبُ

يس سورة فضيلت

الْقُرْاٰنِ يس لَا يَقْرَاُهَا رَجُلٌ يُرِيْدُ اللّٰهَ وَالدَّارَ الْاٰخِرَةَ
اِلَّا غُفِرَ لَهُ اِقْرَؤُهَا عَلٰى مَوْتَاكُمْ س د ق حب در سنن نسائی
وابي داود وابن ماجة وصحیح ابن حبان است بروایت انس
رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دل قرآن
سورة یس است هیچ مردي آنرا نخواندی در ان حال که رضا
حق تعالی ودار آخرة خواهد مکر که خدای تعالی اورا بیامرزد
بخوانید این سورة را برمرد کان خود الْفَتْحُ این بیان فضل

الفتح سورة فضيلت

سوره فتح است هِيَ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ خ س ت
در صحیح بخاري وسنن نسائی وترمذی است بروایت عمر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سورة
فتح دوست تر است سوی من از انچه آفتاب برو بر آمده است

الملك سوره فضيلت

تَبَارَكَ الْمُلْكُ ثَلٰثُوْنَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ حَتّٰى غُفِرَ لَهُ حب
عه مس در صحیح ابن حبان وچهار سنن وصحیح مستدرک است بروایت
ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود

شفعت

تبارک که سورة ملک است سی آیت است روز قیامت برای مردی
که اورا خوانده است شفاعت کند تاکه او مغفورت کردد تستغفر
لصاحبها حتی یغفر له حب در صحیح ابن حبان بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که آمرزش طلب کند از برای خواننده خود تاکه خواننده
او آمرزیده کردد وددت انها فی قلب کل مؤمن مس
در صحیح مستدرکت بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود دوست میدارم که سورة ملک در دل
هر مومن باشد یؤتی الرجل فی قبره فتؤتی رجلاه فیقول
لیس لکم سبیل کان یقرا بی سورة الملک ثم یؤتی من صدره
من بطنه ثم من راسه کذ یقول کذالک فهی تمنع من
عذاب القبر وهی فی التوریة من قراها فی لیلة فقد
اکثر و اطیب مرس در کتاب دعا ابن مردویه و صحیح مستدرکت
بروایت ابن مسعود که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود فرشتکان
عذاب بیایند در قبر مردی که سورة ملک خوانده است اول از جانب
دوپای او بیایند هر دو پای او کویند که اینجا شمارا راه نیست
بسبب آنکه سورة ملک خوانده ایم پس از جانب سینه و از جانب
شکم بیایند هر یک همان جواب کویند فرشتکانرا راه بعذاب
ندهند پس این سورة از عذاب قبر مانع باشد و این سورة در
توریة نیز هست هر که این سورة در شب خواند پس بزرگی

که او

زلزلت سوره فضیلت

که او بسیار خواند و نیک خواند اذا زلزلت ربع القرآن ت
در سنن ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود سورة اذا زلزلت ربع قران است یعنی ثواب
ربع قرآن در قراءت او هست تعدل بنصف القرآن ت مس
در سنن ترمذی و صحیح مستدرکت بروایت ابن عباس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سورة اذا زلزلت برابر ثواب
نصف قرآنست که ذکر احوال اخرت در وهست و آن نصف
است نسبت بذکر احوال دنیا و آخرت یا رسول الله اقرانی
سورة جامعة فاقراه سورة اذا زلزلت الارض حتی فرغ
منها فقال والذی بعثک بالحق لا ازید علیها ابدا ثم
ادبر الرجل فقال النبی صلی الله علیه افلح الرویجل
مرتین د س حب در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مستدرکت
و ابن حبانست بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنه که مردی کفت
ای رسول خدای مرا سورتی جامعه بیاموز پس رسول صلی
الله علیه وسلم اورا سورة زلزلت تعلیم کرد تاکه از ان
فارغ شد پس آن مرد کفت که سوکند آن خدای که ترا بحق
فرستاده است برین سورة چیزی زیادت نکنم پس باز
کشت رفت رسول صلی الله علیه وسلم دو بار فرمود که
مرد رستکاری یافت شاید این مرد سؤال سورتی کرده

ابن

باشد که بران عمل کند تا چار دستکار فی کردد دو یحیی تصغیر
شاذ است تصغیر رجل رجیل است مکرکه او تصغیر راجل
باشد الْكَافِرُونَ رُبُعُ الْقُرْآنِ ت در سنن ترمذی است
بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
ثواب سورة الکافرون ثواب ربع قرآن است تَعْدِلُ رُبُعَ الْقُرْآنِ
ت مس در سنن ترمذی وصحیح مستدرک است بروایت ابن عباس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سورة الکافرون
برابر ثواب ربع قرآنست نِعْمَ السُّورَتَانِ هُمَا تُقْرَآنِ فِي
الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ الْكَافِرُونَ وَالْإِخْلَاصُ حب
در صحیح ابن حبان است بروایت عایشة رضی الله عنها که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیک اند دو سورة که آنرا
در سنت فجر میخوانند یکی سورة الکافرون دوم سورة
الاخلاص قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ثُلُثُ الْقُرْآنِ خ م س ق در صحیح
بخاری رضی الله عنه ومسلم وسنن ترمذی وابن ماجة است
بروایت ابی هریرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ثلث قرآن است تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ
خ د ت س
در صحیح بخاری وسنن ابی داود وترمذی وابن ماجة و
صحیح مستدرک است بروایت ابی سعید رضی الله عنه که قُلْ
هو الله احد با ثلث قرآن برابر میشود یعنی ثواب او برابر

اذا جاء نصر الله ربع القرآن ت م

ابی داود

ثلث قرآن است وَقَالَ عَنْ رَجُلٍ كَانَ يَقْرَأُ بِهَا لِأَصْحَابِهِ فِي
الصَّلٰوةِ أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللهَ يُحِبُّهُ خ م س در صحیح بخاری ومسلم
وسنن نسائی است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی
الله علیه وسلم مردیرا برین کی امیر ساخته بود واو اصحاب
خودرا امامت میکرد ودر هر نمازی بعد فاتحه قُلْ هُوَ
الله احد میخواندند چون باز کشتند رسول صلی الله علیه
وسلم را خبر کردند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
ازو بپرسید که برای چه همچنین میکردی او کفت درین سورة
رحمن است ومن قراءت انرا دوست میدارم پس فرمود
که خدای تعالی ترا دوست میدارد دوستی حق تعالی آنست
که ثواب ونعمت دهد ودوستی بندکان آنست که استقامت
بر طاعت او با شوق ومحبت کنند وَقَالَ لِرَجُلٍ كَانَ
يَلْزَمُ قِرَاءَتَهَا مَعَ غَيْرِهَا فِي الصَّلٰوةِ حُبُّكَ إِيَّاهَا أَدْخَلَكَ
الْجَنَّةَ خ ت در صحیح بخاری وسنن ترمذی است بروایت
انس رضی الله عنه که مردی قراءت قل هو الله احد با سورة
دیکر بلزوم خواندی چون او را ازین حال پرسیدند کفت
کفت یا رسول الله این سورة را دوست میدارم رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود دوستی تو باین سورت ترا در بهشت در
آرد وَسَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُهَا فَقَالَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ت ط مس

صفة

٧ اتی الله

در صحیح مسلم و سنن ترمذی و موطا و سنن نسائی و صحیح
مستدرک است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم مردی را شنید که قل هو الله احد میخواند پس
فرمود این مرد را بهشت واجب شد وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا
لَتَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ خ د س در صحیح بخاری و سنن ابی داود و
نسائی است بروایت ابی سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود بسوگند آن خدای که نفس من بید قدرت
اوست بدرستی که قل هو الله احد برابر ثلث قرآن است مَنْ أَرَادَ
أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ فَنَامَ عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ قَرَأَ مِائَةَ مَرَّةٍ قُلْ
هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقُولُ الرَّبُّ يَا
عَبْدِي ادْخُلْ عَلَى يَمِينِكَ الْجَنَّةَ ت در سنن ترمذی است بروایت
انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود وقتی
کسی که خواهد که بر بستر خود خواب کند پس بر پهلوی راست خود
بخسبد و صد بار قل هو الله احد خواند چون روز قیامت شود
خدای تعالی فرماید ای بندهٔ من جانب راست خود در بهشت
درآ یعنی چون اطاعت رسول من کردی و بر جانب راست
غلطیدی و سوره‌ای که در آن صفات منست خواندی پس امروز
تو از اصحاب یمینی از جانب یمین خود در بهشت درآ الْفَلَقُ وَ
النَّاسُ این بیان فضل سورة الفلق و سورة الناس است الا

علی فراشه
من اراد ان ینام

یمینی

أَلَا أُعَلِّمُكَ خَيْرَ سُورَتَيْنِ قُرِئَتَا د س در سنن ابی داود
و نسائی است بروایت عقبة بن عامر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه فرمود ای عقبه ترا تعلیم کنم بهترین دو سورت
که خوانده اند یعنی معوذتین اقْرَأْ بِهِمَا وَلَنْ تَقْرَأَ بِمِثْلِهِمَا
س حب در سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت جابر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود این هر دو
سورة را بخوان و هرگز بمثل آن نخوانی وَكَانَ صَلَّى اللهُ
يَتَعَوَّذُ مِنَ الْجَانِّ وَعَيْنِ الْإِنْسَانِ حَتَّى نَزَلَتِ الْمُعَوِّذَتَانِ
أَخَذَ بِهِمَا وَتَرَكَ مَا سِوَاهُمَا ت س ق در سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم پیش از نزول معوذتین از آسیب پری
و چشم انسان بچیز دیگر تعویذ میکردند چون معوذتین
نازل شد آنرا گذاشت و بمعوذتین تعویذ میکرد مَا سَأَلَ سَائِلٌ
وَلَا اسْتَعَاذَ مُسْتَعِيذٌ بِمِثْلِهِمَا مص در مصنف ابوبکر است بروایت
عقبه بن عامر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود بمثل معوذتین هیچ سائلی سوال نکرده است و هیچ پناه جوینده
پناه نجسته اقْرَأْ بِهِمَا كُلَّمَا نِمْتَ وَكُلَّمَا قُمْتَ مص در مصنف
ابوبکر است بروایت عقبه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که
هرگاه که خواب کنی و هرگاه از خواب برخیزی معوذتین بخوان

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اقرأ بأعوذ برب الفلق فإنك لن تقرأ بسورة أحب إلى الله
وأبلغ عنده منها فإن استطعت أن لا تفوتك فافعل در صحیح
مستدرک است بروایت عقبه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود ای عقبه قل أعوذ برب الفلق بخوان زیرا که بدرستی
هرگز نخوانی هیچ سورتی دوستتر سوی خدای تعالی و ابلغ ازو
نزد خدای تعالی برای دفع بدی پس اگر توانی که ترا آن فوت نشود
بخوان لن تقرأ شیئا أبلغ عند الله من قل أعوذ برب الفلق
ی در کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت عقبه رضی الله عنه
و معنی همانست ألم تر آیات نزلت اللیلة لم ير مثلهن قط
الفلق والناس م ت س در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسایی است
بروایت عقبه رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم خبر کنم
ترا بآیاتی که امشب فرود آمده که قطعا مثل آن ندیده که آن سورة
الفلق و سورة الناس است والأدعیة التی هی غیر مخصوصة
بوقت ولا سبب یعنی دعاهایی که بوقت و سبب وابسته نیست
وارد از رسول صلی الله علیه وسلم باطلاق بی تقیید اینست اللهم
إنی أعوذ بك من الكسل والهرم والمغرم والمأثم
اللهم إنی أعوذ بك من عذاب النار وفتنة النار و
فتنة القبر وعذاب القبر ومن شر فتنة الغنى ومن شر فتنة
الفقر ومن شر فتنة المسیح الدجال اللهم اغسل

خطایای بماء الثلج والبرد ونق قلبی من الخطایا كما
ینقى الثوب الأبیض من الدنس وباعد بینی وبین
خطایای كما باعدت بین المشرق والمغرب ع در اصول
ست است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم دعای مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای بتو می پناهم
از کاهلی و از سخت پیری و از دین و از گناه و از شر
فتنه توانگری بدین که تفاخر و طغیان کنم و مال
در معاصی افکنم و از شر فتنه فقر که حسد با غنیا کنم
و طمع در مال ایشان بدارم و صبر بر ایذاء فقر نتوانم با
معنی گذشت اللهم إنی بك من العجز والكسل و
الجبن والهرم وأعوذ بك من فتنة المحیا والممات
خ م ت س حب ص ط در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابو داود و ترمذی
و صحیح ابن حبان و مستدرک و معجم صغیر است بروایت انس
رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند
معنی اینست که ای بار خدای بتو می پناهم از درماندگی و کاهلی
و بد دلی و از فتنه حیات و ممات وأعوذ بك من القسوة
والغفلة والعیلة والذلة والمسكنة وأعوذ بك من الفقر
والكفر والفسوق والشقاق والسمعة والریاء وأعوذ بك
من الصمم والبكم والجنون والجذام وسیئ الأسقام

أعوذ بك

من عذاب القبر وأعوذ بك

در

پس

ادعیه غیر مخصوصه بوقت و سبب

حب مس طط درصحیح ابن حبان ومستدرک ومعجم صغیرست بروایت
انس که رسول صلی الله علیه وسلم برد؛ ومتقلدان این دعاء مذکور
زیادت میخواند معنی اینست که بتو می پناهم از سخت دلی وغفلت
ودرویشی وخواری ودرماندگی ومی پناهم بتو از فقر وکفر وفسق
وخلاف وسمع وریا سمعه آنست که عمل نیک از برای شنوانیدن
مردم کند وبتو پناه میجویم از کری وگنگی وپیسی وبیماری
ای بد اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ
وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ خ د ت س درصحیح بخاری
وسنن ابی داود وترمذی ونسایی است بروایت انس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست
ای بارخدای بتو می پناهم از اندیشه وغم وبخل وگرانی دین
وجور سلطان اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ
وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ اللّٰهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَ
زَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ
لَا يُسْتَجَابُ لَهَا م ت س مص درصحیح مسلم وسنن ترمذی ونسایی ومصنف
ابی بکرست بروایت زید بن ارقم که رسول صلی الله علیه وسلم
دعا مذکور میخواند معنی اینست که ای بارخدای نفس مرا تقوی
اوبده واورا پاک کن تو بهترین کسی که اورا پاک کند تویی دا

ودیوانگی

اللهم انی اعوذ بک من البخل واعوذ بک من الجبن واعوذ بک من ان ارد الی ارذل العمر واعوذ بک من فتنة الدنیا وعذاب القبر خ ت س
درصحیح بخاری وسنن ترمذی ونسایی است بروایت سعد که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست که ای بارخدای بتو می پناهم از اندیشه ازینکه تا عمر ردی برسم باقی معنی گذشته م

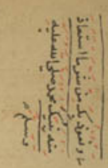
ی

آرنده کارها وتویی ناصرا وای بارخدای بتو پناهم از علمی
که سود نکند یعنی بعمل مقرون نگردد واز دلی که نترسد واز
نفسی که سیر نگردد از جمع مال ویا از اکل واز دعا که مستجاب
نشود اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَسُوءِ الْعُمُرِ وَ
فِتْنَةِ الصَّدْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ د س ق حب درسنن ابی داود ونسایی
وابن ماجه وصحیح ابن حبان است بروایت عمر رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی آنست
که ای بارخدای نفس مرا بتو می پناهم از بدی عمر که عصیان
ورزد واز فتنه سینه که شک در عقیده بدو راه دهد باقی
معنی گذشت اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي
أَنْتَ الْحَيُّ لَا تَمُوتُ وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ م خ س
درصحیح مسلم بخاری وسنن نسایی است بروایت ابن عباس رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست
که ای بارخدای بدرستی که می پناهم از بدی بعزت تو که جز تو
معبود نیست ازین که مرا گمراه کنی تو آنی زنده که نمیری وپری
وآدمی بمیرند اللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ
الشَّقَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ خ درصحیح بخاری است
بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای

بدرستی که بتو می پناهم از سختی بلا که دشواری آن بجدیست
که صاحب آن مرگ خواهد بعضی گویند مراد ازین قلت مال
وکثرة عیال است و پناه میجویم بتو از رسیدن بدبختی
واز بدی سوی قضا واز خوش شدن دشمنان اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ اَعْمَلْ م د س ق
در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است
بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
دعاء مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای بدرستی که بتو
می پناهم از بدی آنچه کرده ام واز بدی آنچه نکرده ام
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَلِمْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ اَعْلَمْ
س مص در صحیح مستدرک و مصنف ابی بکر است بروایت عایشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند
معنی اینست ای بارخدای بدرستی که بتو می پناهم از بدی آنچه
دانسته ام واز بدی آنچه ندانسته ام اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ
بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَجَمِيْعِ سَخَطِكَ م د س در صحیح مسلم و
سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست
ای بارخدای بدرستی که بتو می پناهم از زوال نعمت تو که بر منست
واز گشتن عافیت تو که در منست واز شتابی خشم تو

که بلای شتاب دشوارتر است از بلاء غضب که باهستگی
رسد واز جمیع غضب تو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنْ
شَرِّ سَمْعِیْ وَمِنْ شَرِّ بَصَرِیْ وَمِنْ شَرِّ لِسَانِیْ وَمِنْ
شَرِّ قَلْبِیْ وَمِنْ شَرِّ مَنِیِّیْ ت د س مص در سنن ترمذی و ابی
داود و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت شکل بن حمید
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند
معنی اینست ای بارخدای بتو می پناهم از شر منی غلبه کند
و در زنا اندازد اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ
وَالذِّلَّةِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ د س ق مس در سنن ابی
داود و نسائی و ابن ماجه و مستدرک حاکم است بروایت ابی هریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی
اینست ای بارخدای بتو می پناهم از فقر و فاقه وخواری و
بتو می پناهم ازین که ظالم باشم یا مظلوم شوم اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَدْمِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ التَّرَدِّیْ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ
الْغَرَقِ وَالْحَرَقِ وَالْهَرَمِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ یَّتَخَبَّطَنِیَ الشَّیْطَانُ
عِنْدَ الْمَوْتِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَمُوْتَ فِیْ سَبِیْلِكَ مُدْبِرًا وَاَعُوْذُ
بِكَ مِنْ اَنْ اَمُوْتَ لَدِیْغًا د س مس در سنن ابی داود و نسائی و صحیح
مستدرک است بروایت ابو الیسر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی آنست که ای بارخدای

بتو می پناهم ازین که دیواری یا سقفی یا جزان بر من افتد
وازین که در چاه یا از بلندی افتم وازین که غرق شوم
وازین که باتش بسوزم وازین که بنهایت پیری برسم ازین
مذکور پناه جست با انکه دران مرتبه شهادتست زیراکه آن
اشیاء سخت است وصبر بران دشوار است شاید که شیطان
درین فرصت یابد ودر کمراه ساختن او شتابد وبتو می پناهم
ازین که شیطان نزد موت مرا مس کند وایمان مرا تباه
سازد وبتو می پناهم ازین کارزار در راه تو پشت داده بمیرم
یعنی وقت غزا کردن بگریزم وکشته شوم وبتو می پناهم
که از گزیدن گزنده بمیرم شل مار وکژدم وغیره بدانکه این
همه تعلیم برای امت است واگرنه او صلی الله علیه وسلم
ازین همه محفوظ است اَللّٰهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ
الْأَخْلَاقِ وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ ت حب وَالْأَدْوَاءِ ت درسنن
ترمذی وصحیح ابن حبان ومستدرک است بروایت قطبة بن مالک
رضی الله عنه که رسول الله دعا مذکور میخواند معنی اینست که ای
بارخدای بتو می پناهم از منکرات واز قبیحات اقوال وافعال
وخواهشهای دل وبیماریها ورنجهای ولفظ الادواء
درسنن ترمذی است بروایت ابوامامه رضی الله عنه اَللّٰهُمَّ
إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ



عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللّٰهِ ت درسنن ترمذی است بروایت ابو امامه رضی الله عنه
که دعا مذکور خواند معنی اینست که ای بارخدای از تو میخواهیم
از نیکی آنچه پیغامبر تو محمد صلی الله علیه وسلم خواسته ومی پناهیم
بتو از شر آنچه پیغامبر تو محمد صلی الله علیه وسلم بتو پناه
جسته واز یاری میطلبم وبر تست رسانیدن یاری واز
گناه باز ماندن وقوت طاعت جز بیاری تو نیست اَللّٰهُمَّ
أَعُوْذُ بِكَ مِنْ جَارِ السُّوْءِ فِيْ دَارِ الْمُقَامَةِ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ
يَتَحَوَّلُ س حب مس درسنن نسائی وصحیح ابن حبان وصحیح
مستدرکست بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای
بتو می پناهم از همسایه بد در سرای اقامت پس بدرستی که همسایه
بادیه منتقل میشود أَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالدَّيْنِ س حب مس
درسنن نسائی وصحیح ابن حبان ومستدرک است بروایت ابو سعید
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند
معنی ظاهر است اَللّٰهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ
الْعَدُوِّ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ س حب درصحیح مستدرکست وابن حبان
بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
میخواند معنی آنست که ای بارخدای بتو می پناهم از غلبه دین

وغلبه دشمن وخوشحالی دشمنان اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ
لَا يَنْفَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ حس مص
در صحيح مستدرك ومصنف ابي بكرست بروايت ابن مسعود رضي الله عنه
كه رسول الله صلي الله عليه وسلم دعا مذكور ميخواند ومعنا او بالا
گذشته وَمِنَ الْجُوعِ فَاِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ حس مص در صحيح مستدرك
ومصنف ابي بكرست بروايت ابي هريره رضي الله عنه كه رسول صلي الله
عليه وسلم اين كلمات مذكوره بر دعا متقدم زيادة كردي
معني آنست كه بتو مي پناهم از گرسنگي زيراكه گرسنگي همنشين بدست
وَمِنَ الْخِيَانَةِ فَبِئْسَتِ الْبِطَانَةُ وَمِنَ الْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ
وَالْهَرَمِ وَمِنْ اَنْ اُرَدَّ اِلَى اَرْذَلِ الْعُمُرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ وَعَذَابِ
الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْاَلُكَ عَزَائِمَ
مَغْفِرَتِكَ وَمُنْجِيَاتِ اَمْرِكَ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَ
الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ
مس در صحيح مستدركست بروايت ابن مسعود كه رسول صلي الله
عليه وسلم بر دعا متقدم اين دعاء مذكور نيز زيادت كردي
معني اينست كه مي پناهم بتو از خيانت باقي معني گذشت اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْاَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ حب در صحيح ابن
حبانست بروايت جابر رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم
دعاء مذكور ميخواند معني آنست كه اي بار خداي از تو علم غير نافع

وَعَمَلٍ لَا يُرْفَعُ

علم نافع ميخواهم وبتو از م

مپناهم

می پناهم اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يُرْفَعُ
وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَقَوْلٍ لَا يُسْمَعُ حب مص در صحيح ابن حبان ومستدرك
ومصنف ابي بكراست بروايت انس رضي الله عنه كه رسول صلي الله
عليه وسلم دعاء مذكور ميخواند معناء او گذشت اَللّٰهُمَّ
نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَرْجِعَ عَلَى اَعْقَابِنَا اَوْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِنَا مر خ م
در كتاب دعاء ابن مردويه وصحيح بخاري ومسلم است بروايت
ابن مليكه رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم دعاء
مذكور ميخواند معني آنست كه اي بار خداي بتو مي پناهم از اين
كه بر پاشنهاي پاي خود سوي كفر باز كرديم يا فتنه زده
از دين خود شويم اين تعليم براي امتست نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ
عَذَابِ النَّارِ نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ عو در صحيح ابو عوانه است
بروايت زيد بن ثابت رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه
وسلم دعاء مذكور ميخواند معني اينست كه بخداي تعالي مي پناهم
از عذاب آتش واز فتنه ظاهر وباطن واز فتنه دجال
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ
وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ
بِكَ مِنْ هٰؤُلَاءِ الْاَرْبَعِ ط ص در مصنف ابي بكراست بروايت
ابن عباس رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم دعاء

اِنَّا

اِي م

اللهم اغفر لي ذنوبي وخطايي وعمدي طس ص ابن عباس

مذکور خواندی معنا او بالا گذشت اللهم انی اعوذ بك من دعاء لا یسمع وقلب لا یخشع ونفس لا تشبع ط در معجم کبیر است بروایت جریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت اللهم انی اعوذ بك من الکسل والهرم وفتنة الصدر وعذاب القبر ط در معجم کبیر است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی گذشت اللهم انی اعوذ بك من یوم السوء ومن جار السوء فی دار المقامة ط در معجم کبیر است بروایت عقبة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای بتو می پناهم از روز بد و از شب بد و از ساعت بد و از صاحب بد و همسایه بد در سرای اقامت اللهم انی اعوذ بك من البرص والجنون والجذام وسيء الاسقام د س ص در سنن ابی داود ونسائی ومصنف ابی بکر است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست که ای بار خدای بتو می پناهم از پیسی سفید و از پیسی ریزنده و از بدی امراض و بیماریهای سخت اللهم انی اعوذ بك من الشقاق والنفاق وسوء الاخلاق د در سنن ابی داود است بروایت ابو هریره که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست که ای بار خدای

ومن لیلة السوء ومن ساعة السوء

ومن صاحب السوء

بتو می پناهم از خلاف حق و عداوة و نفاق و بدی خلقها اللهم انی اعوذ بك من الجوع فانه بئس الضجیع واعوذ بك من الخیانة فانها بئست البطانة د در سنن ابی داود است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی بالا گذشت اللهم انی اعوذ بك من الاربع من علم لا ینفع ومن قلب لا یخشع ومن نفس لا تشبع ومن دعاء لا یسمع د در سنن ابی داود است بروایت ابی هریره که رسول صلی الله علیه وسلم این دعاء میخواند معنی بالا گذشت اللهم ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار خ م د س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی بالا گذشت اللهم اغفر لي خطیئتي وجهلي واسرافي في امري وما انت اعلم به مني خ م ص در صحیح بخاری و مسلم و مصنف ابی بکر است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای بیامرز گناه من و نادانی من و اسراف من در کار خود و آنچه تو میدانی از عیوب من و از گناهان من اللهم اغفر لي جدي وهزلي وخطائي وعمدي وکل ذلك عندي خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول

اللهم

بکسر الجیم نقیض الهزل

صلى الله عليه وسلم دعا مذكور ميخوانده معني اينست كه اي
بار خداي بيامرز براي من گناهي را كه در آن سعي كردم
و گناهي را كه بخطا از من صادر شد و گناهي را كه عمدا كردم
و جميع آن مذكور نزد من است يعني بدين مذكور متصف اين
اين را براي تعليم امت فرموده اند يا از جهت تواضع و شكستن
نفس علي رضي الله عنه ميفرمايد كه رسول صلي الله عليه وسلم
فوت كمال و ترك اولي را گناه شمرده است و بعضي گويند
مراد ازين زلات پيش از نبوت است أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ
الْمُؤَخِّرُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ خ م در صحيح بخاري و مسلم است
بروايت عايشه رضي الله عنها كه رسول صلي الله عليه وسلم
بر دعاء سابق اين كلمات مذكوره زيادت ميكرد معني اينست
تو ئي پيشي كننده سوي رحمت خود كسي را كه خواهي و تو ئي
پس آرنده از رحمت خود كسي را كه خواهي اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِي جِدِّي وَهَزْلِي وَخَطَائِي وَعَمْدِي وَكُلُّ ذٰلِكَ عِنْدِي مص
در مصنف ابو بكر است بروايت ابو موسي كه رسول صلي الله
عليه وسلم دعا مذكور ميخوانده معني گذشت اَللّٰهُمَّ اغْسِلْ
عَنِّي خَطَايَايَ بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا
نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ
خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ خ م در

عمد

صحيح بخاري و مسلم است بروايت عايشه رضي الله عنها
كه رسول صلي الله عليه وسلم دعا مذكور ميخوانده معناه او
بار الٰهي گذشت اَللّٰهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ
م س در صحيح مسلم و سنن نسائي است بروايت عبد الله
بن عمر رضي الله عنهما كه رسول صلي الله عليه وسلم دعا
مذكور ميخوانده معني اينست كه اي بار خداي اي گرداننده
دلها دل ما را بر طاعت خود بگردان اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي وَ
سَدِّدْنِي م در صحيح مسلم است بروايت علي رضي الله عنه
كه رسول صلي الله عليه وسلم دعا مذكور ميخوانده معني
اينست اي بار خداي هدايت و راستي من زياده گردان
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالسَّدَادَ م در صحيح مسلم است
بروايت علي رضي الله عنه كه رسول صلي الله عليه وسلم
دعا مذكور ميخوانده معني اينست كه اي بار خداي از تو زيادت
هدايت و زيادت راستي ميخواهم اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
الْهُدَىٰ وَالتُّقَىٰ وَالْعَفَافَ وَالْغِنَىٰ م ت ق در صحيح مسلم
و سنن ترمذي و ابن ماجه است بروايت ابن مسعود
رضي الله كه رسول صلي الله عليه وسلم دعا مذكور ميخوانده
معني اينست اي بار خداي ميخواهم از تو زيادت هدايت
و ميطلبم از تو زيادت تقوي و زيادت پاك دامني
اَللّٰهُمَّ

و زيادت غنا

أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ
الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي
وَاجْعَلِ الْحَيَوةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ
رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ م درصحیح مسلم است بروایت
ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعا مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای راست دار
برای من دین مراکه نکارنده جمیع امر من است که هرکه
دین او تباه شد جمیع کار او راست آمد و هرکه دین او
فاسد شد جمیع کار او فاسد گشت و راست دار برای من دنیاء
مراکه در ان معاش منست بدین که حلال باشد ومعین
برطاعت بود و قانع بدان یحتاج نباشد و راست دار
برای من آخرت مراکه بازگشت من سوی آنست بدین تو
برطاعت وعبادت بدهی وحیات مرا زیادت کردانی
بتوفیق خیر و نیکی وموت مرا باعث راحت کنی از هر شر
وبلا وچون بر قومی فتنه خواهی مرا نافتنه زده بمیرانی
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي وَاهْدِنِي
م درصحیح مسلم است بروایت ابی مالک اشجعی رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم نومسلمانرا دعا مذکور تعلیم
میفرمود یعنی او بالا گذشت رَبِّ أَعِنِّي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي

وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ وَاهْدِنِي وَيَسِّرِ
الْهُدَى لِي وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيَّ رَبِّ اجْعَلْنِي لَكَ ذَكَّارًا
لَكَ شَكَّارًا لَكَ رَهَّابًا لَكَ مِطْوَاعًا لَكَ مُخْبِتًا إِلَيْكَ
أَوَّاهًا مُنِيبًا رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَاغْسِلْ حَوْبَتِي وَأَجِبْ
دَعْوَتِي وَثَبِّتْ حُجَّتِي وَسَدِّدْ لِسَانِي وَاهْدِ قَلْبِي وَ
اسْلُلْ سَخِيمَةَ صَدْرِي عه حب مس مص درچهار سنن وصحیح
ابن حبان ومستدرک ومصنف ابی بکر است بروایت
ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعا مذکور میخواند معنی اینست که ای پروردگار
نصرت ده مرا و هیچ دشمنی را بر دفع من رهنمونی
مکن ومرا راه راست بنما وراه راست را برای من
آسان کن ومرا نصرت ده برکسی که بر من بغی ورزد ای
پروردگار مرا بسیار ذکر کننده خود وبسیار شکر
کننده خود کردان ومرا بسیار ترسنده از خود وبسیار
اطاعت کننده فرمان خود ساز ومرا بسیار تواضع و خشوع
وباآرام بذکر خود وبا استواری بخود کردان ومرا
غمکین بر تقصیرات من ساز ورجوع کننده بسوی درگاه
خود بساز وتایب از کناهان کردان وتوبه من قبول
کن ودعاء مرا مستجاب کردان وتصدیق مرا ثابت دار

وزبان مرا راست کن ودعاء مرا مستجاب گردان
وتصدیق مرا ثابت دار وزبان مرا راست کو تا بغیر حق
وصدق نجنبد ودل مرا براه راست ثابت دار وکینه
سینه من بکش اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَارْضَ عَنَّا
وَتَقَبَّلْ مِنَّا وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ وَاَصْلِحْ
لَنَا شَأْنَنَا كُلَّهُ ق حه در سنن ابن ماجه و ابی داود است
بروایت ابی امامه رضی الله عنه کرسول صلی الله علیه وسلم
دعا مذکور میخوانده معنی اینست که ای بارخدای مرا بیامرز
وبر ما رحمت کن واز ما خشنود باش وعمل ما قبول
کن وما را در بهشت درآر وما را از آتش دوزخ رهائی
ده وهمه کارهای ما راست آر اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ بَيْنَ قُلُوبِنَا
وَاَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ
اِلَى النُّورِ وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَبَارِكْ لَنَا
فِيْ اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُلُوبِنَا وَاَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا
وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ
لِنِعْمَتِكَ مُثْنِينَ بِهَا قَابِلِيهَا وَاَتِمَّهَا عَلَيْنَا د حب مس ط
در سنن ابی داود وصحیح ابن حبان ومستدرک ومعجم کبیر است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه کرسول صلی الله علیه وسلم
دعا مذکور میخوانده معنی آنست ای بارخدای میان دلهای
ما الفت ده وذات ما را راست آر وما را راههای سلامت
بنمای وما را از ظلمات سوی نور نجات ده وما را از
فواحش ظاهر وباطن دور دار وبرای ما در گوش ما
وچشم ما ودر دل ما ودر زنان ما ودر فرزندان ما برکت
کن وما را شکر گوینده نعمت خود ساز وثناء گوینده بر جلال
حضرت خود کن وقابل انعام واحسان خود کن اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْاَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْاَمْرِ وَاَسْاَلُكَ عَزِيمَةَ الرُّشْدِ وَاَسْاَلُكَ
شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَاَسْاَلُكَ لِسَانًا صَادِقًا وَقَلْبًا سَلِيمًا وَخُلُقًا مُسْتَقِيمًا
وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَاَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ
مِمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ت حب مس مص در سنن ترمذی
وصحیح ابن حبان ومستدرک ومصنف ابوبکر است بروایت شداد
بن اوس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
میخوانده معنی اینست که ای بارخدای از تو ثبات در کار دین
میخواهم واز تو زبان راست گو ودل سلیم خالی از عقاید فاسد
میخواهم وبتو می پناهم از بدی آنچه تو میدانی واز تو میخواهم
نیکی آنچه تو میدانی واز تو آمرزش میخواهم از گناهانی که تو
میدانی بدرستی که تویی داننده غیبها اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ
وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّيْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مس ا در صحیح مستدرک ومسند امام احمد است

بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعاء مذکور میخواند معنای گذشت لفظ لا اله الا انت در مسند
اللّهمّ اقسم لنا من خشیتک ما تحول به بیننا وبین معاصیک
ومن طاعتک ما تبلغنا به جنتک ومن الیقین ما تهوّن به علینا
مصائب الدنیا ومتّعنا باسماعنا وابصارنا وقوّتنا ما احییتنا
واجعله الوارث منّا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا
علی من عادانا ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر
همّنا ولا مبلغ علمنا ولا غایة رغبتنا ولا تسلّط علینا من لا یرحمنا
ت س مس در سنن ترمذی ونسائی وصحیح مستدرکست بروایت ابن عمر
رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند
معنی آنست که ای بارخدای نصیب من کن ترس خود را که بآن ترس
ما را از معاصی باز داری ونصیب کن ما را از طاعت خود که بدان ما را
ببهشت رسانی ونصیب کن ما را از یقین آنچه بدان بر ما مصائب
دنیا آسان کنی ما را بگوش وچشم وقوة ما برخورداری ده مادام
که ما را زنده داری وآن برخورداری را از ما باقی کردان که بعد از ما در خلق
بماند یا آنرا محفوظ کردان تا وقت حاجت ما را کار آید وبگردان
کینه وغضب ما بر کسی که بر ما ظلم کرده است یعنی مکردان ما را از
کسانی که در طلب قصاص تعدی کنند وغیر جانی را بکیرند چنانچه
در جاهلیت بود یا گویند ادراک قصاص بر ما جانی کن تا اثر و

من

خود کینیم وما را بر دشمنان ما نصرت بده ومعصیت ما در دین
ما مکردان ودنیا را غایت علم ورغبت ما مکردان بدین که علم
وفکر ما جز در دنیا نباشد وبر ما مکمار کسی را که بر ما رحمت نکند
یعنی ما را مغلوب کافران وظالمان مکردان یا گویند ظالم را بر ما حاکم
مکن که او بر رعیت رحمت نکند یا مراد ازین فرشتگان عذابند اللّهمّ
زدنا ولا تنقصنا واکرمنا ولا تهنّا واعطنا ولا تحرمنا وآثرنا
ولا تؤثر علینا وارضنا وارض عنّا ت س مس در سنن ترمذی ونسائی
وصحیح مستدرکست بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعاء مذکور میخواند معنی آنست که ای بارخدای دین ما را زیادت
کردان ونقصان مکردان وما را کرامی ده واهانت مکن وما را نیکی
بده وما محروم مکردان وما را اختیار کن ودیگری را بر ما اختیار مکن
وما را از قضای خود راضی کردان واز ما راضی باش اللّهمّ الهمنی
رشدی واعذنی من شرّ نفسی ت در سنن ترمذی است بروایت
عمران بن حصین رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم پدر
او حصین را دعاء مذکور آموخت معنی آنست که ای بارخدای الهام
کن مرا هدایت من وفلاح من ومرا پناه آر از بدی نفس من
اللّهمّ قنی شرّ نفسی واعزم لی علی ارشد امری اللّهمّ اغفر لی
ما اسررت وما اعلنت وما اخطأت وما عمدت وما جهلت
وما علمت مس حب در صحیح مستدرک وسنن نسائی وصحیح ابن حبان است بروایت

عمران بن حصين رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاء
مذكور ميخواند معنى اينست كه اى بارخداى مرا از بدى نفس من نگاه
دار ومرا بركار دين من قصد وسعى روزى كن اى بارخداى براى من بيامرز
گناهي كه پنهان كردم وگناهي كه آشكارا كردم وگناهي كه بخطا كردم وگناهي
كه بعمدا كردم وگناهي بنادانى كردم أَسْأَلُ اللهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
ت در سنن ترمذي است كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه از خداى تعالى
عافيت در دنيا و آخرت ميخواهم در مشكوة است بروايت ابو بكر صديق
رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم بر منبر ايستاده بگريست و فرمود
از خداى عفو وعافيت خواهيد كه هيچ بعد از يقين بهتر از عافيت نيست
شارح گويد گريه او صلى الله عليه وسلم ازين بود كه بمعجزه دانست كه
امت من در غلبه شهوت وفتنه خواهد افتاد ودر حرص وجمع اموال
خواهند كوشيد پس امر كرد بدين كه التجا بسوى كردگار كنيد
وعفو وعافيت ازو خواهيد اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ
تَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَإِذَا
أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ
مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ تس در سنن ترمذي وصحيح
مستدرك است بروايت معاذ بن جبل رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم
دعاء مذكور ميخواند معنى اينست اى بارخداى از تو ميخواهم فعل نيكيها
وترك بديها وحب مسكينان وآمرزش ورحمت از تو ميخواهم

وجون

وجون خواهي كه قومي را در فتنه اندازي پس مرا غير فتنه زده
متوفي سازى واز تو ميخواهم حب تو وحب كسى كه آن ترا دوست
ميدارد وحب عملي كه آن بسوى حب تو مرا نزديك گرداند اَللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَالْعَمَلَ الَّذِي يُبَلِّغُنِي إِلَى حُبِّكَ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ
ت س در سنن ترمذي وصحيح مستدرك است بروايت ابو الدرداء
رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعا مذكور ميخواند
معنى اينست اى بارخداى از تو ميخواهم دوستي تو ودوستي كسى
كه ترا دوست ميدارد واز تو ميخواهم توفيق عملي را كه مي رساند
مرا بسوى دوستي تو اى بارخداى بگردان دوستي خودرا
بسوى من از نفس من واهل من واز آب سرد دوستر ومحبوبتر
گردان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِي حُبُّهُ
عِنْدَكَ اَللّٰهُمَّ وَمَا رَزَقْتَنِي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ قُوَّةً
لِي فِيمَا تُحِبُّ اَللّٰهُمَّ وَمَا زَوَيْتَ عَنِّي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ
فَرَاغًا لِي فِيمَا تُحِبُّ ت در سنن ترمذي است بروايت عبد الله
بن يزيد رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعا
مذكور خواندى معنى اينست كه اى بارخداى مرا روزي كن
دوستي خود ودوستي كسي كه مرا سود كند دوستي او نزد
تو اى بارخداى چنانچه مرا روزي كردي از انچه من دوست

میدارم پس آن را قوت من گردان در دوستی آنچه تو آن را
دوست می داری ای بارخدای آنچه از من دور داشتی از آنچه
دوست میدارم از دنیا پس آن دوری را عون من گردان در
آنچه تو دوست میداری اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا
الْوَارِثَ مِنِّي وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِي وَخُذْ مِنْهُ بِثَأْرِي ت مس
در سنن ترمذی و صحیح مستدرک و مسند بزار است بروایت ابی هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعاء مذکور میخواندند معنی
همانست که گذشت يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ ت مس
مص ص در سنن ترمذی و مسند امام احمد است بروایت ام سلمه
رضی الله عنها و در صحیح مستدرک و مصنف ابی بکر است بروایت
جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخواندند
معنی اینست که ای گرداننده دلها دل مرا بر دین خود ثابت دار
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا يَرْتَدُّ وَنَعِيمًا لَا يَنْفَدُ وَمُرَافَقَةَ
نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَعْلَى دَرَجَةِ الْجَنَّةِ جَنَّةِ
الْخُلْدِ س حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
دعا مذکور میخواند معنی اینست که ای بارخدای از تو میخواهم
ایمانی که بر نگردد و نعمتی میخواهم که زوال آن نرسد و صحبت
پیغامبر صلی الله علیه و سلم میخواهم در بلندترین درجهای

وَأَرِنِي فِيهِ ثَأْرِي

بهشت در جنة ابدی اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صِحَّةً فِي إِيمَانٍ وَإِيمَانًا فِي حُسْنِ
خُلُقٍ وَنَجَاحًا تَتْبَعُهُ فَلَاحًا وَرَحْمَةً مِنْكَ وَعَافِيَةً وَمَغْفِرَةً
مِنْكَ وَرِضْوَانًا س مس در سنن نسائی و صحیح مستدرک است بروایت
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعاء مذکور میخواند
معنی آنست که ای بارخدای از تو صحت در ایمان میخواهم و
ایمان در حسن خلق میخواهم و میخواهم نجاتی را که عقب آن
رستگاری ابدی باشد و میخواهم از تو رحمت و عافیت و مغفرت
و رضوان اَللّٰهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي
وَارْزُقْنِي عِلْمًا تَنْفَعُنِي بِهِ س مس در سنن نسائی و صحیح مستدرک
بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا
مذکور میخواند معنی اینست که ای بارخدای مرا نفع رسان بچیزی
که مرا تعلیم کردی و مرا تعلیم کن آنچه مرا سود کند و روزی
کن مرا علمی که بدان مرا نفع رسانی اَللّٰهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي
وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي وَزِدْنِي عِلْمًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ
وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ ت ق مس در سنن ترمذی و ابن
ماجه و مصنف ابی بکر است بروایت ابی هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور خواندی معنی اینست ای پروردگار
علم مرا زیادت کن حمد مر خدای تعالی راست بهر حال و میپناهم
از حال اهل دوزخ اَللّٰهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَحْيِنِي

فِي إِيمَانٍ

ابوهریره

کت

مَا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي وَاَسْأَلُكَ
خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَكَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ
وَاَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَاَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ
وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ وَفِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ وَفِتْنَةٍ اَللّٰهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَةِ
الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ در سنن نسائی وصحیح مستدرک و
سند امام احمد ومعجم کبیر است بروایت عمار رضی الله عنه از رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند یعنی اینست که ای بارخدای
بحق علم تو که در غیب است وبحق قدرت تو که بر خلق است مرا
زنده دار مادام که حیوة برای من بهتر دانی ومرا متوفی کن چون
مرگ برای من بهتر دانی واز تو پنهان وآشکارا خوف تو میخواهم
واز تو در رضا وغضب خلق کلمهٔ اخلاص میخواهم واز تو نعمتی
میخواهم که بی زوال باشد واز تو روشنائی چشم میخواهم
که منقطع نگردد ومراد از قرة عین فرزند صالح است که هَبْ لَنَا
مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ دلیل برین است واز تو رضا بقضای
تو میخواهم وخنکی عیش بعد مرگ میخواهم ولذة نظر سوی ذات
کریم تو میخواهم وشوق لقاء تو میخواهم تقیید بلذت از ان
که در عرصات نظر هیبت وجلالت ودر بهشت نظر لطف
وجمال وبتو می پناهم از سختی که مضر باشد که صبر بران ممکن

نشود وبتو می پناهم از فتنه که گمراه سازد ای بارخدای بزینهٔ
ایمان ما آراسته گردان وما را راه نماینده وراه یابنده گردان
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ
أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مَا عَاذَ بِكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ
وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ لِي
خَيْرًا ق حب مس در سنن ابن ماجه وصحیح ابن حبان ومستدرک است
بروایت عایشه رضی الله عنها که دعاء مذکور خواند معنی اینست که
ای بارخدای از تو میخواهم همه نیکی که زود مرا بدهی ونیکی که در زمان
آینده بدهی ونیکی میخواهم که مرا معلوم است ونیکی میخواهم
که معلوم نیست ومی پناهم بتو از همه بدی آنچه زود مرا برسد
وآنچه در زمان آینده برسد ومی پناهم بتو از بدی آنچه مرا
معلوم است وبدی آنچه مرا معلوم نیست ای بارخدای از تو میخواهم
نیکی آنچه بنده وپیغامبر تو خواسته است وبتو می پناهم از بدی
آنچه بنده وپیغامبر تو پناه گرفته است ای بارخدای میخواهم از
تو بهشت وقولی وعملی که سوی بهشت نزدیک گرداند وپناه
میخواهم از دوزخ وعملی که سوی دوزخ نزدیک گرداند
واز تو میخواهم آنکه همه قضاء برای من نیک گردانی وَأَسْأَلُكَ
مَا قَضَيْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ أَنْ تَجْعَلَ عَاقِبَتَهُ رُشْدًا مس در صحیح
که این دعا با سابق لاحق کند معنی اینست واز تو میخواهم آنکه

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ
مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ [illegible] اَللّٰهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ
خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ

شده قضا برای من نیک کردانی وَأَسْأَلُكَ لِمَا قَضَيْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ أَنْ
تَجْعَلَ آخر کار رهدایت کردانی در قضاء کاری که برای من کنی اَللّٰهُمَّ
أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ
الْآخِرَةِ حب مس در صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت بسر بن ارطاة
رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور
میخواند معنی اینست که ای بارخدای عاقبة ما در همه
کار نیک کردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرة در امان
دار اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَائِمًا وَاحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ
رَاقِدًا وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ مس حب در صحیح مستدرکست بروایت
ابن مسعود رضی الله عنه و در صحیح ابن حبانست بروایت
عمر رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء
مذکور میخواند معنی اینست که ای بارخدای مرا در حالت
قیام و قعود و خواب با سلام نگاه دار و دشمن و حاسد
را بمن خوش مکردان و از تو میخواهم هر نیکی که
بید قدرت تست اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ
آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي هُوَ بِيَدِكَ كُلِّهِ
حب در صحیح ابن حبانست بروایت عمر رضي الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست

وَاحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَاعِدًا

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ

که ای بارخدای بتو می پناهم از بدی آنچه موی پیشانی
او در قبض تست و میخواهم از تو همه نیکی که بید قدرت
تست اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ
وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ
وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ مس ط در صحیح مستدرک و معجم کبیر است بروایت
عمر رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور
میخواند معنی کذشت اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا
هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ طب در معجم کبیر
و کتاب دعاء طبرانی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند معنی کذشت اَللّٰهُمَّ
أَعِنَّا عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ مس ا در صحیح
مستدرک و مسند امام احمد است بروایت ابی هریرة رضي الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی کذشت
اَللّٰهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَاخْلُفْ عَلَى كُلِّ
غَائِبَةٍ لِي بِخَيْرٍ مس در صحیح مستدرک است بروایت ابن
عمر رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
میخواند معنی کذشت اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً
وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَمَرَدًّا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ مس

در صحیح مستدرک است بروایت عبد الله بن ابی اوفی رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند
معنی اینست که ای بارخدای از تو میخواهم زندگانی پاک از
شرک وگناه ومرگ درست بر دین وباز گشتنی که رسوائی
دران نشود اللّٰهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي
وَخُذْ اِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي وَاجْعَلِ الْاِسْلَامَ مُنْتَهَى رِضَايَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّنِي وَاِنِّي ذَلِيلٌ فَاَعِزَّنِي وَاِنِّي
فَقِيرٌ فَارْزُقْنِي مص مس در مصنف ابو بکر است وصحیح مستدرک
است بروایت بریدة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست ای بارخدای من
ضعیفم پس مرا در رضی خود قوی گردان وپیشانی من گرفته مرا
سوی خیر برسان واسلام را نهایت رضای من گردان ای بار
خدای من ضعیفم مرا قوی کن وخوارم مرا عزیز کن ومن فقیرم
مرا روزی بده اللهم انت الاول فلا شئ قبلك وانت الاخر فلا شئ
بعدك اعوذ بك من كل دابة ناصيتها بيدك واعوذ بك
من الاثم والكسل وعذاب القبر وفتنة الفقر واعوذ بك
من المأثم والمغرم اللهم نقني من خطاياى كما نقيت الثوب
من الدنس اللهم باعد بيني وبين خطاياى كما باعدت بين المشرق
والمغرب هذا ما سال محمد ربه حب ط طس در صحیح مستدرک ومعجم کبیر

الابیض م

واسط

واوسط است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که رسول صلی
الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواندند معنی کذشت اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
خَيْرَ الْمَسْاَلَةِ وَخَيْرَ الدُّعَاءِ وَخَيْرَ النَّجَاحِ وَخَيْرَ الْعَمَلِ وَخَيْرَ
الثَّوَابِ وَخَيْرَ الْحَيٰوةِ وَخَيْرَ الْمَمَاتِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْاِسْلَامِ
وَثَقِّلْ مَوَازِيْنِي وَحَقِّقْ اِيْمَانِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَتَقَبَّلْ صَلٰوتِي
وَاغْفِرْ خَطِيْئَتِي وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِيْنَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ وَجَوَامِعَهُ وَاَوَّلَهُ
وَاٰخِرَهُ وَظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ وَالدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِيْنَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا اٰتِيْ وَخَيْرَ مَا اَفْعَلُ وَخَيْرَ
مَا اَعْمَلُ وَخَيْرَ مَا بَطَنَ وَخَيْرَ مَا ظَهَرَ وَالدَّرَجَاتِ الْعُلٰى
مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي وَتَضَعَ
وِزْرِي وَتُصْلِحَ اَمْرِي وَتُطَهِّرَ قَلْبِي وَتُحَصِّنَ فَرْجِي وَتُنَوِّرَ
قَلْبِي وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ
اٰمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اَنْ تُبَارِكَ لِي فِي سَمْعِي وَفِي
بَصَرِي وَفِي رُوْحِي وَفِي خَلْقِي وَفِي خُلُقِي وَفِي اَهْلِي وَفِي مَحْيَايَ
وَفِي مَمَاتِي وَفِي عَمَلِي وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِي وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ
الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِيْنَ مس ط طس در صحیح مستدرک ومعجم کبیر
واوسط است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که رسول صلی
الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی اینست ای بار

الله

خدای از تو میخواهم نیک سوال و نیک دستکاری و نیک
عمل و نیک ثواب و نیک زندکانی و نیک مرک و مرا بر اسلام
ثابت دار و ترازوی نیکی من کران کردان و ایمان مرا راست
و استوار کن و درجه مرا بردار و نماز مرا قبول کن و کناه
مرا بیامرز و میخواهم از تو درجهای بلند از بهشت این دعا
مرا قبول کن و کناه مرا بیامرز و میخواهم ای بار خدای
از تو میخواهم اول نیکی و آخر نیکی و ظاهر نیکی و باطن نیکی
و درجهای بلند از بهشت این دعا مرا قبول کن ای بار خدای
از تو میخواهم خوبی آنچه مرا داده تو و خوبی آنچه بکنم
من و خوبی ظاهر و باطن و درجهای بلند از بهشت این
دعا مرا قبول کن ای بار خدای از تو میخواهم آنکه ذکر من
برداری و بار کناه من فرو نهی و کار من راست آری
و دل مرا پاک سازی و فرج مرا نکاه داری و دل مرا روشن
کنی و کناه مرا بیامرزی و میخواهم از تو درجهای بلند در
بهشت این دعا مرا قبول کن ای بار خدای از تو میخواهم
آنکه مرا در کوش من و چشم من و روح من و خلقت و قول
من و اهل من و زندکانی و مرک من و عمل من برکت دهی
و حسنات مرا قبول کنی و از تو میخواهم درجهاء بلند از
بهشت این دعاء مرا قبول کن اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ

عِنْدَ كِبَرِ سِنِّيْ وَ انْقِطَاعِ عُمْرِيْ سن طس در صحیح مستدرک
و معجم اوسط است بروایت عایشه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند معنی
اینست ای بار خدای نزد پیری من و انقطاع عمر من
رزق بر من فراخ کن اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ
وَ خَطَايَايَ وَعَمْدِيْ حب در صحیح ابن حبان است بروایت
عثمان بن ابی العاص که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء
مذکور میخواند معنی کذشت يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُوْنُ وَلَا
تُخَالِطُهُ الظُّنُوْنُ وَلَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُوْنَ وَلَا تُغَيِّرُهُ
الْحَوَادِثُ وَلَا يَخْشَى الدَّوَائِرَ يَعْلَمُ مَثَاقِيْلَ الْجِبَالِ وَمَكَايِيْلَ
الْبِحَارِ وَعَدَدَ قَطْرِ الْاَمْطَارِ وَعَدَدَ وَرَقِ الْاَشْجَارِ وَعَدَدَ
مَا اَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ اَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ وَلَا تُوَارِيْ مِنْهُ
سَمَاءٌ سَمَاءً وَ لَا اَرْضٌ اَرْضًا وَلَا بَحْرٌ مَا فِيْ قَعْرِهِ وَلَا
جَبَلٌ مَا فِيْ وَعْرِهِ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِيْ آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِيْ خَوَاتِمَهُ
وَخَيْرَ اَيَّامِيْ يَوْمَ اَلْقَاكَ فِيْهِ طس در معجم اوسط طبرانی
است بروایت انس که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء
مذکور میخواند معنی اینست ای آنکه نمی بینند او را چشمها
در دنیا و در نیایند در وی کمانها و نمیتوانند وصف کردن
او را واصفان و تغییر نکنند او را حوادث روزکار

روزکار و نمی ترسد از کردش روزکار میداند
مقدار ها کوهها و پیمانها دریاها و شمار قطرهاء
باران و شمار برکهای درختان و شمار چینهاء که بران
شب تاریکی کند و روز بران روشنائی کند و نپوشد
دریا چیزیرا که در تک اوست و نپوشد کوه چیزیرا که
درون سختی اوست بکردان بهترین عمر من آخر
او و بهترین عملی من آخرین عمل من و بکردان بهترین
روزهاء من روزی که ملاقات کنم با تو در ان روز یا
وَلِيَّ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ ثَبِّتْنِي بِهِ حَتَّى أَلْقَاكَ ط در معجم
کبیر طبرانی است بروایت انس که رسول صلی الله علیه
و سلم این دعاء میخواندی دوست دار اسلام و اهل اسلام
ثابت دار مرا بآن اسلام تا زمانی که ملاقات کنم با تو یعنی
بمیرم اَللّٰهُمَّ أَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ
وَلَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ فِي غَيْرِ ضَرَّاءَ
مُضِرَّةٍ وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ ط طس در معجم کبیر و اوسط طبرانی
است بروایت فضاله بن عبید که رسول صلی الله علیه و سلم
این دعا میخواندی ای بارخدای میخواهم از تو رضا بقضاء
تو و خوشی عیش را پس از مرگ و لذت نظر بسوی دیدار تو
و آرزومندی بسوی لقاء تو در حالی که باشم در غیر شدتی

که ضرر کننده باشد و غیر فتنه که کمراه کننده باشد
اَللّٰهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَجِرْنَا مِنْ
خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ اط در مسند احمد و معجم
کبیر طبرانی است بروایت بشر بن ابی ارطاة که بود پیغامبر
صلی الله علیه و سلم که این دعا میخواندی ای بارخدای
نیکو کردان عاقبت مارا در جمیع کارها و پناه ده مرا
از خواری دنیا و عذاب آخرت مَنْ كَانَ ذَلِكَ دُعَاءَهُ
مَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصِيبَهُ الْبَلَاءُ ط در معجم کبیر طبرانی
است بروایت بشر مذکور هر که باشد این دعاء مذکور
خواندن او بمیرد پیش از آنکه برسد او را بلائی اَللّٰهُمَّ
أَسْأَلُكَ غِنَايَ وَغِنَى مَوْلَايَ اط در مسند امام احمد و معجم
کبیر طبرانی است بروایت ابی صرمه مازنی انصاری که پیغامبر
صلی الله علیه و سلم این دعاء میخواندی ای بارخدای بدرستی
که من میخواهم از تو بی نیازی خود را و بی نیازی دوست خود را
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَ
مَرَدًّا غَيْرَ مُخْزِي وَلَا فَاضِحٍ ط در معجم طبرانی است بروایت
عبد الله بن عمر رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه
و سلم این دعاء میخواندی ای بارخدای بدرستی که میخواهم
من از تو زندگانی پاک و مردنی معتدل بر وجه نیکو و باز

کیتی بحضرت تو که دران خواری و رسوائی نباشد

اللهم اغفر لی وارحمنی وادخلنی الجنة ط

در معجم کبیر طبرانی است بروایت سائب بن یزید که

پیغمبر صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند و معنی آن ظاهر است

اللهم بارک لی فی دینی الذی هو عصمة امری وفی

آخرتی التی الیها مصیری وفی دنیای التی فیها بلاغی

واجعل الحیوة زیادة لی فی کل خیر واجعل الموت راحة

لی من کل شر ر در مسند بزار است بروایت زبیر بن عوام

رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند

ای بار خدای برکت ده در آخرتی که بسوی آن بازگشت

من است و برکت ده در دنیای که دران وسیله رسیدن منست

با آخرت و بگردان زندگی مرا زیادتی در هر خیری و بگردان

مرگ مرا راحتی از هر شری و بدی اللهم اجعلنی صبورا و

اجعلنی شکورا واجعلنی فی عینی صغیرا وفی اعین

الناس کبیرا ر در مسند بزار است بروایت بریده بن حصیب

الاسلمی که پیغامبر صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند ای

بارخدا بگردان مرا صبور و بگردان مرا شکور یعنی در حلول

بلا یا صابر و در نزول عطایا شاکر و بگردان مرا در چشم

من خورد چنانکه عجب و خیلا در خود نیابم و بگردان مرا

دو دیون مونکوی نکاهبان کارمنت و برکت م

در چشم مردمان بزرگ اللهم انی اسألک الطیبات

وترک المنکرات وحب المساکین وان تتوب علی وان

اردت بعبادک فتنة ان تقبضنی الیک غیر مفتون ر

در مسند بزار است بروایت ثوبان مولی رسول الله صلی

الله علیه وسلم که پیغمبر صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند

که ای بار خدای بدرستی که من میخواهم از تو عملها پاکیزه و ترک

از کارها زشت و دوستی فقرا و آنکه توبه مرا قبول کنی و اگر

بخواهی به بندگان خود دیان حالی که در فتنه واقع نشوم

اللهم انی اسألک علما واعوذ بک من علم لا ینفع طس در معجم

کبیر طبرانی است بروایت عایشه صدیقه و رقیه بنت رسول

الله علیه وسلم و در معجم اوسط است بروایت جابر که پیغمبر

صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند ای بار خدای بدرستی

که من میخواهم علمی که نافع باشد و پناه میبرم از علمی که نفع

نکند اللهم انی اسألک خیر فی ارضنا برکتها وزینتها و

سکنها طس در معجم اوسط طبرانی است بروایت سمرة که پیغامبر

صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند که ای بار خدای بنه در

زمین ما برکت آن و زینت آن و قوت آن اللهم انی اسألک بانک

الاول فلا شیء قبلک والآخر فلا شیء بعدک والظاهر

فلا شیء فوقک والباطن فلا شیء دونک ان تقضی عنا

ومعل الخيرات

الدَّيْنَ وَاَنْ تُغْنِيَنَا مِنَ الْفَقْرِ مص در مصنف ابن ابی شیبه
است بروایت ابوهریره که پیغامبر صلی الله علیه وسلم این
دعا میخواند ای بارخدای بدرستی که من میخواهم از تو
بحق آنکه تو اولی پس نیست چیزی موجود پیش از تو و تو
آخری که نیست هیچ چیزی که غالب آید بر حکم تو و تو دانائی
دانائی چیزهای پنهانی پس نیست هیچ چیزی پوشیده
بر تو آنکه ادا کنی از ما دین مرا و آنکه بی نیاز کردانی مرا از فقر
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَهْدِيكَ لِاَرْشَدِ اَمْرِي وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي
حب در صحیح حبان است بروایت عثمان بن ابی العاص که پیغامبر
صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند ای بارخدای بدرستی
من طلب راه راست میکنم از تو تا دریابم کار خود را و پناه
میبرم بتو از بدی نفس خود اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي وَ
اَسْتَهْدِيكَ لِمَرَاشِدِ اَمْرِي وَاَتُوبُ اِلَيْكَ فَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ
رَبِّي اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ رَغْبَتِي اِلَيْكَ وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي صَدْرِي
وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي اِنَّكَ اَنْتَ رَبِّي مص در مصنف
ابن ابی شیبه است بروایت عمر بن خطاب رضی الله عنه که پیغامبر
صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند ای بارخدای بدرستی که
طلب آمرزش میکنم از جهت کناهان خود و طلب هدایت میکنم
از تو از برای دریافتن مقاصد دین خود و بازگردم بسوی تو

بعد تو و تو غالبی بر بندگان
هیچ چیزی

پس

پس بازکرده ای بارخدای تو بر من یعنی توبه مرا قبول
فرمای بدرستی که تو پروردگار منی ای پروردگار بارخدای
پس بکردان رغبت من بسوی خود و بکردان بی نیازی
مرا در سینه من و برکت ده مرا در چیزی که روزی کردی مرا
و بپذیر از من عملهای نیک مرا بدرستی که تویی پروردکار
من یَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ عَلَى الْقَبِيحِ يَا مَنْ لَا يُؤَاخِذُ بِالْجَرِيرَةِ
وَلَا يَهْتِكُ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ
يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ
شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئَ النِّعَمِ
قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّنَا وَيَا سَيِّدَنَا وَيَا مَوْلَانَا وَيَا غَايَةَ
رَغْبَتِنَا اَسْاَلُكَ يَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تَشْوِيَ خَلْقِي بِالنَّارِ مس
در صحیح مستدرک است بروایت عمرو بن شعیب که پیغامبر صلی الله
علیه وسلم این دعا میخواند ای آنکه ظاهر میکند کارهای
نیکو را و می پوشد بر من کار زشت را ای آنکه نمیکیرد بگناه
و نمیدرد پرده عاصی را ای بزرگ بخشایش ای نیک درگذرنده
ای فراخ آمرزش ای کشاینده دو دست برحمت ای یار هر
رازی ای منتهای هر شکایتی ای بزرگ عفو کناهان بندکان
ای بسیار احسان ای پیدا کننده نعمتها پیش از آنکه کسی مستحق
آن نعمت شود ای پروردکار ما ای مالک ما ای یاری دهنده ما

يَا عَظِيمُ

وای نهایت رغبت ما طلبم از تو ای الله این که نسوزی بدن
مرا بآتش دوزخ ثُمَّ تُوْ دُکَ فَمَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ اَعْظَمَ
حِلْمُكَ فَعَفُوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ بَسَطْتَ يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ
رَبَّنَا وَجْهُكَ اَكْرَمُ الْوُجُوْهِ وَجَاهُكَ اَعْظَمُ الْجَاهِ وَعَطِيَّتُكَ
اَفْضَلُ الْعَطِيَّةِ وَاَهْنَأُهَا تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ
وَتُجِيْبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضُّرَّ وَتَشْفِي السَّقِيْمَ وَتَغْفِرُ
الذَّنْبَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَلَا يُجْزِيْ بِآلَائِكَ اَحَدٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ
قَوْلُ قَائِلٍ ص مو در مسند ابو یعلی موصلی و مصنف ابن ابی شیبه است
بروایت علی رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم این دعاء
میخواند معنی اینست تمام است نور تو پس راه نمودی خلق را
بان نور پس مر تراست حمد بزرگ است حلم تو پس درگذشتی
بآن حلم از گناهان خلق پس مر تراست حمد کشاده کردی دست
رحمت خود را پس عطا داری بعموم خلایق پس مر تراست
پروردگارا وجه تو بزرگترین وجوه است وجاه تو بزرگترین
جاهها است وعطاء تو فاضل ترین عطاها است وگوارا ترین
آنها است طاعت کرده میشوی پروردگارا پس راضی شوی و
پاداش دهی پس نافرمانی شود بتو پروردگارا پس بخشی
آنرا واجابت کنی عاجز ودرمانده را وبکشای ضرر وزیان را
دی وشفا دهی تو بیمار را وبخشی گناه را وقبول میکنی توبه را

وشکر شکر گزاری نکند آنچه حق است شکر است بر نعمتهای
تو هیچ یکی ونمیرسد ستایش ترا گفتن هیچ گوینده اَللّٰهُمَّ
اِنِّيْ اَسْاَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَاِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا اِلَّا اَنْتَ
ط در معجم کبیر طبرانی است بروایت عبد الله مسعود رضی الله عنه
که پیغامبر صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند ای بار خدا
بدرستی که من میخواهم از فضل بی نهایت تو ورحمت
بی غایت تو پس بدرستی که مالک نیست انرا هیچ یکی مگر تو اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبَنَا وَظُلْمَنَا وَهَزْلَنَا وَجِدَّنَا وَخَطَأَنَا وَعَمْدَنَا
وَكُلُّ ذٰلِكَ عِنْدَنَا اط در مسند احمد ومعجم کبیر طبرانی است
بروایت عبد الله بن عمرو که پیغامبر صلی الله علیه وسلم
این دعا میخواند ای بار خدای بیامرز مارا گناهان مارا و
بیداد مارا وهزل مارا وجد مارا وخطاء مارا ودانسته
مارا وهمه این چیزها مذکور نزد ما است اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِيْ خَطَائِيْ وَعَمْدِيْ وَهَزْلِيْ وَجِدِّيْ وَلَا تَحْرِمْنِيْ بَرَكَةَ
مَا اَعْطَيْتَنِيْ وَلَا تَفْتِنِّيْ فِيْمَا اَحْرَمْتَنِيْ طس در معجم اوسط
طبرانی است بروایت ابی بن کعب که پیغامبر صلی الله علیه وسلم
این دعا میخواند ای بار خدای بیامرز مرا خطاء مارا وعمد
مارا وهزل مرا وجد مرا ومحروم مکردان مرا از زیادتی
چیزی که عطا کردی مرا ودر فتنه منداز مرا در چیزی که

فأحسن

حرمت دادي مرا اَللّٰهُمَّ اَحْسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي اين
در مسند احمد و مسند ابي يعلي موصلي است بروايت ام سلمه
رضي الله عنها كه پيغامبر صلي الله عليه و سلم اين دعا ميخواند اي
بار خداي نيكو كردي آفرينش مرا پس نيك كردان سيرت
مرا رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاهْدِنِي السَّبِيلَ الْاَقْوَمَ اين در
مسند امام احمد و ابي يعلي است بروايت ابن مسعود رضي الله
عنهما كه رسول صلي الله عليه و سلم دعا مذكور ميخواند معني
اينست كه اي پروردگار مرا بيامرز و بر من رحمت كن و مرا راه
راست و استوار بنما سَلُوا اللّٰهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فَاِنَّ اَحَدًا
لَمْ يُعْطَ بَعْدَ الْيَقِينِ خَيْرًا مِنَ الْعَافِيَةِ ت س ق حب مس
در سنن ترمذي و نسائي و ابن ماجه و صحيح ابن حبان و مستدرك
حاكم است بروايت ابو بكر صديق رضي الله عنه كه رسول صلي
الله عليه و سلم حديث مذكور بر منبر فرمود معني گذشت
يَا رَسُولَ اللّٰهِ عَلِّمْنِي شَيْئًا اَدْعُو اللّٰهَ بِهِ فَقَالَ سَلْ رَبَّكَ
الْعَافِيَةَ فَمَكَثْتُ اَيَّامًا ثُمَّ جِئْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ
عَلِّمْنِي شَيْئًا اَسْاَلُهُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا عَمِّ سَلِ اللّٰهَ الْعَافِيَةَ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ط در معجم كبير است بروايت عباس رضي الله عنه
گفتم اي يا رسول الله مرا چيزي بياموز كه خداي عز و جل را
بدان خوانم فرمود از خداي تعالي عافيت بخواه باز بعد از

خدا

چند روز آمدم گفتم اي رسول خداي مرا چيزي بياموز
كه خداي تعالي را بدان خوانم فرمود اي عم من از خداوند
تعالي عافيت دنيا و آخرت بخواه اَكْثِرِ الدُّعَاءَ بِالْعَافِيَةِ
ط در معجم كبير است بروايت ابن عباس رضي الله عنه كه رسول صلي الله
عليه و سلم عباس را فرمود اي عم دعا عافيت بسيار بخواه مَا سَاَلَ اللّٰهَ
الْعِبَادُ شَيْئًا اَفْضَلَ مِنْ اَنْ يَغْفِرَ لَهُمْ وَيُعَافِيَهُمْ د در مسند
بزار است بروايت ابو الدرداء رضي الله عنه كه رسول صلي الله
عليه و سلم فرمود كه نخواسته اند بندگان از خداي تعالي
چيزي بهتر از آمرزش و عافيت يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلَا تُعَلِّمُنِي
دَعْوَةً اَدْعُو بِهَا لِنَفْسِي قَالَ بَلَى قُولِي اَللّٰهُمَّ رَبَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ
اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاَذْهِبْ غَيْظَ قَلْبِي وَاَجِرْنِي مِنْ مُضِلَّاتِ
الْفِتَنِ مَا اَحْيَيْتَنَا در مسند امام احمد است بروايت ام سلمه
رضي الله عنها كه اي رسول خداي بياموز مرا دعائي كه بدان نفس
خود را دعا كنم فرمود آري بياموزم دعا مذكور بخوان معني
آنست كه اي بار خداي اي پروردگار محمد كه نبي است
بيامرز مرا گناهان من و ببر خشم دل مرا و تا مادام كه مرا
زنده نگاه داري از فتنها گمراه سازنده امان بده لَا
يَقُولَنَّ اَحَدُكُمْ اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّتِي فَاِنَّ الْكَافِرَ يُلَقَّنُ
حُجَّتَهُ وَلٰكِنْ يَقُولُ اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّةَ الْاِيمَانِ عِنْدَ الْمَمَاتِ

ط درمعجم کبیر است بروایت عایشة رضی الله عنها کر رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود کوکه نگوید یکی از شمان که ای بار خدای
مرا حجت تلقین کن پس بدرستی که کافر تلقین کرده شود
اورا حجت او لیکن بگوید ای بار خدای مرا حجت ایمان نزد موت
تعلیم کن فَضلُ الصَّلوٰةِ وَالسَّلَامِ این درود وسلام است بر
پیغمبر صلی الله علیه وسلم مَا جَلَسَ قَومٌ مَجلِسًا لَم یَذکُرُوا الله
فِیهِ وَلَم یُصَلُّوا عَلَی نَبِیِّهِم اِلَّا کَانَ عَلَیهِم حَسرَةً یَومَ القِیَامَةِ
وَاِن دَخَلُوا الجَنَّةَ لِلثَّوَابِ حب ا د ت س مس درصحیح ابن حبان
ومسند امام احمد وسنن ابی داود وترمذی ونسائی وصحیح
مستدرک بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که نشسته اند قوم در مجلسی که دران ذکر خدای تعالی جل عند
نکرده اند و بر پیغمبر خود درود نگفته اند مگر آن نشستن بر ایشان
ذکر و درود روز قیامة از جهت فوت ثواب افسوس برایشان
باشد اگرچه در بهشت درآیند اَکثِرُوا عَلَیَّ مِنَ الصَّلوٰةِ یَومَ
الجُمُعَةِ فَاِنَّ صَلوٰتَکُم مَعرُوضَةٌ عَلَیَّ د س ق حب درسنن
ابی داود ونسائی وابن ماجه وصحیح ابن حبان است بروایت اوس
بن اوس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
روز جمعه بر من درود بسیار گوئید که شما را درود روز جمعه بر من
میکنند لَیسَ یُصَلِّی عَلَیَّ اَحَدٌ یَومَ الجُمُعَةِ اِلَّا عُرِضَت عَلَیَّ

صَلوٰتُهُ مس درصحیح مستدرک است ابن مسعود رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود درود فرستید یکی از شما
بر من روز جمعه مگر که درود بر من معروض شود مَا مِن اَحَدٍ
یُسَلِّمُ عَلَیَّ اِلَّا رَدَّ اللهُ عَلَیَّ رُوحِی حَتّٰی اَرُدَّ عَلَیهِ السَّلَامَ
د درسنن ابی داود است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود یکی از شما بر من سلام نگوید
مگر خدای تعالی روح مرا بر من باز کرد اند تا من جواب سلام
او گویم اَولَی النَّاسِ بِی یَومَ القِیَامَةِ اَکثَرُهُم عَلَیَّ صَلوٰةً
ت حب درسنن ترمذی وصحیح ابن حبان است بروایت
ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
مردم بر من روز قیامت کسی است که بر من درود بسیار گوید
اَلبَخِیلُ مَن ذُکِرتُ عِندَهُ فَلَم یُصَلِّ عَلَیَّ ت س حب مس درسنن
ترمذی ونسائی بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود بخیل است آن کسی که ذکر من نزد او شود و او بر من
درود نگوید اَکثِرُوا عَلَیَّ الصَّلوٰةَ عَلَیَّ فَاِنَّهَا زَکوٰةٌ لَکُم ص در
مسند ابی یعلی است بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود درود بر من بسیار گوئید که آن
شما را پاکی است از گناه رَغِمَ اَنفُ رَجُلٍ ذُکِرتُ عِندَهُ فَلَم
یُصَلِّ عَلَیَّ ت حب ط درسنن ترمذی وصحیح ابن حبان و مسند

علی النبی علیه افضل الصلوة والسلام

بروایت م

در صحیح مستدرک است بروایت ... رضی الله عنه

بزارست م

بروایت ابو هریره رضی الله عنه و در معجم کبیر است بروایت
کعب بن عجره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر من نزد او شنود و او درود
بر من نکوید مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ س طس صر ي در کتاب
سنن نسائی و معجم اوسط است و مسند ابی یعلی است و
عمل الیوم و اللیلة است بروایت انس رضی الله عنه و در معجم
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه بر من یک درود کوید
خدای تعالی بر وی ده درود کوید مَنْ ذَكَرَنِي فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ ص
در مسند ابو یعلی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه ذکر من کند پس کو که درود بر من
کوید اِنَّ لِلّٰهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ يُبَلِّغُونِّي عَنْ اُمَّتِي السَّلَامُ
مرحب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود مر خدای تعالی را فرشتکانند که در زمین سیر میکنند و ان
امت من مرا سلام میرسانند اِنِّي لَقِيتُ جِبْرِيلَ فَبَشَّرَنِي
وَقَالَ اِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ
سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِلّٰهِ شُكْرًا مس ا در صحیح مستدرک و مسند
امام احمد است بروایت عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود جبرئیل را ملاقات کردم و مرا بشارت داد

نزد او ذکر من شود پس کو که درود بر من کوید فانّه من صلّی علیّ واحدة صلّی الله علیه عشرًا ی در کتاب عمل الیوم و اللیلة که رسول صلّی الله علیه وسلّم فرمود

کفت

کفت پروردکار تو میفرماید هرکه بر تو درود کوید من بر وی درود
کویم و هرکه بر تو سلام کوید من بر وی سلام کویم پس سجده شکر
برای پروردکار خود کردم یَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنِّي جَعَلْتُ لَكَ
صَلَوَاتِي كُلَّهَا قَالَ اِذًا يَكْفِي هَمَّكَ وَيُغْفَرُ ذَنْبُكَ لِلْحَدِيثِ ت مس
در سنن ترمذی و صحیح مستدرک و مسند امام احمد است بروایت
ابی بن کعب رضی الله عنه که کفتم یا رسول الله همه درود خود را
برای تو کردانیدم یعنی دعائی که برای خود میکردم بعوض
آن درود بر تو میکویم رسول خدای صلی الله علیه وسلم
فرمود اکنون کفایت نموده شود هرکار دین و دنیا که ترا در
اندیشه آرد و کناهان تو آمرزیده شود مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرًا م د ت س ط در صحیح مسلم و سنن ابی
داود و ترمذی و نسائی و معجم کبیر است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود معنی کذشت جَاءَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ
يَوْمٍ وَالْبِشْرُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ اِنَّهُ جَاءَنِي جِبْرِيلُ فَقَالَ
اِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ اَمَا يُرْضِيكَ يَا مُحَمَّدُ اَنَّهُ لَا يُصَلِّي
عَلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ اُمَّتِكَ اِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا س حب مس
مص ی در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و مصنف
ابی بکر است و کتاب عمل الیوم و اللیلة است بروایت

وَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ اُمَّتِكَ اِلَّا
سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا ص

طلحه رضی الله عنه که روزی رسول صلی الله علیه وسلم
در مجلس در آمد واثر خوشی در روی مبارک او بود
فرمود که جبرئیل علیه السلام آمد گفت پروردگار تو
میفرماید که ای محمد بر این شرف و سعادت تو خوشحال
نمیشوی که پروردگار می فرماید که هر که بر تو یکبار درود
گوید من بر وده بار درود گویم وهر که بر تو یک سلام گوید
من بر وده سلام گویم بدانکه این رمز سوی نوعی
از شفاعت است که یک درود بر موجب اینچنین کرامت
است پس چه گمان داری که چون او صلی الله علیه وسلم
برای شفاعت قیام نماید خدای تعالی امت را چه کرامت
روزی کند رَزَقَنَا اللهُ وَجَمِيعَ المسلمين شفاعة سيد
المرسلين مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللهُ عَشْرَ صَلَوَاتٍ
وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ
س حب سس د ط وَكُتِبَ لَهُ بِهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ مِن
~~س د ط وَكُتِبَ لَهُ بِهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ س حب سس د ط~~ در
سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت انس
رضی الله عنه و در مسند بزار و معجم کبیر است بروایت
ابو برده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که هر که بر من یک درود گوید خدای تعالی بر وده درود گوید

وده گناهان از نامه او محو کرد اند وده درجه برای او
بلند سازد وده نیکی برای او بنویسد این آخر کلام در سنن نسائی
است بروایت عمر رضی الله عنه و در معجم کبیر است بروایت
ابو برده رضی الله عنه مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَاحِدَةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ سَبْعِينَ صَلَوةً ا در
مسند امام احمد است بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بر من یک درود گوید
خدای عز وجل و فرشتگان او هفتاد درود بر وی گویند وَكَيْفِيَّةُ
الصَّلَوةِ وَالسَّلَامِ عَلَيْهِ تَقَدَّمَ مصنف گوید و کیفیت درود
عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وسلام بر آنحضرت که درود وسلام چه گونه گوید در درود
وسلام تشهد گذشت اینجا سبب تکرار مذکور نگشت قَالَ
عَلِيٌّ كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ حَتَّى يُصَلَّى
عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِ مُحَمَّدٍ طس در معجم
کبیر اوسط است که علی رضی الله عنه فرمود که هر دعا محجوب
است یعنی بالا نرود و بشرف قبول نرسد تا که داعی درود
بر رسول خدای صلی الله علیه وسلم بر آن نگوید وَعَنْ عُمَرَ رَضِيَ
اللهُ عَنْهُ أَنَّ الدُّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ
مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ت طس

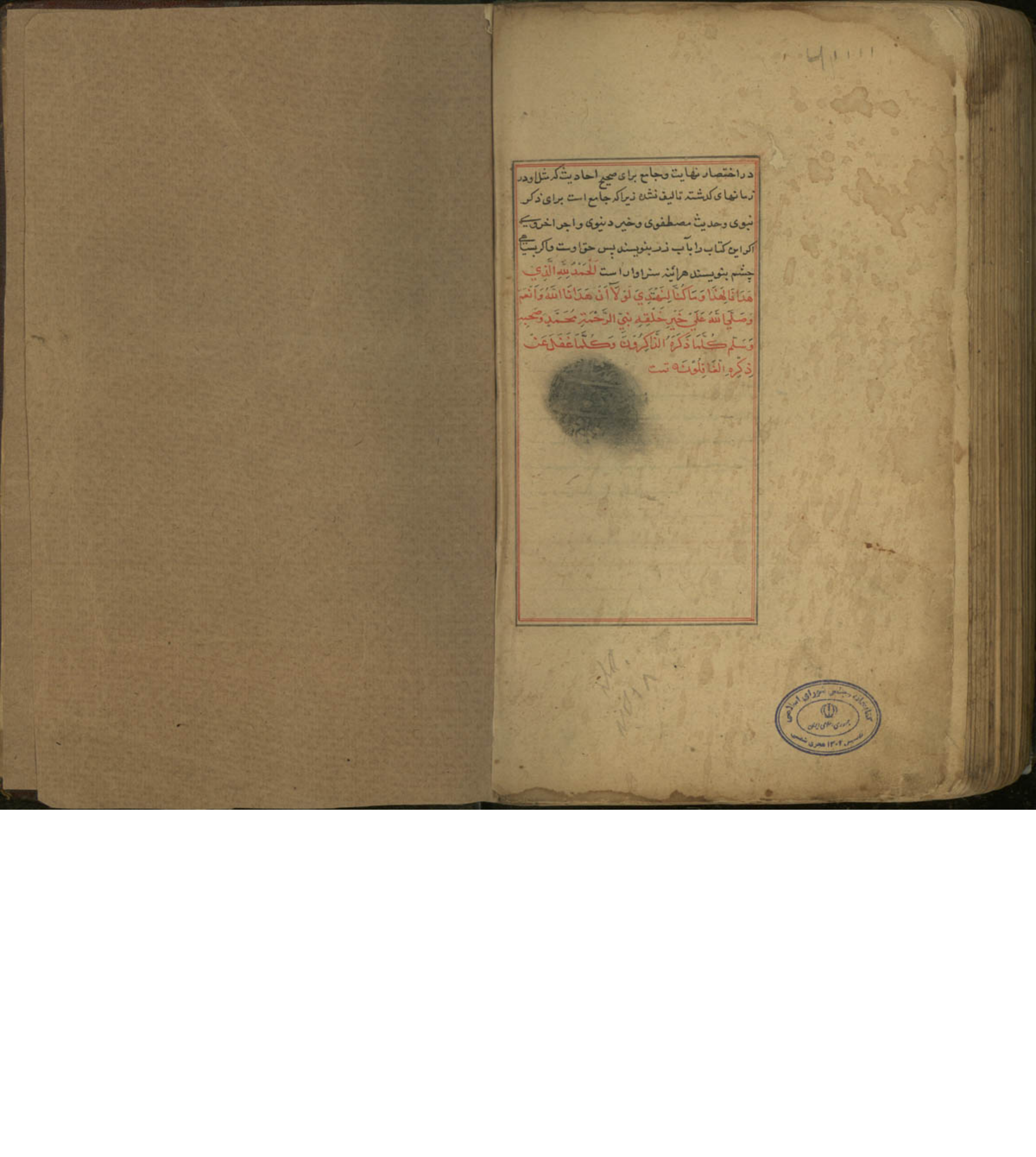
در سنن ترمذی و معجم اوسط است که عمر رضی الله عنه فرمود
که دعا موقوف کرده میان آسمان و زمین چیزی از ان بالا
نرود تا که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم درود گفته شود و قال
الشیخ ابو سلیمان الدارانی رحمه الله اذا سألت الله حاجة
فابدأه بالصلوة صلى الله عليه وسلم ثم ادع بما شئت ثم اختم
بالصلوة عليه صلى الله عليه وسلم فان الله سبحانه يقبل
الصلوتين وهو اكرم من ان يدع ما بينهما مصنف گوید
شیخ ابو سلیمان دارانی رحمه الله گفته که چون حاجتی از حق
سبحانه خواهی پس آنرا بدرود آغاز کن پس بدانچه خواهی
دعا کن پس ختم بدرود کن یعنی اول و آخر دعا درود باید
گفت زیرا که خدای تعالی کریم تر است از ین که دعائی را که
میان درود است بگذارد و قبول نکند اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وعلى آل
ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك على محمد
وعلى آل محمد كما باركت على ابراهيم وعلى آل
ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل على محمد
كما ذكره الذاكرون اللهم صل عليه كما غفل
عن ذكره الغافلون وسلم تسليما كثيرا كثيرا
معنی اینست ای بار خدای درود بفرست بر محمد صلی الله

علیه

علیه وسلم چندانچه ذاکران ذکر او کنند و غافلان از ذکر
او غافل باشند اللهم بحقه عندك ادفع عن الخلق
ما نزل بهم ولا تسلط عليهم من لا يرحمهم فقد حل
بهم ما لا يرفعه غيرك ولا يدفعه سواك اللهم
اللهم فرج عنا يا كريم يا ارحم الراحمين این
دعا مصنف گفته است معنی آنست که ای بار خدای ببرکت
حق محمد که نزد تست صلی الله علیه وسلم بردار از خلق سختی
و خوف که بر ایشان نازل شده و مگمار بر خلق کسی را که بر ایشان
مهر نکند زیرا که بدرستی نازل است بر ایشان بلائی که جز
تو کسی آنرا بر ندارد و جز تو کسی آنرا دفع نکند ای بار خدای
خوف از ما دور کنی ای کریم ای ارحم الراحمین قال مؤلفه
محمد بن محمد الجزري لطف الله تعالى به في غربته
واخذ بيده في شدته فرغت من تصنيف هذا الحصن الحصين
من كلام سيد المرسلين يوم الاحد بعد الظهر الثاني
والعشرين من ذي الحجة انشاها براس عقبة الكيان
داخل دمشق المحروسة حماها الله تعالى من الآفات
وسائر بلاد المسلمين مؤلف این کتاب گوید که نام او محمد
جزری است خدای تعالی در غربت او برو لطف کند و در
سختی او دست گیرد که فارغ شده از تصنیف این کتاب از

از کلام سید المرسلین است صلی الله علیه وسلم روز
یکشنبه بعد الظهر بیست دویم ماه ذی الحجه سنه احدی
وتسعین وسبع مایه داخل دمشق در مدرسه خود که بر سر
راه عیان ساخته بود عیان نام کوهیست خارج دمشق هَذَا
وَجَمِيعُ أَبْوَابِ دِمَشْقَ مُغْلَقَةٌ بَلْ مُشَيَّدَةٌ بِالْأَحْجَارِ وَالْخَلَائِقُ
يَسْتَغِيثُونَ عَلَى الْأَسْوَارِ وَالنَّاسُ فِي جُهْدٍ عَظِيمٍ مِنَ
الْحِصَارِ وَالْمِيَاهُ مَقْطُوعَةٌ وَالْأَيْدِي إِلَى اللّٰهِ تَعَالَى بِالتَّضَرُّعِ
مَرْفُوعَةٌ وَقَدْ أُحْرِقَ ظَاهِرُ الْبَلَدِ وَنُهِبَ أَكْثَرُهُ وَكُلٌّ أَحَدٌ
خَائِفٌ عَلَى نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَجِلٌ مِنْ ذُنُوبِهِ وَسُوءِ
أَعْمَالِهِ وَقَدْ تَحَصَّنَ بِمَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَجَعَلْتُ هَذَا حِصْنِي
وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ این کتاب
را تصنیف کردم وحال این بود که جمیع درهای دمشق بسته
بودند بلکه بران بنا سنکها بر آورده بودند وخلق بر دیوارها
فریادرسی میخواستند وآب سبیل منقطع شده بود و
خلق بتضرع دست دعا بر آورده بودند وبیرون شهر سوخته
واکثر آن نهب کشته وهر یک خائف بر نفس واهل ومال خود
کشته وترسنده از کناه وسوء اعمال خود بود وهر یک بمقدار
توانش خود پناه کرفته بود پس من این کتاب را پناه خود
کردم وتوکل بر خدای تعالی آوردم که خداوند بس است مرا

در ساختن مهمات من و وکیل نیست که کارها دنیا وآخرت
را با وی باید سپرد وَقَدْ أَجَزْتُ أَوْلَادِي أَبَا الْفَتْحِ مُحَمَّدًا
وَأَبَا بَكْرٍ أَحْمَدَ وَأَبَا الْقَاسِمِ عَلِيًّا وَأَبَا الْخَيْرِ مُحَمَّدًا وَفَاطِمَةَ
وَعَائِشَةَ وَسَلْمَى وَخَدِيجَةَ رِوَايَتَهُ عَنِّي مَعَ جَمِيعِ مَا يَجُوزُ لِي
رِوَايَتُهُ وَكَذَلِكَ أَجَزْتُ أَهْلَ عَصْرِي بدرستی که اجازت دادم
پسران ودختران واهل عصر خود را بروایت این کتاب از من
با روایت آنچه روایت آن مرا جایز است اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِمُؤَلِّفِهِ
وَلِكَاتِبِهِ وَلِمَنْ قَرَأَ فِيهِ وَلِمَنْ دَعَا لَهُمْ وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَحْدَهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ حَسْبُنَا
اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ای بارخدای بیامرز مؤلف وکاتب وقاری
این کتاب را وکسی را که برای ایشان دعا کند وهمه مسلمانان را
وجمیع ستایش وثناء مر خداوند راست که تنهاست که شریک نیست
ودرود وسلام کفته بر رسول خود که محمد است صلی الله علیه
وبر آل او وحق تعالی نیک وکیل است وآمرزنده کناهان فَجَاءَ
بِحَمْدِ اللّٰهِ كَبِيرُ الْمَقْدَارِ غَايَةً فِي الِاخْتِصَارِ جَامِعًا لِلصَّحِيحِ مِنَ
الْأَخْبَارِ لَمْ يُؤَلَّفْ مِثْلُهُ فِي الْأَعْصَارِ جَمَعَ الذِّكْرَ النَّبَوِيَّ وَالْحَدِيثَ
الْمُصْطَفَوِيَّ وَالْخَيْرَ الدُّنْيَوِيَّ وَالْأَجْرَ الْأُخْرَوِيَّ لَوْ كُتِبَ بِمَاءِ
الذَّهَبِ لَكَانَ مِنْ حَقِّهِ أَنْ يُكْتَبَ بِهِ بَلْ بِسَوَادِ الْأَحْدَاقِ
لَاسْتَحَقَّ پس آمد این کتاب بحمد الله بزرک اندازه در اختصار



در اختصار نهایت وجامع برای صحیح احادیث کہ مثل او در
زمانهای گذشته تالیف نشده زیرا که جامع است برای ذکر
نبوی وحدیث مصطفوی وخیر دنیوی واجر اخروی
اگر این کتاب را باب زر بنویسند پس حق او ست واگر بسیاهی
چشم بنویسند هر آئینه سزاوار است الحمد لله الذی
هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله وانعم
وصلی الله علی خیر خلقه نبی الرحمة محمد وصحبه
وسلم کلما ذکره الذاکرون وکلما غفل عن
ذکره الغافلون تمت

